

صفحه : ۱

عصر ظهور

صفحه : ۲

صفحه : ۳

صفحه : ۴

صفحه : ۵



مقدمه مترجم

يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا

چه با شکوه است تصور ایامی که تنها حاکم عالم ، دادگستری چون قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) باشد .

و چه زیباست زندگی در روزگاری که پرچمی جز پرچم توحید در اهتزاز نباشد و ندائی جز ندای حق به گوش جهانیان نرسد ، دورانی ، سرشار از عطوفت ، مهربانی ،

عدالت ، آزادی و کرامت انسانی .

ایامی که در آن آسمان نیز از بارش پی در پی باران رحمتش بر زمین دریغ نورزد و

زمین گنجینه های نهفته در دل خویش را سخاوتمندانه بر آدمیان تقدیم دارد . چرا
که

عرشیان و فرشیان چنان از دولت بر حق آن عدالت گستر جهان به شور و وجد آیند
که هر کس هر چه در توان دارد در طبق اخلاص خویش عرضه کند تا شاید سهمی
از

آن همه شکوه و جلال بی پایان بر عهده گیرد .

آرزوی دستیابی به آن دنیای بی بدیل ، چشمان میلوونها انسان خسته از ظلم
دوران را ، در انتظار نگه داشته و بیان اوصاف دولت حق توسط عالمان و
دانشمندان ، این انتظار مقدس را شوق انگیزتر کرده است .

صفحه : ۶

در سال های نخست انقلاب اسلامی در ایران بار دیگر مسأله پیروزی مسلمانان
بر قدرت های ستمگر جهانی و مسأله ظهور قائم آل محمد (علیه السلام) بر افکار
عمومی سایه

افکند . و در همین ایام بود که محقق و دانشمند معروف لبنانی جناب حجة الاسلام
والمسلمین آقای علی کورانی کتاب عصر ظهور را منتشر کرد و تصویری نسبتاً
جامع

از دورنمای حکومت جهانی آن منجی بزرگ عالم ، به منتظران ظهورش ارائه نمود .
کتاب حاضر به جهت تکیه بر آیات و احادیث ، تحلیل هنرمندانه حوادث دوران
ظهور و شیوائی قلم ، امید به بازگشت قریب الوقوع مهدی موعود را در دل و جان

آدمی زنده می کند و پیروان راستین آن منجی را برای یاری و جانفشانی در رکابش ،

آماده باش نگه می دارد .

با توجه به این ویژگی های جذاب ، کتاب عصر ظهور بلافاصله به زبان فارسی و سپس به زبانهای انگلیسی و اردو ترجمه و در طول ۲۰ سال گذشته بیش از ۵۰ بار به

چاپ رسید و در سراسر جهان در اختیار مشتاقان ظهور قرار گرفت .

مدتی قبل سر اسقف کلیساهای لبنان پس از مطالعه کتاب عصر ظهور ، اقدام به چاپ و توزیع پنج هزار نسخه از آن در میان جوانان مسیحی کرد ، چرا که معتقد بود

آنچه در کتاب مذکور درباره بازگشت عیسی مسیح و همکاری او با مهدی موعود در

دوران ظهور آمده ، باعث رشد معنویت و امید در میان مسیحیانی می گردد که ظهور

دوباره مسیح و حاکمیت او را انتظار می کشند .

همزمان با استقبال گسترده از کتاب عصر ظهور و انتشار آن در کشورهای مختلف ، نویسندگان پر تلاش ، با همکاری گروهی از محققان حوزه علمیه قم اقدام به تألیف

" دائرة المعارف احادیث امام مهدی (علیه السلام) " نمود که گنجینه ای از

مجموعه احادیث

شیعه و سنی در ارتباط با آن حضرت است . این دائرة المعارف در پنج جلد منتشر و در دسترس عموم قرار گرفت .

صفحه : ۷

با توجه به استقبال عمومی از کتاب عصر ظهور و دستیابی به منابع فراوانی که در مدت تحقیق و تألیف دائرة المعارف احادیث امام مهدی (علیه السلام) بدست آمده بود ،

نویسنده در سال جاری تصمیم گرفت تا کتاب عصر ظهور را بازنگری کامل کرده و با

حذف برخی مطالب و افزودن مطالبی دیگر ، جایگاه علمی کتاب را مستحکم سازد .

اکنون نسخه جدید با ترجمه جدید آن در اختیار علاقه مندان قرار دارد ، بدان امید که رضایت آن قطب دایره امکان فراهم گردد . انشاء الله . . .

مهدی حقی - حوزه علمیه قم بهار ۱۳۸۳

صفحه : ۸

صفحه : ۹

مقدمه

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران ، نشانه های اعتقاد به حضرت مهدی (عج) در میان ملل اسلامی و حتی غیر اسلامی در قالب پرسش ، گفتگو ، مطالعه و تألیف اوج گرفت ، تا آنجا که شایع شد وزارت اطلاعات آمریکا پرونده ای برای امام

زمان (علیه السلام) تنظیم نموده که تمام اطلاعات مربوط به ایشان را دربردارد و تنها نقص آن ، تصویر حضرت است !

شاید بزرگترین رویداد سیاسی مرتبط با اعتقاد به آن حضرت در سالهای اخیر ، حادثه ای باشد که در آغاز سال ۱۴۰۰ هجری قمری به رهبری " محمد عبدالله العتیبی " در مسجد الحرام اتفاق افتاد . در آن واقعه ، یاران محمد به مسجد الحرام مسلط شد و معاون وی " جهیمان " با صدور اطلاعیه ای از داخل حرم ، مسلمانان را

به بیعت با " محمد " دعوت کرد و مدعی شد که او همان مهدی منتظری است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) ظهورش را بشارت داده است .

اشغال و مقاومت این گروه ، چند روز ادامه داشت تا آنکه حکومت سعودی برای شکست آنان ، مجبور به استفاده از " نیروهای ویژه " شد .

همچنین بزرگترین فعالیت تبلیغاتی که اخیراً توسط دشمنان انجام گرفت ، و در ارتباط مستقیم با اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) قرار داشت ،

ساخت فیلم

صفحه : ۱۰

" نوستر آداموس " بود که به مدت سه ماه پی در پی در شبکه های مختلف

تلویزیونی

آمریکا به نمایش گذاشته شد !

این فیلم ، سرگذشت یک ستاره شناس و پزشک فرانسوی بنام " میشل نوستر

آداموس " را بیان می کرد که در حدود ۵۰۰ سال پیش می زیسته و پیشگویی هایی

درباره آینده جهان ، به رشته تحریر درآورده که مهمترین آنها درباره ظهور یکی از نوادگان پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در مکه مکرمه است . شخصی که مسلمانان را زیر پرچم

خود متحد خواهد ساخت و بر اروپائیان پیروز شده و شهر یا شهرهای بزرگ سرزمین جدید یعنی آمریکا را ویران خواهد نمود !
به نظر می رسد صهیونیست ها در ساخت این فیلم دست داشتند و هدف آنان بسیج مردم آمریکا و اروپا علیه مسلمانان بود ، چرا که آنان اسلام را خطری بزرگ برای غرب و تمدن آن می پندارند .

این احتمال وقتی آشکارتر می شود که می بینیم در پایان فیلم ، نکته ای را بر پیشگویی " نوستر آداموس " اضافه نموده اند و آن این که پس از شکست اروپا و نابودی شهرها و سبیل های تمدن آمریکا توسط موشکهای غول پیکری که حضرت

در اختیار دارد ، آمریکائیان جهت رویارویی با آن حضرت به همکاری نظامی با روسیه متوسل می شوند و سرانجام بر وی پیروز می گردند !
محتوای این کتاب از اعتبار علمی برخوردار نیست ، چرا که حاوی مطالبی است که به زبان قدیم فرانسه و با شیوه رمزی و مبهم نوشته شده و به شکل های گوناگون

قابل تفسیر و توجیه است . و ظاهراً نویسنده ، بر پاره ای از منابع اسلامی در مورد حضرت آگاهی داشته و یا با بعضی از علمای اسلام ملاقات نموده است . بویژه آنکه وی مدتی در ایتالیا و جنوب فرانسه و یا شاید در اندلس زندگی کرده است . .

به هر حال ، کتاب " پیشگوئی های نوستر آداموس " به سرعت پس از پیروزی انقلاب ایران ، با شرح و تفسیرهای متعدد منتشر شد و چاپهای آن به صدها هزار و حتی به قوی به میلیونها نسخه رسید ، و سپس به فیلم سینمایی تبدیل شد و توسط شبکه های تلویزیونی در معرض دید میلیونها نفر قرار گرفت .

اما مشکل غربی ها این نیست که آنان اعتقاد به ظهور مسیح یا مهدی (علیهما السلام) و یا

اعتقاد به صحت پیشگوئی های نوستر آداموس و یا دیگر ستاره شناسان داشته باشند . . . بلکه آنها از خیزش اسلامی که سلطه غربی ها بر ملت های مسلمان را پایان بخشد ، در هراسند .

به همین جهت غربی ها از هر عنصر تبلیغاتی به سرعت بهره می گیرند تا زنگهای خطر را در گوش ملت هایشان به صدا درآورند . آنها به حرکت های آینده ملتها در ایران ، مکه ، مصر و سرزمین های اسلامی چشم دوخته اند ، و تلاش می کنند تا افکار

عمومی ملت های خود را برای اجرای تمام نقشه های استعماری و ضربه زدن به این کشورها جلب نمایند . . .

در این میان هدف یهودیان که پشت ماجرا قرار دارند ، افزودن هراس غربی ها از خطر مسلمانان است ، تا بدین وسیله به آنان وانمود کنند که تمدنشان مورد هدف قرار گرفته و اسرائیل در خط مقدم دفاع از آنها ایستاده است .

بنابر این ، دشمنان اسلام چاره ای جز فعالیت گسترده تبلیغاتی علیه امام

زمان (علیه السلام) ندارند و این اضطرار زمانی افزوده خواهد شد که غریبها در برابر جاذبه های

بی پایان رهبر موعود قرار گیرند و یا در صورت اطمینان به ظهورش ، خود را رو در روی او مشاهده کنند .

جالب اینکه غریبها با دست زدن به این تلاشها که ناشی از ترس و وحشت آنان از

صفحه : ۱۲

حضرت مهدی (علیه السلام) است ، زمینه را برای ظهور او مهیا نموده ، و شوق ما را به دیدار

فرزند پیامبر (صلی الله علیه وآله) که از کنار کعبه طلوع خواهد کرد ، برمی انگیزند .

آری ، این امید و اشتیاق زمانی در دل مسلمانان به اوج می رسد که می بینند آن حضرت در فیلم نوستر آداموس ، از مرکز فرماندهی عملیات به کمک ژنرالهای خود

(به تعبیر فیلم) صحنه جنگ را اداره می کند و با سردمداران کفر مبارزه می نماید و با

پرتاب موشکهای غول پیکر از قلب صحرای حجاز ، پایگاههای کفر و ظلم آنان را درهم می کوبد .

آری تمام واکنشهای غرب در برابر اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (ارواحنا فداه) پس از انقلابی آغاز شد که در ایران به نام آن حضرت و با شعار آماده سازی منطقه و جهان برای ظهور او انجام گرفت .

اکنون کارشناسان عالم سیاست علیرغم اختلاف نظری که درباره جایگاه سیاسی انقلاب اسلامی ایران دارند ، اما در این دیدگاه متفقند که این نهضت از نظر اعتقادی ، حرکتی در راستای آماده سازی ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است .

در فضای کنونی ایران ، احساس می شود که حضور حضرت مهدی (علیه السلام) حضور

اصلی و محوری است و این حضور به مراتب پر رنگ تر از نقش انقلاب و رهبری آن

است و در حقیقت اوست که رهبری معنوی انقلاب و نظام را بر عهده دارد .
مسئولان حکومت در ایران همواره نام آن حضرت را با احترام و قداست فراوان بر زبان جاری می کنند و با صراحت اعلام می نمایند که " جان ما فدای خاک پای آن حضرت باد " و یا " کشور ، کشور امام زمان است " و یا می گویند " هدف و آرزوی

نهایی ما تسلیم این کشور به صاحب اصلی آن ، یعنی امام زمان است " آری در ایران ،

امام زمان (عج) همان سرور و سالار حاضر و ناظری است که با تمام قداستش در

صفحه : ۱۳

دلهای پرشور مردم ، در فریادها ، شعارها ، نامگذاری فرزندان ، مؤسسات ، خیابانها

و حتی مراکز تجاری ، با شکوه تمام جلوه گر است .

مجاهدان و مبارزان در جای جای ایران ، لبنان و . . . اشک شوق خود را به پای او نثار می کنند . او را در رؤیاهای خود می بینند ، با فرشتگان همراهش در بیداری رابطه برقرار می کنند و همواره روحشان به سوی او بال می گشاید .

احترام ، محبت و قداستی که حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در قلوب شیعیان و عموم مسلمانان دارد ، هیچ شخصیتی در روی زمین دارا نیست . این علاقه و توجه به ظهور حضرت همچنان افزایش خواهد یافت تا زمانی که خداوند وعده خود را عملی کند و آئینش را بر تمام ادیان پیروز گرداند .

در حدود بیست سال پیش ، کتاب " عصر ظهور " را به رشته تحریر درآوردم تا تصویری کامل از دوران ظهور آن حضرت را به زبانی گویا و با تکیه بر آیات قرآن و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) ارائه نمایم . در بیان اسناد و مدارک مطالب آن نوشتار ،

معمولا به بیان یک یا دو منبع ، بسنده کردم ، چرا که هدف ، ارائه نمای عمومی و تقریبی دوران ظهور و نهضتها و حوادث مربوط به آن زمان بود . اما پس از انتشار کتاب ، موفق شدم تا " دایرة المعارف احادیث امام مهدی (علیه السلام) " را در طی پنج سال

تهیه و تنظیم نمایم . از آن پس ، بر خود لازم می دیدم که در اولین فرصت در مطالب

کتاب عصر ظهور نیز بازنگری کنم ، تا برخی از نظریه های مربوط به دوران ظهور آن

حضرت را به کتاب افزوده و برخی مطالب اضافی که از استواری چندانی برخوردار نبود و یا وجودشان ضروری به نظر نمی رسید را حذف کنم تا بر استحکام مطالب

کتاب افزوده شود . اکنون با ارائه نسخه جدید کتاب عصر ظهور این آرزو ،
برآورده

شده است والحمد لله .

صفحه : ۱۴

امید است این کتاب ، خدمتی برای اسلام و پیروان پاکش باشد ، همان کسانی که
تشنه معرفت رهبر موعود خویشند . رهبری که وعده ظهورش از زبان رسول گرامی
اسلام و اهل بیت او به جهانیان داده شده است . آرزو می کنم که خداوند این اثر را
در زمره تلاش هائی قرار دهد که زمینه ساز ظهور آن حجت بر حق و ولی الهی
است .

درود خدا بر او و جانمان فدای قدوم مبارکش باد .

علی الکورانی العاملی

25 محرم الحرام ۱۴۲۴

صفحه : ۱۵

سیمای کلی دوران ظهور

با آنکه قرآن کریم معجزه جاوید پیامبر ما در همه زمانهاست ، اما می توان گفت
پیشگوئی های پیامبر از سرنوشت بشر و تحولات گوناگون اسلام در مسیر تاریخ ،
و

خبر از مجد و عظمت و پیروزی دوباره اسلام در جهان ، از معجزه های دیگر آن
پیامبر عظیم الشان است .

عصر ظهور اسلام که موضوع این کتاب است ، در واقع همان عصر ظهور مهدی موعود (عج) است .

در احادیثی که " صحابه پیامبر " ، " تابعین " ، نویسندگان " صحاح " و " دایره المعارف های حدیثی " (۱) مذاهب مختلف اسلامی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند ،

هیچ فرقی میان " عصر ظهور اسلام " و " عصر ظهور مهدی موعود " گذاشته نشده

----- پاورقی

1 () " صحابه پیامبر " معمولاً به افرادی گفته می شود که موفق به درک محضر رسول خدا در زمان

حیات آن حضرت شده اند . و " تابعین " به افرادی گفته می شود که سخنان پیامبر خدا را از صحابه

شنیده و خود موفق به درک او نشده اند . " صحاح " یعنی دو کتاب معروف بخاری و مسلم و

صحاح سته یا کتب سته به کتابهای حدیثی اهل سنت گفته می شود که نزد دانشمندان اهل سنت

از اعتبار و صحت بالائی برخوردار است و " دایره المعارفهای حدیثی " شامل کتابهای حدیثی

مفصلی است که احادیث پیامبر خدا را جمع آوری کرده اند . مترجم

است ، در این احادیث که به " احادیث بشارت نبوی " معروف است ، به ظهور مهدی موعود مژده داده شده و تعداد آنها بالغ بر صدها حدیث است و چنانچه احادیث امامان معصوم را بر آنان اضافه کنیم ، تعداد احادیث بشارت نبوی به هزاران حدیث خواهد رسید . چرا که ائمه هدی آنچه برای ما نقل می کنند از رسول خدا بیان می کنند .

بر پایه احادیث ، منطقه عمومی ظهور حضرت ، شامل کشورهای یمن ، حجاز ، ایران ، عراق ، منطقه شام و فلسطین ، مصر و مغرب عربی است . سیمایی که این احادیث از اوضاع جهان و اوضاع منطقه ظهور در آن دوران ارائه می کنند سیمائی کلی ست که بسیاری از حوادث بزرگ را همراه با جزئیات آن در کنار نام اشخاص و

مکان ها بیان نموده و من تلاش کرده ام تا تصویر شفاف دوران ظهور را به شکل دقیق

و بهم پیوسته از میان احادیث ، استخراج و در دسترس عموم مسلمانان قرار دهم . در این فصل ، ابتدا ، نگاهی به فضای عمومی عصر ظهور می افکنیم :

احادیث ما بیانگر آن است که ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) پس از یک رشته حوادث

مقدماتی منطقه ای و بین المللی از شهر مکه آغاز خواهد شد . در سطح منطقه ظهور ، ابتدا دو دولت هوادار آن حضرت در ایران و یمن تشکیل می گردد . یاوران ایرانی حضرت ، دولت خود را سالها قبل از ظهور برپا می کنند و پس از قرار گرفتن در یک جنگ طولانی ، آنرا با پیروزی به پایان می برند . اندکی قبل از ظهور ، در

بین

ایرانیان دو شخصیت برجسته بر مسند قدرت تکیه می زنند ، یکی مردی خراسانی ست که در قالب یک چهره سیاسی و دیگری شخصی به نام شعیب فرزند صالح که در قالب یک چهره نظامی بروز می کنند . ایرانیان به رهبری آنان ، نقش مهمی در حرکت‌های ظهور حضرت برعهده می گیرند .
و اما یاران یمنی حضرت ، نهضت خود را تنها چند ماه قبل از ظهور آغاز

صفحه : ۱۷

می کنند . به نظر می رسد که یمنی ها علاوه بر آماده کردن مقدمات ظهور ، در حوادث آن روز حجاز که با خلأ سیاسی روبرو خواهد بود ایفای نقش خواهند کرد .

در حجاز ، پادشاهی به نام عبدالله که از خاندان معروف آن سرزمین است ، به قتل می رسد ، او آخرین پادشاه سرزمین حجاز خواهد بود . در پی این حادثه بر سر جانشینی او اختلافات فراوانی ایجاد می شود . این اختلافها به خلأ سیاسی در منطقه حجاز منتهی گشته و تا ظهور حضرت ادامه می یابد :
" آنگاه که عبدالله بمیرد ، مردم در انتخاب جانشین او به توافق نرسند ، اختلاف ها آغاز شود و این

اختلاف به خواست خداوند ، تا ظهور مولایتان تداوم یابد . بطوری که دوران سلطنتهای طولانی به پایان
رسد و عمر حکومت حاکمان به چند ماه و چند روز کاهش یابد . ابو بصیر می گوید : عرض کردم : آیا این
دوران طولانی خواهد بود ؟ فرمود : هرگز . "

پس از قتل عبدالله ، اختلافها به درگیری میان قبائل حجاز تبدیل می گردد :
" از نشانه های ظهور ، حادثه ای است که بین مکه و مدینه رخ می دهد . به امام
عرض کردم حادثه
چیست ؟ فرمود : بر اثر تعصبهای قبیله ای ، میان مکه و مدینه فلانی پانزده نفر از
سران قبیله فلان را خواهد
کشت " .

در حدیثی از عبدالرحمان بن سیابۀ آمده است :
" امام صادق (علیه السلام) فرمود : چگونه خواهید بود روزگاری که شما را نه
دسترسی به امامی هدایتگر باشد و
نه دانشی روشنگر . در حالی که گروهی از شما از گروه دیگر متنفر و گریزانید .
در آن آزمایش خوبان و
مخلصان از دیگران شناخته شوند . جنگ و اختلاف بالا گیرد بطوری که قدرت ،
در آغاز روز به دست کسی
افتد و در پایان همان روز از او گرفته شده و به قتل رسد (۱) " .

در همین حال نشانه های ظهور آشکار می گردد و شاید بزرگترین نشانه ، همان
پاورقی -----

1 () الامامة والتبصرة ص ۱۳۰ .

صفحه : ۱۸

ندای آسمانی است که به نام حضرت در روز بیست و سوم ماه رمضان به گوش

جهانیان می رسد .

سیف پسر عمیره چنین می گوید :

" نزد منصور (خلیفه عباسی) بودم . او بی مقدمه خطاب به من گفت : ای سیف

بن عمیره ، به یقین منادی

از آسمان ندا خواهد داد و نام مردی از فرزندان ابو طالب را خواهد خواند . گفتم :

ای امیرالمؤمنین جانم فدای

شما باد ! آیا به این سخن ایمان دارید ؟ گفت : آری ، سوگند به کسی که جانم در

دست اوست ، این همان

چیزی است که به گوش خود شنیده ام .

گفتم : ای امیر مؤمنان ، این حدیث را پیش از این نشنیده بودم .

گفت : ای سیف ، آنچه شنیدی حق است . وقتی آن حادثه به وقوع پیوندد ،

نخستین کسانی که ندای

آسمانی را پاسخ دهند مائیم ، چرا که آن ندا ، مردی از عموزادگان ما را می طلبد !

گفتم : مردی از فرزندان فاطمه (علیها السلام) ؟

گفت : آری ای سیف . اگر این سخن را از محمد بن علی (امام محمد باقر) علیه

السلام)) نشنیده بودم ، اگر تمام

مردم روی زمین هم برایم نقل می کردند ، نمی پذیرفتم . اما گوینده این خبر ،

محمد بن علی است "

با این ندای آسمانی ، حضرت ارتباط با برخی از یاران خود را آغاز می کند و پس

از آن ، در همه جای عالم سخن از " مهدی موعود " بر زبانها جاری می گردد .

سینه ها

مالامال از مهر و محبت او می شود . دشمنان از ظهورش بیمناک و جستجو برای دستیابی به آن وجود مبارک را آغاز می کنند .

میان مردم شایع می شود که او در شهر مدینه است . حکومت حجاز یا نیروهای خارجی ، از سپاه سفیانی که در سوریه مستقر است یاری می طلبد تا شاید بتواند بر اوضاع داخلی مسلط شده و جنگهای قبیله ای حجاز را پایان دهد .

سپاهیان سفیانی وارد مدینه می شوند . آنها هر مرد هاشمی را که مظنون به نظر برسد دستگیر و زندانی و بسیاری از آنان و هوادارانشان را به قتل می رسانند . بر

صفحه : ۱۹

اساس روایت حماد ، در این حوادث ، سفیانی ، لشکر ویژه ای را برای تعقیب و بازداشت فرزندان زهرا (علیها السلام) گسیل می کند . این لشکر تمامی فرزندان آل محمد را

شناسائی و روانه زندان کرده و به کوچک و بزرگ آنان ترحم نمی کند . مردی بدست

این لشکر ویژه کشته می شود ، اما حضرت به همراه شخصی به نام منصور ، نگران و

هراسان - همچون خروج موسی هنگام تعقیب فرعونیان - از مدینه خارج می گردند ،

لشکر ویژه سفیانی در تعقیب آنان به تلاش خود ادامه می دهد . اما حضرت به سلامت وارد مکه می شود .

در شهر مکه حضرت فعالیت خود را بار دیگر آغاز و ارتباطات گسترده ای با یاران

خود برقرار می کند تا آنکه شب دهم محرم فرا می رسد . شامگاهان پس از نماز
عشا ،

نهضت مقدس آن حضرت از حرم شریف و از کنار بیت الله الحرام با صدور بیانیه ای
برای اهالی مکه آغاز می گردد . بلافاصله ، دشمنان حضرت برای نابودی او وارد
عمل می شوند . اما یاران مهدی (عج) پیرامونش حلقه زده و بشدت از او
محافظت

می کنند . پس از ساعاتی ، یاران حضرت بر مسجد و بر شهر مکه مسلط می شوند

صبح روز دهم محرم ، حضرت با صدور بیانیه ای به زبانهای مختلف مردم عالم ،
جهانیان را به یاری خود دعوت می کند . او در این پیام اعلام می کند که مدتی در
شهر مکه می ماند تا معجزه ای که جد بزرگوارش حضرت محمد مصطفی (صلی
الله علیه وآله) وعده

داده عملی گردد . معجزه ای که طی آن لشکری از دشمنان حضرت که به تعقیب او
پرداخته و برای مقابله با وی رهسپار مکه هستند ناگهان ناپدید می شوند گوئی که
زمین دهان گشوده و همه را یکجا بلعیده است ! دیری نمی پاید که این معجزه
عملی

می گردد و سپاه سفیانی که از مدینه بسوی مکه در حرکت است ، ناپدید می شود
!

" سپاه سفیانی چون به بیابانهای مدینه رسد خداوند ناپدیدشان سازد و این حادثه
همان است که در

کلام خداوند آمده است : ای کاش می دیدی که آنان وحشت زده اند و راه گریزی
(برایشان) نیست و از

صفحه : ۲۰

جایی نزدیک گرفته شوند (۱) . "

هنگامی که آنان به بیابان برسند ، ناپدید گردند . کسانی که پیشاپیش رفته اند ، باز
گردند تا از ماجرا

باخبر شوند اما خود نیز به همان سرنوشت گرفتار شوند و آنانکه در پشت لشکر می
آیند ، خود را به محل

حادثه رسانند و آنان نیز به سرنوشت محتوم دیگران بپیوندند (۲) . "

پس از این معجزه ، حضرت با سپاهی بیش از ده هزار نفر رهسپار مدینه می شود
و پس از نبردی کوتاه با نیروهای دشمن ، شهر را آزاد می کند . با آزادی دو حرم
شریف (مکه و مدینه) آزادی سرزمین حجاز و کنترل آن به پایان می رسد ،
حضرت

از مدینه به سوی عراق روان می گردد . در این مسیر سپاه ایرانیان و مردم آن دیار به
رهبری مرد خراسانی و شعیب بن صالح به امام (علیه السلام) پیوسته و با آن
حضرت بیعت
می کنند .

امام به سرزمین عراق وارد می شود . ابتدا اوضاع داخلی را سامان می بخشد .
سپس گروههای باقیمانده از لشکر سفیانی را شکست داده و شورشیان متفرقی را
که

در گوشه و کنار تلاش های بی ثمری علیه امام دارند ، سرکوب می کند . آنگاه
عراق را

به عنوان مرکز حکومت و شهر کوفه را پایتخت آن قرار می دهد .
با این اقدام حضرت ، کشورهای یمن ، حجاز ، ایران ، عراق و دولتهای خلیج ،
یکپارچه تحت فرماندهی و رهبری آن وجود مبارک قرار می گیرد .
بر اساس برخی روایتها پس از فتح عراق ، نخستین جنگ حضرت با ترک ها
خواهد بود :

" اولین پرچمی که برای جنگ برافراشته شود ، جهت مقابله با ترکان است که به
شکست آنان منتهی

پاورقی -----

1 ((سبأ / ۵۱ .

2 ((مسند احمد : ۶ / ۲۸۷ .

صفحه : ۲۱

گردد (۱) . "

ترک در احادیث ما به تمام ساکنان مشرق زمین گفته شده است ، از این رو ممکن
است منظور از این گروه ترکهای عثمانی یا حتی روسها باشند .

سپس ، حضرت سپاه بزرگ و مجهز خود را آماده کرده و به سوی قدس شریف
حرکت می کند . سفیانی که هنوز در دمشق مستقر است ، در برابر حضرت موضع

می گیرد . سپاه امام در نزدیک دمشق در منطقه ای به نام " مرج عذراء " فرود می آید .

سرانجام حضرت و سفیانی وارد گفتگو می شوند . اما با توجه به حمایت‌های گسترده

مردم شام از حضرت ، سفیانی از موقعیت ضعیفی برخوردار است به طوری که سفیانی بر اساس بعضی روایتهای آماده واگذاری قدرت به حضرت می گردد ، ولی گروهی از یهودیان و رومیان که از حامیان پشت پرده سفیانی اند به همراه معاونانش وی را سرزنش کرده و از این تصمیم بر حذر می دارند . سرانجام سفیانی با بسیج تمام

نیروهای خود و حامیانش وارد نبردی سنگین و بزرگ با حضرت می گردند . نبردی

که جبهه ساحلی آن از عکا در فلسطین تا انطاکیه در ترکیه و جبهه داخلی آن از طبریه

تا دمشق و قدس امتداد می یابد .

اما در این نبرد ، خداوند ، دشمنان حضرت را به خشم و غضب خود گرفتار و آن سپاه بزرگ و مجهز را به دست توانای یاران مهدی موعود ، تار و مار می کند ، به گونه ای که اگر یکی از افراد دشمن ، پشت سنگی مخفی گردد ، سنگ به سخن می آید و می گوید : ای مسلمان ! این یهودی پشت من پنهان شده ، او را بکش ! با این نصرت و یاری آشکار الهی ، امام مهدی موعود (عج) پیروزمندانه بر قدس شریف وارد می شود .

----- پاورقی

صفحه : ۲۲

با شکست سنگین یهود و حامیانشان بدست حضرت ، آتش خشم غربی های مسیحی شعله‌ور می شود و آنها با سرعت علیه حضرت و مسلمانان اعلان جنگ می کنند . اما خبر حادثه غیر منتظره بزرگی ، همه نقشه ها را ، نقش بر آب می سازد :

فرود حضرت عیسی مسیح از آسمان به زمین ! این واقعه که یکی از نشانه های بزرگ عصر ظهور ، برای جهانیان است ، شادی و سرور همه مسلمانان و مسیحیان را فراهم می آورد .

از احادیث ما می توان حدس زد که احتمالاً حضرت مسیح همان کسی است که بین حضرت مهدی و غربی ها میانجیگری می کند تا قرارداد صلحی برای مدت هفت سال میان طرفین بسته شود :

" بین شما و رومیان چهار پیمان صلح بسته شود . چهارمین پیمان بدست مردی از فرزندان " هرقل "

صورت گیرد و هفت سال پایدار ماند . مردی از قبیله عبدالقیس به نام مستور فرزند غیلان از رسول خدا

پرسید : چه کسی در آن روز امام و پیشوای مردم خواهد بود ؟ حضرت فرمود : مهدی از فرزندان من ، مردی

که چهل ساله می نماید ، چهره ای همچون ستاره درخشان ، خالی بر گونه راست ،
دو عبای قطوانی (۱) بر

دوش و از جلوه و شکوهی همچون مردان بزرگ بنی اسرائیل برخوردار است ، او
گنجهای زمین را بیرون

کشد و شهرهای شرک را آزاد سازد " (۲)

بر پایه احادیث ، این پیمان صلح پس از دو ، سه یا هفت سال از طرف غریبها
شکسته می شود و شاید دلیل آن وحشت فراوان آنها از موج عظیمی است که
مسیح (علیه السلام) در میان غربی ها ایجاد می کند ، بگونه ای که بسیاری از
آنان پذیرای اسلام

گشته و از هواداران امام زمان (عج) می گردند . از همین رو اروپائیان پیمان صلح
را

پاورقی -----

1 () عبای قطوانی عبائی است سفید که در محلی به نام قطوان در کوفه بافته
می شود .

2 () المعجم : ۱ / ۳۳۸ .

صفحه : ۲۳

نقض کرده و با جمع آوری امکانات خود ، در قالب یک میلیون نیروی نظامی ،
دست به هجوم غافلگیرانه و گسترده ای به منطقه شام و فلسطین می زنند :

" آنان دست به مکر و حيله زنند و با هشتاد لشکر ، هر لشکر مرکب از دوازده

هزار نفر به سوی شما

آیند " (۱) .

در این نبرد بزرگ ، مسیح (علیه السلام) آشکارا موضع خود را در دفاع از مهدی

موعود

(عج) اعلام می کند و پشت سر آن حضرت در قدس شریف به نماز می ایستد .

جنگ اروپائیان با حضرت در همان محورهای جنگ قبلی حضرت با سفیانی و نبرد

فتح قدس به وقوع می پیوندد یعنی از عکا در فلسطین تا انطاکیه در ترکیه و از

دمشق

تا قدس و مرج دابق . اما سرانجام شکست سنگین ، نصیب رومیان و فتح و پیروزی

از آن مسلمانان می گردد .

پس از این پیروزی ، دروازه های اروپا و غرب مسیحی به روی حضرت گشوده

می شود .

به نظر می رسد که پس از این حوادث ، مردم بسیاری از کشورهای اروپائی با

شورش علیه دولتهای خود که مخالف حضرت مسیح و حضرت مهدیند ، اقدام به

تشکیل حکومتهایی با هواداری از آن دو فرستاده خدا می کنند .

بعد از فتح اروپا و فرمانروائی حضرت بر آن سرزمین و مسلمان شدن بیشتر

مردم ، مسیح (علیه السلام) رحلت می کند و حضرت مهدی (علیه السلام)

همراه مسلمانان بر پیکر او

نماز می گزارند . روایات می گویند : امام (علیه السلام) مراسم دفن و نماز را

آشکارا و در حضور

مردم انجام می دهد ، تا همچون بار اول درباره اش سخن ناروا نگویند . سپس پیکر پاک او را در پارچه ای که دستباف مادرش مریم صدیقه (علیها السلام) است کفن نموده و در

پاورقی -----

1 ((البخاری : ۴ / ۱۲۳ .

صفحه : ۲۴

جوار مزار شریف او در قدس و بر اساس روایتی دیگر ، در جوار پیامبر خدا در مدینه

به خاک می سپارد .

پس از فتح جهان و تشکیل دولت واحد ، امام (علیه السلام) جهت تحقق اهداف الهی در

میان ملت های مختلف دست به اقدامات گوناگون می زند . او برای تعالی و شکوفائی زندگی مادی و تحقق رفاه همگان اقدام نموده و در گسترش فرهنگ و دانش ، و بالا بردن سطح آگاهی دینی و دنیایی مردم می کوشد .

طبق برخی روایات ، نسبت دانشی که آن حضرت بر علوم مردم می افزاید ، نسبت ۲۵ به ۲ است ، یعنی اگر مردم تا آن زمان دو بخش از دانش را دارا باشند ، 25 بخش دیگر را بر آن افزوده و در مجموع دانش بشر به ۲۷ درجه ارتقاء می یابد .

همچنین در زمان حضرت ، ساکنان زمین به کرات دیگر آسمان راه می یابند و

حتی مرحله ای از درهای عالم غیب به روی این جهان مادی ، گشوده می شود ، و افرادی از بهشت به زمین بازمی گردند تا برای مردم آیت و نشانه ای الهی باشند ، علاوه بر آن شماری از پیامبران و امامان (علیهم السلام) به زمین بازگشته و تا زمانی که خداوند

اراده کند ، به حکمرانی می پردازند .

* *

در این زمان جنبش دجال ملعون و فتنه و آشوب او که یک حرکت فریبنده و انحرافی ست آغاز می گردد ، او با بهره گیری از پیشرفت رفاه و علمی که در زمان

امام (علیه السلام) صورت گرفته برای فریب پسران ، دختران و زنان که بیشترین پیروانش را

تشکیل می دهند ، از ابزار و روش های مدرن شعبده استفاده می کند . دجال با بهره گیری از نیرنگ های خود موجی از فتنه و آشوب در جهان بوجود می آورد و بسیاری از مردم ، فریبکاری های او را باور می کنند ، اما حضرت نیرنگ های وی را آشکار ساخته و به زندگی او و هوادارانش خاتمه می دهد .

صفحه : ۲۵

این دورنمایی از آغاز حرکت و انقلاب جهانی حضرت مهدی موعود (علیه السلام) بود .

اما آشکارترین حوادث و رویدادهای قبل از ظهور چنین است : ابتدا ، فتنه ای بر امت اسلام وارد می شود که احادیث ما ، آن را آخرین و

سخت ترین فتنه توصیف می کنند این فتنه با ظهور امام (علیه السلام) بر طرف می گردد .

نکته قابل توجه آن است که ویژگیهای کلی این فتنه با توطئه سلطه غربی ها بر کشورهای مسلمان و کشورهای شرقی هم پیمان آنان در آغاز این قرن ، تطبیق می کند ، فتنه ای که تمام کشورهای اسلامی و اعضاء خانواده آنان را در بر می گیرد :

" هیچ خانه ای و هیچ مسلمانی از شر آن فتنه در امان نماند . " (۱)
ملت های کفرپیشه بر کشورهای مسلمان هجوم می آورند آنچنانکه گرسنگان
آزمند بر سفره چرب و رنگین حمله می کنند :
" به هنگام آن فتنه و آشوب ، گروهی از غرب و گروهی از شرق وارد شده و
سرنوشت امت مرا بدست

گیرند . " (۲) یعنی بر کشورهای مسلمان حکومت کنند .
این فتنه از سرزمین شام ، سرزمینی که دشمنان ما سلطه استعماری سیاه خویش
را از آنجا آغاز نموده ، و آن را کانون پرتو تمدن می نامند ، شروع می شود و در
پایان

به فتنه ای تبدیل می گردد که در احادیث ما به " فتنه فلسطین " معروف است ،
سرزمین شام در آن زمان به آب درون مشک تشبیه شده که لحظه ای آرام
و قرار ندارد :

" چون فتنه فلسطین برپا شود منطقه شام آشفته و بی قرار گردد ، همچون آب درون
مشک ! سپس فتنه

بر طرف شود در حالی که شما اندک و پشیمانید . " (۳)

- 1 ((المعجم : ۱ / ۸۱ .
- 2 ((المعجم : ۲ / ۲۱۸ .
- 3 ((ابن حماد ص ۱۳۹ .

صفحه : ۲۶

یعنی آنقدر به دست دشمنان و به دست یکدیگر کشته می شوید که اندک می شوید .
بر پایه احادیث در آن زمان ، فرزندان مسلمانان چنان با فرهنگ این فتنه آمیخته
و تربیت می شوند که فرهنگی جز فرهنگ فتنه گران را نمی شناسند . و حکومت
های
ستمگر با احکام کفر بر مسلمانان حکمرانی نموده و آنان را به فجیع ترین وضع
شکنجه می کنند .
در احادیث ، بانیان این فتنه ، رومیان (غریبهها) و ترک ها که ظاهراً مراد از آن
روسها هستند ، معرفی شده اند .
وقتی حوادث بزرگ سال ظهور رخ می دهد ، فتنه گران نیروهای خود را در منطقه
رمله فلسطین و در سمت انطاکیه در ساحل ترکیه ، سوریه و در سمت عربستان ،
در
مرزهای سوریه ، عراق و ترکیه مستقر می کنند :
" زمانی که روم و ترک (غرب و روسیه) علیه شما به پا خیزند و آنان با یکدیگر نیز
درگیر شوند ، جنگ و

کشتار در جهان رو به افزایش رود ، هواداران ترک ها ، پیشروی کرده و در جزیره
العرب مستقر گردند و

افراطیون غربی در منطقه رمله فلسطین موضع گیرند " (۱) .

بر اساس این احادیث ، آغاز ظهور آن بزرگوار از مشرق زمین خواهد بود :

" نقطه آغاز ظهور او از سوی مشرق است و چون آن هنگام فرا رسد ، سفیانی

خروج کند . " (۲)

یعنی ، فراهم ساختن زمینه ظهور آن حضرت ، به دست نژاد سلمان فارسی

است . همانها که به دارندگان پرچم های سیاه معروفند و نهضت آنان به رهبری

مردی از قم برپا می گردد :

" مردی از قم مردم را به حق دعوت کند . گروهی گرد او جمع شوند که دلهاشان

چون قطعه های آهن

پاورقی -----

1 ((المعجم : ۱ / ۳۲۶ .

2 ((المعجم : ۵ / ۲۳۵ .

صفحه : ۲۷

استوار و پولادین و در برابر تندبادها و طوفانها استوارند . از نبرد ، خسته و افسرده

نشده و ترس و وحشت

برایشان مفهومی ندارد . همواره بر خدا توکل کنند و فرجام نیکو از آن تقوا پیشگان

است . " (۱)

آنان پس از قیام و نهضتشان ، از دشمنان (ابرقدرتها) می خواهند که در امورشان دخالت نکنند ولی نمی پذیرند :

" حق را می جویند ، اما به آنان سپرده نمی شود ، بار دیگر خواستار آن شوند ، اما راه به جایی نبرند ، با

مشاهده این وضع سلاح بر دوش گرفته ، و به مبارزه روی آورند . آنگاه حقوقشان را به رسمیت شناسند ،

اما این بار ، آنها نپذیرند ، تا دست به قیام زنند . و پرچم نهضت را رها نکنند تا به دست صاحب شما (یعنی

حضرت مهدی (علیه السلام)) بسپارند . کشته های آنان شهیدند (۲) . "

به گفته روایات دو شخصیت موعود به نامهای خراسانی که فقیه یا رهبر سیاسی است و شعیب بن صالح ، جوانی گندم گون ، با ریش کم پشت از اهالی ری ، که فرمانده نظامی است ظهور می کنند و پرچم خود را به امام (علیه السلام) تسلیم و در حرکت

ظهور حضرت ، با سپاه او مشارکت کرده و شعیب بن صالح به فرماندهی کل نیروهای حضرت منسوب می شود .

همچنین روایات حرکتی را به تصویر می کشند که در سوریه و توسط عثمان سفیانی آغاز می شود . او از هواداران غرب و هم پیمان یهودیان است و تمام سوریه و اردن را تحت فرمان خود قرار می دهد :

" خروج سفیانی حتمی است ، این خروج از آغاز تا پایان ، پانزده ماه به طول انجامد . شش ماه آن را به

جنگ و کشتار پردازد و وقتی پنج منطقه را به تصرف خود درآورد ، تنها می تواند نه ماه بر آن مناطق

فرمانروائی کند ، نه یک روز بیشتر ! " (۳)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۶۰ / ۲۱۶ .

2 ((المعجم : ۳ / ۲۶۹ .

3 ((المعجم : ۳ / ۴۶۲ .

صفحه : ۲۸

طبق احادیث ، مناطق پنجگانه علاوه بر سوریه و اردن ، احتمالاً لبنان را نیز در برگیرد ، ولی وحدتی که سفیانی ایجاد می کند ، وحدت نامبارکی است که هدف آن

ایجاد یک خط دفاع عربی در برابر اسرائیل و پایگاهی برای مقابله با ایرانیانی است که زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) هستند .

بهمین خاطر سفیانی اقدام به اشغال عراق نموده و نیروهایش را وارد آن می کند :
" او تعداد یکصد و سی هزار نیرو به طرف کوفه اعزام و در محلی بنام " روحاء " و " فاروق " مستقر

سازد ، سپس شصت هزار تن از آنان روانه کوفه شده و در محل مقبره حضرت هود (علیه السلام) در " نخيله " فرود

آیند . . .

گویا من ، سفیانی (یا همراه و یار او) را می بینم که میان خانه های شما در کوفه
است و منادی او بانگ

برمی آورد که هر کس سر یک شیعه علی را بیاورد هزار درهم جایزه دارد ! در این
هنگام ، همسایه به

همسایه اش حملهور شده و می گوید او از شیعیان علی است . " (۱)

منطقه حجاز به خاطر در گیریهای داخلی از داشتن یک حکومت قدرتمند

بی بهره می شود . به همین خاطر سفیانی مأموریت می یابد تا عازم حجاز شده و

دولت ضعیف آنجا را تقویت نماید تا آمادگی لازم برای سرکوبی نهضت حضرت

مهدی (عج) بدست آید ، چرا که علامتهای ظهور آن حضرت آشکار و زبازد

مردم

می شود و همه در انتظار نهضت رهائی بخش او چشم به راه حوادث مکه می دوزند

.

نیروهای سفیانی وارد مدینه می شوند و با دست زدن به یک رشته عملیات ،

موجب فساد و تباهی گسترده در شهر می گردند .

" قیام قائم آل محمد (عج) از شهر مکه آغاز می گردد " این خبر به سرعت در

تمام نقاط

عالم منتشر می شود . لشکر سفیانی بلافاصله به سمت مکه حرکت می کند ، اما

پاورقی -----

1 ((المعجم : ۳ / ۴۸۱ .

معجزه ای که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد سپاه سفیانی وعده داده ، به

وقوع می پیوندد : سپاه

او قبل از رسیدن به مکه در زمین فرو می رود و نابود می شود :

" پناهنده ای به خانه خدا پناه برد ، آنگاه سپاهی به سوی او رهسپار شود ، اما همین

که به بیابان مدینه

رسند ، در زمین فرو روند . " (۱)

سفیانی پس از تحمل دو شکست خود ، یکی در عراق به دست ایرانی ها و

یمنی ها ، و دیگری در حجاز بواسطه معجزه ، عقب نشینی کرده و باقیمانده

نیروهای خود را داخل سرزمین شام جمع می کند تا برای مقابله با پیشروی سپاه

امام به طرف دمشق و قدس ، آماده شود .

احادیث ما ، نبرد یاران امام زمان (عج) با سپاه سفیانی را حماسه ای بزرگ

توصیف می کنند که از عکا تا صور و انطاکیه در ساحل دریای مدیترانه و از دمشق

تا

طبریه و قدس در جبهه داخلی امتداد دارد . در این نبرد بزرگ ، غضب الهی بر

سفیانی و هم پیمانان یهودی و رومی اش (غربی ها) فرود آمده و پس از شکستی

سخت و کوبنده ، سفیانی اسیر و کشته می شود .

امام زمان (علیه السلام) به همراه مسلمانان وارد قدس می گردد .

* *

روایات از نهضت دیگری خبر می دهند که زمینه ساز حکومت حضرت بوده و

در یمن پدید می آید . رهبر آن نهضت مورد ستایش قرار گرفته و یاری او بر

مسلمانان

واجب شمرده شده است :

" هیچ پرچمی همچون پرچم یمانی هدایتگر نیست ، پس از خروج او فروش سلاح

به مردم حرام شود

پس به یاری او بشتابید ، سرپیچی از او بر هیچ مسلمانی جایز نیست و هر کس

چنین کند اهل آتش خواهد

پاورقی -----

1 ((المعجم : ۱ / ۴۸۱ .

صفحه : ۳۰

بود ، چرا که او ، مردم را بسوی حق و راه راست فرا خواند . " (۱)

یک حدیث ، از ورود نیروهای یمنی به عراق خبر می دهد که جهت یاری

ایرانیان در برابر نیروهای سفیانی دست به کار می شوند و ظاهراً سپاه یمانی در

یاری

حضرت (علیه السلام) در حجاز نیز نقش مهمی ایفاء می کنند .

* *

حضرت (علیه السلام) از کشور مصر بعنوان یک پایگاه مهم فرهنگی و تبلیغی در

سطح

جهان بهره می گیرد ، ورود آن حضرت و یارانش به مصر چنین بیان شده است :

" آنگاه آنان (مهدی (علیه السلام) و یارانش) وارد مصر شوند و حضرت بر فراز

منبر با مردم سخن گوید . زمین

بر اثر عدل و داد رونق و نشاط تازه ای گیرد ، و آسمان باران رحمت خود را فرو
بارد ، درختان بارور شده و
زمین گیاهانش را برویاند و زینت بخش ساکنان خود گردد ، حیوانات وحشی
بگونه ای در آرامش و امنیت
بسر برند که همچون حیوانات اهلی ، همه جا آسوده به چرا پردازند . علم و دانش
دل مردم با ایمان را چنان
روشن کند که هیچ مؤمنی از نظر علمی به برادر دینی اش نیاز پیدا نکند . آری ، آن
روز ، این آیه قرآن همه جا
جلوه گر شود که می فرماید " یعنی الله کلا من سعته " (خداوند همگان را از
غنای بی کران خویش توانگر
سازد) " (۲)

احادیث دوران ظهور می گویند که یهودیان در آخر الزمان روی زمین فتنه و فساد
می کنند و به طغیان و برتری جوئی کشیده می شوند ، همانطور که خداوند در قرآن
بیان نموده اما سرانجام به دست پرچمدارانی از خراسان نابود می گردند :
" چیزی نمی تواند آنان را از تصمیم خود بازگرداند تا آنکه درفش های خود را در
ایلیاء به اهتزاز

درآورند . " (۳) منظور از ایلیاء ، همان قدس است .

پاورقی -----

1 ((المعجم : ۳ / ۲۵۵ .

2 ((المعجم : ۵ / ۸۳ - آیه قرآن : نساء / ۱۳۰ .

3 ((مسند احمد : ۲ / ۳۶۵ .

این بار ، شیعیان و ایرانیان هستند که خداوند متعال آنان را علیه یهودیان
بر خواهد انگیخت :

" ما بندگان نیرومندی از خود را علیه شما برانگیزیم " (۱) .

شاید منظور این باشد که ایرانیان و شیعیان بخش قابل توجهی از سپاه حضرت
(عج) را در فتح قدس تشکیل خواهند داد .

احادیث ، جزئیات سرکوب یهودیان را معین نکرده اند و نگفته اند که این حادثه
در یک مرحله اتفاق خواهد افتاد یا در چند مرحله ؟ قبل یا بعد از ظهور ؟ ولی
سرانجام کار یهودیان را چنین توصیف می کنند که نابودی آنان به دست توانای
حضرت و سپاهیان در یک درگیری شدید اتفاق می افتد ، و این در زمانی ست
که

" عثمان سفیانی " حاکم سرزمین شام ، پیش مرگ یهودیان و رومی ها شده و در
خط

مقدم دفاعی آنها قرار گیرد .

بنا به نقل روایات ، امام زمان (علیه السلام) نسخه های اصلی تورات را از درون
غار در

انطاکیه و کوهی در فلسطین و دریاچه طبریه بیرون می آود و با استناد به آن
یهودیان

را محکوم و نشانه ها و معجزاتی را برای آنان آشکار می سازد . برخی از یهودیان
که

پس از آزادی قدس زنده مانده اند ، به حضرت ایمان می آورند و کسانی که ایمان نمی آورند از سرزمین های عربی اخراج می گردند (۲) .

به طوری که از احادیث برمی آید ، کمی قبل از ظهور حضرت ، جنگی جهانی رخ می دهد که ریشه در منطقه شرق عالم دارد " جنگها در زمین فراوان شود " از بعضی

احادیث چنین فهمیده می شود که این جنگ بصورت جنگهای منطقه ای است و در سال ظهور اتفاق می افتد و خسارتهای آن نیز متوجه آمریکا و اروپا می شود :

پاورقی -----

1 ((اسراء / ۵ .

2 ((المعجم : ۱ / ۳۴۴ .

صفحه : ۳۲

" آتش ، در مغرب زمین همچون شعله ای که از هیزم فراوان زبانه کشد ، بالا رود "

(۱) " بین مردم

شرق و غرب و حتی میان مسلمانان ایجاد اختلاف شود ، و مردم در اثر هراس و وحشتی که دارند با رنج و

گرفتاری سختی روبرو شوند " (۲)

همچنین روایات خبر می دهند که زیانهای جانی این جنگ که با بیماری طاعون ، پیش از جنگ و بعد از آن همراه است ، دو سوم ساکنان زمین را در برمی گیرد ، این خسارتها به شکل مستقیم گریبانگیر مسلمانان نمی شود :

" حادثه ظهور ، رخ ندهد مگر آنکه دو سوم مردم جهان از بین روند ، پرسیدیم :
وقتی دو سوم مردم از

بین روند چه کسی باقی می ماند ؟ فرمود : آیا شما نمی خواهید جزء یک سوم
باقیمانده باشید ؟ " (۳)

پاره ای از روایات ، اشاره دارند که این نبرد در چند مرحله انجام می پذیرد ، و
آخرین مرحله آن بعد از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و آزاد سازی حجاز و
ورود

حضرت به عراق خواهد بود .

البته آزاد نمودن حجاز مربوط به نابسامانی و خلأ سیاسی و بحران حکومت آن
دیار و حوادث دیگری است که مشروح آن در فصلهای بعد خواهد آمد . انشاء الله
* *

----- پاورقی

- 1 ((المعجم : ۵ / ۲۲۳ .
- 2 ((المعجم : ۳ / ۲۱۴ .
- 3 ((المعجم : ۳ / ۴۴۰ .

صفحه : ۳۳

فتنه شرق و غرب علیه مسلمانان

واژه " فتنه " در قرآن کریم و احادیث به دو معنی عام و خاص آمده است .

معنی عام آن عبارت از هر امتحان و آزمایشی است که برای انسان پیش آید ،

خواه از ناحیه خود انسان باشد یا از ناحیه شیطان و یا از سوی مردم و خواه انسان از

امتحان ، کامیاب و روسفید بیرون آید و از گرفتاری برهد و یا در آن سقوط کند .
اما معنی خاص آن عبارت از حوادث و پیشامدهایی است که مسلمانان را از
زاویه اعتقادی در بوته امتحان قرار دهد . فتنه هائی که پیامبر (صلی الله علیه وآله)
نسبت به آن هشدار
داده به همین معناست .

اصحاب پیامبر و تابعین (۱) علیرغم اختلاف های اعتقادی ، روایات متعددی
نقل کرده اند که بر اساس آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مردم را از فتنه ها و
دسیسه های بعد از
خود برحذر داشته است .

در میان صحابه " حذیفه بن یمان " با احادیث مربوط به این فتنه ها بیش از
دیگران آشنا است ، چرا که او تمام سعی خود را به کار بست تا وقایع مربوط به آنرا
از رسول خدا سؤال کرده و ثبت و ضبط نماید . به همین خاطر بسیاری از روایات
پاورقی -----

(1) () تابعین به مسلمانانی گفته می شود که در صدر اسلام موفق به درک محضر
رسول خدا نشدند و
مطالب اسلام را از صحابه پیامبر گرفته اند .

صفحه : ۳۴

مربوط به " فتنه ها " توسط حذیفه از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) یا از امیر
المؤمنین (علیه السلام) نقل شده

است . حدیفه از اصحاب خاص امیر المؤمنین نیز به حساب می آمد . او می گوید :
" تا روز قیامت هیچ گروه توطئه گری نیست که تعدادشان به سیصد تن برسد مگر
آنکه اگر بخواهم نام

سردستگان و نام پدران و محل سکونتشان را بیان کنم ، همه این اطلاعات ، از
آموخته های رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

به من است . "

و می گوید :

" اگر تمام آنچه را که می دانستم برای شما بازگو می کردم ، مرا تا شب مهلت نمی
دادید " (۱)

یعنی مرا فوراً می کشتید و منتظر تاریکی شب نمی شدید .

از این حدیث روشن می شود که مردم بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه وآله)
گرفتار فتنه
می شوند .

توجه فراوان مسلمانان به احادیث فتنه ها ، به جایی رسید که گاهی احادیث
مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) را تحت الشعاع خود قرار داد ، زیرا پیامبر
خبر داده که

امت از فتنه رها نخواهد شد مگر بدست حضرت مهدی (علیه السلام) . از این رو
نویسندگان

کتابها و مجموعه های حدیثی ، فصلهائی را تحت عنوان " فتنه ها و جنگ های
مهم "

که پیامبر از وقوع آنها خبر داده ، تدوین نموده اند .

همچنانکه عده ای از راویان و دانشمندان اسلامی کتابهایی را به صورت مستقل در این باره تألیف نموده و روایات مربوط به آن را گرد آورده اند .
تعداد این فتنه ها در کلام پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) ، متفاوت است . در بعضی پنج فتنه و در

برخی چهار یا شش یا هفت و یا بیشتر ذکر شده است .
علت این اختلاف ، آن است که حضرت ، گاهی فتنه های داخلی را می شمردند

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۱ - ۲ .

صفحه : ۳۵

و گاهی فتنه های خارجی را . یا آنکه فتنه ها را بر اساس تأثیری که بر مسلمانان می گذارد توصیف می کردند .

بررسی تعداد فتنه ها و یا انطباق آنها با تاریخ مسلمانان مهم نیست بلکه مهم ، شناخت آخرین فتنه ای است که همه معتقدند با ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) آشکار

خواهد شد . در احادیث ، ویژگی های این فتنه بسیار شبیه به توطئه اخیر غربی ها است که در ابتدای قرن حاضر دشواری ها و مصیبت های بسیاری را بر ملل مسلمان

وارد کرده است ، چرا که غربی ها در داخل سرزمین های اسلامی با ما جنگیده و
بر

ثروت و سرنوشت ما مسلط گشته اند و شرقی ها نیز در این توطئه با آنان همکاری کرده و بخشی از سرزمین مسلمانان را تصرف و آثار اسلام را از آن محو ساخته و آن را تحت فرمانروائی خود درآورده اند .

اینها نمونه هایی از احادیث است :

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمود : " چهار فتنه و آشوب بر امت من وارد شود که در فتنه اول ، خونها

جاری و در دومی ، خونها جاری و اموال پایمال و در فتنه سوم ، خونها جاری ، اموال پایمال و نوامیس مردم

هتک شوند . اما فتنه چهارم فتنه ای کور و کر و فراگیر است و همچون کشتی گرفتار در دریای متلاطم راهی

برای نجات آن دیده نشود و مردم پناهنگاهی نیابند . آن فتنه از شام آغاز شود و عراق را فرا گیرد . سرتاسر

جزیره را درهم کوبیده و بلا و گرفتاری ، مردم را همچون پوست دباغی شده کند ، هیچ کس نمی تواند بگوید :

بس کنید و دست نگهدارید ! اگر آن فتنه را از ناحیه ای برطرف سازند از ناحیه ای دیگر سربرآورد " (۱)

و در روایتی آمده است :

" زمانی که فتنه فلسطین رخ دهد ، وضع شام همچون آب درون مشک آشفته شود و چون وقت پایانش

فرا رسد ، پایان پذیرد . در حالی که شما جماعتی پشیمان و اندکید . " (۲)

پاورقی -----

1 ((الملاحم والفتن ص ۱۷ .

2 ((ابن حماد ص ۶۳ . به این ماجرا در بخش " نقش یهود در عصر ظهور " خواهیم پرداخت .

صفحه : ۳۶

و در روایتی دیگر می گوید :

" آن فتنه و آشوب ، شام را احاطه می کند و عراق را دربرمی گیرد ، و جزیره را در هم می کوبد . " (۱)

و در روایتی چنین آمده :

" آنگاه فتنه ای پدید آید که هر چه سخن از پایان آن رود ادامه یابد ، هیچ خانه ای باقی نماند مگر آنکه

فتنه داخل آن شود ، و هیچ مسلمانی نماند مگر آنکه سیلی آن را بر صورت خود لمس کند تا آنکه مردی از

خاندان من ظهور نماید " (۲)

برای این فتنه که به گفته تمام احادیث ، آخرین فتنه قبل از ظهور است ،

ویژگی های گوناگونی بیان شده که توجه به آنها از اهمیت خاصی برخوردار است :

اول : روایات فتنه قبل از ظهور در منابع شیعه و سنی به شکلی مطرح شده که به

آن " تواتر اجمالی " گفته می شود . یعنی اگر چه الفاظ در این روایات با یکدیگر

متفاوتند اما همه آنها با وجود راویان متعدد ، معنی و منظور واحدی را بیان می کنند

بطوری که با کمی دقت و تأمل ، این اطمینان حاصل می شود که محتوای این

احادیث را پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت وی (علیهم السلام) بیان فرموده اند .

دوم : این فتنه ، همه زوایای فرهنگی و اقتصادی مسلمانان را دربر می گیرد تا جایی که تمام چیزهای حرام ، حلال شمرده می شود و در روایت دیگر مردم آن زمان به " صماء ، عمیاء " یعنی کر و کور توصیف شده اند ، یعنی سخنی نمی شنوند

تا بتوان با گفتگو آنها را از کاری دور کرد ، و نمی بینند که بین این و آن فرق بگذارند ،

این فتنه عمومی وارد هر خانه ای شده و بر شخصیت هر مسلمانی ضربه می زند ، و جامعه مسلمین را همچون کشتی گرفتار شده در طوفان دستخوش امواج شدید

پاورقی -----

1 ((ابن حماد ص ۹ .

2 ((ابن حماد ص ۱۰ .

صفحه : ۳۷

حوادث می کند . کسی در برابر خطر این فتنه نسبت به دین خود و خانواده اش پناهگاهی نمی یابد و از جور فرمانروایان ستم پیشه و دار و دسته شان محل امنی باقی نمی ماند !

سوم : نقطه شروع این فتنه ، منطقه شام است . به همین جهت دشمنان ، آنجا را

" مهد گسترش تمدن " می نامند و سنگ بنای کشور اسرائیل را در آن ایجاد می کنند .

در روایتی دیگر از عبارت " احاطه بر شام " استفاده شده یعنی این فتنه ابتدا شام را در برمی گیرد و سپس به دیگر سرزمینهای اسلامی کشیده می شود .
روایتی دیگر نام " فتنه فلسطین " بر آن نهاده که موج این فتنه ، بر ساکنان منطقه شام بیش از دیگران تأثیر گذار خواهد بود .

چهارم : این فتنه مدت طولانی ادامه می یابد و راه حلها برایش سودمند واقع نمی شود زیرا فتنه ، فتنه ای است با ابعاد فرهنگی و عمیق تر از آن که از طریق ترمیم

و اصلاح ، چاره جوئی شود . از سوی دیگر موج مقاومت مردم و موج دشمنی دشمنان سبب از هم گسیختن تمام راه های مسالمت آمیز می گردد .
چنانکه در روایت آمده :

" از ناحیه ای دست به کار اصلاح آن نشوند مگر آنکه از سوی دیگر گسسته شود "

و در روایت دیگر آمده :

" از جانبی چاره جوئی نکنند مگر آنکه از سوی دیگر گسسته شود " .

معنای هر دو روایت یکی است ، زیرا این فتنه فقط با قیامی که زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) است و سپس با ظهور آن حضرت ارواحنا فداه خاتمه

خواهد یافت .

تعداد زیادی از روایات با صراحت بیان کرده اند که آن فتنه ، آخرین فتنه قبل از

ظهور و متصل به ظهور حضرت است و برخی روایات آن را بطور واضح فتنه متصل

صفحه : ۳۸

به ظهور معرفی نکرده اند ، بلکه از آن بعنوان آخرین فتنه تعبیر نموده اند ، اما مشخصاتی که برایش شمرده اند ، همان ویژگیهای فتنه متصل به ظهور حضرت است .

حال اگر این دو گروه از احادیث را کنار هم قرار دهیم به خوبی روشن می شود که منظور احادیث گروه دوم نیز همان فتنه ای است که در احادیث دسته اول بیان شده است .

فتنه قبل از ظهور با ویژگی های خاص خود ، نه با فتنه ها و توطئه های داخلی سالهای اولیه ظهور اسلام تطبیق می کند و نه با حمله مغول ها و نه با جنگ های صلیبی که هجومهای اولیه آن ۹۰۰ سال قبل آغاز شد و فراز و نشیبهای مختلفی را در بر داشت . آری این ویژگی ها تنها بر بخشی از هجوم غربی ها بر امت اسلام منطبق است که در این اواخر اتفاق افتاد و طی آن غربی ها توانستند با هجوم همه جانبه ، نیروهای نظامی خود را به سرزمینهای اسلامی کشانده و به سرعت آنان را در یک فتنه و توطئه گرفتار نمایند و در قلب سرزمین های اسلامی ، ریشه یهودیان هم پیمان خود را استوار سازند .

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که فرمود :

" سوگند به آن که جانم در دست اوست ، بر امت من قومی فرمانروایی کنند که

اگر دم برآورند آنها را

بکشند و اگر سکوت نمایند همه چیز آنها را مباح شمرند ، اموالشان را از آن خود کرده و حرمت نوامیس آنان را زیر پا گذارند . خونشان را ریخته ، و دلهاشان را مالمال از کینه و وحشت گردانند ، آنان را پیوسته هراسان ، پریشان و بیمناک بینی . در آن روزگار گروهی از مشرق و جمعی از مغرب وارد شوند و بر امت من فرمانروائی کنند ، پس وای بر حال ضعیفان امت من از دست آن ستم پیشگان ، و وای بر ستمگران از عذاب الهی ، چرا که آنها نه به کوچک رحم نمایند ، و نه حرمت بزرگ و پیر را نگاه دارند ، و از هیچ کاری روی گردان

صفحه : ۳۹

نیستند . اندامشان اندام آدمیان ، اما دلهاشان دلهای شیاطین است " (۱)

این روایت از ارتباط دو جانبه استبداد داخلی و استعمار خارجی پرده برداشته و علت سلطه کفار شرق و غرب بر امت اسلامی را ، تجاوز حکام داخلی بر ملتهای مسلمان و وجود جو اختناق و سلب آزادیهای آنان می داند . زیرا رفتار ظالمانه ، مردم را درصدد انتقامجوئی از حاکمان برمی آورد و درگیری های داخلی ، آنان را از

مقابله با دشمن خارجی بازمی دارد ، و در نتیجه دشمن فرصت را غنیمت شمرده ، و به بهانه رها کردن آنان از چنگ فرمانروایان ستمگر ، به سوی کشورهای اسلامی لشکر کشی می کند . همچنانکه ناپلئون در جنگ با مصریان عمل کرد . وقتی

کشتی های او به ساحل مصر نزدیک شد نامه ای برای مصریان فرستاد و در آن
اسلام

را ستود و نسبت به آن اظهار علاقه و دوستی کرد و انگیزه آمدن خود را نجات
مصریان از ستم پادشاهان اعلام نمود .

ناپلئون این سیاست حيله گرانه را بعد از اشغال مصر نیز همچنان ادامه داد ، تا
جائی که با پوشیدن لباس مصری ، خود را مسلمان اعلام کرد و عید میلاد پیامبر (
صلی الله علیه وآله)
را جشن گرفت !

پس از آن کشورهای انگلیس ، آمریکا و روسیه نیز شیوه های مشابهی را بکار
گرفته و ادعا کردند که آنها فقط به منظور آزاد سازی ملت های مسلمان می آیند .
آنان

پیوسته جهت ادامه سلطه بر سرزمین های اسلامی و دخالت در سرنوشتشان این
ترفند را بکار می برند .

از پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمودند :
" فتنه ها ادامه یابد و افرادی در دوران فتنه و ستم متولد شوند که جز آشوب چیزی
نشناسند ، و زمین

----- پاورقی

1 () (بشارة الاسلام ص ۲۵ ، به نقل از روضة الواعظین .

چنان آکنده از ستم شود که هیچ کس جرأت نکند نام خدا را به زبان آورد . آنگاه خداوند مردی را از ذریه من

برانگیزد ، تاسرتاسر زمین را مهد عدل و داد گرداند ، همان سان که پیشینیان آنرا از ظلم و جور آکنده بودند . " (۱)

این حدیث شریف بیانگر آن است که فتنه و آشوب قبل از ظهور ، در طول نسل های مختلف ادامه می یابد ، تا آنکه نسلی از مسلمانان متولد شوند که هیچ اندیشه ای جز انحراف از دین و هیچ سیاستی جز جور و ستم در پیش نگیرند . و این

تعبیر دقیقی از ترسیم فضای فرهنگ سلطه است که کودک مسلمان در سایه آن رشد می کند و از فضای تعالیم اسلامی و فرهنگ و عدالت آن چیزی نمی داند ، مگر کسی

که خداوند وسیله هدایت و نگهداری او را از انحراف فراهم سازد .

و معنی سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمود : " زمین آن چنان از ستم و جور آکنده شود که کسی قادر بر گفتن

" الله " نباشد . " این است که قوانین ظالمانه و سیاستهای ستمگرانه ، تمام زوایای زندگی مردم را دربر می گیرد ؛ بگونه ای که کسی نمی تواند بگوید : ما مسلمانیم ،

پروردگار ما خداست و او دستور داده تا ستم و بیداد را نپذیریم .

از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" حکومت اهل بیت پیامبر شما در آخر الزمان است و برپائی آن نشانه هائی دارد ،
از جمله آنکه رومیان و

ترکان ، بی دلیل بر شما بشورند ، و نیروها علیه شما بسیج گردند و ترکها با
رومیان به مخالفت برخیزند ، و

جنگ ها در زمین گسترش یابد . " (۲)

سخن امام (علیه السلام) بیانگر آن است که فتنه رومیها و ترکها و یورش آنان علیه
سرزمینهای اسلامی ، از نشانه های ظهور حضرت است .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۶۸ / ۵۱ .

2 ((بحار : ۲۰۸ / ۵۲ .

صفحه : ۴۱

امام در بیان نشانه های آخر الزمان از واژه های خاصی بهره گرفته است از جمله
کلمه " استثارت " . که تعبیر دقیقی است ، یعنی هجوم آنها بی منطق و با هدف
سلطه

و استثمار سرزمین های اسلامی انجام می شود .

و همچنین تعبیر " ترک ها و رومیها با هم اختلاف می کنند " بدان معنی است که
آنها بر سر

تقسیم نفوذ و میزان سیطره بر کشورهای اسلامی کشمکش می کنند ولی در

دشمنی

مشرکشان با ما همچنان متحد می مانند .

جمله دیگر حدیث یعنی " جنگ و درگیری در زمین فزونی یابد " است . چنانکه هم

اکنون می بینیم قاره ای نیست که جنگ و ستیز در آن نباشد ، و هیچ جنگی پایان نمی یابد ، مگر اینکه جنگ دیگری آغاز گردد ، همه اینها ریشه در تحریک غربی ها

دارد که با حمایت و پشتیبانی یهودیان به اجرا درمی آید . آری آنان هرچه بتوانند آتش جنگ را شعله‌ورتر می کنند .

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود :

" امت من توسط حاکمانش گرفتار بلایی سهمگین خواهد شد . بلایی که نظیر آن را کسی نشنیده است

بگونه ای که زمین پهناور بر آنان تنگ شود و چنان ظلم و جور فراگیر گردد که مؤمن جائی برای پناه بردن

پیدا نکند تا آنکه خداوند مردی از خاندان مرا مبعوث و در زمین قسط و عدل را بگسترد ، همانگونه که از ظلم

و جور پر شده است ، ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود گردند . در آن زمان ، نه زمین گنجهای درون خود

را پنهان سازد و نه آسمان از بارش پی در پی باران رحمت خویش دریغ نماید . " (۱)

حذیفه بن یمان از قول رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می گوید :

" وای بر این امت از پادشاهانی ستمگر ! چگونه مسلمانها را می کشند و آنها را از خانه و دیارشان آواره می کنند ، مگر کسی که به اطاعتشان تن در دهد . در آن زمان مؤمن با تقوا به زبان ، با آنان مدارا و به دل از

پاورقی -----

1 () (بشارة الاسلام ص ۲۸ از عقد الدرر سلمی .

صفحه : ۴۲

آنان گریزان است . و چون خداوند اراده فرماید که عزت اسلام را بازگرداند ، پشت هر ستمگر ستیزه جو را خواهد شکست و اوضاع امت اسلامی را بعد از فساد اصلاح خواهد کرد که او بر هر کاری اراده کند ، قادر و تواناست .

ای حدیفه : اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نماند ، خداوند آن را بقدری طولانی گرداند تا مردی از خاندان من زمام امور را بدست گرفته و اسلام را پیروز گرداند . خداوند از وعده خود تخلف نمی کند و او بر هر چیزی تواناست " (۱)
آن حضرت در جایی دیگر می فرماید :

" به سرعت زمانی فرا رسد که ملت ها را علیه شما فرا خوانند ، همچون فراخواندن
گرسنگان برای

بلعیدن . در آن حال تعداد شما بسیار اما همچون کف روی سیلابید . خداوند به
یقین هیبت و شکوه شما را از

دل دشمنانتان بردارد ، و در اثر دل بستن به دنیا و بیزاری از مرگ ، ضعف و سستی
را به دل شما افکند . " (۲)

اینها روایات روشن و رسائی است که نور نبوت از آنها جلوه گر است و حال و روز
امت اسلام و دشمنان سلطه گرش را به تصویر می کشد و مردم را به گشایش کار
بوسیله ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) بشارت می دهد .

همچنین پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود :

" مشرکان ، مسلمانان را به خدمت خویش گمارده و آنان را در شهرها به فروش
رسانند ، و هیچ کس بر

این کار ناپسند اعتراض نکند . این بلا و آزمایش همچنان تداوم یابد تا همه ناامید ،
مأیوس و بدبین شده و

تصور کنند که گشایشی بر آنان نخواهد بود ، در این هنگام خداوند مردی از پاکان
عترت من و از نیکان

ذریه ام برانگیزد ، مردی دادگستر ، خجسته و پاک که ذره ای (از دستورات اسلام
(فروگذار نکند و خداوند

دین ، قرآن ، اسلام و مسلمانان را به وسیله او عزیز و سربلند و شرک و مشرکین را
ذلیل و زبون سازد ، وی

پاورقی -----

1 () () بشاره الاسلام ص ۲۹ به نقل از ینابیع الموده .

2 () () الملاحم والفتن ص ۱۲۹ .

صفحه : ۴۳

پیوسته از خدا پروا دارد و در اجرای حکم او فریب خویشاوند را نخورد ، سنگ روی سنگ گذاشته ، و

عمارتی برای خویش بنا نکند و در زمان فرمانروایی خود بر کسی تازیانه نزند مگر جهت اجرای حد

شرعی . خداوند متعال تمام سنت های غلط و نامشروع را بوسیله او محو و نابود ساخته و تمام فتنه ها را از

بین برد ، درهای حق به وسیله او گشوده و درهای باطل بوسیله او بسته شود . خداوند هر مسلمان دربندی را

در هر کجا توسط او به دیارش بازگرداند . " (۱)

این حدیث فضائی دردناک از استضعاف ، خرید و فروش و اسارت مسلمانان در دیگر سرزمین ها را ترسیم می نماید . و این تصویر به مسلمانانی اختصاص ندارد که با حقارت در خدمت مشرکان و برای آنها کار می کنند ، بلکه نمایشگر فاجعه بزرگ

خرید و فروش و اسارت و کوچاندن مسلمانان بدست مشرکان عالم است !
اما همین روایت در اوج یأس و درماندگی مسلمانان ، ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه را بشارت می دهد .

* *

صفحه : ۴۴

صفحه : ۴۵

نقش رومی ها در دوران ظهور

منظور از روم در احادیث مربوط به آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ،

ملت های اروپا و به دنبال آن آمریکاست ، چرا که آمریکائی ها همان فرزندان و وارثان امپراطوری تاریخی رومیانند که در چند قرن اخیر بدانجا مهاجرت کرده اند .

ممکن است گفته شود ، رومیانی که خداوند در سوره روم از آنان سخن گفته و پیامبر (صلی الله علیه وآله) و پس از او مسلمانان با آنها پیکار نمودند ، غیر از اروپائیان امروزیند ، چرا

که رومیان آن زمان همان بیزانس ها بودند که پایتختشان ابتدا شهر " رم " در ایتالیا و

سپس شهر قسطنطنیه بود ، تا آنکه مسلمانان حدود ۵۰۰ سال پیش آن را فتح و به " اسلام بول " تغییر نام دادند که مردم آن را استانبول تلفظ می نمایند .

در پاسخ این سخن باید گفت : درست است که رومیان هنگام نزول قرآن و

صدور احادیث همان طرفداران امپراطوری معروف روم یا بیزانس بودند . اما اروپائیان امروز ، ملت و نژادی غیر از آنها نبوده و نیستند . بلکه می توان گفت که اینها تداوم بخش همان خطوط سیاسی و فرهنگی و جزئی از آن امپراطوری سابقند . ملت های فرانسه ، بریتانیا ، آلمان و چند کشور دیگر ، از لحاظ فرهنگ ، سیاست و

دین ، از اجزاء حقیقی امپراطوری روم به حساب می آیند به خصوص که این کشورها در آن زمان از مستعمرات امپراطوری روم شمرده می شدند .

صفحه : ۴۶

سرداران بیزانس و روم که دو هزار سال در رم و قسطنطنیه حکومت کردند ، همه از نژادهای متعدد اروپائی بودند ، حتی پس از الحاق یونان به امپراطوری ، گاهی در میان زمامداران روم ، یونانیان نیز به چشم می خوردند .

شاید به همین دلیل است که وقتی امپراطوری روم باستان به ضعف گرائید و در قسطنطنیه و پیرامون آن محدود شد و در محاصره دریای خروشان از ملتهای مسلمان قرار گرفت ، سایر کشورهای اروپائی به ادعای میراث خواهی پیا خاستند ، و شاید به همین دلیل ، لقب قیصر که مخصوص پادشاهان امپراطوری روم بود در بسیاری از کشورهای غربی از جمله آلمان ، برای سران این کشورها ، به کار می رفته

است .

باید توجه داشت که این گونه تغییر و تحول در امپراطوری ها و دولتها امری

طبیعی است ، چرا که ممکن است حکومت از منطقه ای به منطقه دیگر و از ملتی به

ملت دیگر انتقال یابد ، اما شالوده های اساسی و ویژگی های اصلی آن حکومت همچنان پابرجا بماند .

بنابراین ، احادیث باارزشی که از آینده رومیان یا به تعبیر عرب ها " بنی اصفیر " (مو طلائئ ها) خبر می دهد ، منظور فقط رومیان بیزانس ایتالیائی تبار نیست تا سایر

نژادها و قبائل فرنگی و اروپائیان چشم آبی را در بر نگیرد .

به همین دلیل مسلمانان در کتابهای تاریخی خود از اروپائیان گاهی به نام روم فرنگی نام برده اند اما در عین حال به همه آنها رومی گفته ، و از آنان با کلمه رومی ها

یاد کرده اند .

علاوه بر آن ، از آیات ۳۱ و ۳۲ سوره روم ، و آیات ۱۲ و ۲۱ سوره کهف و احادیث مربوط به آن که از شرک رومی ها و پیروانشان سخن به میان آورده چنین استفاده می شود که منظور از رومیان در این منابع ، احزاب و ملت هائی است که

صفحه : ۴۷

ادعای پیروی از حضرت مسیح (علیه السلام) را دارند . و روشن است که رهبری ملت های

مسیحی در ابتدا به دست رومیان ایتالیائی و قسطنطنیه ای بوده ، و سپس به سایر ملت های غربی ارث رسیده است .

نام " روم " در بسیاری از احادیث زمان ظهور مطرح شده است . از جمله ،
احادیث فتنه رومیان و تسلط آنها بر مسلمانان که شرح آن در بخش قبلی کتاب
گذشت .

روایات دیگری درباره حرکت کشتی های غربی به سواحل سرزمین های عربی ،
اندکی پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ، وجود دارد .
از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند :
" وقتی در سرزمین شام فتنه را مشاهده کنی ، پس مرگ است و مُردن ، تا آنکه "
موزردها " روانه

سرزمین های عربی گردند و حوادثی بین آنان رخ دهد . " (۱)

فتنه شام در احادیث ظهور ، به درگیرهائی گفته می شود که پس از سیطره
بیگانگان بر امت اسلامی ، در منطقه شام روی می دهد .

یعنی غربی های موطلائی بخاطر پایداری مردم ، از تسلط بر منطقه پیرامون
فلسطین ناتوان شده ، به ناچار به دخالت مستقیم نظامی دست می زنند ، این
دخالت نظامی بزودی با مقاومت مسلمانانِ کشورهای عربی مواجه می شود .
از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" در سپیده دم ماه رمضان از مشرق ندا دهنده ای بانگ برآورد که : ای اهل هدایت
گردهم آید . و پس از

ناپدید شدن شفق از مغرب ، ندا کننده ای بانگ زند که : ای اهل باطل گردهم آید
. . . آنگاه رومیان به ساحل

پاورقی

دریا نزدیک غار اصحاب کهف روی آورند و خداوند جوانان اصحاب کهف را با سگشان از غار برانگیزد ، بین آنها دو مرد وجود دارد بنام ملیخا ، و خَمَلاها ، آن دو ، شاهد و تسلیم اوامر حضرت قائم (علیه السلام) خواهند بود . " (۱)

شاید این جنبش نظامی ادامه حرکت گذشته و یا همان حرکت باشد ، و طبق روایت این جریان نزدیک زمان ظهور آن حضرت خواهد بود ، چرا که به دنبال ندای آسمانی در ماه رمضان حوادثی ، پی در پی بوجود می آید و تا محرم ادامه می یابد ، ظهور آن بزرگوار در شب و روز دهم ماه محرم به وقوع خواهد پیوست . به نظر می رسد که نیروهای غربی آهنگ سرزمین شام کرده و در عکّا و صور ، و طبق بعضی روایات نزدیک غار اصحاب کهف ، یعنی در انطاکیه منطقه ساحلی بین سوریه و ترکیه ، فرود می آیند .

درباره جوانان اصحاب کهف روایاتی وارد شده که خداوند متعال آنان را در آخر الزمان ظاهر می نماید تا برای مردم علامت و نشانه ای باشد ، آنها از اصحاب امام زمان (عج) خواهند بود . در فصل مربوط به یاران حضرت (عج) درباره آنها مطالبی خواهیم گفت .

حکمت ظاهر شدن آنان به هنگام فرود نیروهای غربی و در آن برهه حساس ، این است که نشانه ای خاص برای مسیحیان باشند ، چرا که طبق روایات ، یاران حضرت مهدی ، نسخه های اصلی تورات و انجیل را از غاری در انطاکیه بیرون

آورده و به وسیله آن با رومی ها و یهودیان به بحث و گفتگو خواهند پرداخت .
احتمال دارد این غار ، همان غاری باشد که امروز به نام اصحاب کهف معروف
است و شاید هم غار دیگری باشد .

در بعضی احادیث ، از شورشیان روم نام برده شده که در سال ظهور حضرت

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۵ .

صفحه : ۴۹

مهدی (علیه السلام) در سرزمین رمله فرود می آیند .

جابر جعفی از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود :

" بزودی شورشیان روم در رمله فرود آیند ، ای جابر ! در آن سال ، در هر منطقه ای

از غرب اختلاف

فراوان بوجود آید " (۱)

در این رابطه ، مطالبی که از اهل بیت (علیهم السلام) ، در تفسیر آیات ابتدای

سوره مبارکه

روم وارد شده قابل توجه است :

" الف ، لام ، میم ، رومیان شکست خوردند ، در نزدیکترین سرزمین و آنان بعد از

مغلوب شدن به

زودی غالب می گردند ، در اندک سالی . امر و فرمان از آن خداوند است پیش (از

غلبه) و پس از آن ، و آنروز

ایمان آورندگان ، شاد می گردند به یاری خداوند . او هر کس را بخواهد یاری فرماید ، و اوست عزیز و

مهربان " (۲)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که آن حضرت " یاری خداوند نسبت به مؤمنین " در

این آیه را به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) تفسیر نموده اند ، و گویا خداوند آن حضرت را

بر رومیان پیروز می گرداند . (۳)

روایات دیگر در این زمینه ، روایات مربوط به فرود حضرت عیسی (علیه السلام) و دعوت

آن حضرت از مسیحیان به اسلام و پیروی از حضرت مهدی (علیه السلام) است که در تفسیر

این آیه شریفه وارد شده است :

" او (حضرت عیسی (علیه السلام)) نشانه ای از علامتهای قیامت است که

شکی در آن نیست ، از او اطاعت کنید

که این صراط مستقیم است . " (۴)

----- پایورقی

1 ((بشاره الاسلام ص ۱۰۲ .

2 ((روم / ۱ - ۵ .

3 ((محجه بحرانی ص ۱۷۰ .

4 ((زخرف / ۶۱ .

" همه اهل کتاب قبل از وفات ایشان (حضرت عیسی (علیه السلام)) به او ایمان می آورند ، و او در روز رستاخیز گواه بر آنهاست " (۱)

یعنی آن بزرگوار یکی از علائم رستاخیز بوده و هنگامی که خداوند او را فرود آورد ، تمام مسیحیان و یهودیان به او ایمان آورده و خود و معجزه هایش را قبل از آنکه از دنیا رحلت کند ، می بینند و تصدیق می کنند .
در روایت آمده است که حضرت عیسی (علیه السلام) در بحث خود با رومیان به حضرت

مهدی (علیه السلام) و معجزاتی که خداوند در اختیارش نهاده استدلال می کند .
(۲)

آن حضرت در دگرگونی اوضاع سیاسی و آگاه کردن ملت‌های غربی در مقابل حکومت‌هایشان ، نقش مهمی خواهد داشت که در جریان بازگشت مسیح بیان خواهیم کرد .

از جمله روایاتی که به این حوادث ارتباط دارد ، احادیث مربوط به آتش بس میان مسلمانان و رومیان است که حضرت مهدی ، قرارداد عدم تجاوز با آنان امضاء می کند . ظاهراً این قرارداد بعد از نبرد بزرگ قدس بین سپاه حضرت و لشکریان سفیانی و بعد از پیروزی حضرت و ورودش به قدس و فرود حضرت عیسی (علیه السلام)

واقع خواهد شد .

به نظر می رسد که حضرت مسیح (علیه السلام) در برقراری پیمان صلح ، نقش
وساطت و

میانجی گری را بر عهده دارد .

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود :

" ای عوف ! پیش از رستاخیز شش حادثه را شماره کن . . . از جمله ، فتنه ای که
خانه هیچ عربی خالی از

پاورقی -----

1 ((نساء ۱۵۹

2 ((بحار : ۲۲۶ / ۵۲ .

صفحه : ۵۱

آن نخواهد ماند ، و صلحی که میان شما و بنی اصفیر (غریبهها) برقرار خواهد شد ،
سپس با شما پیمان شکنی
کرده ، و با هشتاد لشکر که هر یک متشکل از ۱۲ هزار سرباز است به شما حمله
خواهند کرد . " (۱)

همچنین از آن حضرت روایت شده که فرمودند :

" بین شما و رومیان چهار پیمان صلح بسته شود ، که چهارمین آنها به دست مردی
از خاندان هرقل

است که چند سال (دو سال) دوام خواهد یافت ، در این هنگام مردی از قبیله عبد
القیس به نام سؤدد بن

غیلان پرسید : در آن روز پیشوای مردم کیست ؟ حضرت فرمود : مهدی از فرزندانم
". (۲)

در برخی از روایات مدت پیمان نامه صلح هفت سال ذکر شده ، اما غربی ها تنها
پس از دو سال عهد شکنی نموده و پیمان خود را بر هم می زنند و با سپاهی متشکل
از هشتاد پرچم و نزدیک به یک میلیون سرباز به مسلمانان حمله می شوند و
جنگی در سواحل فلسطین و سرزمین شام اتفاق می افتد که در پی آن حضرت
رهسپار فتح اروپا و جهان غیر مسلمان می شود که شرح آن در فصل " حرکت
ظهور "
خواهد آمد .

از جمله احادیث ظهور ، ارتباط سفیانی با رومیان است که هواداران سفیانی پس
از شکست او به طرف کشور روم فرار کرده و توسط یاران حضرت مهدی (علیه
السلام) تعقیب
می شوند .

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند :

" زمانی که قائم (علیه السلام) قیام نماید و سپاه خویش را به سوی بنی امیه (سفیانیان) گسیل دارد آنها به سوی

روم گریزند ، رومیان به آنان گویند : تا به کیش ما درنیائید شما را نپذیریم ، آنها
بپذیرند و رومیان پناهشان

پاورقی -----

1 () (بشاره الاسلام ص ۲۳۵ - از عقد الدرر سلمی و به گفته او بخاری آن را
در کتاب خود از روایت

عوف بن مالک ، آورده است .

(2) (بحار : ۵۱ / ۸۰ دوازدهمین روایت از اربعین حافظ ابی نعیم .

صفحه : ۵۲

دهند . آنگاه یاران حضرت مهدی (علیه السلام) با رومیان مواجه شوند ، رومیان

تقاضای صلح و امان نمایند ، پیروان

حضرت پاسخ دهند که تا هم کیشان ما را آزاد نکنید به شما امان نخواهیم داد ،

سپس آنها را آزاد نموده و به

یاران حضرت تحویل دهند " (۱)

روایات دیگری نیز وجود دارد که نشان می دهد فرهنگ سفیانی ، فرهنگ غربی

است ، او ابتدا در منطقه روم بوده ، سپس راهی منطقه شام می گردد و حرکت

خود

را از آنجا آغاز می کند ، چنانکه به بیان آن خواهیم پرداخت .

در کتاب غیبت طوسی (رحمه الله) ص ۲۷۸ آمده است :

" سفیانی که سرکرده قوم است از کشور روم به حرکت درآید ، در حالی که

صلیب به گردن دارد . " (۲)

از جمله دیگر روایات ، احادیث آزادی سرزمین روم توسط حضرت و اسلام

آوردن رومیان بدست او است ، البته احتمال دارد این امر به دنبال شکستن پیمان

صلح و حمله نظامی رومی ها به ساحل فلسطین و سرزمین شام باشد که به شکست

آنها منجر خواهد شد . چنانکه ممکن است این درگیری سخت ترین نبرد رومیان با

حضرت مهدی (علیه السلام) باشد ، نبردی که در پی آن گرایش بین ملتهای

اروپائی نسبت به

اسلام پیدا می شود .

و در برخی از روایات ، آمده است که :

" یکی از شهرهای غربی با تکبیر فتح گردد ، با حضور هفتاد هزار مسلمان " . (۳)

(

بعید نیست که سقوط این پایتخت غربی با تظاهرات غربی ها و تکبیر آنان ، در

حالی که حضرت مهدی (علیه السلام) و یارانش آنان را همراهی می کنند ، انجام

شود .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۱ / ۸۸ .

2 ((غیبت طوسی ص ۲۷۸ .

3 ((بشارة الاسلام ص ۲۹۷ .

صفحه : ۵۳

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمودند :

" آن گاه اهل روم بدست مهدی (علیه السلام) اسلام آورده و حضرت برای آنان

مسجدی بنا کند ، سپس با

جانشین قرار دادن یکی از یارانش در آنجا ، باز گردد " (۱)

ظاهراً حضرت مسیح (علیه السلام) در خلال چند سالی که بین امام (علیه السلام)
(و غرب پیمان

صلح برقرار است ، در تحول ملتهای غربی تأثیر بسزایی دارد و ظاهراً در این برهه ،
او در غرب بسر می برد یا بیشترین حضورش در غرب است .
* *

پاورقی -----

1 ((بشاره الاسلام ص ۲۵۱ .

صفحه : ۵۴

صفحه : ۵۵

نقش ترک ها در دوران ظهور

به نظر می رسد منظور از ترک ها در روایات جنبش خجسته ظهور حضرت ،
روس ها و ملت های اروپای شرقی اطراف آناتند ، آنها گرچه مسیحی و از لحاظ
تاریخی از ملتهای مستعمره امپراطوری روم بشمار می روند ، بطوریکه مدعی
وراثت آنها نیز شده اند ، و شاهان خود را مانند آلمان ها و دیگران ، قیصر (سزار)
نامیده اند اما اولاً : از قبیله های مناطق گوناگون شرق و از نژاد آسیا - اروپا هستند
که

در روایات و تاریخ " قبیله ها و ملتهای ترک " نامیده شده اند ، و این نام علاوه بر

ترکهای ترکیه و ایران ، شامل قبیله های تاتار ، مغول ، بلغارستان ، روسیه و غیر
آنان

نیز می گردد .

ثانیاً : مسیحیت ، در بین آنها اصیل نبوده و بعدها به آن مناطق وارد شده و
بصورت یک لایه سطحی درآمده و وضعی بدتر از ملت های اروپای غربی مادی گرا
و شرک آمیز یافته است و شاید به همین دلیل بود که تسلیم نظریه الحادی کمونیسم
شده و در برابر نفوذ آن ، مقاومت نکردند .

ثالثاً : اگر چه برخی روایات مربوط به جنبش ترکان علیه مسلمانان ، بر یورش
ترک های مغول به سرزمین ما در قرن هفتم هجری منطبق است . اما برخی روایات
,

بیانگر جنبش آنان در حوادث ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است . و بیانگر
همکاری

صفحه : ۵۶

آنها با رومیان علیه ما و اختلافشان با یکدیگر است و این ماجرا جز بر روسها
منطبق

نیست ، و اگر ماجرای ظهور به درازا کشیده شود ، بر وارثان دولت روس از اقوامی
که ریشه و تبار ترکی دارند منطبق است .

اینک به چند نمونه از این روایات که نقش آنان را بیان می کند ، توجه کنید :

الف : روایات مربوط به آخرین فتنه ای که بدست آنها و رومیان علیه مسلمانان بپا
می شود و شرح آن قبلاً گذشت و آنرا جز بر هجوم غربی ها و روس ها به

سرزمین های اسلامی در اوایل این قرن ، نمی توان تفسیر کرد ، فتنه ای که پیوسته ادامه خواهد داشت تا خداوند آن را با حرکت زمینه ساز ظهور حضرت ، و سپس با ظهور مبارک او برطرف می سازد .

ب : روایات مربوط به جنگ سفیانی با ترک ها نیز از جمله این روایات است .
من ، روایتی که دلالت بر جنگ سفیانی با ترک ها ، در دمشق یا اطراف آن داشته باشد ، نیافتم ، اما روایات بسیاری به دست ما رسیده که حاکی از درگیری بزرگ سفیانی با آنان در قرقیسیا ، واقع در مرز سوریه ، عراق و ترکیه است و علت آن درگیری ، کشمکش است که بر سر گنجی که در مجرای نهر فرات و یا نزدیک آن کشف می شود .

بعلاوه ، شاید مراد از ترک ها ، در این نبرد ، ترک های ترکیه باشند نه روسها ، ممکن است روسیه در جنگ با ترک ها بطور نهانی با سفیانی بوده و از او پشتیبانی کند که در حوادث مربوط به سرزمین شام و حرکت سفیانی به ذکر آن خواهیم پرداخت . انشاء الله

ج : روایات مربوط به انقلاب آذربایجان در رویارویی با ترک ها است .
از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :
" آذربایجان برای ما لازم است ، چیزی در مقابل آن یارای مقاومت ندارد و چون انقلاب گر ماقیام کند به

صفحه : ۵۷

سوی او بشتابید ، اگر چه با چهار دست و پا رفتن روی برف باشد " (۱)

ممکن است از قول امام صادق (علیه السلام) که فرمود " ناگزیر از آذربایجان

بوده و چیزی در مقابل

آن ایستادگی نمی کند " چنین استفاده شود که منظور جنبشی است هدایت گر که

در

آذربایجان و یا توسط اهالی آن بپا خواهد شد که باید پس از آن ، منتظر نشانه های

ظهور بود . اما از روایت زیر فهمیده می شود که ممکن است این ماجرا در

رویارویی

با روسها باشد :

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمودند :

" دو خروج از طرف ترک ها رخ دهد که در یکی آذربایجان ویران و در دیگری

که در جزیره واقع شود .

عروسان حجله نشین ، به وحشت افتند ، در آن هنگام خداوند ، مسلمانان را یاری

نماید . قربانی بزرگ خدا

در میان آنان خواهد بود " (۲)

اگر این روایت را به تنهایی مورد بررسی قرار دهیم ، می توان گفت که شاید این

روایت مربوط به هجوم ترکان مغول به سرزمینهای اسلامی باشد ، که در نخستین

مرحله آن ، وقتی به آذربایجان رسیدند ، آن را ویران ساختند ، و سپس در فرات

مسلمانان بر آنها پیروز گشتند و در چشمه جالوت و سایر اماکن ، قربانی بزرگی در

بین آنان بود .

اما اگر این روایت را کنار روایت پیشین قرار دهیم ، احتمال دارد که منظور از

ترک ها ، روس ها باشند و نخستین هجوم آنها اشغال آذربایجان قبل و بعد از جنگ

جهانی دوم باشد و هجوم دوم ، هجوم به طرف " جزیره " است که نام مکانی در حد

فاصل بین عراق و سوریه نزدیک منطقه قرقیسیا است . هجوم آنان به آن منطقه

پاورقی -----

1 () غیبت نعمانی ص ۱۷۰ .

2 () الملاحم والفتن ص ۳۲ .

صفحه : ۵۸

هنگام خروج سفیانی است و مفهوم پیروز شدن مسلمانان در آن درگیری پیروزی غیر مستقیمی است که با هلاکت دشمنان اسلام به دست خواهد آمد . در منطقه درگیری قرقیسیا درفش و پرچم هدایت گری یا پرچمی که پیروزی مسلمانان را به همراه داشته باشد وجود ندارد و بشارت پیامبر و امامان (علیهم السلام) ، بدین جهت است که

در این کارزار ، ستمگران با شمشیرهای یکدیگر به هلاکت می رسند .

د : روایات مربوط به فرود ترک ها در منطقه " جزیره " و " فرات " است که

احتمالا

مراد از ترک ها ، روس ها هستند ، زیرا فرود آنها همزمان با فرود رومیان در منطقه رمله فلسطین و سواحل آن است .

قبلا اشاره کردیم که قرقیسیا منطقه ای در نزدیکی " جزیره " است که به " دیار

بکر " و " جزیره ربیعہ " معروف است ، و مفهوم کلمه " جزیره " که در کتاب های

تاریخی بیان شده ، همین نقطه است ، نه جزیره العرب یا جزیره ای دیگر .
این حادثه منافاتی با فرود ترکان مغول در جزیره فرات در قرن هفتم هجری ندارد ، که برخی آن را از جمله نشانه های ظهور حضرت به حساب آورده اند ، زیرا نشانه ظهور ، فرود و سپس نبرد آنان با سفیانی در منطقه قرقیسیا خواهد بود .
روایات آشوب گری ترکان مغول و هجوم آنان به سرزمین های اسلامی در زمره روایات مربوط به حوادث و پیش بینی ها و معجزات نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) است که مسلمانان

از آن آگاه بوده و در صدر اسلام نقل می کردند . در زمان حمله مغول ها و پس از آن ،

این روایات بر سر زبانها افتاد ، روایاتی که فرو نشستن آشوب آنان و پیروزی مسلمانان را نیز نوید می داد . بدون آنکه اشاره ای به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) داشته باشد .

اینک به نمونه ای از روایات مربوط به حمله مغول ها توجه کنید :
از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

صفحه : ۵۹

" گویا ، قومی را می بینم که چهره هایشان همچون سپرهای چکش خورده است ، لباسهای حریر و دیبا

پوشیده و اسبهای اصیل را یدک می کشند ، کشتار آنچنان زیاد است که مجروحان
از روی بدن کشتگان عبور

کنند ، در آن کارزار تعداد فراریان از اسیران کمترند .

یکی از یاران عرض کرد : ای امیر مؤمنان ! از علم غیب سخن می گوئی ؟ حضرت
خندید و به آن مرد که

از قبیله بنی کلب بود فرمود : ای برادر کلبی این علم غیب نیست ، این دانشی است
که از صاحب دانش

(رسول الله) آموخته ام زیرا علم غیب تنها علم رستاخیز است و آنچه خداوند در
این آیه برشمرده ، آنجا که

می فرماید : " این خداوند است که به زمان رستاخیز آگاهست و هم اوست که
باران را فرو فرستاده ، و

از آنچه درون رحم هاست خبر دارد و هیچ کس نمی داند که پیمانۀ عمرش در کجا
لبریز خواهد شد . . " (۱)

خدا از آنچه درون رحم است ، پسر یا دختر ، زشت یا زیبا ، بخشنده یا بخیل ،
نیک بخت یا بدبخت باخبر

است ، او می داند چه کسی هیزم آتش دوزخ و چه کسی در بهشت ، همنشین
پیامبران است ، بنابراین علم

غیبی که جز خدا کسی از آن آگاه نیست همین است ، و غیر از آنچه گفته شد ،
علمی است که خداوند به

پیامبرش آموخت و پیامبر مرا بر آن آگاه ساخت و در حق من دعا فرمود ، تا خدا آن
را در دل من جایگزین و

دروم را از آن سرشار سازد " (۲)

ه : دسته دیگر ، روایات مربوط به جنگ حضرت مهدی (علیه السلام) با ترک ها
است ، از

امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" نخستین سپاهی که حضرت مهدی تدارک می بیند به سوی ترک ها گسیل می
دارد و پس از شکست و

به اسارت درآوردن آنها و به غنیمت گرفتن اموالشان راهی شام گردیده و آنجا را
فتح می نماید " (۳)

منظور امام صادق (علیه السلام) ، اولین لشکری است که حضرت آن را مجهز و
اعزام

پاورقی -----

- 1 (((۱) (۳۴ .
- 2 (((۲) (۱۲۸ .
- 3 (((۳) (۱۸۵ .

صفحه : ۶۰

می کند و خودش در آن شرکت ندارد . در برخی روایات آمده که حضرت پس از
ورود به عراق و پس از چند جنگ جهت آزادی عراق و حجاز ، سپاه خود را به
طرف ترکها اعزام می کند .

احتمالا مراد از ترک ها در این روایت ، ترک های ترکیه باشند اما این احتمال هم

هست که منظور روس ها باشند که سفیانی ، در نبرد قرقیسیا با آنان وارد جنگ می شود و هیچیک بر دیگری غلبه نمی یابد تا اینکه نابودی آنان توسط حضرت مهدی (علیه السلام) صورت پذیرد .

و : دسته ای دیگر از این احادیث ، روایاتی است که ویرانی سرزمین ترک ها را در اثر صاعقه و زلزله می داند و شاید منظور ، جنگ افزارهایی مثل موشک باشد که ویران گری آن مانند صاعقه و زلزله است .

ظاهراً این حادثه ، در پی نبرد آنان با حضرت مهدی (علیه السلام) است که ویرانی گسترده ای در پی خواهد داشت ، بطوری که به نابودی و محو قدرت و شوکت آنان

می انجامد ، زیرا در روایات ظهور ، پس از این حادثه ، دیگر یادی از ترک ها به میان

نمی آید ، فقط بعد از دومین خروج آنان این عبارت آمده " فلا ترک بعدها " یعنی دیگر از قدرت ترک ها اثری بر جای نخواهد ماند .

از این رو احتمال فراوان دارد که آنان همان روسها باشند ، زیرا در روایات مربوط به ظهور چنین گفته ای در مورد هیچ ملت مسلمانی نیامده است .

* *

صفحه : ۶۱

نقش یهودیان در دوران ظهور

اگر به جز آیات ابتدای سوره " بنی اسرائیل " چیز دیگری پیرامون نقش یهودیان

در آخر الزمان و عصر ظهور در اختیار نداشتیم ، همان آیات برای ما کافی بود ،
زیرا

این آیات در عین کوتاهی ، بسیار رسا و گویا بوده و خلاصه ای از تاریخ را بیان
کرده و

به شکل معجزه آسا و با دقت تمام ، آینده را روشن ساخته است .

در حالی که علاوه بر این آیه ها و آیات دیگر ، روایات بسیاری وجود دارد که
بعضی مربوط به تفسیر آیات ، و برخی دیگر پیرامون وضع یهودیان در عصر ظهور
حضرت مهدی (علیه السلام) است . ما پس از تفسیر آیات به بیان آنها نیز خواهیم
پرداخت .

وعده الهی بر نابودی یهود

خداوند می فرماید :

" پاک و منزّه است (خدائی) که یک شب ، بنده اش (محمد) صلی الله علیه وآله

() را از مسجد الحرام به مسجد اقصی

سیر داد . مسجدی که مبارک کردیم (برکت دادیم) پیرامونش را تا از نشانه های

خود به او بنمایانیم .

بدرستی که او شنوا و بیناست . و به موسی تورات داده و او را هدایت گر بنی

اسرائیل کردیم (که به آنها بگوید)

تا غیر از من سرپرستی نپذیرند . (بنی اسرائیل) ای فرزندان کسانی که آنان را با

نوح (در کشتی) سوار

نمودیم ، نوح بنده ای شکرگزار بود " (۱) .

----- پاورقی

صفحه : ۶۲

" ما در تورات به بنی اسرائیل اعلام نمودیم که شما (بنی اسرائیل) در زمین دو بار فساد خواهید کرد و

برتری طلبی و طغیان بزرگی خواهید نمود "

" پس چون زمان وعده (تحقق) اولین فساد فرا رسد بندگانی را از ناحیه خود که توانمند و سخت

جنگجویند علیه شما برانگیزیم که در میان خانه ها به جستجوی (شما) پردازند و این وعده ای قطعی و انجام شدنی است . "

" سپس پیروزی بر آنان را به شما بازگردانیم و شما را با ثروتها و پسران یاری نمائیم و تعداد شما را بیش از آنان قرار دهیم . "

" اگر خوبی کردید ، خوبی به خود نموده اید و اگر بدی کردید به خود بدی نموده اید و چون وعده (کیفر

طغیان) بار دوم فرا رسد ، (مخالفانتان) چهره های شما را غم بار و سیاه گردانند و وارد مسجد اقصی گردند

همانگونه که نخستین بار داخل شدند و بر آنچه دست یافتند به کلی نابود کنند . "

" (اگر توبه کنید) امید است که پروردگارتان بر شما ترحم کند و اگر (به فساد) بازگردید ما نیز (به کیفر

شما) باز می گردیم و جهنم را برای کافران زندانی تنگ قرار دادیم . "

توضیح بخشهائی از آیات فوق چنین است ، در آیه ۴ فرمود :

" وقضینا إلی بنی اسرائیل فی الکتاب لتفسدن فی الأرض مرتین ولتعلن علواً کبیراً "

(ما در تورات به بنی اسرائیل اعلام کردیم که شما در زمین دو بار فساد خواهید

کرد و برتری طلبی و طغیان بزرگی خواهید نمود)

یعنی ما در توراتی که بر آنان فرستادیم حکم قطعی کردیم که شما بزودی از راه

راست منحرف شده و دو بار در جامعه فساد و تبهکاری می کنید ، همچنانکه

بزودی

بر دیگران برتری جوئی و طغیان بزرگی خواهید نمود .

" فإذا جاء وعد أولاهما بعثنا علیکم عبداً لنا أولى بأس شدید . . . "

یعنی چون وقت مجازات شما بر نخستین فساد و تبهکاریتان رسید ، بندگانی که

منسوب به ما هستند به سویتان می فرستیم ، بندگانی با صلابت و سر سخت که بر

صفحه : ۶۳

سرتان فرود آیند .

" فجاسوا خلال الدیار وکان وعداً مفعولاً "

این جمله کنایه از سهولت فتح اول فلسطین به دست مسلمانان است ، که سپاه

اسلام به جستجوی خانه به خانه بقایای دشمنان یهودی خود می پردازند و این

و عده ای قطعی است .

" ثم ردنا لكم الكرة عليهم وأمددناكم بأموال وبنين وجعلناكم أكثر نفيرا " .
سپس شما را بر مسلمانانی که علیه شما برانگیختیم ، پیروز گردانیم و به شما ثروت و فرزندان عطا کنیم و از یاوران بیشتری برخوردار سازیم تا به کمک شما علیه آنان بستیزند .

" إن أحسنتم أحسنتم لأنفسكم وإن أسأتم فلها . . "

و آنگاه وضع شما مدتی بدین گونه ادامه می یابد و چنانچه توبه نموده و به شکرانه نعمت ثروت و اولادی که به شما بخشیدیم ، نیک عمل نمودید به سود خودتان بوده و اگر به بدی و طغیان و خود بزرگ بینی پرداختید فرجام بد آن ، مربوط به خودتان خواهد بود .

" فإذا جاء وعد الآخرة ليسوءا وجوهكم وليدخلوا المسجد كما دخلوه أول مرة
وليتبروا ما علوا تتبيرا "

اما شما در آینده نه تنها عمل نیک انجام نمی دهید بلکه به اعمال بد روی می آورید . ما شما را مهلت می دهیم تا روزی که وقت مجازات و کیفر شما بر
دومین

فسادتان فرا رسد ، آنگاه بندگان از سوی خراسان را که به مراتب سخت تر از
مرحله

اول رفتار می نمایند ، بر شما مسط می کنیم تا آنچه را از آن بیمناک و گریزانید بر
شما

تحمیل کنند و چهره هایتان را غمبار و افسرده سازند . و فاتحانه وارد مسجد
الاقصی

گردند ، همانطور که در زمان تعقیب خانه به خانه شما در مرحله اول ، وارد
گردیده و

برتری جوئی و فسادگرایی شما را از بین بردند .

صفحه : ۶۴

" عسی ربکم أن یرحمکم وإن عدتم عدنا وجعلنا جهنم للكافرين حصیرا "

شاید پروردگارتان شما را بعد از دومین کیفر با هدایت خویش مورد رحمت قرار
دهد و چنانچه بعد از آن دوباره به انحراف و فساد روی آورید ، ما نیز مجازات شما
را آغاز می کنیم و شما را در تنگنای دنیوی قرار داده و در آخرت دوزخ را زندان و
حصار شما گردانیم .

* *

نخستین نتیجه ای که از آیات مذکور گرفته می شود آن است که تاریخ یهود بعد از
حضرت موسی در ایجاد فتنه و فساد در جامعه خلاصه می شود ، تا آنگاه که
مجازاتشان فرا رسد و خداوند افرادی را برانگیزد که به سهولت بر آنان چیره شوند .
سپس خداوند بنا بر حکمت و مصلحت خود ، یهودیان را بر آنان پیروز گرداند ، و
به

آنها مال و اولاد فراوان دهد و یاری کنندگان آنها را در دنیا فزونی بخشد . اما

یهودیان

نه تنها از این اموال و یاران در جهت صلاح استفاده نمی کنند بلکه برای بار دوم در
زمین به فساد و فتنه روی می آورند ، البته این بار علاوه بر فساد ، گرفتار خوی
تکبر و

برتری طلبی شده و خود را بسیار بهتر و برتر از سایر مردم جهان می پندارند . و
زمانی

که لحظه کیفرشان فرا رسد خداوند بار دیگر آن قوم را بر یهود چیره ساخته ، و
مجازات شدیدتری را در سه مرحله بر آنها فرو می فرستد .

نتیجه دوم این که ، گروهی که خداوند بار اول بر ضد یهودیان برمی انگیزد ، به
آسانی بر آنها چیره می شوند ، آنگاه داخل مسجد الاقصی شده و به تعقیب خانه به
خانه یهودیان می پردازند ، و نیروی نظامی آنها را متلاشی می کنند .

آنگاه خداوند برای بار دوم آنها را به سراغ یهودیان می فرستد و با وجود غلبه
یهودیان بر آنها و زیادی یاران و هوادارانشان ، ضربات شدیدتری را در سه نوبت از

صفحه : ۶۵

مسلمانان دریافت می کنند ، که در اولین نوبت ، چهره های پلید آنان را آشکار و
آنها

را رسوا ساخته و همانند نبرد سابق ، فاتحانه وارد مسجد الاقصی می شوند . و
سپس خوی تکبر و برتری جوئی آنان را ، درهم می شکنند . این نکته را از نظر
ادبیات

زبان عرب از حرف " لام " در سه جمله " لیسوؤا وجوهکم " و " لیدخلوا
المسجد و لیتبروا "

می توان فهمید .

حال ، سؤال اساسی که مفسران مطرح می کنند این است که آیا این دو نوع فساد

که در یکی از آنها حس خودخواهی وجود دارد ، تمام شده و آن دو کیفر وعده داده

شده بر آنان به وقوع پیوسته یا هنوز چنین حوادثی رخ نداده است ؟
برخی از مفسران بر این عقیده اند که این دو پیش بینی ، عملی شده است ، بدین ترتیب که کیفر فتنه و فساد اول به دست " بخت النصر " و مجازات دوم بدست " تیتوس " رومی عملی شده و بعضی دیگر معتقدند که هنوز آن دو کیفر رخ نداده است .

اما نظریه درست این است که : اولین کیفر در برابر نخستین فساد ، در صدر اسلام ، بدست مسلمانان انجام گرفت ، اما وقتی مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند ، خداوند یهودیان را بر آنان چیره ساخت ، و یهودیان بار دیگر در زمین فساد و طغیان

نمودند و هر گاه که مسلمانان دوباره به اسلام روی آورند زمان کیفر دوم فرا رسیده و
به دست آنان انجام خواهد شد .

بر اساس همین تفسیر ، از امامان معصوم (علیهم السلام) روایاتی رسیده و قومی که خداوند
در مرحله دوم علیه یهودیان برمی انگیزد ، به حضرت مهدی (علیه السلام) و یاران او تطبیق

شده است . این افراد ، اهل قم بوده و خداوند آنها را قبل از ظهور حضرت برمی انگیزد .

در تفسیر عیاشی از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که حضرت بعد از آنکه آیه شریفه

صفحه : ۶۶

" بعثنا علیکم عباداً لنا أولى بأس شدید " را قرائت نمود ، فرمود :
" مراد از این آیه حضرت قائم (علیه السلام) و یاران اویند که نیرومند و باصلابت اند "

و در تفسیر نور الثقلین از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت در تفسیر همین آیه شریفه فرمود :

" خداوند قومی را قبل از خروج حضرت قائم ، برانگیزد که به قاتلی از قاتلان آل محمد (صلی الله علیه وآله) دست نیابند ، مگر اینکه او را به هلاکت رسانند . "

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که وقتی آن حضرت این آیه را قرائت فرمود ،

عرض کردیم " فدایت گردیم آنها چه کسانی هستند ؟ امام سه بار فرمودند : بخدا سوگند اهل قم هستند . " (۱)

این سه روایت از نظر مفهوم یکسان بوده و تعارضی بین آنها نیست ، چرا که اهل قم یعنی شیعیان ایران . روایت شده که آنها با حضرت قیام کرده و یاریش خواهند کرد .

به نظر می رسد که مقاومت یهودیان در مقابل پیروان حضرت در چند نوبت انجام می گیرد ، تا آنکه امام مهدی (علیه السلام) ظهور کند و نابودی نهائی یهودیان به رهبری

وی و به دست با کفایت او (ارواحنا فداه) تحقق یابد .

از جمله مطالبی که دلالت دارد دومین کیفر یهودیان بدست مسلمانان انجام خواهد گرفت ، این است که قومی که خداوند در هر دو مرحله علیه یهودیان برمی انگیزد ، یک امت بوده و صفاتی که برای آنان یاد شده و ویژگیهای جنگ آنان با

یهود جز بر مسلمانان تطبیق نمی کند . پس پادشاهان مصر ، بابل ، یونان ، ایران ،

روم

و دیگران که در طول تاریخ بر یهودیان تسلط یافتند ، هیچکدام با صفت " عباداً لنا "

پاورقی -----

1 ((بحار : ۶۰ / ۲۱۶ .

صفحه : ۶۷

(بندگان ما) که در قرآن آمده ، سازگاری ندارند ، وانگهی بعد از کیفر اول

یهودیان بر

هیچیک از آنان چیره نگشتند . در حالی که پس از مجازات اول یهودیان در صدر

اسلام ، بار دیگر یهودیان بر مسلمانان غلبه کردند ، و خداوند آنها را با اموال و

فرزندان یاری کرد ، و طرفداران آنها را نیز با حمایت ابرقدرت ها بیش از ما قرار داد .

اینک آنها هستند که در زمین فساد نموده ، و بر ما و سایر ملت ها ، برتری طلبی می کنند و این مجاهدان و کفر ستیزان اسلام هستند که ضربات خود را بر پیکر آنها وارد ساخته و چهره آنان را در غم و اندوه فرو می برند .

با بررسی تاریخ یهود بعد از حضرت موسی (علیه السلام) روشن می گردد که فتنه گری و

فسادانگیزی در گذشته و حال یهود وجود داشته ، اما برتری وعده داده شده آنها تنها در زمان ما بوجود آمده است و البته کیفر موعود خداوند نیز در پی آن خواهد آمد .

این مطلب برای تمام کسانی که از تاریخ یهود آگاهی دارند ، کاملاً واضح و آشکار است .

وعده خداوند به تسلط دائم بر یهود

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید :

" آنگاه که پروردگارت اعلام نمود که حتماً تا روز قیامت بر آنان (یهود) کسانی را برخواهد انگیزد که

پیوسته عذابی سخت بر آنها روا دارند ، همانا پروردگار تو زود کیفر و (در عین حال) بسیار آمرزنده و

مهربان است * و آنها (یهود) را روی زمین به صورت گروه هایی پراکنده کردیم ، برخی از آنان نیکوکار و

برخی ناصالحند و آنان را با خوشی و ناخوشی آزمودیم ، شاید که (بسوی حق) باز گردند " (۱) .

معنی دو آیه شریفه این است که خداوند اعلان و مقدر فرموده که در آینده ،

پاورقی -----

1 () اعراف ۱۶۷ - ۱۶۸ .

صفحه : ۶۸

افرادی را بر یهود مسلط می گرداند که تا روز رستاخیز آنان را به عذابی سخت گرفتار

سازد . او خدائی است که به سرعت کیفر می دهد و بسیار آمرزنده و مهربان است .

از جمله مجازاتهای خداوند درباره یهودیان این است که آنها را در زمین پراکنده و دسته دسته می گرداند ، گروهی از آنان نیکوکار و گروهی بدکارند و آنها را با خیر و

شر آزمایش می کند شاید توبه نموده و هدایت شوند .

ما اجرای این وعده الهی در کیفر یهود را ، در تمام دورانهای تاریخی آنان به استثنای دوران حکومت پیامبرانی چون موسی ، یوشع ، داود و سلیمان (علیهم السلام)

مشاهده می کنیم و خداوند همواره اقوام و ملت‌های مختلفی را بر آنها مسلط گردانده که آنان را به عذابی دردناک گرفتار نموده اند .

ممکن است گفته شود که پادشاهان مصر ، بابل ، یونان ، فارس ، روم و دیگران بودند که بر یهودیان تسلط یافته و آنان را مجازات سختی نمودند اما مسلمانان چنان رفتاری با آنها نکرده اند ، بلکه تنها بر نیروهای نظامی آنها پیروز گشتند و سپس زندگی در سایه دولت اسلامی را از آنان پذیرفتند ، تا با برخورداری از آزادی و حفظ

حقوق خود در سایه قوانین اسلامی زندگی کرده و جزیه بپردازد .

اما پاسخ این است که معنی عذاب سخت این نیست که پیوسته آنها را کشته یا آواره و زندانی نمایند ، آن چنانکه بیشتر حکومتهایی که پیش از اسلام بر آنان تسلط یافتند ، اینگونه عمل کردند ، بلکه به این معنی است که آنها از لحاظ نظامی ، سیاسی ، تسلیم آن حکومتی می گردند که خداوند بر آنان مسلط ساخته است . اگرچه مسلمانان در کیفر دادن یهودیان ، از دیگران ملایم تر بودند ، اما همان سیطره

مسلمانان ، مصداق تسلط بر یهودیان ، و کیفر نمودن آنان است .

گاهی نیز گفته می شود : تاریخ یهود تطبیق این وعده خدا را بر آنها گواهی می دهد ولی در یک و یا حداقل نیم قرن اخیر ، کسی که آنان را مجازات و کیفر دهد

صفحه : ۶۹

بر آنان مسلط نشده ، بلکه آنان از سال ۱۹۳۶ میلادی بدترین شکنجه ها را در فلسطین و دیگر مناطق به مسلمانان روا می دارند این قضیه را چگونه می توان تحلیل

نمود؟

پاسخ این است که : این دوره از تاریخ زندگی یهودیان استثناست ، زیرا این همان دوره بازگشت قدرت آنهاست که خداوند در سوره اسراء به آنان وعده فرموده است :

" سپس پیروزی شما را بر کسانی که آنان را علیه شما برانگیختیم برگردانده و به شما اموال و فرزندان عطا

کرده ، و شما را از یارانی بیش از تعداد آنان برخوردار سازیم تا با همکاری شما بر ضد آنها بستیزند " (۱) .

بنابراین ، دوره مذکور خارج از وعده کلی تسلط بر آنهاست تا اینکه وقت کیفر و مجازات دوم بدست مسلمانان فرا رسد .

در این زمینه روایاتی از ائمه (علیهم السلام) رسیده که وعده سرکوب مجدد یهود نیز بدست

مسلمانان انجام می پذیرد ، صاحب مجمع البیان ، در ارتباط با سرکوب یهود در طغیان دوم آنان ، اتفاق نظر مفسران را بیان کرده و می گوید : مراد از آن نزد تمام مفسرین ، امت پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) است ، و همین معنی از امام باقر (علیه السلام)

نقل شده ، وعلی بن ابراهیم قمی ، در تفسیر خود آن را از ابی الجارود ، از امام باقر (علیه السلام) بیان کرده است .

وعده خدا بر فرونشاندن آتش جنگ یهود
خدای متعال در قرآن مجید می فرماید :

" یهودیان گفتند دست خدا بسته است ، دست های خودشان بسته باد . و به سزای
این گفته از رحمت

خدا دور باشند . بلکه دستهای (قدرت) خدا گشوده است و هر گونه بخواهد
انفاق می کند . آنچه از ناحیه

پاورقی -----

1 ((اسراء / ۶ .

صفحه : ۷۰

پروردگار بر تو فرود آمده ، بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان می افزاید و ما میان
آنان تا روز رستاخیز ، کینه و
دشمنی انداختیم ، و هر وقت آتش جنگی را برافروختند ، خداوند آن را خاموش کرد
، آنان در زمین راه فساد

می پیماند و خداوند فساد کنندگان را دوست ندارد " (۱)

این وعده الهی بر فرو نشاندن آتش جنگ هایی است که یهودیان می افروزند .
خواه مستقیماً خود آنان جنگ افروزی نمایند و یا دیگران را به جنگ تحریک کنند
و

این وعده الهی بدلیل لفظ " کَلَّمَا اوقدوا " یعنی " هر وقت آتش افروزی نمایند "

بدون

استثاء است .

تاریخ گذشته و حال یهود گواهی می دهد که آنها همواره در پشت پرده بسیاری از

آشوب ها و جنگ ها حضور داشته اند ، اما خداوند با لطف و عنایت خویش وعده خود را نسبت به مسلمانان و بشریت تحقق بخشیده ، و مکر و حيله يهود را باطل و نقشه هايشان را خنثی و آتش جنگ آنان را فرو نشانده است .

شاید بزرگترین آتش جنگ و آشوبی که آنان علیه مسلمانان و جهانیان برافروخته اند ، همین نبرد فعلی باشد که جهت دامن زدن به آن ، شرق و غرب را تحریک نموده و خودشان در فلسطین بطور مستقیم ، و در اکثر کشورهای جهان بطور غیر مستقیم طرف درگیری اند ، و آنچه باقی مانده وعده خداوند است که با فرو نشاندن این جنگ تحقق می یابد .

از آیه شریفه یاد شده چنین استفاده می شود که دشمنی و درگیری داخلی خود آنها ، یکی از الطاف الهی جهت فرو نشاندن آتش جنگ آنها است :

" و ما میان آنان تا روز قیامت دشمنی و کینه توزی افکنندیم و هرگاه آتش جنگی را برافروختند ، خداوند آن را فرو نشانند . "

پاورقی -----

1 ((مائده / ۶۴ .

صفحه : ۷۱

حال به روایاتی می پردازیم که از نقش يهود در عصر ظهور سخن می گویند :
برخی از روایات عصر ظهور ، مربوط به گرد آمدن يهودیان در فلسطین قبل از

جنگی ست که نابودی آنها را در پی دارد که تفسیری بر این آیه شریفه است: " . .
به .

بنی اسرائیل گفتیم در زمین ساکن شوید و زمانی که وعده آخرت فرا رسد شما را
با همدیگر می آوریم " (۱)

چنانکه در تفسیر نور الثقلین آمده یعنی شما را از هر ناحیه ای گردهم می آوریم .
حدیث دیگر درباره اجتماع و کارزار یهودیان در عکا است ، از پیامبر (صلی الله
علیه وآله) روایت
شده که فرمود :

" آیا شنیده اید نام شهری را که بخشی از آن درون دریاست ؟ عرض کردند : آری ،
فرمود : قیامت به پا

نمی شود مگر آنکه هفتاد هزار تن از فرزندان اسحاق به این شهر یورش برند . " (۲)

و از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

" در مصر منبری را بنا نموده و دمشق را قطعاً تخریب خواهم کرد و یهودیان را از
شهرهای عربی

بیرون می رانم و با عصایم عرب ها را به پیش می برم ، راوی این حدیث (عبایه
اسدی) می گوید : پرسیدم

ای امیر مؤمنان ، شما چگونه ای خبر می دهید که به یقین پس از مردن زنده خواهید
شد ؟ فرمود : هیئات ای

عبایه که متوجه نشدی ! مردی از تبار من یعنی مهدی (علیه السلام) این امر را بر
عهده دارد . " (۳)

روایت این نکته را می فهماند که یهودیان بر بسیاری از شهرهای عرب تسلط و یا در آن حضور مؤثر خواهند داشت . ما پیرامون نبرد حضرت مهدی (علیه السلام) با سفیانی و یهودیان ، در بیان حوادث سرزمین شام ، و حوادث حرکت ظهور ، سخن خواهیم گفت .

----- پاورقی

1 ((إسرائ / ۱۰۴ .

2 ((مستدرک حاکم : ۴ / ۴۷۶ .

3 ((بحار : ۵۳ / ۶۰ .

صفحه : ۷۲

از جمله روایاتی که در ارتباط با یهودیان است ، حدیث کشف معبد توسط آنهاست ، تعبیر " کشف هیکل " (معبد) در شمار نشانه های ظهور آمده ، که ظاهراً

کشف معبد حضرت سلیمان (علیه السلام) است ، از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده که فرمودند :

" ظهور آن حضرت نشانه ها و علاماتی دارد : نخست محاصره کوفه با کمین و پرتاب سنگ ، و ایجاد

شکاف و رخنه در زوایای کوچه های کوفه و تعطیلی مساجد به مدت چهل شب و کشف معبد و به اهتزاز در

آمدن پرچمهایی گرداگرد مسجد بزرگ (مسجد الحرام) است . قاتل و مقتول در این ماجرا ، در آتش اند " (۱)

احتمال دارد که آن معبد ، یک اثر تاریخی غیر از معبد حضرت سلیمان بوده و یا در محل دیگری غیر از قدس باشد ، چون عبارت " کشف معبد " بطور کلی مطرح

شده و نامی از کاشف آن به میان نیامده است .

بخش های اول این روایت نشانگر حالت جنگ در کوفه است که در روایات ، گاهی از آن به عراق یاد می شود ، اما در این جا به معنی همان شهر کوفه و محدوده آن و درهم کوبیدن شهر و ایجاد موانع دفاعی در گوشه و کنار آن است . اما پرچم های گوناگون در اطراف مسجد الحرام ، اشاره به درگیری و کشمکش قبایل بر سر حکومت دارد که اندکی پیش از ظهور حضرت پدید خواهد آمد و در این زمینه روایات فراوانی وارد شده است .

دسته ای دیگر از احادیث ، روایاتی است که به معرفی افرادی می پردازد که خداوند بعد از فسادآفرینی و تکبرجویی یهودیان بر آنان مسلط می گرداند ، که تعدادی از آنها در تفسیر آیات قرآن مجید گذشت ، و برخی دیگر درباره ایران و شخصیت های ایرانی در زمان ظهور است ، مانند حدیث " پرچم های سیاه " که توسط

راویان متعدد نقل شده و در آن چنین آمده است :

----- پاورقی

" درفش های سیاه ، از خراسان ظهور کنند . هیچ چیز قادر به بازگرداندن آنها نیست ، تا سرانجام در قدس برافراشته شوند " .

روایات مربوط به بیرون آوردن تورات اصلی از غاری در انطاکیه و کوهی در شام و فلسطین و دریاچه طبریه ، توسط حضرت مهدی (علیه السلام) و استدلال آن حضرت بر

یهودیان ، بوسیله تورات نیز از جمله همین روایات است .

از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) روایت شده که فرمود :

" تورات و انجیل را از سرزمینی که انطاکیه نامیده می شود بیرون آورد . " (۱)
و نیز از آن بزرگوار نقل شده که فرمودند :

" صندوق مقدس را از غاری در انطاکیه و بخش هایی از تورات را از کوهی در شام بیرون آورده و به

وسیله آن با یهودیان به استدلال پردازد و سرانجام بسیاری از آنها اسلام آورند . " (۲)

همچنین از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود :

" صندوق مقدس از دریاچه طبریه به وسیله او آشکار شود و آن را در حضورش در بیت المقدس قرار

دهند و چون یهودیان آن را مشاهده نمایند ، به جز اندکی بقیه ایمان آورند . " (۳)

(
تابوت سکینه یا صندوق مقدس ، همان است که در فرموده خدای متعال آمده

است :

" پیامبرشان گفت : دلیل و نشانه بر پادشاهی او (طالوت) این است که آن صندوق

(صندوقی که موسی

را در آن به آب افکندند) که در آن سکینه و آرامشی از جانب پروردگارتان و

بازمانده ای از آنچه آل موسی و

آل هارون باقی گذاشته اند ، در حالی که آنرا فرشتگان حمل می کنند به سوی شما

خواهد آمد ، به راستی در آن

نشانه ای (از صداقت حاکمیت طالوت) برای شماست چنانچه مؤمن باشید . " (

۴)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۲۵ / ۵۱ .

2 ((منتخب الأثر ص ۳۰۹ .

3 ((الملاحم والفتن ص ۵۷ .

4 ((بقره / ۲۴۸ .

صفحه : ۷۴

در تفسیر آیه آمده که این صندوق که در آن میراث پیامبران (علیهم السلام) وجود

دارد ،

دلیل و نشانه ای برای بنی اسرائیل است تا بدانند چه کسی شایستگی فرمانروائی

دارد ، از این رو فرشتگان آن را آورده و از میان جمعیت بنی اسرائیل عبور داده و

آنگاه در پیش روی طالوت (علیه السلام) قرار می دهند ، سپس طالوت (علیه السلام) آن را به داوود و او

به سلیمان و او به وصی خود آصف بن برخیا تسلیم می کند ، اما بنی اسرائیل بعد از وصی حضرت سلیمان چون از دیگری اطاعت می کنند آن صندوق را از دست می دهند .

و منظور از جمله " فیسلم کثیر منهم " (بسیاری از آنان ایمان می آورند) و یا " اسلمت

إلا قلیلا منهم " (بجز اندکی از آنان بقیه ایمان می آورند) ممکن است کسانی باشند که

صندوق مقدس را می بینند و یا کسانی که حضرت مهدی (علیه السلام) بوسیله تورات اصلی با

آنان استدلال می نماید و یا افرادی که حضرت آنان را پس از آزاد سازی فلسطین در آنجا باقی می گذارد .

در روایتی دیگر آمده که تعداد سی هزار نفر از یهودیان به حضرت ایمان می آورند که نسبت به کل جمعیت آنان ، رقم اندکی است .

از جمله روایت های مربوط به یهود ، روایت های درگیری حضرت و یارانش با یهودیان است . همچون حدیث بیرون راندن آنان از جزیره العرب توسط حضرت که قبلا گذشت . این اقدام حضرت با پیروزی بر یهودیان و بیرون راندن آنان از فلسطین به پایان می رسد ، علماء شیعه و سنی روایات مربوط به نبرد بزرگ حضرت مهدی (علیه السلام) با سفیانی را نقل کرده اند ، نبردی که از پشتیبانی یهودیان و رومیان

برخوردار است . این نبرد در جبهه ای از انطاکیه تا عکا امتداد دارد ، یعنی در طول ساحل سوریه ، لبنان و فلسطین و از آنجا تا طبرستان ، دمشق و قدس ادامه می یابد .

شکست بزرگ وعده داده شده یهود در آنجا اتفاق می افتد بگونه ای که سنگ و

صفحه : ۷۵

درخت به سخن می آیند که ای مسلمان ! این شخص یهودی است ، او را بکش .
شرح این مطلب در فصل نهضت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) (ارواحنا
فداه) خواهد
آمد .

حدیث دیگر مربوط به نبرد " مرج عکا " است که شاید جزئی از جنگ بزرگ
پیشین باشد ، هر چند احتمال آن هست که جزئی از دومین نبرد حضرت مهدی (علیه السلام)

با غریبها و پشتیبانان یهودی آنها باشد ، که پس از گذشت دو یا سه سال از آزادی
فلسطین و شکست یهودیان و غریبی ها به وقوع می پیوندد .

به گفته روایات ، حضرت مهدی (علیه السلام) پس از آن نبرد ، پیمان صلح و عدم
تجاوزی

را به مدت ۷ یا ۱۰ سال با روم یعنی غریبی ها منعقد می کند که ظاهراً حضرت
عیسی (علیه السلام) میانجی و واسطه آن پیمان است ، اما آنان پس از دو یا سه

سال پیمان

شکنی نموده ، و با هشتاد لشکر که هر یک متشکل از ۱۲ هزار تن می باشد ، به نبرد

می پردازند . در این نبرد بزرگ ، بسیاری از دشمنان خدا به هلاکت می رسند تا جائی

که این نبرد را به کشتار عظیم و ضیافت " مرج عکا " توصیف می کنند ، یعنی ضیافتی که درندگان زمین و پرندگان آسمان از گوشت بدن ستمگران استفاده می کنند .

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" شهر روم را با تکبیر ۷۰ هزار مسلمان می گشاید ، آنان شاهد این کشتار عظیم و خوان گسترده خدا

در مرج عکا خواهند بود . " (۱)

از جمله این روایتها ، احادیث مربوط به موقعیت نظامی شهر عکا در زمان ظهور حضرت است که حضرت ، آنجا را پایگاه دریائی برای فتح اروپا قرار می دهد .

پاورقی -----

1 () (بشاره الاسلام ص ۲۹۷ .

صفحه : ۷۶

در روایات آمده است :

" آن حضرت تعداد چهار صد کشتی را در ساحل عکا تدارک دیده و با یاران

خویش به سرزمین رومیان

روی آورده و آنجا را فتح می نماید " (۱)

ما در فصل حوادث نهضت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ، پیرامون این

حادثه بیشتر

سخن خواهیم گفت .

نگاهی به تاریخ یهود

در این جا نگاهی گذرا می اندازیم بر اوضاع کلی یهودیان از دوران حضرت
موسی (علیه السلام) تا زمان پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه
وآله) . مطالب این بخش با

استناد بر دایره المعارف " کتاب مقدس " از انتشارات " جامعه کنیسه های خاور
نزدیک " و کتاب " تاریخ یهود از زبان تورات " تألیف محمد عزت دروزه ، آورده
شده است .

تاریخ یهود در این مدت به ده دوره تقسیم می شود :

- 1 - دوره حضرت موسی و یوشع (علیهما السلام) ۱۲۷۰ ق . م . ۱۱۳۰ ق . م
- 2 - دوره داوران ۱۱۳۰ ق . م . ۱۰۲۵ ق . م
- 3 - دوره حضرت داود و سلیمان (علیهما السلام) ۱۰۲۵ ق . م . ۹۳۱ ق . م
- 4 - دوره تجزیه و کشمکش های داخلی ۹۳۱ ق . م . ۸۵۹ ق . م
- 5 - دوره تسلط آشوریان ۸۵۹ ق . م . ۶۱۲ ق . م
- 6 - دوره تسلط بابلیها ۵۹۷ ق . م . ۵۳۹ ق . م
- 7 - دوره سلطه ایرانیان ۵۳۹ ق . م . ۳۳۱ ق . م

پاورقی -----

(1) الزام الناصب ص ۲۲۴ .

8 - دوره تسلط یونانیها ۳۳۱ ق . م ۶۴ ق . م

9 - دوران تسلط رومیان ۶۴ ق . م ۶۳۸ م .

10 - دوران تسلط اسلام ۶۳۸ م . ۱۹۲۵ م .

* *

دوران حضرت موسی و یوشع (علیهما السلام)

حضرت موسی (علیه السلام) ، یک صد و بیست سال زندگی کرد ، از این مدت ،

نزدیک به

سی سال در کاخ فرعون مصر ، و ده سال نزد شعیب پیامبر (علیه السلام) در "

قادش برنیع " واقع

در انتهای صحرای سینا از سمت فلسطین نزدیک درّه " عربّه " سپری کرد .

در تورات فعلی ، تعداد افراد بنی اسرائیل (بجز کودکان) که همراه موسی (علیه

السلام)

حرکت کردند ششصد هزار مرد پیاده اعلام شده (۱) . اما برخی تاریخ نگاران

این نظر

را برمی گزینند که خروج آنها از مصر در اوایل قرن سیزدهم قبل از میلاد ، یعنی

حدود سال ۱۲۳۰ ق . م در زمان فرعون " منفتاح " بوده و حضرت موسی (علیه

السلام) نیز در

کوهی نزدیک " قادش " بود و وصی او یوشع بن نون (علیه السلام) وی را در

آنجا دفن و قبرش

را پنهان ساخت . در حالی که حضرت انواع آزار و اذیت را از بنی اسرائیل در زمان حیات و پس از مرگش تحمل نمود !

تورات ، درباره او و هارون (علیهما السلام) می گوید : " خدا به موسی گفت : در این کوه بمیر همانگونه که برادران هارون در کوه هور جان سپرد . زیرا شما دو تن به من خیانت ورزیدید ، و مرا در کنار چشمه صحرای " مریبه قادش " در بیابان سینا تقدیس نکردید . پس برستی تو به سرزمینی که من به بنی اسرائیل عطا کردم داخل نمی شوی " . (۲)

----- پاورقی

- 1 () سفر خروج باب ۱۲ : ۳۷ و سفر عدد ، باب ۳۳ : ۳۶
- 2 () کتاب دوم ، باب ۳۳ : ۵۰ - ۵۳ .

صفحه : ۷۸

و می گویی : " یوشع بن نون وارد آنجا خواهد شد " (۱)

پس از موسی (علیه السلام) رهبری بنی اسرائیل را وصی او یوشع بر عهده گرفت و آنها را به کرانه غربی رود اردن برد و فعالیت خود را از شهر " اریحا " آغاز نمود و ۳۱ شهر از شهرها و آبادی های اطراف را که هر یک دارای روستاهای کشاورزی بودند ، فتح

نمود . ساکنین آن مناطق بت پرستان کنعانی بودند .

یوشع آن منطقه را میان فرزندان بنی اسرائیل که نسبت به یکدیگر حسادت

می‌ورزیدند ، تقسیم نمود . فصل های ۱۵ تا ۱۹ از سفر یوشع ، شهرها و

شهرکهای

منطقه را که طبق برآورد خود ۲۱۶ پارچه بودند ، نام می برد .

یوشع (علیه السلام) حوالی سال ۱۱۳۰ ق . م در سن نزدیک به یک صد و ده

سالگی بدرود

حیات گفت .

دوره داوران و سلطه فرمانروایان محلی

رهبری بنی اسرائیل پس از یوشع (علیه السلام) به داوران و قاضیان انتقال یافت ،

آنها شبیه

خلفاء در میان قبایل قریش بودند و پانزده تن از آنان به فرمانروائی رسیدند .

دوره داوران با دو ویژگی شناخته می شود ، این دو ویژگی را پیوسته در طول

تاریخ با بنی اسرائیل مشاهده می نمائیم :

یکی انحراف آنان از خط پیامبران (علیهم السلام) و دیگری تسلط افرادی از

طرف خداوند

که عذاب دردناکی به آنان بچشانند ، همچنانکه در قرآن بدان اشاره شده است .

در تورات از انحراف بنی اسرائیل بعد از یوشع (علیه السلام) چنین می گوید : " (

آنان) در میان

کنعانیان و حیثی ها و اموریها و فرزیهها و حیوی ها و یبوسیها (۲) ، ساکن شده و

دختران آنها را همسران خود

- 1 () (کتاب دوم ، باب ۱ : ۳۸ .
- 2 () (اینها اقوام منطقه فلسطین بودند .

صفحه : ۷۹

- قرار داده و دختران خود را به پسران آنها داده و خدایان آنها را پرستیدند . " (۱)
- و در فصل دیگر می گوید : " نخستین کسی که بر آنها سلطه یافت و آنها را به مدت هشت سال تحت فرمان خود درآورد " کوشان رشتعایم " فرمانروای آرام در منطقه نهرین بود . " (۲) .
- " آن گاه بنی عمون و عمالقه بر آنها هجوم برده و بر شهر اریحا استیلاء یافتند " (۳)
- " سپس یابین فرمانروای کنعان به مدت ۱۰ سال در حاصور بر آنان مسلط شد " (۴)
- " بعد از آن بنی عموم و فلسطینیان ۱۸ سال آنان را به بردگی خود درآوردند . " (۵)
- (" و پس از آن فلسطینی ها آنها را کیفر نموده و مدت چهل سال بر آنان مسلط گشتند " (۶) .
- فرمانروائی داوران پس از یوشع (علیه السلام) تا زمان صموئیل پیامبر (علیه السلام) ادامه یافت ،
- همان پیامبری که خداوند متعال در قرآن وی را چنین یاد نموده است :

" آیا ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را که پس از موسی از پیامبر خود درخواست کردند که فرمانروائی برای ما برانگیز تا (به سرکردگی او) در راه خدا جهاد کنیم پیامبرشان گفت : " آیا اگر جهاد بر شما فرض شود نافرمانی می کنید ؟ گفتند : چگونه می شود که ما در راه خدا مبارزه نکنیم در حالی که ما و فرزندانمان از دیارمان رانده شده ایم . اما چون جهاد بر آنان مقرر گردید بجز اندکی همه روی گرداندند و خداوند از کردار ظالمان آگاه است . " (۷)

تاریخ نویسان این دوره را حدود یک قرن یعنی از ۱۱۳۰ ق . م تا دوران طالوت و

پاورقی -----

- 1 ((سفر داوران در فصل سوم و پنجم .
- 2 ((باب ۸ : ۳
- 3 ((داوران ، باب ۳ : ۱۳ .
- 4 ((داوران ، باب ۴ : ۲ .
- 5 ((داوران ، باب ۱ : ۸ .
- 6 ((داوران ، باب ۱۳ : ۱ .
- 7 ((بقره ۲۴۶ .

داود (علیهما السلام) یعنی ۱۰۲۵ ق م تخمین می زنند ، ولی از سفر داوران در

تورات مدت این

دوره بیش از این مقدار فهمیده می شود .

دوره داوود و سلیمان (علیهما السلام)

دوران طالوت (شاول) را بخشی از دوران داود و سلیمان (علیهما السلام) قرار

دادیم ، زیرا

او اگرچه پیامبر نبود اما فرمانروائی بود در خط انبیاء . مورخین مدت فرمانروائی

وی

را پانزده سال از ۱۰۲۵ تا ۱۰۱۰ قبل از میلاد ثبت کرده اند . پس از او داود و

سلیمان (علیهما السلام) از سال ۱۰۱۰ ق . م تا ۹۳۱ ق . م یعنی سال وفات

حضرت سلیمان

فرمانروائی کردند .

متأسفانه گردآورندگان تورات موجود ، نسبت به حضرت موسی ، داود و

سلیمان (علیهم السلام) ستم روا داشته و تهمتهای بزرگ اخلاقی ، سیاسی و

اعتقادی به آنان

نسبت داده اند و بسیاری از تاریخ نویسان غربی مسیحی نیز از آنان پیروی نموده و

مطالبی را هم بر گفته های آنان افزوده اند . و متأسفانه مسلمانانی که پیرو فرهنگ

غرب بودند نیز از این گروه تبعیت کرده اند . درود و سلام خدا بر تمام پیام آوران

الهی . ما در پیشگاه خداوند از کسانی که نسبت به آن بزرگواران بهتان روا داشتند

بیزاری می جوئیم .

حضرت داود (علیه السلام) بنی اسرائیل را از ورطه بت پرستی و سلطه بت پرستان

نجات

داد و نفوذ دولت الهی خود را به مناطق مجاور خویش کشید . و با ملت‌هایی که

تحت

فرمانروائی او درآمدند به شایستگی رفتار کرد ، بگونه ای که خداوند متعال این

ویژگی داوود را در کتاب خود و از زبان پیامبرش حضرت محمد (صلی الله علیه

وآله) ستوده است .

حضرت داوود (علیه السلام) تصمیم گرفت در محل عبادت جدش ابراهیم (علیه

السلام) در قدس و

بر بلندای کوه " مرّیا " مسجدی بنا کند اما آنجا خرم‌نگاه یکی از ساکنان قدس از

صفحه : ۸۱

قبیله یبوسها به نام " ارونا " بود بطوری که در تورات فعلی آمده ، داوود (علیه

السلام) آن قطعه

زمین را به پنجاه شاقل نقره خرید ، و مسجدی ساخت و در آن اقامه نماز کرد . در

کنار آن حیواناتی برای خداوند قربانی می شد . " (۱)

حضرت سلیمان وارث سلطنت و فرمانروائی پدر بزرگوارش داوود (علیه السلام)

گردید و

دولت او به همان گستردگی و عظمتی رسید که در قرآن و احادیث رسول گرامی

اسلام (صلی الله علیه وآله) بیان شده است . سلیمان مسجد پدرش داوود و جد

اعلای خود ابراهیم

را به شکل باشکوهی بازسازی کرد . این بنا به معبد سلیمان (علیه السلام)
معروف گشت !

دوره فرمانروائی حضرت سلیمان (علیه السلام) دوره ای استثنائی در تاریخ انبیاء (علیه السلام)

است . خداوند در این دوره نمونه ای از امکانات شگفت آور و متنوع را که می توانست در تسخیر انسانها باشد ظاهر ساخت چرا که ملتها موجودیت سیاسی خود را به رهبری پیامبران خدا و جانشینان آنان بر پا داشتند و توان خود را در طغیان و نبرد علیه یکدیگر بکار نبردند . خداوند در قرآن می فرماید :

" اگر خداوند روزی را بر بندگانش گسترش می داد ، بی تردید در زمین ستم و طغیان می کردند ، اما

خداوند به مقداری که بخواهد ، فرو می فرستد ، و او نسبت به بندگانش آگاه و بیناست " (۲)

حضرت سلیمان (علیه السلام) طبق فرمایش قرآن ، در حالی که بر تخت خود نشسته بود

جان به جان آفرین تسلیم کرد . مورخان وفات او را در سال ۹۳۱ ق . م می دانند .
با

درگذشت حضرت سلیمان انحراف در میان بنی اسرائیل آغاز شد و دولت وی تجزیه گشت . سپس خداوند کسانی را بر بنی اسرائیل مسلط کرد تا آنان را به عذابی

دردناک گرفتار سازد .

----- پاورقی

1 () سفر صموئیل ، اصحاح ۲۴ : ۲۴ و سفر اخبار اول ، اصحاح ۲۱ : ۲۲ ،
۲۸ .

2 () شوری / ۲۷ .

صفحه : ۸۲

تورات فعلی پس از آنکه در سفر اول فرمانروایان ، به سلیمان (علیه السلام) افترا
می بندد که

او دست از بندگی خدا برداشته و به پرستش بتها پرداخت ، می گوید : " و به
سلیمان

گفت : به خاطر آنکه پیمان مرا رعایت نکردی و دستورات مرا پاس نداشتی ، ملک
و مملکت را از دست تو

گرفته و آنرا جزء جزء می گردانم . " (۱)

دوران تجزیه و کشمکش داخلی

اختلاف های داخلی اسرائیلیان تا آنجا پیش رفت که از نیروهای بت پرست باقی
مانده پیرامون خود و نیز از فراعنه و آشوریان و بابلیان علیه یکدیگر یاری گرفتند .
یهودیان پس از درگذشت حضرت سلیمان (علیه السلام) در شکیم (نابلس) گرد
آمده و

بیشتر آنان با " یربعام بن نباط " بیعت کردند . او از دشمنان حضرت سلیمان در
زمان

حیاتش بود و از دست آن حضرت به سوی فرعون مصر گریخته بود . و پس از وفات

سلیمان دوباره بازگشت و مورد استقبال یهودیان قرار گرفت و در ساحل غربی رود اردن دولتی به نام اسرائیل تأسیس کرد و پایتخت آن را شکیم یا سامره قرار داد . و تعداد اندکی از آنان با " رَحَبَام " پسر حضرت سلیمان بیعت نموده و پایتخت خود را قدس قرار دادند و این دولت به نام یهودا معروف گردید .

اما آصف بن برخیا وصی حضرت سلیمان که خداوند او را در قرآن با جمله " عنده علم من الكتاب " (نزد او دانشی از کتاب بود) وصف نموده ، از بنی اسرائیل جز

تکذیب ، بهره ای نبرد .

تورات بیان می کند که کفر و بت پرستی امری آشکار در میان پیروان یربعام بوده و می گوید :

----- پاورقی

1 () سفر اول (فرمانروایان) فصل ۱۱ : ۱ - ۱۳ .

صفحه : ۸۳

" او دو گوساله از طلا ساخته یکی را در قدس و دیگری را در " دان " قرار داد و در کنار آنها حیواناتی را قربانی کرد و به مردم گفت : این ها خدایان شما هستند که از مصر شما را به سوی (شکیم) روانه ساختند ،

بنابراین در پیشگاه آنها قربانی کنید و به طرف اورشلیم بروید . پس مردم خواسته او را پذیرفتند " (۱)

در کنار پرستش گوساله ، یربعام آنان را به پرستش خدایانی دیگر ، از جمله " عشروت " خدای صیدونیاها و " کموش " خدای مؤآبی ها و " مکلوم " خدای عمونی ها ، فرمان داد . (۲)

بعد از سه سال کشور یهودا به همین سرنوشت گرفتار شد و مردم به بت پرستی روی آوردند . (۳)

" شیشق " فرعون مصر فرصت را غنیمت شمرد و در سال ۹۲۶ ق . م به منظور پشتیبانی از یربعام و پایان دادن به دولت پسر حضرت سلیمان و طرفداران وی ، طی هجومی قدس را اشغال نمود " و خزانه های خانه خدا و کاخ فرمانروا و حتی سپرهای زرینی را

که حضرت سلیمان (علیه السلام) ساخته بود با خود به غارت برد " (۴)
ظاهراً شرایط عمومی جامعه ، فرعون مصر را برای تداوم سلطه خود یا سلطه هم پیمانانش یربعام یاری نکرد بنابراین پس از عقب نشینی او ، این کشور کوچک اندکی از موجودیت خود را بازیافت ولی نبردها با یربعام همچنان ادامه یافت .
چنانکه " آرامی ها " نیز از ضعف دو دولت موجود در منطقه استفاده نموده و با هجوم به کشور یهودا پس از به اسارت درآوردن سرانشان ، آنان را به سوی پایتخت

پاورقی -----

- 1 () سفر (فرمانروایان) فصل ۱۲ : ۲۶ - ۳۳ .
- 2 () سفر اخبار فرمانروایان فصل ۱۲ : ۳۱ و سفر دوم فرمانروایان فصل ۱۱ : ۱۳ - ۱۵ و فصل ۱۳ : ۹ .

3 () سفر اول اخبار فرمانروایان فصل ۱۴ : ۲۱ - ۲۴ و سفر دوم فصل ۱۱ :
۱۳ - ۱۷ و فصل ۱۲ .

4 () سفر اخبار فرمانروایان فصل ۱۴ : ۲۵ - ۲۶ .

صفحه : ۸۴

خود دمشق آورده و برای آنها جزیه و مالیات مقرر داشتند . این ماجرا در زمان فرمانروایی آرامی ها یعنی ابن هدد (سال ۸۷۹ - ۸۴۳ ق . م) اتفاق افتاد . (۱) سپس در زمان پادشاهی " آخاب بن عومری " در سالهای ۸۷۴ - ۸۵۳ ق . م بر کشور یربعام جزیه مقرر نموده و آنرا تحت الحمايه خود قرار دادند .

همچنین تورات ، نبرد فلسطینیها با عرب هائی را یادآور می شود که در اطراف " کوشسین " از کشور یهودا در زمان فرمانروائی " یهورام " زندگی می کردند .

آنان

قدس را اشغال نموده و بر اموال موجود در قصر فرمانروا استیلاء یافته و زنان و فرزندان وی را به اسارت درآوردند . (۲)

تورات می گوید که لشکر " آرامی ها " در بیت المقدس به نبرد پرداخته و سران آنجا را هلاک کردند و تمام گنجینه ها را بر گرفته و به حزائیل پادشاه آرامی ها

تقدیم

نمودند . (۳)

همچنین " یوآش " فرمانروای اسرائیل بر کشور یهودا یورش برد و حصار شهر را ویران ساخت و تمام زر و سیم و ظروف موجود در خانه خدا و نیز خزانه های

سلطان را به یغما برد . (۴)

این کشمکش و تسلط کشورهای مجاور بر یهودیان تا زمان اشغالگری آشوریان ،
ادامه داشت !

----- پاورقی -----

- 1 () سفر دوم فرمانروایان فصل ۱۳ : ۳ - ۱۳ .
- 2 () سفر دوم فرمانروایان فصل ۲۱ : ۱۶ . - ۱۷ .
- 3 () سفر دوم فرمانروایان : فصل ۲۴ : ۳ و فصل ۱۲ - ۱۷ - ۱۸ .
- 4 () سفر دوم فرمانروایان فصل ۱۴ : ۱۱ - ۱۴ و فصل ۲۵ : ۲۱ - ۲۴ .

صفحه : ۸۵

دوره استیلای آشوریان

سلطه آشوری ها بر یهود ، با هجوم شَلْمَنْصَرِ سوم فرمانروای آشوریان در سالهای
859 ق . م تا ۸۲۴ ق . م به کشور آرامی ها و قلمرو اسرائیل آغاز گردید . بگونه
ای که

تمام منطقه ، تحت فرمان او و فرمانروایان آشوری پس از او درآمد . به نظر می رسد
که در آن زمان کشور یهودا ، بر خلاف کشور اسرائیل هوادار آشوریان بود . زیرا به
گفته تورات فرمانروای یهودا " آحاز بن یوثام " از فرمانروای آشور " تَغْلثَ فَلَاسِرْ "
خواست که دست به حمله ای علیه کشور اسرائیل و آرامی ها بزند . او این
درخواست را پذیرفت و در سال ۷۳۲ ق . م دست به حمله زد . و جانشین او
شَلْمَنْصَرِ پنجم نیز کار او را دنبال کرد ، اما هنگام محاصره شکیم (نابلس) یعنی

پایتخت اسرائیل ، درگذشت و جانشین وی " سرجون دوم " اشغال نابلس را به

پایان

برد و بر آن تسلط یافت . آشوریان در حمله بر اسرائیل اخراج یهودیان از آن مکان را مطرح و " تغلث فلاسر " تمامی آنان را اسیر و به سرزمین خود بازگرداند و

آشوریان

را جایگزین آنها نمود . (۱)

پس از او " سلطان فَحَّحْ " به تکمیل آن نقشه پرداخت و بسیاری از بنی اسرائیل از

جمله افراد شاخه " منسی " را به اسارت گرفت . (۲)

سرجون دوم ، نزدیک به سی هزار تن از یهودیان را به سوی حران و کرانه خابور و

میدیا کوچ داد ، و آرامی ها را جایگزین آنان نمود . (۳)

در دوران فرمانروائی حزقیا که ظاهراً می کوشید با مصری ها ارتباط برقرار کند ،

پاورقی -----

1 () سفر دوم اخبار فرمانروایان ، فصل ۱۵ : ۲۹ .

2 () سفر اخبار روزها ، فصل ۵ : ۲۹ .

3 () سفر دوم فرمانروایان ، فصل ۱۷ : ۵ و ۶ و ۱۸ .

صفحه : ۸۶

کشور یهودا از سلطه آشوریهها خارج گردید . اما " سنحاریب " فرمانروای آشور از

این

ماجرا به خشم آمد و در حدود سال ۷۰۱ ق. م برای تسلط بر کشور یهودا، دست
به

حمله زد و قدس را به تصرف خود درآورد و بر منطقه مسلط شد. و " حزقیا " تمام
نقره های موجود در خانه خدا و خزانه های قصر فرمانروا را به وی تسلیم کرد. " (۱)

این آخرین هجوم آشوریان برای سیطره بر یهودا بود .

تورات فعلی علاوه بر پادشاهان قبلی آشور ، از اسرحدون ، و آشور بانینال
آخرین فرمانروای آنها یاد کرده و می گوید : این دو ، اقوامی را از آشور کوچانده و
در

سامره (نابلس) اسکان دادند . (۲)

دوران استیلای بابلیان

نینوا ، پایتخت آشوریان ، در سال ۶۱۲ ق . م بدست مادها و بابلی ها (کلدانیها)
سقوط کرد و سرزمین آنها توسط این دو نیروی جدید تقسیم شد . عراق و منطقه
شام و فلسطین نصیب بابلیان شد . بخت النصر مشهورترین فرمانروای آنان ، برای
سیطره بر سرزمین شام و فلسطین دو بار ، به آنها حمله کرد ابتدا در سال ۵۹۷ ق .
م و

سپس به سال ۵۸۶ ق . م .

او در نخستین هجوم ، قدس را محاصره و فتح کرده و خزانه های قصر فرمانروا را
از آن خود نمود ، و شمار زیادی از یهودیان از جمله سلطان " یهوئاکین " و
مدافعان او

را به اسارت درآورد ، و صدقیا عموی یهوئاکین را بر باقیمانده یهودیان گماشت و

اسیران را در منطقه نیبور نزدیک رود خابور در بابل اسکان داد . (۳)

پاورقی -----

1 () سفر اخبار فرمانروایان ، فصل ۱۸ : ۱۳ - ۱۵ .

2 () سفر عزرا ، فصل ۴ : ۱۰ .

3 () سفر دوم اخبار فرمانروایان ، فصل ۲۴ : ۱ - ۶ .

صفحه : ۸۷

علت حمله دوم ، کشمکش میان بخت النصر و فرعون مصر برای نفوذ در منطقه فلسطین بود ، فرعون فرمانروایان شام و فلسطین و از جمله صدقیاً فرمانروای قدس را بر هم پیمانی با خود و علیه بابلیان تشویق کرد . آنان نیز پذیرفتند . او حمله خود را

به منطقه آغاز کرد ، اما بخت النصر به سرعت دست به هجومی دیگر زد که منجر به

شکست مصریان و تصرف تمام منطقه گردید . لشکر بابلیان وارد قدس شدند و معبد

سلیمان را به آتش کشیده و ویران کردند و خزانه های آن را به غارت بردند . خانه بزرگان یهود را نیز چنین کرده و قریب به ۵۰ هزار تن از یهودیان را به اسارت گرفتند

و فرزندان صدقیاً را پیش روی او سر بریده و چشمهایش را از حدقه بیرون آوردند و سپس همراه با اسیران بردند ، و بدین گونه کشور یهودا را منقرض ساختند . (۱)

دوران استیلای ایرانیان

کوروش فرمانروای ایران ، در سال ۵۳۹ ق . م سرزمین بابل را اشغال و حکومت آن را سرنگون کرد و با حمله به منطقه شام و فلسطین آنجا را نیز فتح نمود و به اسرای بخت النصر و یهودیانی که در بابل بسر می بردند اجازه بازگشت به قدس و بازسازی معبد را صادر کرد و گنجهای معبد را به آنان بازگرداند و " زر بابل " را بعنوان فرمانروای آنان برگزید . (۲)

حاکم یهودی منصوب کوروش ، بازسازی معبد سلیمان را آغاز نمود ، اما اقوام مجاور از این کار ، به هراس افتاده و به کمبوجیه جانشین کوروش شکایت کردند ،

وی دستور داد از ادامه ساخت معبد جلوگیری شود ، اما مجدداً " دارای اول " ،

پاورقی -----

1 () سفر دوم فرمانروایان ، فصل ۲۴ : ۱۷ - ۲۰ و ۲۵ و سفر دوم اخبار ،

فصل ۳۶ : ۱۱ - ۲۱ و سفر

ارمیا ، فصل ۳۹ : ۱ - ۴ .

2 () کتاب عزرا ، باب ۶ : ۳ - ۷ و باب ۱ : ۷ - ۱۱ .

صفحه : ۸۸

اجازه تکمیل بنا را صادر کرد و ساختمان معبد در سال ۵۱۵ ق . م به اتمام رسید .
(۱)

سلطه ایرانی ها بر یهودیان از سال ۵۳۹ ق . م تا ۳۳۱ ق . م ادامه یافت . در این

مدت ، کوروش ، کمبوجیه ، داریوش اول (دارا) ، خشایارشا ، و اردشیر (که
معاصر

عزیر پیامبر (علیه السلام) بود) و سپس داریوش دوم و اردشیر دوم و سوم قدرت
را بدست
گرفتند .

داریوش سوم آخرین فرمانروای ایرانی بود که بدست اسکندر مقدونی از پای
درآمد . در تورات فعلی پیرامون بسیاری از این فرمانروایان سخن گفته شده است .
دوران استیلای یونانی ها

اسکندر مقدونی به مصر و منطقه شام و فلسطین لشکر کشی کرد و آن مناطق را
فتح نمود . او هواداران ایرانی و قدرتهای محلی را که رو در روی وی ایستاده بودند
در هم شکست و وارد قدس گردید و آنجا را که کاملاً تحت فرمان خود درآورد .
سپس بسوی ایران رفت و در جنگی که در " اربیل " شمال عراق رخ داد ،
داریوش سوم و لشکر او را نابود کرد و ایران را فتح نمود . بدین وسیله یهودیان از
سال ۳۳۱ ق . م تحت سیطره یونانی ها درآمدند .

پس از مرگ اسکندر ، بین فرماندهان ارتش ، بر سر امپراطوری بزرگ او کشمکش
و اختلاف شد . پس از این اختلاف که بیست سال به طول انجامید ، بطالسه
(منسوب به بطلمیوس) در مصر ، بر بیشتر بخش های آن ، استیلا یافتند و سلوکی
ها

(منسوب به سلوکوس) در سوریه بر بخش هائی دیگر از آن مسلط شدند .

سرانجام

قدس در سال ۳۱۲ ق . م تحت سیطره بطلمیوسیان قرار گرفت . سپس انتیوکوس ،

صفحه : ۸۹

سلوکی سوم ، در سال ۱۹۸ ق . م قدس را از تصرف آنان خارج کرد اما بار دیگر بطالسه بر قدس غلبه کرده و تا فتح روم ، یعنی سال ۶۴ ق . م در آنجا ماندند . تورات فعلی شش تن از بطالسه را به نام بطلمیوس اول و دوم . . . تا آخر یاد کرده و می گوید : بطلمیوس اول روز شنبه داخل اورشلیم شد و شماری از یهودیان را دستگیر و به مصر روانه کرد . (۱)

همچنین پنج تن از سلوکیها به نام های " انتیوکوس " اول و دوم . . . تا آخر را یاد نموده و می گوید : چهارمین آنها به سال ۱۷۵ ق . م تا ۱۶۳ ق . م ، به قدس لشکرکشی

کرد و تمام اشیاء گرانبهای معبد را به غارت برد و پس از دو سال ضربه بزرگی به قدس وارد کرد و آنچه داشت به یغما برد و خانه ها و دیوارهای آن را ویران ساخت و زنان و کودکان را به اسارت درآورد و مجسمه خدای خود زفس (زئوس) را در معبد نصب و یهودیان را به پرستش آن فرمان داد ، که عده بسیاری پذیرفتند . این در

حالی بود که در اثر جنبش یهودیان مکابی ، در سال ۱۶۸ ق . م ، برخی از آنان به مخفیگاه ها و غارها پناه برده بودند . (۲)

این جنبش ، که یهودیان به آن افتخار می کنند ، شباهت زیادی به جنگ گروهها و

دسته هایی دارد که یهودیان معتقد ، علیه یونانیان بت پرست برپا کردند و در دوران مختلف پیروزی های محدودی بدست آوردند ، جنبش مذکور تا سلطه رومیان همچنان ادامه یافت .

----- پاورقی

1 ((کتاب دانیال ، باب ۱۱ : ۵ .

2 ((کتاب مکابیان ، باب ۱ : ۴۱ - ۵۳ .

صفحه : ۹۰

دوره استیلای رومیان

بومی ، فرمانروای روم ابتدا در سال ۶۴ ق . م با اشغال سوریه ، آن را به امپراطوری روم ملحق نمود و در سال دوم ، قدس را تصرف کرد و آن را تابع فرمانروای رومی سوریه قرار داد .
در انجیل متی آمده است : در سال ۳۹ ق . م قیصر روم ، " اگوست هیرودیس ادومی " را فرمانروای یهودیان قرار داد و بنای معبد سلیمان را به شکل وسیع و زیبا

بازسازی کرد و در سال ۴ ق . م درگذشت . (۱)

به گفته انجیل ، پسر او " هیرودیس دوم " از سال ۴ ق . م تا سال ۳۹ م ،

فرمانروایی

کرد و حضرت مسیح (علیه السلام) در زمان او دیده به جهان گشود و او بود که

یحیی بن

زکریا (علیهما السلام) را به قتل رساند و سر او را بر طبقی زرین ، برای سالومه یکی از افراد

بد کاره بنی اسرائیل هدیه فرستاد . (۲)

انجیل ها و تاریخ نویسان ، آشفتگی ها و آشوب هایی که در عهد نرون به سالهای 68 - 54 م در قدس و فلسطین به وقوع پیوسته و ماجراهایی که میان یهودیان و

رومی ها و میان خود یهودیها اتفاق افتاده را بیان می کنند . " فسبسیان " قیصر روم در ،

سال ۷۰ م فرزند خود " تیطس " را به عنوان فرمانروای منطقه منصوب کرد . او به قدس یورش برد ، یهودیان در آنجا تحصن کردند تا آنکه آذوقه شان تمام شد و ضعیف گردیدند ، تیتوس دیوار شهر را خراب کرد و آن را به اشغال خود درآورد و با

کشتن هزاران یهودی ، خانه های آنها را ویران و معبد را درهم کوبیده و آنرا به آتش

کشید و بگونه ای آن را از بین برد که مردم حتی جای آن را نیافتند . او باقیمانده مردم

را به روم فرستاد .

پاورقی -----

1 () انجیل متی ، ص ۲ .

2 () انجیل مُرقس : ۶ / ۱۶ - ۲۸ .

مسعودی تاریخ نگار معروف می گوید (۱) : در این حمله شمار کشته های

یهودیان

و مسیحیان به سه هزار هزار یعنی سه میلیون تن رسید که ظاهراً در این رقم مبالغه وجود دارد .

پس از این حوادث ، رومیان با یهودی ها شدت عمل بیشتری نشان دادند و اوج آن ، زمانی بود که کنستانتین و قیصرهای پس از وی ، آئین خود را بر اساس اعتقاد به

مسیحیت بنا نهاده و یهودیان را مورد آزار و اذیت قرار دادند و از همین رو یهودیان ،

جنگ کسری با رومیان و شکست روم را در سال ۶۲۰ م یعنی دوران ظهور پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) ، مژده دادند و یهودیان حجاز خوشحال شده و برای مسلمانان آرزوی

پیروزی کردند ، پس خداوند آیه ای بر پیامبر نازل کرد که می فرماید :

" الف ، لام ، میم ، رومیان مغلوب شدند در نزدیکترین سرزمین (به حجاز) و آنان پس از مغلوب

شدنشان بزودی غالب می گردند ، در چند سال آینده . فرجام کار در گذشته و آینده از آن خداست و آنروز

ایمان آورندگان شاد می گردند . خدا هر کسی را بخواهد یاری می کند و اوست غالب و مهربان " (۲)

به گفته مورخان ، پس از پیروزی ایرانیان ، یهودی ها ، شمار زیادی از اسرای

مسیحی رومی را که بالغ بر ۹۰ هزار نفر می شدند از ایرانیان ، خریداری کرده و آنها را

سر بریدند !

پس از چند سال که هراکلیوس بر ایرانیان پیروز شد ، یهودیان را مجازات و باقیمانده آنها را از قدس اخراج و این شهر را بر یهودیان ممنوع ورود کرد . به

همین

علت رومیان با عمر بن خطاب شرط کردند که هیچ یهودی در قدس اقامت نکند .
عمر پذیرفت و آن را در عهد نامه صلح نوشت (۳) .

----- پاورقی

1 ((التنبيه والإشراف ص ۱۱۰ .

2 ((روم : ۱ - ۵ .

3 ((تاریخ طبری : ۳ / ۱۰۵ .

صفحه : ۹۲

این واقعه در سال ۶۳۸ م یعنی سال ۱۷ هجری اتفاق افتاد و قدس و فلسطین از آن پس جزء دولت اسلامی محسوب شد و این وضعیت تا سال ۱۳۴۳ ه ق ۱۹۲۵ م ، یعنی وقتی که حکومت عثمانی به دست غربی ها سقوط کرد ، ادامه داشت .

* *

این نگاه گذرا به تاریخ یهود ، امور متعددی را برای ما روشن می کند از جمله تفسیر آیات سوره اسراء پیرامون یهودیان که فرمود " شما دو بار در زمین فساد

می کنید " یکی از این دو فساد مربوط به پیش از بعثت پیامبر (صلی الله علیه وآله)
و دیگری مربوط به

پس از آن است و این تنها تقسیم بندی مناسب ، درباره تبهکاری های فراوان یهود
است که سراسر تاریخ آنان را پوشانده است .

مراد از این جمله خداوند که می فرماید : " بندگان از خود را که پر صلابت
هستند علیه شما (یهودیان) برانگیزیم " (۱) مسلمانان هستند ، چرا که خداوند
در

صدر اسلام مسلمانان را بر آنان مسلط ساخت . بگونه ای که درون خانه های آنها
به

جستجویشان پرداخته و سرانجام وارد مسجد الاقصی شدند .

اما وقتی مسلمانان از اسلام فاصله گرفتند ، خداوند قدرت یهود را به آنها
بازگرداند و آنان را به وسیله اموال و فرزندان یاری رساند و طرفداران آنها را بیش از
ما قرار داد .

اما بار دیگر در نهضت زمینه ساز حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) و
حرکت ظهور آن

بزرگوار ، خداوند ، مسلمانان را بر آنها مسلط خواهد ساخت . ما در تاریخ ، غیر از
مسلمانان قومی را نمی یابیم که خداوند ، ابتدا آنها را بر یهود چیره ساخته ، سپس
یهود را بر آنها مسلط کرده باشد .

----- پاورقی

اما برتری جوئی یهودیان ، بر ملتها که در روایت از آن خبر داده شده ، تنها یک بار اتفاق می افتد نه دو بار ، که آنهم همزمان با دومین فتنه گری یهود و یا نتیجه آن است .

این برتری طلبی را در هیچ دوره ای از تاریخ یهود بجز دوره پس از جنگ جهانی دوم نمی توان دید .

پس امروز ، به حکم صریح قرآن ، یهودیان در مرحله دوم تبهکاری و برتری جوئی بزرگ خود هستند . و ما در آغاز سلطه الهی خویش بر یهود و رسوا شدن چهره کریه آنان قرار داریم . تا زمانی که خداوند ، فتح و پیروزی را به ما عنایت نموده و قبل از ظهور حضرت و یا همراه آن حضرت ، همچون نیاکان خود ، وارد مسجد اقصی شویم و برتری جوئی آنها را در جهان درهم کوبیده و ریشه کن سازیم .

اما این سخن خداوند که فرمود : " امید است خداوند بر شما رحم کند و اگر بازگردید باز می گردیم و ما جهنم را برای کافران زندان قرار دادیم . " (۱) دلالت دارد که پس از نابودی

اسرائیل بسیاری از یهودیان باقی می مانند و حضرت ، کسانی را که اسلام نمی آورند

از سرزمین های عربی اخراج می کند و طبق روایات ، آنها دوباره دست به تبهکاری

می زنند که منجر به حرکت دجال یک چشم می شود . این بار حضرت مهدی (علیه السلام) و

مسلمانان به زندگی بسیاری از آنان خاتمه می دهند و خداوند دوزخ را برای آنان حصار قرار می دهد و مسلمانان نیز در این دنیا با بازداشت آنان ، از تبهکاریشان جلوگیری می کنند .

* *

----- پایورقی

1 ((اسراء / ۸ .

صفحه : ۹۴

صفحه : ۹۵

نقش عرب ها در دوران ظهور

روایات بسیاری در مورد اوضاع و احوال عرب ها و حاکمانشان در زمان ظهور و نهضت قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) به دست ما رسیده است که در

اینجا

فهرستوار به این روایتها اشاره می کنیم :

1 - احادیثی که از تشکیل حکومتی در یمن خبر می دهند که زمینه ساز ظهور آن حضرت می گردد . در احادیث از این حرکت ستایش شده ، و ما بطور جداگانه

آنها را

مورد بررسی قرار خواهیم داد .

2 - روایات جنبش مصریان است که از این روایات ، تأیید جنبش مذکور استفاده می شود ، بویژه روایاتی که می گویند برخی از یاران حضرت و معاونان برگزیده ایشان از کشور مصرند و نیز روایاتی که مصر را بعنوان منبر و سخنگاه حضرت مهدی (علیه السلام) یعنی مرکز نشر اندیشه و تبلیغات جهان اسلام معرفی می کند ، این روایات

می گویند که حضرت وارد مصر شده و بر فراز منبر سخنرانی می کند .

از همین رو ، ممکن است جنبش مصریان در شمار حرکت‌های زمینه ساز ظهور حضرت و بخشی از نهضت ظهور به حساب آید . توضیح آن جداگانه خواهد آمد .

3 - روایات مربوط به " گروه‌های اهل عراق " و " نیکان و بزرگان اهل شام " است

که در بخش یاران حضرت مهدی (علیه السلام) به آن خواهیم پرداخت .

صفحه : ۹۶

4 - روایات مربوط به غربی هاست که از نقش نیروهای نظامی غرب در مصر ، سوریه ، اردن و عراق در مقاطع مختلف سخن می گوید . این روایات با روایت های

مربوط به حرکت فاطمیون مخلوط شده است و از این احادیث ، نکوهش نیروهای مذکور استفاده می شود .

همچنین در منابع شیعه و سنی روایاتی در نکوهش فرمانروایان عرب به شکل

کلی آمده است ، از جمله این روایت که به صورت مستفیض (۱) بدست ما

رسیده

است :

" وای بر عرب ها و یا وای بر طاغیان عرب ها از شری که بزودی گریبان گیر آنان خواهد شد . "

و از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

" به خدا سوگند گویا می بینم که مردم بین رکن و مقام (۲) با او با کتابی نوین بیعت می کنند ، در حالی که

این امر بر عرب گران است ، وای بر سرکشان عرب از شری که بزودی دامنگیر آنان خواهد شد " (۳) و در

کتاب مستدرک حاکم چنین آمده است : " وای بر عرب ها از شری که بزودی دچار آن

می شوند . " (۴)

مراد از کتاب نوین ، قرآن است که متروک می شود و حضرت دوباره حیاتی نو به آن می بخشد . از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده که فرمود :

" چون قائم قیام نماید ، مردم را از نو به اسلام دعوت کند و آنان را به امری که متروک مانده و عموم

پاورقی -----

(1) () روایت مستفیض روایتی است که سلسله اسناد راویان آن تا رسیدن به

معصوم (علیه السلام) بیش از سه

گروه باشند .

2 () منظور از رکن یکی از چهار زاویه خانه خدا و منظور از مقام ، مقام

ابراهیم در مسجد الحرام

است . مترجم

3 () بحار : ۱۱ / ۵۲ .

4 () مستدرک حاکم : ۴ / ۲۳۹ .

صفحه : ۹۷

مردم از آن جدا شده و به گمراهی رفته اند رهنما شود . او را مهدی نامیده اند زیرا

مردم را به سوی امری گم

شده هدایت کند و قائم نامیده اند ، چرا که قیام به حق نماید . " (۱)

دلیل سختی و دشواری اسلام بر حاکمان و بسیاری از مردم آن است که آنها

فاصله زیادی از حقیقت اسلام پیدا می کنند و بازگشت به قرآن و اسلام راستین و

بیعت با حضرت مهدی (علیه السلام) و عمل به احکام اسلام برای آنان دشوار

است . و شاید

منظور از کتاب جدید ، همین قرآن ، به ترتیب جدید سوره ها و آیاتش باشد . در

روایت آمده است که نسخه قرآن یاد شده ، همراه با میراث باز مانده از پیامبر (

صلی الله علیه وآله) و

سایر انبیاء (علیهم السلام) نزد حضرت مهدی (علیه السلام) محفوظ است که به

املاء رسول الله (صلی الله علیه وآله) و خط

علی (علیه السلام) است و هیچ اختلافی با قرآنی که در دسترس ماست ندارد ،
حتی یک

حرف . فقط در ترتیب سوره ها و آیات متفاوت است و جدید بودن قرآن با توجه به
این دو معنی (یعنی یا ترتیب سوره ها و آیات و یا اجرای دستورات فراموش شده
قرآن) صحیح است .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" وای بر گردنکشان عرب از شری که نزدیک است . گفتم فدایت شوم : چه
تعدادی از میان عرب ها با

حضرت قائم خواهند بود ؟ فرمود : تعدادی اندک ، گفتم : به خدا سوگند از میان
عرب ها کسانی که از قیام قائم

توصیف می کنند ، بسیارند ، فرمود : البته مردم باید امتحان شوند و از یکدیگر جدا
و غربال گردند و بسیاری
از غربال امتحان می گذرند . " (۲)

5 - روایاتی بیانگر اختلاف عرب ها در زمان ظهور است که منجر به نبرد میان
برخی از آنان می شود . از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

پاورقی -----

1 ((ارشاد مفید ص ۳۶۴ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۴ .

" قائم قیام نکند مگر در حالی که ترسی شدید و فتنه و بلائی عظیم بر مردم فرا
رسد و قبل از آن گرفتار

طاعون شوند ، آنگاه شمشیر برنده میان عرب ها حاکم گردد و اختلاف میان مردم
و پراکندگی در دین و

دگرگونی در حال آنان بوجود آید به گونه ای که مردم با مشاهده درنده خوئی
برخی نسبت به برخی دیگر ،

صبح و شام آرزوی مرگ کنند . " (۱)

روایت های دیگری از این دست وجود دارد که جملگی بیانگر آن است که
عرب ها از عقاید و ارزشهای خود فاصله می گیرند و هر صاحب اندیشه ای ،
دیگران

را به تبعیت از اندیشه خود فرا می خواند . و این به نوعی هرج و مرج فکری در
میان

مردم منتهی می گردد .

همچنین روایاتی بیانگر آنند که همه عرب ها بجز انقلابیون یمن و حرکت های
اسلامی زمینه ساز ظهور ، با عجم یعنی ایرانیان ، یا با فرماندهان آنها اختلاف پیدا
می کنند و این اختلاف تا ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ادامه می یابد .
دسته ای دیگر از احادیث ، بیانگر نبرد حضرت مهدی (علیه السلام) با عرب
هاست ، در

این روایات جنگ حضرت با اندک باقیمانده های رژیم حجاز ، بعد از آزاد سازی
مکه و مدینه و چه بسا هنگام آزاد سازی آن صورت می گیرد . سپس نبردهای

متعدد

آن حضرت با سفیانی در عراق و جنگ بزرگ امام (علیه السلام) با سفیانی در فلسطین به وقوع

می پیوندد .

در برخی از روایات آمده که آن حضرت با شورشیان مخالف خود در عراق مبارزه می کند و خون هفتاد قبیله را مباح می شمارد .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده :

" وقتی قائم ظهور کند ، میان او و عرب ها و قریش چیزی جز شمشیر (حاکم) نخواهد بود . " (۲)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۱ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۵۵ .

صفحه : ۹۹

از جمله روایات مربوط به این موضوع احادیث فرو رفتن زمین و زمین لرزه در جزیره العرب ، شام ، بغداد ، بابل و بصره و پدیدار شدن آتش در حجاز یا در شرق حجاز است که سه یا هفت روز ادامه می یابد . مجموعه این حوادث از نشانه های ظهور حضرت به حساب می آیند .

* *

صفحه : ۱۰۰

سرزمین شام و جنبش سفیانی

شام و سرزمین آن ، در منابع تاریخ اسلام و حدیث شامل سوریه و لبنان فعلی است . به لبنان ، بیابان شام و جبل لبنان نیز می گویند . همچنین شام ، کشور اردن و

چه بسا فلسطین را نیز دربرگیرد . هر چند به تمام این مناطق ، سرزمین های شام و فلسطین گفته می شود . اما شام ، در عین حال به دمشق پایتخت سرزمین شام نیز گفته می شود .

روایات مربوط به سرزمین شام و حوادث و شخصیت های آن در عصر ظهور فراوان است و محور اساسی این روایات جنبش سفیانی است که بر سرزمین شام مسلط می شود و آن را بطور یکپارچه تحت فرمان خود درمی آورد ، لشکر سفیانی ،

نزدیک ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و در زمان ظهور ، نقش مؤثری دارد ، زیرا سفیانی

پس از تصفیه دشمنان خود در شام ، دست به نبرد بزرگی با ترک ها در قرقیسیا (۱)

می زند و سپس وارد عراق می گردد . سفیانی در حوادث حجاز نیز نقش داشته و می کوشد به منظور از بین بردن قیام حضرت مهدی (علیه السلام) نیروهای خود را به یاری

فرمانروای حجاز گسیل دارد ، تا اینکه معجزه موعود یعنی فرو رفتن لشکر سفیانی

1 () (قرقیسیا منطقه ای بین مرزهای سوریه ، ترکیه و عراق و معروف به خابور است .

صفحه : ۱۰۲

در زمین ، نزدیک مدینه و در مسیر مکه به وقوع می پیوندد .
بزرگترین جنگ سفیانی ، نبرد فتح فلسطین با حضرت مهدی (علیه السلام) است
که در این

نبرد یهودیان و رومیان ، سفیانی را پشتیبانی می کنند . این نبرد با شکست و کشته
شدن سفیانی به پایان می رسد و حضرت با فتح فلسطین وارد قدس شریف می گردد .

ما این حوادث را با شرحی اندک بیان می کنیم :

حوادث شام پیش از خروج سفیانی

ارائه تصویری از حوادث جنبش سفیانی از آغاز تا پایان و شکست او در نبرد
آزادی قدس از احادیث ، کار نسبتاً آسانی است ولی در مقابل ، شفاف کردن
حوادث قبل از سفیانی ، کار دشواری است ، زیرا احادیث مربوط به آن ، غالباً به
اختصار بیان شده و روایات در بیان ترتیب حوادث پس و پیش است . اما نتیجه همه
آنها را می توان چنین بیان کرد :

1 - پدید آمدن فتنه ای برای همه مسلمانان و استیلای روم و ترک (یعنی غربیها و
روسها) بر آنان .

2 - بوجود آمدن فتنه خاصی در سرزمین شام که باعث اختلاف ، ضعف و

تنگناهای اقتصادی می گردد .

- 3 - کشمکش و درگیری بین دو گروه اصلی قدرتمند در شام .
- 4 - زلزله دمشق و ویرانی سمت غربی مسجد شهر و بعضی از گوشه های آن .
- 5 - درگیری سه نفر از سران ، بر سر قدرت در شام (أبقع ، اصهب و سفیانی) و چیره شدن سفیانی بر آن دو و استیلای وی بر سوریه و اردن و یکپارچه شدن منطقه تحت فرمان او .
- ۵ - ورود نیروهای بیگانه به سرزمین شام .

صفحه : ۱۰۳

اما ظهور مردی یمانی که در روایت ها وعده داده شده ، همزمان با خروج سفیانی یا نزدیک به آن است ، و خواهیم گفت که خروج مردی خراسانی (رهبر ایرانی ها) نیز به همین ترتیب خواهد بود .

فتنه سرزمین شام

روایات ، فتنه ویژه ای را در سرزمین شام یادآوری می کنند که قبل از خروج سفیانی اتفاق می افتد . این فتنه همان فتنه عمومی غربی و شرقی است که مسلمانان گرفتار آن می شوند و قبلا درباره اش سخن گفتیم .

از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت شده است که فرمود :

" دیری نپاید که به مردم شام ، دینار و پیمانہ ای نرسد ، پرسیدیم این امر از طرف کیست ؟ فرمود : از جانب رومیان . آنگاه اندکی سکوت کرد ، سپس فرمود : در آخر الزمان خلیفه ای آید که به مردم اموال بسیار

کمی دهد که به حساب نیاید " (۱)

باعث این فشار اقتصادی ، مالی و غذائی ، رومیان یعنی همان غربی ها هستند .
از جابر جعفی نقل شده است که از امام باقر (علیه السلام) درباره این گفته خدای
سبحان

سؤال شد که فرموده است " ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع ونقص من
الأموال والأَنْفُس

والثمرات وبشر الصابرين " (۲) (براستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس ،
گرسنگی و کاهش مال ،

جان و میوه ها مورد آزمایش قرار می دهیم . صبر پیشگان را بشارت ده) . حضرت
فرمود :

گرسنگی بر دو گونه است : عام و خاص . گرسنگی خاص در کوفه است که
خداوند آن را ویژه دشمنان

آل محمد گرداند و آنان را هلاک سازد . اما گرسنگی عام در شام خواهد بود و آن
گرسنگی و ترسی است که

تا آن زمان هرگز بدان گرفتار نشده اند ، گرسنگی ، قبل از قیام قائم و وحشت و
اضطراب ، بعد از قیام آن

پاورقی -----

1 ((بحار : ۹۲ / ۵۱ .

2 ((بقره / ۱۵۵ .

حضرت خواهد بود . " (۱)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" پیش از ظهور قائم ، بطور حتم سالی فرا رسد که مردم در آن دچار قحطی و ترس شدید از کشته

شدن و کمبود اموال و میوه ها گردند و این مطلب در قرآن به روشنی دیده می شود ،
آنگاه این آیه را تلاوت

فرمود : " براستی ما شما را با چیزهایی همچون ترس ، گرسنگی ، کاهش مال ،
جان و میوه ها مورد آزمایش

قرار می دهیم و صبر پیشگان را بشارت ده " (۲)

پدیدار شدن فشار اقتصادی در سال ظهور ، با این سخن که این وضع مدتی قبل
از ظهور وجود داشته و سپس در سال ظهور شدیدتر گشته و آنگاه ظهور به وقوع
بپیوندد ، منافاتی ندارد .

اما فتنه سرزمین شام بر اساس روایات ، دورانی طولانی دارد و هر گاه تصور شود
که رو به پایان است ، استمرار می یابد . " مردم از آن ، راه فرار می جویند اما نمی
یابند " (۳) .

طبق روایات این فتنه داخل تمام خانه های مردم عرب و مسلمان خواهد شد و " هر
گاه آن را از سوئی اصلاح کنند از سوی دیگر گسیخته شود و یا از جانب دیگر
آشوب برخیزد " (۴) .

پاره ای از روایات نیز این حوادث را " فتنه فلسطین " می نامند ، چنانکه قبلا از
نسخه خطی ابن حماد برمی آمد . (۵)

----- پاورقی

- 1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۹ .
- 2 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۹ .
- 3 ((بحار : ۵۲ / ۲۹۸ .
- 4 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹ و ۱۰ .
- 5 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۶۳ .

صفحه : ۱۰۵

زمین لرزه ای در شهرهای شام

برخی روایات محل وقوع زلزله و حتی زمان آن را مشخص می سازند و بیانگر آنند که این حادثه ، هنگام اختلاف دو گروه بر سر قدرت اتفاق خواهد افتاد . احادیث از این حادثه با کلماتی همچون " تکان شدید ، فرو رفتن و زلزله " یاد کرده اند . مانند روایتی که از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " وقتی دو گروه نظامی در شام اختلاف کنند ، نشانه ای از نشانه های الهی آشکار شود ، پرسیدند : ای

امیر مؤمنان آن نشانه چیست ؟ فرمود : زمین لرزه ای در شام که صد هزار نفر در اثر آن هلاک گردند و

خداوند آن را رحمتی برای مؤمنان و عذابی برای کافران قرار دهد . در آن هنگام ، نظاره گر سوارانی با

اسب های سفید و درفشهای زرد باشید که از مغرب زمین روی آورند تا وارد شام شوند . این حوادث با

مصیبت بزرگ و مرگ سرخ همراه شود . پس بنگرید فرو رفتن روستائی از دمشق را
که به آن حرستا گویند .

آنگاه فرزند جگرخوار (سفیانی) از سرزمین خشکیده خروج کرده و بر منبر
دمشق قرار گیرد ، پس از آن در

انتظار خروج مهدی (علیه السلام) باشید . " (۱)

منظور از " اسبهای سفید " : اسبهای ابلق غربی هاست که گوشهای آنها بریده شده
و

وسیله سواری آنهاست .

و مقصود از پسر جگرخوار : یعنی فرزند هند ، زن ابو سفیان است ، زیرا سفیانی

از فرزندان معاویه است . و " سرزمین خشکیده " همان منطقه حوران نزدیک
اذرعان

(درعا) است که در مرز سوریه و اردن قرار دارد .

کشمکش بر سر قدرت بین اصعب و ابقع

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" در آن سال همه سرزمین های اسلامی که در سمت غرب قرار دارند ، دچار
اختلاف شدید شوند ،

-----پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۵۳ .

نخستین سرزمینی که ویران شود شام است . در آنجا سه گروه یعنی طرفداران

اصهب ، ابقع ، و سفیانی ، با

یکدیگر اختلاف کنند " (۱)

به نظر می رسد که فرمانده ابقع ، در پایتخت قرار دارد . (ابقع کسی است که

پوست بدنش سیاه و سفید باشد) چون روایات دلالت دارند که قیام اصهب از

خارج پایتخت یا مرکز آغاز می شود . هیچیک از این دو فرمانده نمی توانند بر

دیگری پیروزی قاطعی بدست آورند . سفیانی از این فرصت استفاده کرده و از

خارج پایتخت دست به یورش می زند و هر دو نفر را تار و مار می کند .

احتمالاً اصهب غیر مسلمان است زیرا برخی از روایات او را با صفت " علیج "

معرفی کرده اند . و این تعبیر معمولاً درباره سربازان کافر بکار می رود .

از سوی دیگر مروانی ، که در منابع معتبری همچون کتاب غیبت نعمانی از او یاد

شده ، همان ابقع است و رقیب سفیانی محسوب نمی گردد .

اما از روایاتی که ابقع و اصهب را نکوهش کرده اند چنین برمی آید که مواضع

سیاسی آنان مخالف اسلام و طرفدار دشمنان دین و کفارند .

بنابراین ، معنی اختلاف و درگیری دو گروه نظامی در سرزمین شام که در روایات

آمده ، همان اختلاف دو زمامدار بر سر زمامداری منطقه است . در روایتی که قبلاً

از

امام باقر (علیه السلام) نقل شد ، حضرت به جابر جعفی فرمود :

" پیوسته بر جای خود باش و بی حرکت بمان تا علامتهایی که بر تو بیان می کنم

مشاهده کنی : اختلاف

بین خاندان فلانی و ندای آسمانی و صدائی که از ناحیه دمشق بیاید که مژده بخش
ظهور است و فرو رفتن
آبادی ای از شام که آن را جابیه نامند . و روی آوردن هواداران ترکها برای ماندن
در جزیره (موصل) و مستقر
شدن سرکشان روم در رمله . در آن سال در تمام سرزمین های اسلامی که در ناحیه
غرب واقع شده اند ،

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۲ .

صفحه : ۱۰۷

اختلاف بسیار شود ، نخستین سرزمینی که نابود گردد شام است که میان سه لشکر
أصهب ، أبقع و سفیانی
اختلاف شود " .

مراد از اختلاف بین خاندان فلانی ، چنانکه در مبحث حرکت ظهور گفتیم ،
کشمکش بین اعضاء خاندان حاکم بر حجاز یا غیر آن است که مقدمه ظهور
حضرت

مهدی (علیه السلام) است .

و صدایی که از ناحیه دمشق می آید ، احتمالاً صدایی است که آغازگر
فتنه هاست نه آن صدای آسمانی موعود که در ماه رمضان شنیده خواهد شد .
در روایتی دیگر چنین آمده است :

"شورش‌یانی از جانب ترک‌ها دست به طغیان می‌زنند و در پی آن فتنه روم اتفاق می‌افتد." (۱)

منظور از شورش‌یانی ترک شاید خود ترک‌ها و یا اقوام دیگری مانند روس‌ها باشند که از سمت ترک‌ها می‌آیند .

حالا به روایتی می‌پردازیم که درباره سه گروهی است که در شام با یکدیگر اختلاف می‌کنند . این گروه‌ها لشکریان حسنی ، اموی و قیسی‌اند که سفیانی آنها را

شکست می‌دهد . چنانکه در بحار از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" ای سدیر ! از خانه ات جدا نشو همچون گلیم فرش شده بر آن آرام باش ، مادام که شب و روز آرام

است ، پس همین که فهمیدی سفیانی خروج کرد بسوی ما بیا و لو با پای پیاده .
گفتم : فدایت شوم آیا پیش از آن ، حادثه ای خواهد بود ؟ فرمود : آری . و با سه انگشت دست خود به

شام اشاره نمود و فرمود : سه درفش (لشکر) حسنی ، اموی و قیسی با هم اختلاف کنند . وقتی سفیانی

خروج کند ، آنها را چنان درو کند که نظیرش را ندیده ام " .

قبول این روایت کمی مشکل است ، زیرا با روایات بسیاری که گروه‌های سه گانه

پاورقی -----

را ابقع ، اصهب و سفیانی می داند ، در تعارض است بعلاوه مرحوم کلینی این روایت را فقط تا " ولو با پای پیاده " نقل کرده و احتمال دارد قسمت آخر ، اضافه یا

تفسیر بعضی راویان باشد که با اصل روایت آمیخته شده است . (۱)

جنبش سفیانی

سفیانی از چهره های اصلی در نهضت حضرت مهدی (علیه السلام) است . او دشمن

سرسخت و رو در روی حضرت است . هرچند که امام (علیه السلام) در حقیقت با نیروهائی

که از سفیانی پشتیبانی می کنند روبروست ، همچنانکه بیان خواهد شد . روایات با صراحت می گویند که خروج سفیانی از وعده های حتمی خداوند است .

در همین رابطه از امام زین العابدین (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " ظهور قائم و خروج سفیانی از امور حتمی خداوند است و قائم ظهور نمی کند مگر پس از آمدن

سفیانی " (۲)

روایاتی که با الفاظ مختلف بیانگر خروج سفیانی ست فراوانند و تعدادی از آنها از الفاظ و تعابیر یکسانی برخوردارند . اینک ما به ویژگیهای شخصیت و جنبش او می پردازیم ، سپس روایات پیرامون سفیانی را مورد بررسی قرار می دهیم .

اسم و نسب سفیانی

دانشمندان اسلامی اتفاق نظر دارند که نامگذاری او به " سفیانی " بخاطر نسبت او با ابوسفیان است چرا که وی از تبار ابو سفیان است ، همچنانکه به او فرزند زن

پاورقی -----

1 ((کافی : ۲۶۴ / ۸ .

2 ((بحار : ۱۸۲ / ۵۳ .

صفحه : ۱۰۹

جگرخوار نیز گفته می شود که اشاره به جد مادری او ، هند ، زن ابو سفیان دارد که

در جنگ احد ، پس از شهادت حمزه سید الشهداء ، تلاش کرد تا جگر او را به دندان
بکشد .

از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" فرزند جگرخوار از وادی یابس (بیابان خشک) خروج کند . او مردی است
میان قامت ، بد قیافه ، دارای

سری بزرگ ، با صورتی آبله گون ، وقتی او را بینی پنداری که یک چشم دارد ،
نامش عثمان و پدرش عینه

(عنبسه) و از فرزندان ابو سفیان است . او وارد سرزمینی آرام با آب گوارا شود و
بر منبر آن قرار گیرد " (۱)

ابو سفیان پنج پسر داشت : عتبه ، معاویه ، یزید ، عنبسه و حنظله . در حدیثی ،

سفیانی از فرزندان عتبه معرفی شده است . (۲) در یکی از نامه های امیر مؤمنان (علیه السلام) به

معاویه ، بطور صریح آمده که سفیانی از فرزندان معاویه است . متن نامه چنین است :

" ای معاویه ، مردی از فرزندان تو خواهد آمد که شوم ، ملعون ، سبک سر ، خشن ، بد دل ، سختگیر و

عصبانی است و خداوند مهر و عطوفت را از قلب او برده ، دائی های او (همچون) سگ خون آشام اند . گویا او

را می بینم و اگر می خواستم او را نام می بردم و اوصافش را بیان می کردم و سن او را می گفتم . او لشکری به

سوی مدینه گسیل می دارد . آنها بیش از اندازه دست به کشتار و فحشاء می زنند ، در این حال مردی پاک و

پرهیزکار از چنگ آنها فرار می کند ، همان کسی که زمین را از عدل و داد سرشار خواهد ساخت همانگونه که

از ظلم و ستم لبریز شده است و من نام او را می دانم و می دانم که در آن روز چند ساله است و نشانه اش

چیست . "

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود :

" سفیانی از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابو سفیان است " (۳)

-----پاورقی

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۳ .

3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵ .

صفحه : ۱۱۰

در هر حال جد او عنبسه یا عتبه یا عیینه یا یزید است که جملگی از نسل معاویه بن ابی سفیان اند و در این صورت جائی برای اشتباه و خطا باقی نمی ماند .

بین علمای سنی ، مشهور است که نام وی عبد الله است و در نسخه خطی ابن حماد ص ۷۴ نامش عبدالله پسر یزید است و نیز در روایتی از منابع ما نام او عبدالله آمده است (۱) ولی همچنانکه گفتیم ، مشهورترین نام او ، عثمان است .

مواضع سفیانی در برابر اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان راویان حدیث ، در نفاق ، بد رفتاری و دشمنی او با خدا ، پیامبر (صلی الله علیه وآله) و حضرت (و حضرت مهدی (علیه السلام) اتفاق نظر دارند و روایاتی که در منابع شیعه و سنی درباره شخصیت و کردار او نقل شده یکسان یا نزدیک به هم است . از ابی قبیل روایت شده است که گفت :

" سفیانی بدترین فرمانرواست ، دانشمندان و اهل فضل را می کشد و از وجود آنها برای مقاصد خود استفاده می کند . هر کس سرباز زند به قتل می رسد " (۲)

و درجائی دیگر می گوید :

" سفیانی تا شش ماه کسانی را که نافرمانی کنند می کشد . با ارّه سر می برد و در
دیگها می پزد " (۳)

و از ابن عباس روایت شده است که گفت :

" سفیانی خروج کند و دست به کشتار زند او شکم زنان را بدرد و اطفال را در
دیگ های بزرگ

بجوشاند . " (۴)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۰۸ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۷۶ .

3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۸۰ .

4 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ .

صفحه : ۱۱۱

" اگر سفیانی را ببینی ، پلیدترین انسان را دیده ای . او دارای رنگی بور و سرخ و
بسیار کینه ای است ،

هرگز سر به بندگی خدا فرو نیاورده و مکه و مدینه را ندیده است می گوید :

پروردگارا انتقام من با آتش

است . " (۱)

طبق روایات ، کینه او نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) ، از بارزترین ویژگیهای اوست ،

بلکه از روایات چنین برمی آید که نقش سیاسی او ایجاد فتنه مذهبی میان مسلمانان و تحریک اهل تسنن علیه شیعیان تحت شعار یاری سنی ها است . در حالی که او مزدور زمامداران کفر غربی و یهودیان است .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

" ما و ابو سفیان دو خاندانیم که دشمنی ما بر سر خداست . ما گفتیم خداوند راست گفت و آنها گفتند خدا

دروغ گفت . ابو سفیان به جنگ پیامبر برخاست و معاویه فرزند ابو سفیان به جنگ علی بن ابی طالب رفت و

یزید پسر معاویه به نبرد با حسین بن علی (علیه السلام) پرداخت و سفیانی به مصاف با قائم (علیه السلام) برخیزد " (۲)

همچنین نقل شده که فرمود :

" گویا من سفیانی (یا رفیق او) را می بینم که در زمینهای سرسبز شما در کوفه اقامت گزیده و منادی او

ندا می دهد ، هر کس سر یک تن از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم پاداش اوست ، در این هنگام همسایه

بر همسایه حمله برده و می گوید این شخص از شیعیان است . پس گردن او را می زند و هزار درهم جایزه

می گیرد ، آگاه باشید که در آن روز ، فرمانروائی شما بدست حرامزادگان خواهد افتاد . و گویا هم اینک "

شخص نقابدار " را می بینم . پرسیدم : شخص نقابدار کیست ؟ فرمود : مردی است
از شما که سخن شما را

می گوید ، نقاب می پوشد ، شما را گرد آورده و می شناسد اما شما او را نمی
شناسید و مردان شما را یکایک با

عیب جوئی بدنام می کند ، آگاه باشید که او زنازاده ای بیش نیست . " (۳)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۳۵۴ / ۵۲ .

2 ((بحار : ۱۹۰ / ۵۲ .

3 ((بحار : ۲۱۵ / ۵۲ .

صفحه : ۱۱۲

ما در لبنان ، نمونه هایی از این نقابداران را که مزدور یهودیانتند ، دیده ایم که به
مناطق مسلمان نشینی که تحت نفوذ آنهاست وارد شده و در حالی که چهره های
سیاه

خود را زیر ماسکهای سیاه رنگ یا رنگهای دیگر مخفی نموده اند مؤمنان را

شناسائی

و به همدستان خود معرفی و آنها را به قتل رسانده ، یا دستگیر و زندانی می کنند .

و سفیانی دست آموز آنهاست و نقابداران وی از نوع نقابداران همین گروه هایند .

در روایت دیگری آمده است :

" سواران سفیانی به جستجوی اهل خراسان می آیند و شیعیان آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) را در کوفه می کشند ،

آنگاه اهل خراسان در جستجوی حضرت مهدی (علیه السلام) بیرون می آیند " (۱) .

برخی از روایات رنگ پرچم سفیانی را سرخ عنوان کرده اند که نشانه سیاست خونین او است ، همچنانکه از امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" برای آن نشانه هایی است . . . خروج سفیانی با پرچم سرخ ، که فرمانده اش مردی از قبیله " بنی کلب " است " . (۲)

خط و مشی سیاسی و فرهنگ سفیانی

روایات ، نشان می دهند که سفیانی دارای فرهنگ و آموزش غربی است و چه بسا بزرگ شده همانجا باشد . در کتاب " غیبت " شیخ طوسی از بشر بن غالب بصورت مرسل (۳) روایت شده که گفت :

" سفیانی در حالی که نصرانی شده ، صلیب بر گردن ، از سرزمین رومیان می آید . او رئیس گروه

است . " (۴)

پاورقی -----

1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۸۲ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۳ .

3 ((روایت مرسل به روایتی گفته می شود که سند آن ذکر نشده باشد .

4 ((غیبت طوسی ص ۲۷۸ .

یعنی او در اصل مسلمان بوده ، سپس مسیحی شده و از سرزمین غرب وارد شام گشته و حرکت خود را آغاز می کند .

خط و مشی سیاسی او به غرب و یهودیان گرایش دارد و با حضرت که دشمن غربی هاست به نبرد می پردازد و با ترکان یا هواداران ترکها که احتمالاً روسها هستند

وارد جنگ می شود . سفیانی در حین نبرد با حضرت ، از دمشق به رمله فلسطین جایی که شورشیان رومی در آنجا فرود می آیند ، پناه می برد .

و آشکار است که او بعنوان خط مقدم دفاع از یهودیان و رومی ها وارد پیکار با حضرت مهدی (علیه السلام) می شود . روایات از شکست یهودیان که با

شکست سفیانی

ایجاد خواهد شد سخن گفته اند .

نشانه دیگر گرایش وی به غربی ها این است که باقیمانده نیروهای سفیانی ، پس از شکست و کشته شدن او به سوی غرب می گریزند ، آنگاه یاران امام مهدی (

علیه السلام) آنها

را بازگردانده و به قتل می رسانند .

از ابن خلیل ازدی ، روایت شده است که گفت : از ابو جعفر (امام باقر) علیه

السلام) شنیدم که

درباره این آیه شریفه که می گوید : (وقتی آنان عذاب ما را احساس کردند به ناگاه

از آن

گریختند . (به آنان گفته شود) فرار نکنید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و به سوی خانه هایتان

بازگردید . شاید از شما سؤال شود (۱) " فرمود : " وقتی قائم قیام کند و سپاهی بسوی بنی امیه به شام

گسیل دارد ، آنان به سوی روم (غرب) گریزند رومیان به آنها گویند : ما ، شما را به سرزمین خود راه ندهیم

مگر اینکه به آئین مسیحیت درآئید ، آنگاه صلیب به گردن خود آویزند و رومیان آنان را بپذیرند . وقتی یاران

قائم (علیه السلام) به قصد نبرد با رومیان ، رویاروی آنان فرود آیند ، رومیان از آنها درخواست امان و صلح کنند اما

یاران قائم گویند : امان ندهیم مگر افرادی که از ما نزد شماست به ما برگردانید . سپس رومیان آنها را به

پاورقی -----

1 () انبیاء / ۱۲ - ۱۳ .

صفحه : ۱۱۴

یاران قائم (علیه السلام) باز گردانند و این است معنی فرموده خداوند : " فرار نکنید و به سوی آنچه در آن متنعم بودید و به سوی خانه هایتان بازگردید . شاید مورد سؤال واقع شوید " سپس فرمود : او (حضرت) از آنها از

گنج ها سؤال کند . در حالی که بهتر از هر کس از آنها آگاه است ، آنها این آیه را می خوانند : " وای بر ما که

سخت ستمکار بودیم ، پیوسته این گفتارشان بود تا آن که ما همه را طعمه درو شده بی جان ساختیم ، با

شمشیر " . (۱)

و معنی این جمله که " هنگامی که یاران قائم رویاروی آنان قرار گیرند ، آنها امان طلبند " این

است که یاران حضرت ، نیروهای خود را در مقابل رومیان آماده می کنند و آنان را مورد تهدید قرار می دهند و مراد از بنی امیه یاران سفیانی است که در روایات دیگر بدان تصریح شده است .

ظاهراً غربی ها مشاوران و فرماندهان سپاه سفیانی اند که دارای موقعیت سیاسی خوبی هستند ، از این رو ماجرا تا آنجا کشیده می شود که حضرت مهدی (علیه السلام) و

یارانش ، رومیان را در صورت تسلیم نکردن این افراد ، تهدید به جنگ می کنند . تلاش سفیانی برای مذهبی جلوه دادن جنبش خود

با توجه به گسترش و عظمت آئین اسلام قبل از ظهور حضرت و با توجه به اینکه جنبش سفیانی در حقیقت یک طرح غربی - یهودی برای مواجهه با آئین اسلام است ، تلاش سفیانی برای مذهبی جلوه دادن جنبش خود ، امری طبیعی است .

هر پژوهشگری که روایات مربوط به سفیانی را بررسی نماید ، نشانه های این تلاش سفیانی را مشاهده می کند . از جمله عبارتی که می گوید : " سفیانی در اثر عبادت ،

بسیار زرد رنگ بنظر می رسد " (۲) از این عبارت چنین برمی آید که او خود را
به ظاهر

پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۷۷ و آیه مذکور : انبیاء / ۱۵ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵ .

صفحه : ۱۱۵

متدین نشان می دهد و البته طبق روایات این حالت تنها در آغاز جنبش او دیده
می شود .

ممکن است این رفتار دو گانه سفیانی که گاهی با ژستهای اسلامی و گاهی با
ظاهری مسیحی و صلیب بر گردن ظاهر می شود سؤال برانگیز باشد ولی با رفتاری
که از سیاستمداران مزدور غرب سراغ داریم این سؤال ، پاسخ داده می شود چرا که
برخی از آنها به گونه ای با مسیحیان زندگی می کنند که نمی توان میان آنها و

مسیحیان

فرق گذاشت ، این مزدوران چنان به مسیحیان نزدیک می گردند که صلیب زرین به
گردن یا به ساعت خود می آویزند و هنگام مراسم در کلیسا حضور می یابند . تا
اینکه

او را فرمانروای مسلمانان گردانند . سپس با تظاهر به نماز و دیانت ، مسلمانان را
فریب می دهند .

در روایتی که قبلا مطرح کردیم آمده بود که سفیانی اهل فضل و دانش را می کشد

و برای نیل به مقاصد خود ، از آنها یاری می خواهد و هر کس سرباز زند ، به قتل می رساند . (۱) روایت مذکور حاکی از این است که وی به شدت مایل است که به

جنبش و حکومت خود رنگ اسلامی و شرعی بدهد ، از این رو علماء را بر مشروع دانستن حرکت خود و ادار می سازد و شاید عبارت " یفنیهم یعنی آنان را نابود می سازد " بجای کلمه " یفتتهم یعنی آنان را گرفتار می کند " اشتباه ذکر شده باشد .

مراحل گوناگون جنبش سفیانی

بر پایه احادیث ، جنبش سفیانی ، حرکتی سریع و خشن است ، زیرا اوضاع جهانی به خاطر کشمکش بین ابرقدرتها تا سر حد جنگ ، وخیم می شود و سرزمین

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۷۶ .

صفحه : ۱۱۶

شام که فتنه فلسطین آن را " همچون آب درون مشک " متزلزل ساخته ، گرفتار رنج و

افسردگی می گردد .

از همین رو ، غربیها در صدد انتخاب زمامداری مقتدر برمی آیند تا بتواند مناطق اطراف اسرائیل را برای سلطه این کشور ، تحت فرمان درآورد و بتوانند نقش مؤثری در دفاع از اسرائیل و غرب ، برعهده گیرد . به همین جهت غربی ها دست او را در

جنگ عراق و اشغال آن باز می گذارند همچنانکه دست او را در یاری به حکومت ضعیف حجاز و درهم شکستن جنبش نوینی که نهضت امام مهدی (علیه السلام) در مکه

مکرّمه ایجاد می کند ، باز می گذارند .

این نکات ، که در روایات مربوط به جنبش سفیانی بدان اشاره شده بیانگر آن است که سفیانی برای موفقیت خود نیاز به سرعت عمل و خشونت شدید دارد . از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" سفیانی از نشانه های حتمی ظهور است . خروج او از آغاز تا انجام ، پانزده ماه طول می کشد ، شش ماه

کارزار می کند ، همینکه بر پنج شهر تسلط یافت نه ماه فرمانروائی می کند بی آنکه یک روز بر آن افزوده شود " (۱)

آن پنج شهر عبارتند از : دمشق ، اردن ، حمص ، حلب و قنسرین که مراکز فرمانروائی منطقه ، سوریه ، اردن و لبنان است . روایات بر وجود اردن میان آنها تصریح می کنند ، اما لبنان که جزئی از سرزمین شام و تابع پنج شهر بحساب می آید ،

بعید نیست که در قلمرو حکومت سفیانی قرار گیرد . ولی برخی روایات ، گروههایی

را از سیطره سفیانی جدا کرده اند چرا که آنان ملازمان حق اند و خداوند آنها را از شرّ

همراهی با سفیانی حفظ می کند . ممکن است مردم لبنان از آن دسته باشند .

صفحه : ۱۱۷

بعضی روایات زمان جنبش وی را در ماه رجب می دانند ، از امام صادق (علیه

السلام)

روایت شده است که فرمود :

" از نشانه های حتمی ظهور ، خروج سفیانی در ماه رجب است " . (۱)

این حوادث نشان می دهد که خروج سفیانی شش ماه قبل از ظهور حضرت

مهدی (علیه السلام) است . چرا که حضرت در شب یا روز دهم محرم همان سال

(سال خروج

سفیانی) در مکه ظهور خواهد کرد . همچنین معلوم می شود که تسلط سفیانی بر

منطقه شام و لشکرکشی به عراق و حجاز ، قبل از ظهور و با انگیزه پیروزی بر

یاران

امام و نهضت او انجام می پذیرد .

بنابراین جنبش سفیانی در سه مرحله به اجرا درمی آید . نخست : مرحله تثبیت

سلطه وی در شش ماهه اول ، سپس هجوم و پیکار او در عراق و حجاز . و سر

انجام

عقب نشینی از توسعه طلبی در عراق و حجاز و دفاع در برابر سپاه حضرت

مهدی (علیه السلام) ، جهت حفظ باقیمانده حکومتش در سرزمین شام ، اسرائیل و قدس .

روایات مربوط به سفیانی ، جنگ های شش ماهه اول وی را به اختصار ترسیم می کنند ، جنگ های داخلی او با اصبه و ابقع و سپس با نیروهای اسلامی و غیر اسلامی مخالف خود ، تا تسلط او بر سرزمین شام .

ولی با توجه به نوع جنبش او ، طبیعی است که این شش ماه ، مملو از عملیات متراکم نظامی خواهد بود تا بتواند سیطره خود را استوار و نیروهای زیادی را برای نبردهای گسترده نه ماه آینده تجهیز و آماده نماید . و ممکن است سفیانی در کنار جنگهای مهم شش ماهه اول خود ، علاوه بر ابقع و اصبه با فرمانروایان اردن و لبنان و دیگر نیروهای مخالف درگیری هایی داشته باشد .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۲۴۹ / ۵۲ .

صفحه : ۱۱۸

روایتی ، به شدت جنگ های سفیانی با ابقع و اصبه اشاره می کند و آن را موجب نابودی شام می داند . از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " از نشانه های ظهور ، فرو رفتن یک آبادی به نام جابیه از روستاهای شام ، فرود آمدن ترک ها در

جزیره و رومیها در رمله و درگیری های فراوان در سراسر زمین است تا آنکه شام ویران گردد " و در

روایتی آمده است : " نخستین سرزمینی که ویران شود شام است ، علت ویرانی شام ، اجتماع

طرفداران سه پرچم (نیرو) در آنجاست ، نیروهای اصبهب ، ابقع و سفیانی . " (۱)

اما خرابی دمشق که در کلام امیر مؤمنان (علیه السلام) بدان اشاره شد که فرمود :

" دمشق را

قطعاً تخریب خواهم کرد . . آن را مردی از خاندان من انجام خواهد داد " ظاهراً ویرانی ای است که

در نبرد بزرگ آزادسازی قدس اتفاق می افتد . نبردی که میان امام مهدی (علیه السلام) با

سفیانی ، یهودیان و رومی ها به وقوع می پیوندد .

اما سفیانی در نه ماهه پایانی حکومت خود ، دست به نبردهای بزرگی می زند که مهمترین آنها با ترک ها و هوادارانشان در قرقیسیا و سپس نبردهای او در عراق با ایرانی ها است که زمینه سازان ظهوراند . طبق برخی روایات یمنی ها نیز با ایرانیان همراهی می کنند .

ممکن است سفیانی در مدینه منوره نیز دارای نیروهایی باشد که در کنار نیروهای حکومت حجاز در نبردی که احتمالاً توسط حضرت مهدی (علیه السلام) برای

آزادی مدینه انجام می پذیرد وارد پیکار شوند .

سفیانی پس از شکست در عراق و حجاز ، به شام و فلسطین بازمی گردد تا در بزرگترین نبرد خود با حضرت مهدی یعنی نبرد بزرگ فتح قدس به مصاف بپردازد .

صفحه : ۱۱۹

آغاز جنبش سفیانی

تقریباً همه روایات در اینکه سفیانی جنبش خود را از خارج دمشق از منطقه حوران یا درعا در مرز سوریه و اردن آغاز می کند ، متفقند ، البته روایات ، منطقه خروج وی را " وادی یابس و اسود " (دره خشک و سیاه) می نامند .

از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

" پسر (هند) جگرخوار از وادی یابس (دره خشک) خروج کند . او مردی است میان قامت ، با چهره ای ترسناک ، سری بزرگ و صورتی آبله گون ، به قیافه اش که بنگری ، یک چشم به نظر می رسد ، نامش عثمان و نام پدرش عنسبه (عینه) و از فرزندان ابو سفیان است . . تا اینکه به سرزمینی آرام که دارای آبی گواراست می رسد ، آنگاه بر منبر آنجا قرار می گیرد . " (۱)

البته سرزمین آرام با آب گوارا که در قرآن آمده ، به دمشق تفسیر شده است .

در نسخه خطی ابن حماد از محمد بن جعفر بن علی نقل شده که گفت :

" سفیانی از فرزندان خالد پسر یزید پسر ابو سفیان است ، مردی با سری درشت و چهره ای آبله گون ،

در چشمش نقطه ای سفید پیدااست ، او از سمت دمشق که وادی یابس (دره

خشک) نامیده می شود ، با هفت

نفر که یکی از آنها در فشی آماده اهتزاز با خود دارد ، خروج می کند . " (۲)

و در ص ۷۴ همین کتاب آمده است که " آغاز حرکت او از قریه ای در غرب شام

به نام اندرا

همراه با ۷ نفر است " و در صفحه ۷۹ از قول " ارطاة بن منذر " آمده که گفت :

" مردی بد

سیما و ملعون از مندرون در شرق بیسان در حالی که بر شتری سرخ سوار و تاجی بر

سر نهاده ، خروج

می کند " .

قابل توجه است که ابن حماد و دیگران روایات متعددی از قول تابعین آورده اند

پاورقی -----

1 ((بحار : ۲۰۵ / ۵۲ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵ .

صفحه : ۱۲۰

ولی آنها را به پیامبر (صلی الله علیه وآله) یا اهل بیت (علیهم السلام) نسبت نداده

اند ، این روایات درباره سفیانی

و آغاز جنبش او مطالبی بیان کرده اند که شبیه افسانه هاست . مانند اینکه : " او در

عالم

خواب دیده می شود به او می گویند برخیز و قیام کن ، وی سه چوب نی در دست دارد ، به هر کس که آنها را

بزند مرگ او حتمی است . " (۱)

این روایات از افکار بنی امیه متأثر شده که در شخصیت و نقش سفیانی مبالغه کرده و می خواستند به او شخصیتی الهی بدهند .

ولی صرف نظر از روایات مبالغه آمیز ، روایات دیگر ، جنبش او راسریع می دانند ، شدت یورش وی نزد راویان شیعه امری شناخته شده است ، بطوری که یکی از راویان ، درباره اینکه شیعیان هنگام خروج سفیانی چه باید بکنند از امام صادق (علیه السلام)

سؤال می کند .

از حسین بن ابی العلاء حضرمی چنین روایت شده که گفت :

" از ابو عبدالله (امام صادق) (علیه السلام) پرسیدم : وقتی سفیانی خروج کند ما چه کنیم ؟ حضرت فرمود : مردان

چهره خود را از او پنهان سازند ، بر زنان و فرزندان مشکلی نیست . پس چون بر پنج شهر ، یعنی شهرهای

شام مسلط شد ، شما به سوی ولی امر خود (حضرت مهدی) (علیه السلام) کوچ کنید . " (۲)

بنظر می رسد که سرسخت ترین رقبای سفیانی ابقع و هوادارانش باشند و مراد از بنی مروان در روایت ابن حماد نیز همین ها هستند آنجا که می گوید :

" بر مروانی چیره شده و او را به قتل رساند ، سپس تا سه ماه به کشتار بنی مروان پردازد ، آنگاه روی به

اهل مشرق (ایرانیان) آورد تا این که وارد کوفه شود " (۳)

پاورقی -----

1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۷۵ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۲ .

3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۷۷ .

صفحه : ۱۲۱

برخی روایات نشانگر این معنی است که شیعیان منطقه شام هنگام خروج سفیانی ، از دشمنان عمده وی شمرده نمی شوند ، بلکه طرفداران ابقع و اصهب هستند که دشمن شیعه و سفیانی هر دو هستند ، از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که

فرمود :

" سفیانی ، برای انتقام گرفتن از دشمنان ، برایتان کافی است . او برای شما یکی از نشانه هاست .

آن فاسق اگر خروج کند ، یکی دو ماه بعد از خروج او آرام می مانید و از سوی او به شما زیانی نرسد تا آنکه

جمعیت زیادی از غیر شما را به قتل رساند . بعضی از یاران حضرت پرسیدند : در آن وقت زنان و

فرزندانشان را چه کنیم ؟ امام فرمود : مردان شما خود را از او پنهان دارند زیرا

هراس و شرارت او متوجه

شیعیان ماست ، اما زنان ان شاء الله مشکلی نیابند . پرسیدند : مردان کجا بروند و به کجا بگریزند ؟ امام

فرمود : هر کس بخواهد به مدینه یا مکه و یا شهری دیگر برود . ولی شما را به مکه توصیه می کنم چرا که

آنجا محل اجتماع و وعده گاه شماست . مدت این فتنه به مدت بارداری زن ، نه ماه طول کشد و بخواست خدا بیش از آن نخواهد شد . " (۱)

این روایت حاکی از آن است که هجوم سفیانی بر شیعیان شام ، پس از خروج وی و در ماه رمضان رخ می دهد . همچنین روایات یادآور می شوند که سلطه او بر منطقه ، مقتدرانه و مطلق است بگونه ای که بر تمام مشکلات داخلی پیروز می گردد .

" مردم شام از او اطاعت کنند بجز دسته هایی از رهروان حق که خداوند آنها را از شر همراهی سفیانی حفظ کند . " (۲)

برخی از علما ، از این روایت اینگونه برداشت می کنند که شیعیان لبنان و شام در قلمرو حکومت سفیانی نبوده و از او اطاعت نمی کنند که احتمال آن نیز هست . و

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۱۴۱ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۵۲ .

می توان گفت دست کم ، گروههایی از اهل شام از گردن نهادن به فرمان او
خودداری

خواهند کرد . و گروه هایی آگاه ، از شیعیان و غیر شیعیان عراق و حجاز را
خداوند از

مشارکت در جنبش سفیانی و عملیات نظامی سفیانی برکنار می دارد . و بعید
نیست

که آنها از شرایط سیاسی ویژه ای نسبت به هموطنان عادی در دولت سفیانی
برخوردار باشند و بتوانند تا این اندازه مستقل باقی بمانند . همچون استقلال فعلی
لبنان نسبت به کشور سوریه .

به هر حال ، وقتی سفیانی از استیلاي خود بر منطقه آسوده خاطر شود ،
عملیات مهم برون مرزی خود را آغاز می کند و لشکر خود را برای رویارویی با
ایرانیانی که زمینه ساز ظهور حضرت اند آماده می کند .

" آنگاه سفیانی همه تلاش و کوشش خود را متوجه عراق کند و سپاه وی وارد
قرقیسیا شود و در آنجا به

کارزار پردازد " (۱)

نبرد قرقیسیا

قرقیسیا شهر کوچکی در مدخل ورودی رودخاد خابور به رودخانه فرات است ،
محل کنونی آن بلندی های همجوار با شهر دیر الفزور سوریه نزدیک مرز سوریه و
عراق و در فاصله کمی از مرز ترکیه است .

در معجم البلدان آمده است : گفته می شود نام آن از قرقیسیا پسر طهمورث
پادشاه آنجا گرفته شده است . حمزه اصفهانی می گوید : قرقیسیا عربی کرکیسیا

است و از کرکیس گرفته شده که نام میدان اسب دوانی است که در عربی به آن
" حله " می گویند . (۲)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۷ .

2 ((معجم البلدان : ۴ / ۳۲۸ .

صفحه : ۱۲۳

طبق روایات ، نبرد بزرگی در آنجا اتفاق می افتد که وقت آن مشخص نیست اما
بعضی روایات آنرا جنگ بین بنی العباس و بنی امیه می دانند و بعضی دیگر آنرا با
جنگ سفیانی که در زمان امام مهدی (علیه السلام) خروج خواهد کرد ، مرتبط
دانسته اند . و
بعضی ، علت آن جنگ را گنجی دانسته اند که در بستر رود فرات ظاهر می گردد و
بر

سر آن جنگ بین سفیانی و ترک ها درمی گیرد .

و اکنون روایات آن :

روایت شده که امام باقر (علیه السلام) به شخصی به نام میسر فرمود : " چقدر بین

شما و قرقیسیا

فاصله است ؟ عرض کرد : آنجا نزدیک ساحل فرات است . فرمود : آگاه باش که

در آنجا واقعه ای اتفاق خواهد

افتاد که از زمان خلقت آسمان و زمین چنان واقعه ای روی نداده و روی نخواهد داد
. آنجا سفره رنگینی برای

پرنده گان آسمان و درندگان زمین گسترده شود . قیس در آنجا کشته شود و کسی
خونخواه او نخواهد بود " .

در روایت دیگر آمده است که : " منادی ندا دهد : بیایید بسوی گوشت ستمگران
" (۱) .

از حدیفة بن منصور روایت شده که امام صادق (علیه السلام) فرمود : " خداوند
سفره رنگینی در

قرقیسیا خواهد داشت ، یکی از آسمان ندا کند : ای پرنده گان آسمان و ای درندگان
زمین برای سیر کردن

خود بشتابید به سوی گوشت ستمگران " (۲) .

روایت ذیل این جنگ را به بنی عباس و بنی امیه نسبت می دهد :

روایت شده که امام باقر (علیه السلام) فرمود : " بین بنی عباس و بنی مروان

جنگی در قرقیسیا رخ دهد

که نوجوانهای شجاع و نیرومند در آن پیر گردند . خداوند پیروزی را از آنها بردارد
و به پرنده گان آسمان و

درندگان زمین وحی کند : خود را از گوشت ستمگران سیر سازید . سپس سفیانی
خروج کند " (۳) .

----- پاورقی

1 ((کافی : ۲۹۵ / ۸ .

2 ((غیبت نعمانی ص ۲۷۸

صفحه : ۱۲۴

جابر جعفی می گوید : امام باقر (علیه السلام) به من فرمود : " ای جابر ، خود را زمین گیر کن و هیچ حرکتی منما تا نشانه هایی که برایت می گویم آشکار شود . اگر آنها را درک کنی . اولین علامت ، اختلافی است که بین اولاد فلانی روی خواهد داد که فکر نمی کنم آنها ببینی ، زیرا بعد از من اتفاق می افتد و منادی از آسمان ندا دهد و نوای پیروزی از سوی دمشق ، به گوش رسد و قریه ای از نواحی شام به نام " جابیه " در زمین فرو رود و گوشه راست مسجد دمشق فرو ریزد و گروهی از منطقه ترک ها شورش کنند و به دنبال آن آشوب روم فرا رسد . آنگاه برادران ترک روی آورده تا در جزیره فرود آیند و شورشیان روم از طرف دیگر آمده و در رمله مستقر گردند . ای جابر در آن سال اختلافات زیادی در منطقه غرب (غرب کشورهای اسلامی) رخ دهد ، اولین جائی که تخریب شود ، شام است . سه گروه اصهب ، ابقع و سفیانی در شام درگیر

شوند . سفیانی با ابقع جنگیده و او را با همراهانش به هلاکت رساند سپس اصهب را نابود کند . تمام تلاش

سفیانی این است که به عراق روی آورد . سپاه او به قرقیسیا که رسد صد هزار تن از ستمگران آنجا کشته

شوند . آنگاه سفیانی سپاهی به کوفه فرستد که تعداد آنان به هفتاد هزار نفر می رسد او مردم کوفه را اسیر یا

مصلوب و یا به قتل رساند " .

در آن هنگام پرچم هایی از خراسان ظاهر شده و به سرعت حرکت کنند . عده ای از اصحاب حضرت

قائم (علیه السلام) همراه آنانند ، آنگاه شخصی از اهل کوفه علیه سفیانی خروج کند که به دست فرمانده سپاه سفیانی

بین حیره و کوفه کشته شود . سپس سفیانی سپاهی به مدینه روانه کند که به سبب آن حضرت مهدی (علیه السلام) از

مدینه به مکه رود . خبر به فرمانده سپاه سفیانی می رسد که مهدی (علیه السلام) از مدینه خارج شده است . او سپاهی

به دنبال آن حضرت می فرستد ولی به آن حضرت نمی رسد . حضرت مضطرب و نگران همچون موسی بن

عمران (علیه السلام) از مدینه خارج و وارد مکه گردد . فرمانده سپاه سفیانی به بیداء که رسد ناگاه منادی از آسمان ندا

دهد : ای ، بیداء ، این سپاه را در خود فرو بر ! پس زمین بیداء دهان باز کرده و آنها را در خود فرو برد

بگونه ای که سه نفر از آنها بیشتر نجات نیابند که خداوند صورتهای آنان را به پشت سرشان برگرداند ، آنها

از نژاد سگ اند و درباره آنان نازل شده است . این آیه قرآن " ای کسانی که به شما کتاب (آسمانی) داده

شده ، به آنچه نازل کرده ایم (به قرآن) که تصدیق می کند آنچه نزد شماست ایمان آورید قبل از آنکه

صفحه : ۱۲۵

صورتهایی را محو کنیم و به پشت برگردانیم . . . " آن روز قائم (علیه السلام) در مکه خواهد بود . او تکیه بر بیت الله

الحرام فریاد برآورد : ای مردم عالم ! ما از خداوند یاری می طلبیم ، هر کس دعوت ما را بپذیرد ما اهل بیت

پیامبر شماییم ، ما نزدیکترین مردم به خداوند محمدیم (صلی الله علیه وآله) . . . "

این روایت در کتاب " الفتن " ابن حماد ، با سند آمده و آنرا مرتبط به سفیانی می داند . ولی طرفهای درگیر با او را ترک ها و رومی ها می شمارد و دولت مصر را نیز

شریک سفیانی می شمارد . و می گوید : " از ارطاه روایت شده : هنگامی که ترک و روم برای جنگ

اجتماع کنند و قریه ای از دمشق در زمین فرو می رود و قسمتی از گوشه غربی مسجد دمشق فرو ریزد ، سه

پرچم در شام بالا رود : ابقع ، اصهب و سفیانی . آنگاه شخصی در دمشق محاصره
و با همراهانش کشته

شود ، سپس دو نفر از طایفه ابی سفیان خروج کنند که پیروزی با دومی آنها خواهد
بود . هنگامی که نیروهای

ابقع از مصر خارج شوند ، سفیانی با سپاهش خروج کرده و در قرقیسیا با ترک و
روم بجنگد . جنگی که

درندگان از گوشت کشته ها سیر شوند . " (۱)

اما روایاتی که این نبردها را با گنج مرتبط می دانند ، فراوانند . واضح ترین آنها
روایتی است که می گوید : پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : " فرات کوهی از
طلا و نقره را برملا کند . بر سر آن

جنگی درگیرد که از هر نه نفر ، هفت نفر کشته شوند . اگر در آن روز بودید ،
نزدیک ماجرا نشوید " . (۲)

در همین روایت آمده است : " فتنه چهارم هجده سال به طول انجامد و آنگاه که
خاموش شود ،

در فرات کوهی از طلا ظاهر گردد . و جنگی بر سر آن درگیرد که از هر نه نفر ،
هفت نفر کشته شوند ! " .

مقصود از فتنه چهارم در این روایت مشخص نیست ، زیرا احادیث در شمارش

فتنه ها متعارضند . البته شناخت فتنه آخر ، آسان است ، زیرا روایات تصریح

کرده اند که ظهور امام مهدی (علیه السلام) بعد از آن خواهد بود .

----- پاورقی

صفحه : ۱۲۶

بنابراین نمی توان بر طبق این روایات که سندشان غیر قابل اعتماد است ، قضاوت کرد . ولی در صورت صحت ، احتمال دارد منظور از گنج ، منابع نفت یا معادن طلا یا نقره باشد و بین دولتهای سه گانه بر سر آن اختلاف بوجود آید . اکثر روایات در این جنگ ها ، ترک ها را طرف درگیر با سفیانی می دانند و ممکن است منظور ، سپاه ترک باشد . زیرا ، این جنگ به خاطر ثروتی که در مرز سوریه و ترکیه ظاهر می گردد به پا می شود و احتمال هم دارد که منظور از ترک ، روس ها باشند که طبق برخی احادیث ، آنها قبل از خروج سفیانی در جزیره ربیعہ یا دیار بکر

نزدیک قرقیسیا فرود می آیند . و در احادیث دیگری هم آمده که سفیانی با ترک ها می جنگد ، سپس بدست حضرت مهدی (علیه السلام) شکست می خورد . و منظور از جزیره ،

منطقه ای است نزدیک موصل که به همین نام و به نام دیار ربیعہ شناخته می شود و منظور جزیره العرب نیست . و اما فرود نیروهای روم در رمله (شنزار) احتمال دارد

که مقصود شنزارهای فلسطین یا مصر باشد .

ورود سپاه سفیانی به عراق

روایات تأکید دارند که سفیانی بعد از نبرد قرقیسیا سپاهش را به سوی عراق

روانه می کند . از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود : " سفیانی
با ابقع روبرو شده و به

نبرد می پردازد . او ابقع و یارانش را می کشد ، سپس به سراغ اصبهب می رود و او
را نیز به هلاکت می رساند .

پس از آن تمام همت خود را صرف هجوم به عراق می کند . سپاه او هنگام عبور از
قرقیسیا درگیر جنگ

می شوند . حدود صد هزار نفر از ستمگران به هلاکت می رسند . آنگاه سفیانی
سپاهی مرکب از هفتاد هزار

نفر به کوفه روانه می کند . (۱)

امام علی (علیه السلام) فرمود : " هنگامی که سپاه سفیانی عازم کوفه شود ،
گروهی را به سراغ اهالی

پاورقی -----

1 () بحار ۵۲ / ۲۳۷ .

صفحه : ۱۲۷

خراسان فرستد و این در حالی است که اهالی خراسان نیز در جستجوی حضرت
مهدی اند " (۱) .

یکی از اصحاب امام باقر (علیه السلام) بنام جابر جُعی می گوید : " از امام باقر
(علیه السلام) درباره

سفیانی سؤال کردم ، فرمود : شما کجا و سفیانی کجا ؟ او نخواهد آمد تا آنکه قبل از او شخصی به نام

" شیصبانی " خروج کند . او از محلی به نام کوفان مانند آب از زمین بالا آید و خوبان شما را بکشد . آنگاه باید

خروج سفیانی و سپس ظهور قائم (علیه السلام) را انتظار کشید " . (۲)
شیصبان در لغت اسمی از اسمهای شیطان است و در روایات اهل بیت (علیهم السلام)

کنایه از شخصی از دشمنان نابکار اهل بیت یا فردی گمنام است .
از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است : فرزندان فلانی حتماً به حکومت خواهند رسید . هنگامی که

به حکومت رسند اختلاف کنند و امورشان متفرق گردد تا آنکه خراسانی از مشرق و سفیانی از مغرب خروج

کرده و برای رسیدن به کوفه مانند دو رقیب در مسابقه سرعت گیرند . آنگاه هلاکت فرزندان فلانی به دست

آندو صورت پذیرد . بطوری که احدی از آنها را باقی نگذارند (۳) .

مقصود از فرزندان فلانی احتمالاً خاندان آخرین حاکم عراق قبل از امام مهدی (علیه السلام) است که شاید شیصبانی و یا شخص دیگری باشد .

در روایات شیعه و سنی ، رفتار سفیانی در عراق با شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) (

وحشتناک و فجیع توصیف شده است . اما اعتبار بعضی از این روایات به جهت سند یا متن محل تردید است زیرا خبر از وقایع گذشته ای می دهند که ربطی به خروج

سفیانی و ظهور امام مهدی (علیه السلام) ندارند . برای نمونه بعضی از آنها را ذکر می کنیم :

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود : گویا سفیانی (یا رفیق او را) می بینم که در

پاورقی -----

1 ((کتاب خطی ابن حماد ص ۸۷

2 ((بحار ۵۲ / ۲۵۰ .

3 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۱ .

صفحه : ۱۲۸

میدان کوفه لنگر انداخته و منادی او فریاد برمی آورد : هر کس سر بریده یکی از شیعیان علی (علیه السلام) را بیاورد هزار درهم جایزه می گیرد . آنگاه همسایه به همسایه حملهور شده و می گوید او از شیعیان علی است . سر او را می برد و هزار درهم جایزه می گیرد . آگاه باشید که در آن روز حکومت شما جز بدست زنازادگان نخواهد بود . گویا در آن زمان شخص نقابداری را می بینم . پرسیدم : آن شخص نقابدار کیست ؟ فرمود : یکی از خود شماست که مانند شما سخن می گوید . نقاب بر چهره زده و شما را شناسائی می کند و یک یک شما را زیر

فشار قرار می دهد ، بدانید که او زنازاده خواهد بود . (۱)

در روایت دیگر آمده است : سواران سفیانی همچون شب ظلمانی و سیل ویرانگر
روی آورند ،

به هر کجا که رسند نابود و ویران کنند تا آنکه وارد کوفه شده و شیعیان آل محمد
(علیهم السلام) را بکشند . سپس در

همه جا به جستجوی اهل خراسان پردازند . در همان حال اهالی خراسان در
جستجوی حضرتند و مردم را

به یاری او می طلبند . " (۲)

در کتاب لوائح الأنوار البهیة نوشته سفارینی حنبلی آمده است : سفیانی با ترک ها
جنگیده و بر آنها غلبه کند ، سپس در زمین ، دست به فساد زند ، آنگاه وارد زوراء
(بغداد) شده و مردم آنجا
را بکشد .

بر اساس این روایات ، فجایع سپاه سفیانی در جنگ با عراق مخصوصاً در رابطه
با شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) به شدت وحشتناک است .
این روایات ، نام تعدادی از اماکن و مناطقی را که سپاه سفیانی در آنجا متمرکز
می گردد ذکر کرده اند مانند زوراء (بغداد) و انبار و صراه و فاروق و روحاء . از
امام

صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود : سفیانی سپاهی مرکب از
یکصد و سی هزار نفر به کوفه

روانه سازد که در روحاء و فاروق فرود آیند . شصت هزار نفر از آنان در کوفه
متمرکز گردند که جایگاه قبر

1 ((بحار الانوار : ۵۲ / ۲۱۵ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۸۲

صفحه : ۱۲۹

هود پیامبر (علیه السلام) در نخیله است . (۱)

سفیانی با حمله به عراق به هدفش که تسلط کامل بر عراق است ، نمی رسد زیرا پس از گذشت چند هفته از این هجوم ، به حجاز حمله می کند تا نقش جدیدی را برای جلوگیری از حرکت امام مهدی (علیه السلام) در مکه آغاز نماید . بعضی از روایات

آورده اند که سفیانی سپاهش را از عراق به سوی حجاز روانه می کند و بعضی می گویند از شام ، اما ممکن است او قسمتی از سپاه خود را از عراق و قسمتی دیگر

را از شام روانه حجاز کند .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

سفیانی سپاهی را که تعدادشان به هفتاد هزار نفر می رسد روانه کوفه کند و اهل آن سامان را با کشتن و

دار زدن و اسارت گرفتار سازد . در این هنگام صاحبان پرچم های سیاه از طرف خراسان بسرعت حرکت

کنند . تعدادی از یاران حضرت قائم (علیه السلام) جزء آنانند . (۲)

در نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ آمده است : سفیانی وارد کوفه شود و سه روز به غارت

آن پرداخته و شصت هزار نفر از اهالی کوفه را به قتل رساند و هجده شب در آنجا بماند . آنگاه پرچمهای

سیاه وارد منطقه شده و در کنار آب ، توقف کنند . یاران سفیانی با خبر ورود آنها می گریزند ، گروه دیگری که

برخی از آنها اهل بصره اند نیز از نخلستانهای کوفه خروج کنند که فقط تعداد کمی از آنها مسلحند ، آنها به

یاران سفیانی دست پیدا کرده و اسرای کوفه را از دست آنها آزاد سازند . آنگاه صاحبان پرچمهای سیاه

عده ای را برای بیعت نزد امام مهدی (علیه السلام) بفرستند .

همچنین روایت بعدی که منسوب به امیر المؤمنین (علیه السلام) است ورود سپاه سفیانی

به عراق را توصیف می کند که همزمان با فتنه غرب و واقعه ای شبیه جنگ جهانی

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۳ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۸ .

صفحه : ۱۳۰

است . این روایت همچنین بیانگر ورود نیروهای خراسانی به عراق است که زمینه

ساز حرکت امام مهدی (علیه السلام) هستند . به نظر می رسد که این روایت
مجموعه ای از

روایت های راویان مختلف در رابطه با موضوع مورد بحث باشد .

از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " ای مردم ! از من بپرسید
پیش از آنکه فتنه ای از

شرق چون شتر لجام گسیخته جهان را پس از یک مرگ و حیات (و یا پس از
کشت و کشتار) لگدمال کند یا

آنکه فتنه ای در مغرب زمین چون آتش در هیزم خشک افتد و فریاد انتقام و
خونخواهی سر دهد ، چون ایام

بگذرد و چرخ فلک بگردد ، به ستوه آمده و گویند : چه شده است ؟ آیا او مرده ؟
به کجا رفته است ؟ آن روز

است که تأویل این آیه روشن گردد : " سپس پیروزی بر آنها را بار دیگر به شما
برگردانیم و شما را با

ثروت و پسران یاری کرده و جمعیت شما را بیش از آنان قرار دهیم .

این فتنه نشانه هایی دارد : نخست آنکه کوفه با کمین و خندق محاصره و در کوچه
ها ، گوشه خانه های آن

سنگربندی شود و مساجد ، چهل شب تعطیل گردد . آنگاه سه پرچم در اطراف
مسجد بزرگ که شبیه

پرچمهای هدایت هستند ، به اهتزاز درآیند . آنروز قاتل و مقتول هر دو در آتش اند .
کشت و کشتار فراوان و

مرگ ها سریع شود . در آن حال انسانی پاک همراه هفتاد تن در پشت کوفه به قتل
رسد و شخصی دیگر در
میان رکن و مقام (در کنار خانه کعبه) سر بریده شود و شخصی به نام ، اسبغ
مظفر ، به همراه عده زیادی از
انسانهای شیطان صفت در محل " بیعة الاصنام " کشته شوند .
علامت دیگر ، خروج سفیانی با پرچم سبز (یا سرخ) و صلیب طلائی است ،
فرمانده او شخصی از
قبیله کلب است . دوازده هزار سوار ، سفیانی را در راه مکه و مدینه همراهی کنند .
فرمانده او شخصی از بنی
امیه بنام خزیمه است . چشم چپ او نابینا و فقط پوستی بر آن است . بسیار دنیا
طلب است او بدون شک
پیش می رود تا در مدینه فرود آید . مردان و زنانی از آل محمد (علیهم السلام) را
در خانه ای در مدینه که به آن خانه ابو
الحسن اموی می گویند ، زندانی کند . سپس گروهی را در پی مردی از آل محمد (
علیهم السلام) فرستد که عده ای از
مستضعفین در مکه به رهبری مردی از غطفان گرد او جمع شده اند . تا آنکه در
میان سنگ های سفید در
منطقه بیداء فرود آیند ، اما ناگهان زمین آنها را در خود فرو برد . هیچکس از آنها
جز یک نفر نجات نیابد .

خداوند صورت آن یک نفر را به پشت سر برگرداند تا باقیمانده آنها را بترساند و
برحذر دارد . آنروز تاویل
این آیه شریفه محقق خواهد شد : " ای کاش می دیدی هنگامی که آنان وحشت
زده اند و برایشان چاره و
گریزی نیست و از مکانی نزدیک گرفته شوند .
سفیانی صد و سی هزار نفر به سوی کوفه روانه می کند ، بخشی از آنها در روجاء و
فاروق و در جایگاه
مریم و عیسی (علیهما السلام) در قادیسیه فرود می آیند و هشتاد هزار تن از آنان
رهسپار کوفه می شوند . محلی که قبر
حضرت هود (علیه السلام) در نخيله در آن قرار دارد و در روز عید به کوفه حمله
می کنند . در آن روز رهبر مردم شخص
ظالم و ستمگری است که به او ساحر و جادوگر می گویند و او از شهری به نام
زوراء (بغداد) در میان پنج
هزار کاهن و پیشگو خروج می کند . در کنار پل آن هفتاد هزار نفر را می کشد
بگونه ای که مردم از فراوانی
خون و بوی اجساد ، سه روز از نزدیک شدن به فرات خودداری می کنند . آنروز
دختران با عفاف را که
چهره شان توسط دیگران دیده نشده به اسارت می گیرند و بر محملها سوار نموده
به مکانی در نزدیکی
نجف می برند .

سپس صد هزار نفر مشرک و منافق از کوفه خروج کرده و بی هیچ مانعی وارد دمشق می شوند . همان شهری که " ارم ذات العمداد " است یعنی دارایی قصرها و ستونهای برافراشته . پرچم هائی از مشرق زمین به اهتزاز درآیند که از جنس پنبه ، کتان و حریر نیستند ، این پرچمها نشان و مهر سید بزرگ را برخوردارند و مردی از آل محمد (علیهم السلام) (امام زمان) آنان را فرماندهی می کند . روزی که در مشرق به حرکت درآیند بوی عطرشان چون مشک در مغرب به مشام رسد و هراس و وحشت به مدت یک ماه ، پیشاپیش آنها حرکت می کند . از سوی دیگر فرزندان خلافتکار سعد در کوفه به خونخواهی پدرانشان حکومت را در دست گیرند تا آنکه سواران مردی به نام حسین چون اسبان تیز تک بر آنها بتازند در حالی که ژولیده ، غبار آلود و گریانند . یکی از آنها با چشمان اشک بار پای بر زمین کوبد و گوید : از امروز به بعد دیگر نشستن سزاوار نیست . خداوندا ما توبه کار و متواضع بوده و در پیشگاه ربوبی تو سر فرود آورده و پیشانی بر خاک می ساییم . آنها همان بزرگانی هستند که خداوند چنین توصیف شان کرده است . " همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را

دوست دارد " . پاکیزگان ، همچون آنها از آل محمد (علیه السلام) هستند .
شخصی از مسیحیان نجران خروج کرده و دعوت امام (علیه السلام) را لبیک
گوید . او اولین مسیحی است که

چنین می کند . کلیسای خود را ویران و صلیب خود را می شکنند . او همراه

غلامان ، مستضعفان و سواران

خروج نموده و با پرچمهای هدایت به سوی نخيله حرکت می کند .

محل اجتماع مردم از هر جای زمین در " فاروق " است که پایگاه امیر المؤمنین (

علیه السلام) و در محلی بین

" برس و فرات " قرار دارد . آنروز میان مشرق و مغرب سه هزار یهودی و مسیحی

کشته شوند ، بگونه ای که

بعضی بعض دیگر را به قتل رسانند . در آن هنگام تأویل این آیه روشن می گردد : "

پیوسته آنها این سخن

را تکرار می کردند تا آنها را چون زراعت درو شده خاموش ساختیم " یعنی با

شمشیر و زیر سایه

شمشیر " (۱) .

قسمت اول و آخر این روایت ، یک جنگ جهانگیر را خاطر نشان می سازد که

نابودی و ویرانی آن گریبانگیر غرب می شود و در آن سه هزار هزار یعنی سه میلیون

نفر کشته می شوند و ما آن را در جای خود بیان خواهیم کرد .

و شاید معنای " ایجاد شکاف و رخنه در زوایای کوچه های کوفه " ساختن سنگر

و جنگهای خیابانی در برابر حمله سفیانی یا غربی ها باشد .

بزودی درباره درفشهای سه گانه اطراف مسجدالحرام در نهضت ظهور ، و درگیری

بر سر قدرت ، اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) مطالبی بیان خواهیم کرد .

کشته شدن انسان پاک سرشتی در " پشت کوفه " همراه هفتاد تن ، ما را به یاد شهادت استادمان ، شهید صدر (قدس سره) و دوستان و یاران او می اندازد . شاید منظور از

پشت کوفه همان شهر نجف اشرف باشد .

منظور از وجود شخصی مطهر و پاکیزه که اندکی قبل از ظهور حضرت بین رکن و

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۳ / ۸۲ .

صفحه : ۱۳۳

مقام در کنار خانه خدا به شهادت می رسد ، فرستاده آن حضرت به سوی مردم مکه است .

در این روایت چند نام و واژه وجود دارد که مقصود از آنها مشخص نیست مانند اسبغ مظفر با بسیاری از انسانهای شیطان صفت که در بتخانه به قتل می رسند و مانند پسران سعد سقا و فرمانده کاهن ساحر و دیگران که شاید به این روایت افزوده

شده و یا نام اشخاص خاصی در آن دوره باشند .

برخی از روایات تصریح یا اشاره دارند که حضرت مریم و عیسی (علیهما السلام) از عراق

دیدن نموده و در قادسیه منزل نموده اند و مدتی در محل مسجد برائا نزدیک بغداد مانده اند . والله العالم .

اما قبر هود (علیه السلام) در نخيله معروف بوده و در نزديکی نجف اشرف در وادی السلام

است و اما درفش های مشرق زمین ، همان درفش های خراسانی ها است که زمینه ساز ظهوراند .

فاروق در روایت دوم باید توضیح یکی از راویان باشد که در متن روایت وارد شده و منظور از محل تجمع مردم ، نیروهای حضرت مهدی (علیه السلام) است که در آن مکان گردهم می آیند .

واضح است که این نمونه روایتها درباره نشانه های ظهور حضرت یا ساختگی و دروغ است و یا سخنان راویان حدیث و کلمات علما است که مطالب آنرا با روایات

مخلوط نموده و سپس به پیامبر و یا ائمه نسبت داده اند !

سپاه سفیانی در راه حجاز (سپاهی که در زمین فرو می رود) بزودی درباره نهضت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) سخن خواهیم گفت و به بررسی

کشمکش سیاسی در حجاز خواهیم پرداخت که طبق روایات ، بدنبال کشته شدن

عبداللہ ، حاکم حجاز و اختلاف در مورد جانشین او و درگیری بین قبایل حجازی
بر

سر حکومت ، بوجود خواهد آمد .

این اختلافات موجب تضعیف حکومت حجاز شده و به حضرت فرصت
می دهد که نهضت خود را در مکه آغاز و شهر را آزاد و حاکمیت خود را بر آن
تثبیت
کند .

در این مرحله ، وقتی حکومت حجاز ، خود را از شکست نهضت حضرت عاجز
می بیند ، مستقیم و یا توسط دولتهای بزرگ ، سفیانی را وارد ماجرا می کند .
آنگاه

سفیانی ، نیروهای خود را نخست به مدینه منوره و سپس به مکه مکرمه گسیل
می دارد . در این هنگام حضرت به مسلمانان و به مردم جهان اعلام می دارد که در
انتظار وقوع معجزه ای است که پیامبر ، وعده داده یعنی همان فرو رفتن سپاه
سفیانی

به زمین در بیداء نزدیک مکه . حضرت اعلام می کند که بزودی پس از این معجزه
،

نهضت مقدس خویش را ادامه خواهد داد .

در برخی روایات آمده است که فرا خواندن نیروهای سفیانی به حجاز بویژه مکه
و مدینه قبل از شروع نهضت حضرت اتفاق می افتد و سپاه سفیانی با هدف
جستجوی حضرت و یارانش وارد مدینه منوره گردیده و در آنجا مرتکب جنایات

فراوانی می شوند . در آن زمان حضرت در مدینه بسر می برند ، ولی مانند موسی (علیه السلام)

با حالت بیم و امید از مدینه خارج می شوند ، سپس خداوند اجازه ظهور حضرت را صادر می کند .

روایات شیعه و سنی ، ورود لشکر سفیانی از طرف عراق و شام به مدینه منوره را هجومی سخت و ویرانگر توصیف می کنند که هیچ مقاومتی در برابر خود نمی یابد و او با یاران مهدی (علیه السلام) و شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) در کشتار و نابودی زن و مرد ، بزرگ و کوچک همانگونه که در عراق عمل کرده رفتار می کند ! بلکه می توان گفت

صفحه : ۱۳۵

حمله سفیانی در مدینه به مراتب سخت تر خواهد بود . در نسخه خطی ابن حماد از ابن شهاب چنین نقل شده :

" سفیانی به فرمانده خود در کوفه که با سوارانش آنجا را سخت درهم کوبیده ، نامه ای می نویسد و

دستور می دهد که به طرف حجاز حرکت کند ، او روانه مدینه شده و چهل هزار نفر از قریش و انصار را به قتل

می رساند ، شکم زنان را می درد و فرزندان را هلاک می کند و یک برادر و خواهر از طایفه قریش را که

نامشان محمد و فاطمه است بر در مسجد مدینه به دار می آویزد " (۱) .

برخی روایات می گویند که این برادر و خواهر از عموزادگان همان مرد پاک سرشت " نفس زکیه " هستند که امام مهدی (علیه السلام) وی را به مکه می فرستد و او پانزده

شب قبل از ظهور حضرت در مسجد الحرام به قتل می رسد و این برادر و خواهر هم

از دست لشکریان سفیانی در عراق گریخته بودند اما جاسوسی که از عراق با این دو

همراه بوده آنان را به دشمنان معرفی و سر انجام توسط افراد سفیانی به دار آویخته می شوند .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود :

" سفیانی و همراهانش ظهور کنند ، در حالی که اندیشه ای جز غلبه بر آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) و پیروان آنها

ندارند . از این رو گروهی را به کوفه فرستند . رفتار آنها با شیعیان آل محمد (صلی الله علیه وآله) کشتن و دار زدن است . سپس

گروه دیگری را رهسپار مدینه کنند . مردی در آنجا به قتل رسد و مهدی و منصور از آنجا بگریزند . اما از آل

پیامبر (صلی الله علیه وآله) کسی باقی نماند مگر اینکه دستگیر و زندانی شود ، سپاه سفیانی به جستجوی آن دو مرد فراری

بپردازند و مهدی (علیه السلام) که مانند موسی (علیه السلام) نگران و مضطرب از شهر خارج شده بود وارد مکه شود " (۲)

----- پاورقی

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۸۸ .

2 () (بحار : ۵۲ / ۲۲۲ .

صفحه : ۱۳۶

در همین باره آمده که " سفیانی با سپاهی انبوه وارد مدینه می شود " . (۱) و نیز
" اهل مدینه قبل

از حمله سفیانی از شهر خارج می شوند " (۲) .

چنین بنظر می رسد که " منصور " که با حضرت مهدی (علیه السلام) از مدینه
خارج می شود

همان نفس زکیه محمد باشد که از یاران حضرت است و حضرت او را به مسجد
الحرام می فرستد تا پیام آن بزرگوار را به گوش جهانیان برساند اما وی را به قتل
می رسانند و احتمال هم دارد که شخص دیگری باشد .

در روایات ، بغیر از مدینه و مکه ، از مناطق دیگر حجاز که نیروهای سفیانی به
آن وارد شوند ، سخنی به میان نیامده و پیداست که مدت اشغال شهر مدینه چندان
طولانی نیست سپس سفیانی تمام یا بخش عمده ای از سپاه خود را به مکه
می فرستد که آن معجزه موعود رخ می دهد و تمام سپاهیان اعزامی در نزدیکی مکه
به زمین فرو می روند .

برخی روایات ، باقی ماندن لشکریان سفیانی در مدینه را تنها چند روز ذکر
می کنند ، و ظاهراً منظور از ورود سفیانی به مدینه ، ایجاد رعب و وحشت و
جستجوی حضرت است نه اقامت در شهر .

روایت‌هایی که در مورد فرو رفتن سپاه سفیانی به زمین است در کتابهای حدیثی مسلمانان ، فراوان و متواتر است و شاید مشهورترین آنها در منابع سنی ها روایتی باشد که از ام سلمه نقل شده که گفت :

" پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود : پناهنده ای به خانه خدا پناه برد اما

لشکری به سوی او فرستاده شود ، چون به

بیابان مدینه رسند ، زمین آنها را بلعد " (۳)

پاورقی -----

1 ((بحار ص ۲۵۲ .

2 ((مستدرک حاکم : ۴ / ۴۴۲ .

3 ((مستدرک حاکم : ۴ / ۴۲۹ و بحار : ۵۲ / ۱۸۶ .

صفحه : ۱۳۷

فخر رازی از مفسران اهل سنت در تفسیر این آیه که می گوید " و اگر ببینی هنگامی که

آنان وحشت زده اند و دیگر آنها را راه گریزی نیست و از مکانی نزدیک گرفته می شوند " (۱) آورده

است که : " از ابن عباس روایت شده که این آیه در مورد فرو رفتن گروهی در بیابان

بیداء نازل شده است . "

علامه طبرسی از مفسران شیعه در تفسیر مجمع البیان می گوید :

" ابو حمزه ثمالی از قول امام زین العابدین (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) نقل می کند که منظور این آیه ،
لشکری ست که در صحرائی بیداء زمین آنها را در کام خود فرو می برد . "
و از حدیفه یمانی چنین روایت شده :
" پیامبر (صلی الله علیه و آله) از فتنه ای که بین اهل مشرق و مغرب واقع خواهد
شد یاد نمود و فرمود در حالی که آنها
گرفتار فتنه هستند ، ناگهان سفیانی از وادی یابس (بیابان خشک) بر آنها خروج
کند ، تا آنکه در دمشق
فرود آید آنگاه دو لشکر را به سوی مشرق و مدینه روانه کند تا به زمین بابل از شهر
نفرین شده (بغداد)
برسد ، او بیش از سه هزار نفر را بکشد و بالغ بر یکصد زن را به زور تصاحب کند
، و سیصد نفر از اولاد فلان
عباس را به هلاکت رساند ، آنگاه به کوفه هجوم آورده و اطراف آنرا ویران سازد .
سپس از آنجا خارج شده ،
به سوی شام حرکت کند ، در این هنگام لشکری با پرچم هدایت از آن منطقه بیا
خیزد و با لشکر سفیانی
رودررو گردد و آنها را چنان تار و مار کند که یک نفر هم که خبر مرگ بقیه را
ببرد باقی نماند . و آنچه از
اسیرها و غنیمتها در دست آنهاست باز پس گیرند و اما لشکر دوم وارد مدینه شده و
سه شبانه روز به غارت

و چپاول آنجا پرازند ، آنگاه به سوی مکه روانه گردند تا به بیابان رسند . خداوند
در این هنگام جبرئیل را به
سوی آنها فرستد و فرماید : ای جبرئیل برو و آنها را نابود کن ، پس جبرئیل ضربه
ای به آن زمین زند که آنها
را در خود فرو برد ، هیچیک از آنها نجات نیابد مگر دو مرد از قبیله جهینه . " (۲)
(

پاورقی -----

1 ((سبأ / ۵۱ .

2 ((بحار : ۱۸۶ / ۵۲ .

صفحه : ۱۳۸

از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که فرمود :
" مهدی می آید ، با موهایی مجعد و خالی بر گونه ، آغاز نهضتش از سوی مشرق
است . آنگاه که چنین
شود سفیانی خروج و به مدت بارداری یک زن یعنی نه ماه فرمانروائی نماید ، او در
شام خروج کند و اهل
شام بجز قبیله های حق طلب ، مطیع او شوند ، سپس با لشکری انبوه وارد مدینه
شود تا آنکه وقتی به بیابان
مدینه رسد ، خداوند او را در آنجا به زمین فرو برد . و این است معنای فرموده
خداوند : " و اگر ببینی هنگامی

که آنان وحشت زده اند و دیگر آنها را راه گریزی نیست و از مکانی نزدیک گرفته شوند " (۱)

شاید معنای " آغاز نهضت حضرت از مشرق " این باشد که آغاز حرکت حضرت توسط

قیام ایرانیانی است که از جمله زمینه سازان ظهور حضرت هستند .
و منظور از جمله " آنگاه که چنین شود " یعنی دستور ظهور صادر گردد و دولت برپا

شود ، سفیانی خروج کند . در این روایت معین نشده که خروج سفیانی آیا بلافاصله

پس از تشکیل دولت زمینه ساز ظهور حضرت خواهد بود یا پس از سالهای طولانی .

ولی شواهد بیانگر آن است که نوعی ارتباط بین دولت ایرانیان و خروج سفیانی وجود دارد و خروج وی جهت رویارویی با ایرانیان است ، همچنانکه در اوایل بحث مربوط به جنبش حضرت به آن اشاره کردیم .

از حنان بن سدیر نقل شده است که گفت :

" از ابو عبدالله (امام صادق (علیه السلام)) درباره حادثه بلعیدن بیابان بیداء سؤال کردم . فرمود : آنجا محلی ست

به نام " اماصهرا " که بر سر راه " برید " در فاصله دوازده میلی از منطقه " ذات الجیش " قرار دارد . (۲)

ذات الجیش بیابانی است میان مکه و مدینه و اماصهرا محلی در همان منطقه است .

1 () غیبت نعمانی ص ۱۶۳ و محجه بحرانی ص ۱۷۷ .

2 () بحار: ۵۲ / ۱۸۱ .

صفحه : ۱۳۹

از محمد بن علی (امام باقر (علیه السلام)) روایت شده که فرمود :
" بزودی پناهنده ای به مکه خواهد آمد ، هفتاد هزار سرباز تحت فرمان مردی از
قیس برای دستگیری
وی به آنجا اعزام می شوند ، همینکه تمام آنها در " ثنیّه " اجتماع کنند ، جبرئیل
بگونه ای که صدایش به شرق
و غرب بیابان برسد ندا دهد : ای بیدا ، ای بیدا ، بگیر آنها را که خیری در آنها
نیست . هیچکس هلاکت آنها را
نبیند مگر چوپانی در کوهستان که شاهد ماجراست و خبر این حادثه را برای بقیه
می برد . پس وقتی آن
پناهنده شده به مکه داستان آنها را بشنود ، خروج کند " . (۱)
همچنین از ابی قبیل نقل شده که گفت :
" از آنها کسی باقی نماند مگر یک بشارت دهنده و یک بیم دهنده ، اما بشارت
دهنده نزد مهدی (علیه السلام)
ویارانش می آید و از آنچه اتفاق افتاده خبر می دهد و شاهد ماجرا ، در چهره اش
دیده شود ، یعنی خداوند

صورت او را به پشت سر او برمی گرداند و بدین ترتیب با مشاهده برگشتن چهره او
به پشت سر ، سخن او

را تصدیق می کنند و آگاه می شوند که لشکر سفیانی در زمین فرو رفته اند و دوّمی
نیز همانند اولی خداوند

چهره اش را به پشت برگردانده ، نزد سفیانی می آید و آنچه بر سر یاران او آمده
برای وی بازگو می کند ،

سفیانی نیز به جهت علامتی که در او می بیند گفته وی را باور می کند و آن را
مطابق با واقع می داند . این دو نفر

مردانی از قبیله کلب هستند . " (۲)

از حفصه نقل شده :

" از پیامبر خدا شنیدم که فرمود : لشکری از جانب مغرب با هدف تصرف خانه
کعبه بیاید . اما وقتی به

بیداء رسد زمین آنها را در خود فرو برد ، کسانی که پیشاپیش آن لشکرند بازگردند
تا ببینند چه بر سر

جماعت آمده است که آنها نیز به همان مصیبت گرفتار شوند ، آنگاه خداوند هر
کس را بر طبق نیت او

برانگیزد . " (۳)

----- پاورقی

1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۰ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۱ .

3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۰ .

یعنی کسی که مجبور به شرکت در لشکر سفیانی بوده اگر چه در آخرت مانند شخص داوطلبی که با میل و اراده خود شرکت کرده ، نیست اما او نیز به زمین فرو می رود .

روایتی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود :
" در شگفتم از قومی که قتلگاهشان یکی اما خاستگاهشان متفاوت و گوناگون است ، پرسیدند : ای

رسول خدا چرا چنین شود ؟ فرمود : چون در میان آنها افرادی مجبور و بی میل و مخالف وجود دارد " .

یعنی کسانی که در یک محل و در یک زمان از دنیا می روند ، خداوند با توجه به نیت ها و انگیزه هایشان در قیامت آنها را مورد حسابرسی و مؤاخذه قرار می دهد ، زیرا برخی از آنها به اکراه و بخاطر ترس از جان و ناموس خود و بعضی به اجبار و گروهی دیگر داوطلبانه و با رغبت در آن لشکر شرکت می کنند .

روایتی شمار نفراتی که به زمین فرو می روند را دوازده هزار نفر ذکر کرده ، نه هفتاد هزار نفر . و روایتی دیگر می گوید که یک سوم آنها به زمین فرو می روند و یک

سوم دیگر چهره هایشان به پشت سر برمی گردد و یک سوم باقیمانده سالم

می مانند . " (۱)

* *

آغاز عقب نشینی سفیانی

پس از فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین ، ستاره بخت او رو به افول می گذارد ، و اختر سعادت حضرت مهدی (علیه السلام) رو به اوج و درخشندگی می نهد . روایات ، بعد از این واقعه ، نقش نظامی دیگری برای سفیانی در حجاز بیان

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۹۰ - ۹۱ .

صفحه : ۱۴۱

نمی کنند . و این بدان معنی است که با حادثه مذکور نقش او در حجاز پایان می یابد .

اما احتمال دارد نیروهایی برای او در مدینه باقی بمانند که با نیروهای حکومت حجاز همراهی کنند . روایات تأیید می کنند که پس از واقعه فرو رفتن قوای سفیانی ،

حضرت با سپاهی بیش از ده هزار نفر ، برای آزادی مدینه راهی آن شهر شده و با دشمنان خود درگیر می شود .

به هر حال حضرت ، مدینه و حجاز را فتح و نیروهای دشمن را سرکوب می کند و لشکر سفیانی هر جا که رویاروی او باشند ، از حجاز تا عراق و شام ، شکست می خورند . همچنانکه طبق روایات یک یا چند نبرد نیز در عراق بین لشکر سفیانی با سپاهیان مهدی (علیه السلام) و یاران یمنی و خراسانی آن حضرت اتفاق می افتد .

نبرد اهواز

طبیعی است که پس از شکست سفیانی بدست پیشگامان ایرانی و یمنی ظهور ،
عراق تحت قلمرو حکومت حضرت و یاران وی درآید و شکست معجزه آسای
سفیانی در حجاز عامل مؤثری در تثبیت قدرت یاوران مهدی (علیه السلام) در
عراق گردد

بویژه آنکه نیروهای پیشگام ، پس از شکست قوای سفیانی ، در عراق مستقر
می شوند و گروهی را جهت بیعت با امام زمان (علیه السلام) نزد آن حضرت به
حجاز
می فرستند .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" یاران درفش های سیاه که از خراسان می آیند در کوفه فرود آیند و چون مهدی (علیه السلام) ظهور کند گروهی را جهت بیعت بسوی او فرستند . " (۱)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۷ .

صفحه : ۱۴۲

همین روایت را ابن حماد آورده است :

" یاران درفش های سیاه از خراسان به کوفه روی آورند و چون مهدی (علیه السلام) در مکه ظهور نماید ، گروهی را جهت بیعت نزد وی فرستند . " (۱)

اما روایاتی نیز وجود دارد که از درگیری نیروهای سفیانی در عراق سخن می گوید و این بار سفیانی با نیروی یکپارچه و متشکل امام مهدی (علیه السلام) روبرو می شود .

حضرت ، شعیب بن صالح ، فرمانده نیروهای ایرانی را به بعنوان فرمانده کل نیروهای خود که بخش عظیمی از آنان ایرانی و یمنی و بخشی دیگر از سایر سرزمین های اسلامی اند ، انتخاب می کند .

برخی از روایات تنها از نبرد دروازه استخر (۲) سخن می گویند و آن را به عنوان جنگی بزرگ میان نیروهای سفیانی و حضرت مهدی (علیه السلام) توصیف می کنند .

دو روایت دیگر محل گرد آمدن نیروهای ایرانی را منطقه " بیضاء استخر " معین می کنند یعنی منطقه ای سفید رنگ در شهر استخر که بنظر می رسد همان بلندی های نزدیک مسجد سلیمان باشد و به " کوه سفید " معروف است .

همچنین سه روایت ، خاطر نشان می سازد کهوقتی امام از مدینه عازم عراق است نخست در بیضاء استخر فرود می آید و ایرانیها با حضرت بیعت می نمایند و در آنجا به فرماندهی امام مهدی (علیه السلام) وارد کارزار با سفیانی شده و او را شکست می دهند . در

پی این نبرد حضرت با هفت کجاوه نور که معلوم نیست در کدام یک از آنهاست ،

پاورقی -----

1 () () نسخه خطی ابن حماد ص ۸۸ .

2 () () استخر شهری قدیمی در جنوب ایران است که قبل از اسلام ، آباد و

پایتخت بوده و آثار آن هنوز

در نزدیکی شهر نفت خیز " مسجد سلیمان " دیده می شود . نقل شده که شهر

استخر را حضرت

سلیمان (علیه السلام) بنا نمود و فصل زمستان را در آنجا سپری می کرده است و

گویا مسجد سلیمان ،

مسجدی بوده که حضرت سلیمان (علیه السلام) آنرا ساخته است .

صفحه : ۱۴۳

وارد عراق می گردد . ما آن ماجرا را در مبحث نهضت ظهور بیان خواهیم کرد .

در نسخه خطی ابن حماد از علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" وقتی سپاه سفیانی به سوی کوفه می روند ، گروهی را به جستجوی یاران

خراسانی می فرستند .

همزمان ، یاران خراسانی در جستجوی حضرت بیرون می آیند ، آنگاه هاشمی با

درفش های سیاه در حالی

که شعیب بن صالح پیشاپیش آنها در حرکت است با او ملاقات می کند و در محل

دروازه استخر با یاران

سفیانی برخورد می نمایند و بین آنها نبردی بزرگ رخ می دهد . درفش های سیاه

پیروز می گردند و سواران

سفیانی پا به فرار می گذارند . آن هنگام مردم مهدی را می خواهند و او را می

جویند . " (۱)

بنابر روایتی که خواهد آمد منظور از کسی که هاشمی با او ملاقات می کند ،

حضرت مهدی (علیه السلام) و منظور از هاشمی ، همان مرد خراسانی فرمانده نیروهای

ایرانی است . یعنی گروههای ایرانی در جستجوی امام مهدی (علیه السلام) و جهت بیعت با

او حرکت می کنند تا در کنار حضرت ، علیه دشمنان به نبرد پردازند . پس به فرماندهی مرد هاشمی خراسانی به طرف جنوب ایران حرکت می کنند . آنها نزدیک مرز خاکی حجاز ، نزدیک بصره با حضرت ملاقات می نمایند .
روایتی دیگر می گوید :

" سفیانی هنگام جنگ در عراق ، لشکریانش را به همه آفاق گسیل می دارد . " (۲)

این نکته نشانگر گستردگی و پراکندگی نیروهای وی در عراق و مرزهای ایران است که فرضیه وجود نیروی دریائی سفیانی و هم پیمانان غربی وی را در خلیج فارس تأیید می کند .

روایت زیر آمدن حضرت به جنوب ایران را بیان و جنگ دروازه استخر یا کوه

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۸۶ .

2 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۸۶ .

صفحه : ۱۴۴

سفید را توصیف می کند ولی در متن روایت ، نوعی آشفتهگی وجود دارد :

" سفیانی پس از ورود به کوفه و بغداد ، لشکریان خود را به همه آفاق می فرستد اما از اهل خراسان که

در آنسوی رودخانه قرار دارند ترس و وحشتی به جانش می افتد . سپاهیان مشرق به آنها (لشکریان

سفیانی) هجوم آورده و آنها را می کشند ، وقتی این خبر به سفیانی می رسد سپاهی عظیم به استخر

می فرستد . آنها (سفیانی و نیروهایش) با حضرت مهدی (علیه السلام) و هاشمی در منطقه کوه سفید با یکدیگر

برخورد می کنند و بین آنها چنان جنگی بوقوع می پیوندد که ساقهای پای اسبان تا مچ در خون فرو می رود " .

روایت نخست ، تأثیر شگرف شکست نیروهای سفیانی در نبرد اهواز را یادآور می شود که این شکست ، موج عظیمی در میان ملت‌های مسلمان و بین هواداران حضرت بوجود می آورد ، بطوری که برای پیوستن به حضرت و بیعت با وی به جنب

وجوش می افتند و این است معنی جمله " مردم مهدی را می خواهند و او را می جویند " .

به هر حال ، بی تردید می توان گفت که سفیانی پس از فرو رفتن لشکرش در حجاز ،

وارد مرحله عقب نشینی و شکست می گردد . و تمام سعی خود را صرف حفظ و

نگهداری قلمرو حکومت خود در سرزمین شام و تقویت آخرین خط دفاعی

فلسطین و قدس و آمادگی در برابر حمله نیروهای حضرت مهدی (علیه السلام) می کند .

روایات ، جنگ دیگری بین سفیانی با حضرت مهدی (علیه السلام) ذکر نمی کنند ، به جز

نبرد بزرگ فتح قدس و آزادی فلسطین که جنگ پایانی سفیانی است و به شکست هم پیمانان یهودی و غربی او نیز منتهی خواهد شد .

سفیانی در نبرد فتح قدس

از روایات مربوط به این نبرد بزرگ برمی آید که سفیانی با مشکلات زیادی روبرو می شود ، اولین مشکل ، ضعف پایگاه مردمی او در سرزمین شام است زیرا قدرت و

موقعیت فرمانروائی او هر قدر هم که قوی باشد ، اما از آنجا که مردم خطه شام ،

صفحه : ۱۴۵

مسلمانند و معجزات و کرامات حضرت و شکست سفیانی و رابطه او با دشمنان اسلام را مشاهده می کنند ؛ از این رو موج علاقه به حضرت و دوستی و گرایش به ایشان و بیزاری و نفرت از سفیانی و سیاستهای وی قوت می گیرد .

به نظر می رسد که موج عظیم گرایش مردم به حضرت در سوریه ، اردن ، لبنان و فلسطین یعنی قلمرو حکومت سفیانی گسترش چشمگیری پیدا خواهد کرد . زیرا

روایات خاطر نشان می سازند که حضرت با سپاه خود بسوی سرزمین شام

لشکرکشی می کند و در " مرج عذراء " ناحیه ای در سی کیلومتری دمشق اردو

می زند . . . از این موضوع می توان فهمید که نه تنها سفیانی از نگهداری مرزهای خود

و پیشروی سپاه حضرت ، عاجز است بلکه او نیروهای خود را از پایتختش یعنی دمشق ، خارج کرده و به داخل فلسطین بازمی گرداند و مقرر فرماندهی خود را در " منطقه رمله " جایی که نیروهای رومی در آن فرود می آیند ، قرار می دهد .
بر اساس روایات ، حضرت در آغاز نبرد ، درنگ می کند و مدتی در حومه دمشق می ماند تا بزرگان و مؤمنان اهل شام که هنوز به حضرت نپیوسته اند ، ملحق شوند .

سپس حضرت از سفیانی می خواهد که جهت گفتگو ، شخصاً حاضر شود . آنها یکدیگر را ملاقات می کنند . سفیانی تحت تأثیر شخصیت حضرت قرار گرفته و با ایشان بیعت می کند و تصمیم می گیرد دست از جنگ بردارد و منطقه را تسلیم امام (علیه السلام) نماید اما نزدیکان و پشتیبانان سفیانی ، او را سرزنش کرده و از تصمیم خود

منصرف می سازند !

ظاهر روایات نبرد قدس و فلسطین ، از لحاظ سیاسی و طبیعی ، هیچ تفسیری جز ضعف پایگاه مردمی سفیانی در سرزمین شام و وجود موج مردمی طرفدار حضرت ، ندارد . بعضی روایات اشاره دارند که کار به جایی می رسد که بخشی از طرفداران سفیانی و قسمتی از لشکر او نیز با حضرت بیعت کرده و به ایشان می پیوندند .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" آنگاه وی (یعنی حضرت مهدی (علیه السلام)) به کوفه می آید و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا می ماند تا بر

کوفه مسلط گردد . سپس با همراهانش به " مرج عذراء " می آیند در حالی که بسیاری از مردم به آن حضرت

پیوسته اند . در آن هنگام سفیانی در منطقه " رمله " (فلسطین) بسر می برد . دو سپاه رو در روی هم قرار

می گیرند . آن روز ، روز ابدال است ، جمعی از مردمی که با سفیانی هستند از پیروی او دست کشیده و به

شیعیان آل محمد (علیهم السلام) می پیوندند و عده ای از مردم که با آل پیامبر هستند به سفیانی می گروند ، آنها در

واقع از پیروان او بوده و به او می پیوندند . هر کس در آنروز بسوی پرچم خود می شتابد . . " (۱)

از علی (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" وقتی سفیانی ، لشکری به سوی مهدی می فرستد ، در بیابان بیداء به هلاکت می رسند . این خبر به

اهل شام می رسد ، آنها به خلیفه خود گویند مهدی ظهور کرده ، با او بیعت کن و به اطاعت وی درآی و گرنه تو

را می کشیم ، او عده ای را جهت بیعت نزد حضرت می فرستد . . اما مهدی از سوی دیگر حرکت می کند تا در

بیت المقدس فرود آید . " (۲)

این روایت ، اوج محبوبیت مردمی حضرت و مخالفت مردم با سفیانی را نشان می دهد .

و نیز آمده است :

" حضرت می گوید پسر عمویم را نزد من آورید تا با وی سخن گویم پس سفیانی نزد حضرت می آید و

گفتگو می کند ، آنگاه زمام امور را به امام (علیه السلام) تسلیم و با او بیعت می کند ! اما همینکه نزد یاران خود بازمی گردد

قبیله کلب او را پشیمان می کنند ، به همین جهت برمی گردد و تقاضای فسخ پیمان می نماید ، امام نیز بیعت

وی را فسخ می کند ، آنگاه سفیانی لشکریان خود را برای جنگ با امام بسیج می کند ولی امام (علیه السلام) او را

شکست می دهد . خداوند رومیان را نیز بدست آن حضرت نابود می کند . " (۳)

پاورقی -----

- 1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۴ .
- 2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶ .
- 3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷ .

صفحه : ۱۴۷

معنی عبارت " قبیله کلب او را پشیمان می کند " یعنی او را از بیعت با حضرت مهدی (علیه السلام)

پشیمان می نمایند .

کلب نام عشیره ای ست که دایی های سفیانیند و سمبل تعصب در میان مردم شامند . اما در حقیقت کسانی که سفیانی را پشیمان و حکومت او را در برابر حرکت

مردمی طرفدارِ امام حفظ و او را وادار به پیکار با آن حضرت می کنند ، همان پشتیبانان یهودی و رومی سفیانیند . همچنانکه از روایات پیشین و روایات دیگر می توان این موضوع را بدست آورد .

به هر حال ، سفیانی نمی تواند از جو موجود مردمی و از فرصتی که حضرت به وی می دهد ، استفاده کند و مسلمانان سرزمین شام هم موفق به ساقط نمودن حکومت سفیانی و ارتش او نمی شوند ، از این رو وی و هم پیمانانش ، نیروهای خود را برای جنگی بزرگ آماده می کنند ، جنگی که محورهای آن به گفته روایات از

عکا تا صور و از آنجا تا انطاکیه در ساحل دریا و از دمشق تا طبریه و تا داخل قدس گسترش می یابد .

در این هنگام است که غضب خداوند و خشم حضرت مهدی (علیه السلام) و سپاهیان

بر سفیانی و هم پیمانان وی فرو می بارد و نشانه ها و معجزات الهی بدست حضرت آشکار می شود و سختی و تیره روزی به سفیانی و حامیان یهودی و رومی او روی می آورد و آنان را به بدترین شکل به شکست می کشاند .

سرانجام ، سفیانی بدست یکی از سپاهیان امام (علیه السلام) دستگیر و به زندگی طاغوتی

او پایان می دهند ، ستمگری که در مدت پانزده ماه دست به جنایاتی می زند که دیگران در سالهای طولانی نمی توانند مرتکب آن شوند .

صفحه : ۱۴۸

ملاحظه

در لندن ، جوان تحصیلکرده ای از " آل حدیدی " مرا دید و گفت که او چند بار کتاب عصر ظهور مرا مطالعه کرده و روایات علائم ظهور را تحقیق و بررسی نموده و

به این نتیجه رسیده که نیروهای سفیانی که بر اساس روایات در کشورهای شام ، عراق ، حجاز و خلیج پخش می شوند ، کنایه از نیروهای غربی و اروپائی ست . اما به نظر بنده از ظاهر روایات همان مطلبی فهمیده می شود که تاکنون بیان شد مضافاً بر اینکه سفیانی آلت دست غرب و یهود است . اما نظر آن جوان فاضل که معتقد است نیروهای سفیانی کنایه از نیروهای غرب و یهود است ، موضوعی ست که احتیاج به شاهد و دلیل دارد . والله العالم .

* *

صفحه : ۱۴۹

نقش یمن در دوران ظهور

روایات متعددی از اهل بیت (علیهم السلام) به دست ما رسیده که بیانگر وقوع یک نهضت

اسلامی و زمینه ساز ظهور حضرت در یمن است . سند تعدادی از این روایت ها

صحیح است (۱) وقوع این نهضت ، حتمی و پرچم آن پرچم هدایت و زمینه ساز ظهور و پشتیبان آن حضرت است . حتی برخی روایات آنرا هدایت بخش ترین پرچمها بصورت کلی در عصر ظهور می نامند و بر ضرورت پشتیبانی آن ، بیش از پشتیبانی پرچم مشرق ایرانی تأکید می کنند . و زمان آن را همزمان با خروج سفیانی در ماه رجب یعنی چند ماه قبل از ظهور حضرت و مرکز آن را صنعا معرفی می کنند .

رهبر این نهضت ، در روایات ، به " یمانی " معروف است . و روایتی نام او را " حسن " و یا " حسین " و از نسل " زید بن علی " می داند . اینک مهمترین روایات مربوط به این نهضت را بررسی می کنیم : از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" قبل از قیام قائم ، وقوع پنج علامت حتمی است : یمانی ، سفیانی ، صیحه آسمانی ، کشته شدن نفس زکیّه و فرو رفتن در بیداء " (۲) .

پاورقی -----

- 1 () سند صحیح ، سندی است که تمام راویان آن مورد وثوق باشند . مترجم
- 2 () بحار : ۵۲ / ۲۰۴ .

صفحه : ۱۵۰

و نیز فرمود :

" خروج سفیانی ، یمانی و خراسانی در یک سال ، یک ماه و یک روز و ترتیب آنها همچون رشته

مهره ها پشت سر هم خواهد بود . سختی از هر سو پدید آید ، وای بر کسی که با آنها مخالفت و دشمنی کند .

در میان درفش ها ، هدایت گتر از درفش یمانی وجود ندارد ، چرا که درفش حق است و شما را بسوی

صاحبان دعوت کند . وقتی یمانی قیام کند ، فروش اسلحه به مردم حرام است . پس بسوی او بشتابید که

درفش او درفش هدایت است . بر هیچ مسلمانی ، سرپیچی از او جایز نیست و اگر کسی چنین کند اهل آتش

است ، زیرا او مردم را به حق و به راه مستقیم دعوت کند . " (۱)

امام رضا (علیه السلام) در مورد کسی که ادعا می کرد ، امام زمان است ، فرمود :

" قبل از ظهور (مهدی) ، سفیانی ، یمانی ، مروانی و شعیب بن صالح خواهند آمد ، پس او چگونه چنین

ادعائی مطرح می کند ؟ " (۲)

منظور از مروانی در روایت ، احتمال دارد همان ابقع باشد یا آنکه در متن روایت خراسانی بوده و توسط نویسندگان اشتباهی رخ داده باشد .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" خروج این سه تن ، خراسانی ، سفیانی و یمانی در یک سال ، یک ماه و یک روز اتفاق می افتد . و

درفش یمانی از همه هدایت کننده تر است زیرا که دعوت به حق می کند . " (۳)
و از هشام بن حکم نقل شده که چون " طالب حق " خروج کرد به امام صادق (علیه السلام)

گفته شد : " آیا امیدوارید این شخص یمانی باشد ؟ حضرت فرمود : خیر ، یمانی
پیرو علی است و این

شخص از آن حضرت بیزاری می جوید " (۴) و در همین روایت آمده است که "
یمانی و سفیانی

پاورقی -----

1 (((بشارة الاسلام ص ۹۳ به نقل از غیبت نعمانی .

2 (((بحار : ۵۲ / ۲۳۳ .

3 (((بحار : ۵۲ / ۲۱۰ .

4 (((بحار : ۵۲ / ۷۵ .

صفحه : ۱۵۱

همچون دو اسب مسابقه هستند " یعنی هر یک می کوشد از دیگری سبقت گیرد .
و در بعضی روایات درباره حضرت مهدی (علیه السلام) وارد شده است :
" او از یمن و آبادی ای به نام کرعه خروج می کند . "

کرعه قریه ای در یمن از منطقه بنی خولان نزدیک صعده است . در صورت
صحیح بودن این روایت ، باید گفت که منظور ، خروج یمانی است که قیام خود را

از

این منطقه آغاز می کند و اگر در بعضی روایات آمده که آغاز حرکت حضرت از مشرق است ؛ منظور آغاز حرکت یاران آن حضرت است . زیرا آنچه در روایات ثابت و مکرر آمده این است که امام زمان (علیه السلام) از مکه و مسجد الحرام قیام خود را آغاز می کند .

در کتاب بشاره الاسلام آمده است :

" آنگاه ، فرمانروائی بنام حسین یا حسن از صنعاء قیام کند و با قیام او فتنه های سخت از میان برود ،

خجسته و پاک ظاهر شود و در پرتو ظهور او تاریکیها به روشنی تبدیل و حق بعد از پنهان شدن ، آشکار

گردد . " (۱)

* *

اکنون به بررسی چند نکته درباره نهضت و قیام یمانی می پردازیم :

الف : نقش انقلاب و قیام یمانی : طبیعی است که نهضتی که زمینه ساز حضرت مهدی (علیه السلام) در یمن است ؛ نقش عمده ای در مساعدت نهضت آن حضرت و یاری او

در حجاز دارد . هرچند که در روایات به این نقش چندان اشاره نشده و شاید دلیل آن حفظ نهضت یمانی و جلوگیری از آسیب های احتمالی به آن باشد . ما بزودی در

مبحث نهضت آن حضرت خواهیم گفت که نیروهای انسانی که در مکه و حجاز قیام

پاورقی -----

صفحه : ۱۵۲

می کنند و سپاه حضرت را تشکیل می دهند ، بطور عمده از یاوران حجازی و

یمنی

خواهند بود .

یمنی ها در عراق

طبق بعضی روایات ، به دنبال ورود سفیانی به عراق ، یمنی هم وارد آنجا

می شود . نیروهای یمنی در جنگ با سفیانی نقش پشتیبانی نیروهای ایرانی را دارند

،

چرا که از لابلای اخبار چنین فهمیده می شود که طرف اصلی درگیر با سفیانی ،

مردم

مشرق زمین یعنی یاران خراسانی و شعیب هستند .

از طرف دیگر ، یمنی ها علاوه بر حجاز ، نقش اساسی در منطقه خلیج خواهند

داشت ، گرچه روایات آنرا خاطر نشان نساخته اند ، اما ممکن است فرمانروائی یمن

،

حجاز و کشورهای حوزه خلیج در دست نیروهای یمنی باشد که پیرو حضرت اند .

ب : چرا پرچم یمنی از پرچم خراسانی هدایت بخش تر است ؟ با اینکه درفش

خراسانی و بطور کلی درفش های اهل مشرق به درفش هدایت ، توصیف شده و

کشتگان آنها شهید محسوب گشته و تعدادی از ایرانیان جزو وزیران ، مشاوران و از

یاران خاص حضرت اند . از جمله فرمانده نیروهای ایرانی ، شعیب بن صالح که توسط امام به فرماندهی کل ارتش حضرت انتخاب می گردد . و با آنکه نقش ایرانیان ،

در آماده سازی قیام حضرت ، نقش وسیع و فعالی است و فداکاری آنان آغازگر نهضت حضرت خواهد بود ، و ما آن را در فصل " نقش ایرانیان در دوران ظهور " بیان خواهیم کرد ، پس چرا انقلاب یمانی هدایت بخش تر از نهضت ایرانیان است ؟ دلیل این کار ممکن است به روش اداره حکومت توسط یمانی بازگردد یعنی روش ساده و قاطع اسلامی در رهبری سیاسی و اداری . در حالی که دولت ایرانیان از پیچیدگی در مدیریت و نواقص دیگر رنج می برد ، این تفاوت ریشه در سادگی و

قبیله ای بودن جامعه یمن و وراثت تمدن کهن و چند گانه جامعه ایرانی دارد .

صفحه : ۱۵۳

همچنین ممکن است انقلاب یمن بخاطر برخورداری از سیاست های قاطع ، و دستگاه اجرایی واقع بین و بهره گیری از نیروهای مخلص و مطیع و نظارت مستمر بر

عملکرد کارگزاران خود ، دارای قدرت هدایت بیشتری باشد . و این همان دستور العملی است که اسلام به متولیان امور می دهد تا بر اساس آن با کارکنان حکومتی عمل نمایند همچنانکه در منشور امیر مؤمنان (علیه السلام) به مالک اشتر می بینیم . در صفات

حضرت مهدی (علیه السلام) نیز آمده است که " او نسبت به کارگزاران و کارمندان خود سختگیر و نسبت به بینوایان مهربان است " .

در حالی که ایرانیان بر اساس چنین سیاستی عمل نمی کنند .
و نیز احتمال دارد درفش یمانی از این جهت هدایت کننده تر باشد که در تعقیب طرح جهانی اسلام ، خود را ملزم به رعایت قوانین و مقررات بین المللی روز نداند ، در حالی که ایرانیان معتقد و ملزم و مجبور به رعایت آنها باشند .

اما بهتر آن است که بگوئیم انقلاب یمانی به دلیل بهره گیری از رهنمودهای مستقیم حضرت مهدی (علیه السلام) قدرت هدایت بیشتری دارد چرا که یمن جزء لاینفک

قلمرو نهضت حضرت شمرده می شود .

علاوه بر آن ، شخص یمانی به دیدار حضرت نائل می شود و بطور مستقیم از آن حضرت کسب تکلیف می کند .

نشانه های این ادعا ، روایات مربوط به انقلاب یمانی هاست که رهبر انقلاب یمن یعنی شخص یمانی را می ستاید و می گوید : " بسوی حق هدایت کند و شما را بسوی صاحبتان

بخواند . سرپیچی از فرمان او برای مسلمانان جایز نیست و کسی که چنین کند اهل آتش خواهد بود "

اما در روایات مربوط به نهضت ایرانیان ، بیش از ستایش رهبران ، از عموم مردم به عنوان یاوران درفش های سیاه و اهل مشرق ، ستایش شده است . البته بجز شعیب بن صالح که با توجه به روایات ، نسبت به بقیه فرماندهان ، امتیاز و برتری

ویژه ای دارد و پس از او سید خراسانی و سپس مردی از قم در روایات مورد

ستایش

قرار گرفته اند .

علاوه بر همه این موارد ، انقلاب یمانی به ظهور امام (علیه السلام) نزدیکتر از

انقلاب

ایرانیان است ، حتی اگر فرض کنیم یمانی قبل از سفیانی قیام کند یا آنکه یمانی

دیگری زمینه ساز یمانی موعود باشد .

در حالی که انقلاب ایرانیان بدست مردی از قم صورت می پذیرد که سرآغاز

نهضت و قیام حضرت مهدی (علیه السلام) است " آغاز نهضت او از مشرق است

" و فاصله بین شروع

نهضت ایرانیان و بین خراسانی و شعیب ممکن است بیست یا پنجاه سال و یا آنچه

خدا اراده کند ، بطول انجامد . . .

چنین نهضتی بر پایه اجتهاد فقهاء و نمایندگان سیاسی آنان استوار است و از

امتیاز خلوص انقلاب یمانی که بطور مستقیم از ناحیه امام مهدی (علیه السلام)

هدایت

می شوند ، بهره مند نیست .

ج : نکته دیگر اینکه ، ممکن است یمانی چند نفر بوده و مثلا دومین آنها ، یمانی

مورد نظر باشد . در روایاتی که گذشت خروج یمانی موعود را با صراحت همزمان

با

ظهور سفیانی ، یعنی سال ظهور حضرت بیان کردیم ولی روایت دیگری با سند

صحیح از امام صادق (علیه السلام) وجود دارد که می گوید :

" یک مصری و یک یمانی قبل از سفیانی قیام می کنند . " (۱)

بنابر این روایت ، یمانی اول ، زمینه ساز یمانی موعود خواهد بود ، همچنانکه
" مردی از قم " و " اهالی مشرق " زمینه ساز خروج خراسانی و شعیب خواهند بود
که هر دو در روایات وعده داده شده اند .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۰ .

صفحه : ۱۵۵

این روایت ، زمان خروج یمانی اول را پیش از سفیانی تعیین کرده که ممکن
است اندکی قبل از سفیانی و یا سالهای طولانی قبل از او باشد . والله العالم .
د : مطلب دیگر ، روایتی است که عبید بن زراره از امام صادق (علیه السلام)
روایت نموده
که گفت :

" نزد امام صادق (علیه السلام) از سفیانی سخن گفته شد . حضرت فرمود : او
چگونه خروج کند در حالی که مرد

چشم شکسته در صنعاء هنوز خروج نکرده است . " (۱)

این خبر از روایات قابل توجه است که در منابع معتبری همچون کتاب غیبت
نعمانی آمده و شاید سند آن صحیح باشد .

و چنانچه گفتیم ، احتمال دارد مردی که قبل از سفیانی ظهور می کند ، یمانی اول

باشد که زمینه ساز یمانی موعود است . اما در اینکه منظور از " مرد چشم شکسته "

چیست ، چند احتمال وجود دارد . بهترین آن این است که بگوئیم ، این یک بیان
رمزی از امام صادق (علیه السلام) است و معنای آن جز در وقت خود آشکار نمی
گردد .

* *

-----پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۴۵ .

صفحه : ۱۵۶

صفحه : ۱۵۷

حوادث مصر در دوران ظهور

روایت های فراوانی پیرامون حوادث مصر در دست ما است . این روایات مژده
پیامبر (صلی الله علیه وآله) به مسلمانان درباره فتح مصر ، غلبه غربی ها بر آن

کشور در زمان نهضت

فاطمی ها و بالاخره حوادث زمان ظهور حضرت مهدی (عج) را دربر می گیرد .

اما به نظر می رسد که حوادث زمان ظهور با حوادث مربوط به تشکیل دولت
فاطمی ها در مصر آمیخته شده زیرا در هر دو حادثه ، ورود سپاه غرب به مصر
پیش بینی شده است .

راه حل این مشکل آن است که ببینیم در متن کدام روایت ماجرای مطرح شده

که به زمان ظهور متصل است و یا از حادثه ای سخن گفته که مرتبط با حوادث
زمان

ظهور حضرت است مانند خروج سفیانی و امثال آن .

با رعایت این نکته ، تعدادی از روایات که حوادث مصر را در عصر ظهور ترسیم
کرده اند در دست ما باقی می ماند که بدون تردید بیانگر حوادث زمان ظهور
حضرت

بوده و یا به احتمال قوی جزء آنها محسوب می گردد .

اکنون به چند دسته از این روایات توجه کنید :

الف : روایات مربوط به کشته شدن فرمانروای مصر بدست مردم آن کشور .

صفحه : ۱۵۸

این حادثه بعنوان یکی از نشانه های ظهور آمده است . (۱)

تعبیری که در زمان ما بین مردم رایج شده و گفته می شود از نشانه های ظهور آن
است که : " اهل مصر سادات خود را می کشند و بردگان بر کشور سادات مسلط
می شوند " (۲) و آن را

به قتل " انور سادات " انطباق می دهند ، تطبیق درستی نیست ، چرا که کلمه
" سادات " در این روایات ، بمعنای رؤسای حکومت است نه اسم شخص خاص .
بعلاوه طبق روایات ، پس از قتل فرمانروای مصر که از نشانه های ظهور حضرت
است ، یک سپاه یا بیشتر وارد مصر می شود که چنانچه خواهیم گفت ، همان سپاه
غرب است .

برخی از روایات ، کشته شدن فرمانروای مصر را همزمان با کشته شدن حاکم

شام بدست مردم شام ، می دانند : " قبل از وی فرمانروای شام و حاکم مصر کشته می شوند " (۳) .

شاید بین روایتِ قتلِ فرمانروایِ مصر با روایتِ انقلابِ مردی از مصر قبل از خروج سفیانی ، رابطه ای وجود دارد .

در بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۱۰ آمده است :

" پیش از سفیانی ، مصری و یمانی قیام می کنند . "

این شخص مصری ممکن است سرکرده فرماندهان و فرمانده سپاهی باشد که طبق برخی روایات جنبشی در مصر ایجاد نموده و اعلان وضعیت جنگی می کند .
" سرکرده فرماندهان در مصر قیام می کند و سپاهیان را تجهیز و بسیج می نماید . "

در روایتی دیگر هم گفته شده که وی قبل از ورود نیروهای غربی ، مردم را به

پاورقی -----

1 ((بشارة الإسلام ص ۱۷۵ .

2 ((بشارة الاسلام ص ۱۷۶ .

3 ((کتاب بشارة الاسلام ص ۱۸۵ به نقل از کتاب " القول المختصر " .

صفحه : ۱۵۹

سوی آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) دعوت می کند .

" اهل غرب به سوی مصر هجوم آورند ، ورود آنها علامت سفیانی است و قبل از آن شخصی مردم را به

سوی آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) دعوت نماید . " (۱)

احتمال هم دارد که مرد مصری و سرکرده فرماندهان و مردی که مردم را دعوت به اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) می نماید سه نفر باشند نه یک نفر .

به هر حال ، مجموع این روایات نشانگر قیام و انقلابی است که زمینه ساز ظهور حضرت در مصر است و یا حداقل بیانگر وجود جوّ اسلامی نیرومندی است که باعث تحول و انقلاب داخلی در مصر شده و با جنگ و صلح جهانی مرتبط است .

از جمله روایات حوادث مصر ، غلبه قبطیان بر اطراف مصر است ، از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده که درباره یکی از نشانه های ظهور فرمود :

" تسلط قبطیان بر اطراف مصر " (۲)

ممکن است منظور از روایتی که در نسخه خطی ابن حماد از ابوذر (ره) روایت شده همین حادثه باشد ، آنجا که می گوید : " امنیت از مصر رخت بر بندد . خارجه (یعنی راوی)

گوید به ابوذر گفتم : در آن هنگام که امنیت از دست رود ، پیشوایی نیست که آن را برگرداند . گفت : خیر ، زیرا

نظام آن گسسته شود . " (۳)

بر اساس این روایات ، قبطی های مصر فتنه ای به پا کرده و از حکومت سرپیچی و بر برخی نواحی مصر سلطه می یابند ، و سبب ضعف امنیت و اقتصاد مصر می گردند . . .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۰۸ .

2 ((بشاره الاسلام ص ۴۲ .

صفحه : ۱۶۰

طبیعی است که این طغیان و سرکشی بوسیله دشمنان مسلمین از خارج هدایت می شود ، زیرا سابقه ندارد که قبطیان در تاریخ خود بدون کمک قدرت خارجی دست به تحرک مهمی علیه مسلمانان زده باشند چنانکه در جنگ های صلیبی و در عصر کنونی نیز اوضاع به همین شکل است .

روایات ، زمان تحرک قبطیان را معین نکرده اند ولی روایت دیگری به نقل از حذیفه می گوید :

" مصر ، تا خراب شدن بصره از ویرانی در امان است " (۱)

و در همین روایت آمده است : " و خراب شدن مصر از خشکی رود نیل سرچشمه گیرد "

شاید خرابی موعود بصره ، بعد از ورود سفیانی به عراق و در سال ظهور حضرت باشد .

ب : احادیث مربوط به ورود نیروهای مغربی به مصر .

نویسندگان ، این نشانه را معمولا از علامتهای ظهور حضرت شمرده اند . منظور از مغرب ، در این روایت و روایات دیگر ، کشورهای غرب سرزمینهای اسلامی است که شامل مغرب ، الجزائر ، لیبی ، تونس و . . . می گردد . و بسیاری از این روایات بر ورود نیروهای مغربی به مصر در زمان انقلاب فاطمی ها ، منطبق است . اما در کتاب " غیبت " شیخ طوسی ص ۲۷۸ که از قدیمی ترین و معتبرترین منابع

ما است روایتی آمده که در آن اهل " غرب " گفته شده نه اهل " مغرب " و صاحب

بحار الانوار و بشاره الاسلام نیز روایت را از او نقل نموده اند . اما غیر از این دو نفر ،

سایر افراد آنرا به اشتباه " مغرب " نقل کرده اند . بنابراین آنچه در این روایات است ،

نیروهای غربی ست .

پاورقی -----

1 () (بشاره الاسلام ص ۲۸ به نقل از ابن عربی در کتاب محاضرة الابرار .

صفحه : ۱۶۱

روایت دیگری ، زمان ورودِ غربیها به مصر را اندکی قبل از خروج سفیانی در دمشق می داند . این نکته ، در قسمتی از روایت طولانی عمار یاسر (رحمه الله) بیان شده

است :

" دولت اهل بیتِ پیامبران در آخر الزمان برقرار شود و دارای نشانه هایی است . . . اهل غرب به سوی

مصر حرکت کنند . ورود آنها به مصر علامت سفیانی است . "

با توجه به اینکه سفیانی چند ماه قبل از ظهور خروج می کند ، بنابراین ، ورود نیروهای غرب به مصر یا در سال ظهور و یا نزدیک به آن اتفاق می افتد .

اکنون مناسب است به روایتی اشاره کنیم که بیانگر درگیری سفیانی با اهل مصر است . بر اساس این روایت سفیانی وارد مصر شده و به مدت چهار ماه دست به جنایت می زند ، به احتمال قوی این روایت از احادیث غیر واقعی و مبالغه آمیز در مورد سفیانی است . زیرا در منابع معتبر اشاره ای به آن نشده اما طبق بعضی روایات ،

سفیانی در دمشق ، " ابقع " را به قتل می رساند . او ، یا اهل مصر است و یا با مصر

ارتباطی دارد . والله العالم .

روایت دیگری می گوید مهدی (علیه السلام) مصر را منبر (پایگاه تبلیغاتی) خود قرار

می دهد و این مطلب در روایت عبایه اسدی از علی (علیه السلام) چنین وارد شده است :

" شنیدم امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمود : در مصر منبری بنا کنم و دمشق را ویران سازم و یهود و نصاری را از

تمام شهرهای عربی اخراج و با این چوب عرب ها را برانم . راوی گوید : گفتم : بگونه ای خبر می دهید که گویا

پس از مرگ زنده می شوید ؟ فرمود : هیهات ! ای عبایه ، واقعاً به خطا رفتی !

مردی از تبار من چنین خواهد

کرد . " (۱)

و نیز از علی (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (علیه السلام) و یارانش

چنین وارد شده است :

صفحه : ۱۶۲

" آنگاه (مهدی و یارانش) به سوی مصر رهسپار شوند . حضرت بر منبر آنجا بالا

رود و برای مردم

سخن گوید ، زمین در اثر عدالت شاد شود و آسمان باران رحمت خود را فرو

فرستد ، درختان بارور شوند و

زمین ، گیاهان خود را بیرون داده و چهره خویش را با گل و گیاه بر اهل زمین

بیاراید ، حیوانات وحشی چنان

در امن و امان بسر برند که در مسیر مردم مانند چهار پایانِ اهلی به چرا پردازند ، نور

دانش در دل‌های

مؤمنان پرتو افکند ، بگونه ای که هیچ مؤمنی به برادر دانشمند خود نیاز علمی پیدا

نکند ، در آن روز ، این آیه

تجلی یابد . (خداوند هر کدام آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز کند) " (۱)

از این دو روایت چنین استفاده می شود که مصر در حکومت جهانی مهدی ،

پایگاه علمی و تبلیغی معروفی خواهد شد بویژه با توجه به این عبارت : " در مصر

منبری بنا خواهم کرد " . و این جمله " آنگاه بسوی مصر روانه شوند و او بر منبر

آنجا بالا رود " یعنی

حضرت و یارانش راهی مصر شوند اما نه برای فتح ، یا تثبیت حکومت ، بلکه به

جهت استقبال مردم مصر از امام و یارانش ، از این رو همانگونه که جد بزرگوارش
علی (علیه السلام) وعده داده ، آنجا را به عنوان منبر و سخنگاه خویش انتخاب
می نماید ، تا

پیام خود را به تمام عالم برساند .

این نکته که مصر کرسی علم و پایگاه پیام رسانی حضرت به جهان باشد ،
منافاتی با آنچه در روایت به آن اشاره شد که مسلمانان نیاز علمی به یکدیگر
نخواهند داشت ، ندارد چرا که دانش امری نسبی است .

ج : حدیث مربوط به اینکه حضرت در دو هرم از اهرام مصر گنجینه ها و ذخائری
از دانش و غیر آن دارد .

این روایت ، در منابع معتبر ما ، مانند کتاب " کمال الدین " شیخ صدوق (قدس
سره) ص

564 از قول احمد بن محمد شعرانی ، یکی از فرزندان عمار یاسر (رحمه الله) ،
از محمد بن

پاورقی -----

1 () (بشاره الاسلام ص ۷۱ .

صفحه : ۱۶۳

قاسم مصری آمده است که پسر احمد بن طولون ، هزار کارگر را بمدت یکسال
برای

جستجوی در ورودی هرم بکار گماشت . آنان به سنگی مرمر برخوردند . پشت آن

در ، ساختمانی قرار داشت اما نتوانستند در ساختمان را بگشایند . تا اینکه کشیشی مسیحی از حبشه ، نوشته سنگ را که از طرف یکی از فراعنه مصر بود ، خواند : " من

اهرام و ظرف های سفالی را ساختم و این دو هرم را بنا نهاده و گنجها و ذخائر خود را

در آن به ودیعت نهادم " ابن طولون گفت : " این چیزی است که هیچ کس جز قائم آل

محمد (صلی الله علیه وآله) راه و چاره آن را نمی داند " سپس آن تخته سنگ بجای اولش گذارده شد .

در این روایت نقاط ضعفی وجود دارد که شاید برخی راویان به آن افزوده باشند اما در عین حال ، نقاط قوت قابل توجهی نیز به چشم می خورد . والله العالم .
د : حدیث " أخص مصر "

نویسنده کنز العمال حدیث زیر را به نقل از تاریخ ابن عساکر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت کرده که فرمود :

" مردی از قریش بنام اخص (و بر اساس کتاب فیض القدر مناوی ج ۴ ص ۱۳۱)
(مردی از بنی امیه

در مصر قدرت را بدست خواهد گرفت . سپس بر او پیروز شوند و یا قدرت از او گرفته شود او به روم گریزد

و رومیان را به اسکندریه آورد و در آنجا با مسلمانان به نبرد پردازد و این آغاز فجایع و کشتارها است " (۱)

منظور از " آغاز فجایع " شاید فجایع و کشتارهای قبل از ظهور حضرت و مراد از

بنی

امیه ، خط و مشی آنها باشد . والله العالم

* *

----- پاورقی

1 ((کتب برهان ص ۲۰۰ .

صفحه : ۱۶۴

صفحه : ۱۶۵

نقش عراق در دوران ظهور

پیرامون اوضاع و حوادث عراق ، در دوران ظهور ، روایات زیادی وارد شده و بیانگر آن است که عراق ، میدان کشمکش آرام نشدنی بین نیروهای متعدد است و این کشور چهار مرحله را پشت سر خواهد گذاشت .

مرحله اول : دوره تسلط ستمکاران بر عراق قبل از ظهور و به مدت طولانی همراه با وحشت و کشتار فراگیر که آرامشی برای مردم باقی نمی ماند .

مرحله دوم : کشمکش برای نفوذ به عراق بین طرفداران اهل بیت (علیهم السلام) و طرفداران

سفیانی فرمانروای سرزمین های شام .

مرحله سوم : اشغال عراق توسط سفیانی و آزار و اذیت مردم و سپس ورود

سپاهیان حضرت به آنجا و شکست و فرار نیروهای سفیانی از عراق .
مرحله چهارم : آزاد سازی کامل عراق توسط حضرت و پاکسازی آن از لوٹ وجود
سفیانیان و گروهکهای شورشی و انتخاب عراق بعنوان محل استقرار و مرکز
فرمانروائی حضرت .

روایات دیگری نیز به حوادثی پرداخته اند که در خلال این چهار مرحله بوجود
می آید مانند : خروج شیصبانی قبل از سفیانی که از مخالفین حضرت است .
شهادت نفس زکیّه (انسان پاک نهاد) همراه با هفتاد تن از صلحا در پشت کوفه ،

صفحه : ۱۶۶

خروج عوف سلمی از جزیره و یا تکریت و ممنوع شدن عراقیها از سفر حج به
مدت سه سال ، فرو رفتن شهر بصره و خراب شدن آن اندکی پیش از ظهور حضرت
,

فرو رفتنی دیگر در بغداد و حلّه و ورود نیروهای مغربی یا غربی به عراق ، قیام
فردی نیکوکار و شایسته با گروهی اندک جهت رویارویی با لشکر سفیانی ،
شورش

گروهکهایی از شیعه و سنی بر ضد آن حضرت که شاید خطرناک ترین آنها " گروه
رمیله دسکره " باشد که منطقه ای است نزدیک " شهربان " در استان دیالی عراق .
اینک به مهمترین روایت های این حوادث نظری می افکنیم :

مرحله اول و دوم

بارزترین مطلب در روایات این دو مرحله ، گرفتاری شدید مردم عراق از سوی

فرمانروایان ستمگر و اختلاف این فرمانروایان با هواداران درفش های سیاه (ایرانیان)
(

است .

جابر بن عبدالله انصاری (رحمه الله) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) چنین نقل
می کند :

" چنان شود که به مردم عراق ، پیمانۀ ای غله یا درهمی نرسد ، گفتم از چه ناحیه
ای ؟ فرمود : از ناحیه

عجم که مانع آن شوند " (۱)

یعنی مواد غذایی و کمکهای مالی بواسطه جنگی که با ایرانیان دارند به آنان
نمی رسد . و این همان بحران اقتصادی و گرسنگی و ترسی است که روایت جابر
جعفی در خصوص آن وارد شده که گفت :

" از امام باقر (علیه السلام) درباره آیه شریفه (ولنبلونکم بشیء من الخوف
والجوع) یعنی : ما یقیناً شما را به

چیزی از ترس و گرسنگی می آزماییم ؛ سؤال کردم . حضرت فرمود : ای جابر ،
این ترس و قحطی دو جنبه

پاورقی -----

1 ((بحار : ۹۲ / ۵۱ .

خصوصی و عمومی دارد ، اما قحطی خاص در شهر کوفه خواهد بود که خداوند سبحان آن را ویژه دشمنان آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) قرار داده و بدینوسیله آنان را هلاک گرداند و اما آنچه جنبه عمومی دارد ، قحطی و وحشتی است که در شام پیش آید که مانند آن را هرگز به یاد نداشته اند ، زمان قحطی پیش از قیام قائم و فرا رسیدن

وحشت و ترس بعد از قیام او خواهد بود " (۱)

البته اختصاص قحطی به دشمنان اهل بیت (علیه السلام) دلیلی ندارد ، مگر اینکه ماجرا

بصورت بحرانی اقتصادی درآید که حکومت ستمگران در عراق گرفتار آن شده و از آن سخت در رنج باشند .

وحشت و ترسی که بعد از ظهور حضرت ، سرزمین شام را فرا می گیرد ، منافاتی با وجود آن قبل از ظهور آن حضرت ندارد ، روایت بعدی به روشنی بیان می کند که این اضطراب و وحشت پیش از ظهور حضرت ، در عراق شدید خواهد بود . از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" پیش از قیام قائم ، مردم در اثر گناهانشان در رنج و عذاب خواهند بود و این رنج بوسیله آتشی که از

آسمان بر آنها آشکار شود ، و نشانه سرخ فامی که آسمان را بپوشاند و فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و

خون هایی که در آنجا ریخته شود و خانه هایی که خراب گردد و هلاکتی که در اهالی آن سامان بوجود آید و اضطرابی فراگیر که موجب سلب آرامش مردم عراق گردد ، جلوه گر خواهد شد "

(۲)

البته لازم نیست این نشانه ها ، آنگونه که در روایت آمده ، زنجیره ای و سلسلهوار محقق شود ، بلکه اضطراب و وحشت و فرو رفتن زمین ، پیش از بلاهای آسمانی خواهد بود و ظاهراً منظور از آتش آسمان و سرخی آن ، نشانه ای خاص و الهی باشد نه چیزی شبیه آتش انفجارها .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۲ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۱ - ۲۲۲ .

صفحه : ۱۶۸

روایت بعدی که از امیر المؤمنین (علیه السلام) نقل شده ، برخی حوادث عراق را که در

زمان حاکمیت ستمکاران پیش از سفیانی و قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) واقع

می شود ، بیان می نماید .

از انس بن مالک نقل شده که :

" زمانی که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام) از جنگ نهروان بازگشت
در منطقه ای به نام " براثا "

فرود آمد ، در آن منطقه ، راهبی بنام حباب در صومعه خویش بسر می برد ، او با
شنیدن هیاهوی لشکریان ،

از جایگاه خود به سپاهیان امیر مؤمنان نگریست و با مشاهده آن صحنه عظیم ،
سراسیمه بیرون آمد و

پرسید : این شخص کیست ؟ و فرمانده این لشکر چه کسی است ؟ گفتند : او امیر
مؤمنان (علیه السلام) است که از

جنگ نهروان بازمی گردد . حُباب با شتاب خود را به حضرت رساند و در حضور
وی ایستاد و گفت : درود بر تو

ای پیشوای راستین مؤمنان ! که بحق امیر مؤمنانی . حضرت فرمود : چگونه دانستی
که من امیر مؤمنان

راستین و بر حقم ؟ عرض کرد : پیشوائی تو را ، دانشمندان و عالمان دینی پیشاپیش
خبر داده اند . حضرت

فرمود : ای حُباب ، راهب گفت : چگونه نام مرا می دانی ؟ ! حضرت فرمود : نام
تو را حبیب من پیامبر (صلی الله علیه وآله) به

من آموخت . اینجا بود که حُباب گفت : دست را بده ، من شهادت می دهم که
خدایی جز خدای یکتا نیست و

محمد (صلی الله علیه وآله) رسول و فرستاده اوست و تو علی بن ابی طالب وصی
و جانشین او هستی . امیر مؤمنان (علیه السلام)

سؤال کرد کجا زندگی می کنی؟ گفت در صومعه خویش . در همین جا . حضرت فرمود : از امروز در آن

سکونت مکن ، اینجا مسجدی بنا گذار و آن را به نام سازنده آن نامگذاری کن ، (بدین ترتیب در آنجا

مسجدی بنا و به نام سازنده آن برآثا نامیده شد) سپس حضرت فرمود : ای حباب از کجا آب می نوشی ؟

عرض کرد : از دجله که در آن سو قرار دارد ، فرمود : چرا چشمه و چاهی حفر نمی کنی ؟ عرض کرد : ای امیر

مؤمنان هر چه چاه کندیم آب آن شور و ناگوار بود ، حضرت فرمود : در اینجا چاهی بکن ، حباب شروع به

حفر چاه کرد تا به سنگی سخت رسید . کسی توان کندن آن را نیافت . حضرت وارد چاه شد و شخصاً سنگ

را از جای کند . از زیر آن سنگ ، چشمه آبی جوشید که شیرین تر از عسل و لذیذتر از کره بود .

سپس فرمود : ای حباب ، از این چشمه آب بنوش . و آگاه باش بزودی در مجاورت این مسجد تو ،

صفحه : ۱۶۹

شهری بنا خواهد شد ، که ستمگران در آن فراوان و بلا و مصیبتها در آن بسیار خواهد بود تا جائی که در هر

شب جمعه هفتاد هزار عمل منافی عفت انجام شود وقتی که بلا و گرفتاری به آنان
روی آورد به مسجد تو
هجوم آورند و آن را منهدم سازند ، آنگاه تو مجدداً بنایش کن که آن را جز کافر
منهدم نکند ، سپس آنجا
خانه ای بساز ، چون مردم چنین کنند ، مدت سه سال از رفتن به حج منع گردند و
محصولات کشاورزی آنان
بسوزد و خداوند مردی از کوه نشینان بر آنان مسلط گرداند که وارد هر شهری که
شود آن را نابود و اهالی آن
را به هلاکت رساند و دیگر بار نیز به سوی آنان بازگردد . سپس ۳ سال دچار
قحطی و گرانی طاقت فرسا
گردند ، بار دیگر به سراغ آنها رود تا آنکه وارد بصره شود او هر آنچه در مسیرش
باشد چه درخت چه
عمارت و چه انسان همه را با خشم از بین برد و مردم را قتل عام کند . این حادثه
زمانی اتفاق افتد که
ویرانی های بصره آباد گشته و در آن مسجد جامعی بنا شود ، سپس او به داخل
شهری وارد شود بنام واسط
که توسط حجاج بنا شده است ، در این شهر نیز مانند شهرهای دیگر عمل کند و
بعد از آن رهسپار بغداد
شود اما این بار ورود او همراه با عفو و گذشت است . مردم به شهر کوفه پناه برند
، منطقه ای از کوفه نیست

که ماجرا بر آن پوشیده باشد ، آنگاه وی با شخصی که او را وارد بغداد نموده جهت
نیش قبر من از شهر

خارج خواهند شد که سفیانی با آنها روبرو شده و پس از شکستی سخت آنان را به
قتل رساند و سپاهی به
سوی کوفه گسیل دارد که عده ای از اهالی آنجا را به بردگی گیرند ، در این هنگام
شخصی از کوفه رسد و

مردم را در قلعه ای پناه دهد . هر کس به آنجا پناه آورد مصون ماند . لشکریان
سفیانی وارد شهر کوفه شده

و مردم را قتل عام و وحشتی ایجاد کنند که اگر شخصی از کنار قطعه جواهر
گرانقیمتی که روی زمین افتاده

بگذرد ، متعرض آن نشود . آنها هر کودک خردسالی را ببینند تعقیب و به قتل
رسانند .

ای حُباب در این هنگام باید در انتظار حوادث تأسف بار دیگر بود ، حوادثی بزرگ
و فتنه هائی چون

ظلمت شب تاریک . ای حباب آنچه به تو می گویم بخاطر بسپار " (۱)
در ظاهر عبارت های این حدیث نوعی آشفتگی بنظر می رسد و مرحوم مجلسی

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۷ - ۲۱۹ .

بعد از نقل این روایت می گوید : " بدانکه نسخه این روایت مخدوش بود و من روایت را آنطور که یافتم ثبت کردم " از این رو سند و متن این روایت قابل بحث و مناقشه است ، اما گذشته از سند روایت ، اخبار آن حاکی از سختی هایی است که مردم عراق از حاکمان ستمگر می بینند ، نظیر این مطلب در روایات دیگری که

سند

بعضی صحیح است نیز آمده . زمان برخی از این حوادث مانند تخریب مسجد برائنا ، کثرت فساد و تباهی در بغداد و تسلط فرماندهان نظامی از مناطق کوهستانی کردستان و ایران بر بغداد و غیر آن در قرون قبل اتفاق افتاده ، اما برخی دیگر مانند جریان سفیانی و حوادث مربوط به او هنوز به وقوع نپیوسته است .

مرحوم شیخ مفید می گوید : " نشانه ها و حوادث قبل از قیام حضرت قائم (علیه السلام) در

روایات آمده است ، از جمله خروج سفیانی و کشته شدن حسنی و اختلاف بنی عباس بر سر مقام های دنیوی و خورشید گرفتگی در نیمه ماه رمضان و گرفتن ماه در

اواخر آن بر خلاف معمول و فرو رفتن در بیابان بیداء و فرو رفتی دیگر در مشرق و مغرب و توقف خورشید از ظهر تا نزدیک عصر و طلوع آن از مغرب و کشته شدن نفس زکیه در پشت کوفه همراه با هفتاد تن از صالحان و ذبح شدن مردی از بنی هاشم در کنار کعبه بین رکن و مقام (یعنی بین کعبه و مقام ابراهیم) و خراب شدن

دیوار مسجد کوفه و ورود درفش های سیاه از ناحیه خراسان و خروج یمانی و ظاهر

شدن مغربی در مصر و تصرف شامات توسط او و فرود ترکها در جزیره و فرود رومیها در رمله و طلوع ستاره ای از مشرق که مانند ماه نور افشانی کرده و سپس بگونه ای خم شود که دو طرف آن به یکدیگر نزدیک شود و هاله سرخی که در آسمان آشکار و سپس در تمام نقاط پخش گردد و آتشی که از طرف مشرق بطرف آسمان بلند شده و سه یا هفت روز باقی ماند و افسار گسیختگی عرب ها و تصرف سرزمین ها و خارج نمودن آن از سلطه عجم و قتل فرمانروای مصر به دست مردمش

صفحه : ۱۷۱

و ویرانی شام و اختلاف بین طرفداران سه گروه در شام و ورود درفش های قیس و اعراب به مصر و درفش های کنده به خراسان و ورود سوارانی از غرب که در دروازه

حیره مستقر شوند و ورود درفش های سیاه از مشرق به همین ناحیه و ایجاد شکافی در رود فرات بگونه ای که آب ، کوچه های کوفه را فرا گیرد و خروج شصت نفر که

همه به دروغ ، ادعای نبوت کنند . و خروج دوازده نفر از اولاد ابوطالب که هر یک

ادعای امامت نمایند ، و سوزاندن مرد جلیل القدری از بنی عباس در منطقه ای بین جلولاء (۱) و خانقین و ایجاد پلی از طرف منطقه کرخ به شهر سلام و برخاستن بادی

سیاه در آن منطقه در ابتدای روز و زلزله ای ویرانگر که بخش وسیعی از منطقه را فرو

برد و ترس و وحشتی فزاینده که اهل عراق و بغداد را فرا گیرد و ظهور مرگ دسته
جمعی بین آنان و کاستی در مال ، جان و محصولات و هجوم گاه و بی گاه ملخ ها
به

کشتزارها و کم شدن رشد محصولات کشاورزی و اختلاف دو گروه از عجم و
خونریزی بسیار بین آنان و نافرمانی بردگان از صاحبان خود و کشتن اربابانشان و
مسخ شدن عده ای از بدعت گذاران به شکل میمون و خوک و چیره شدن بردگان
بر

سرزمین های اربابان و صیحه ای آسمانی که همه اهل زمین و هر کس به زبان خود
آن

را بشنود و تصویر صورت و سینه ای که از آسمان و در قرص خورشید (احتمالاً در
کسوف خورشید) برای مردم ظاهر شود و زنده شدن برخی مردگان و بازگشت
آنها

به دنیا در حالی که یکدیگر را شناخته و ملاقات نمایند .

آنگاه تمام حوادث فوق با بارش بیست و چهار نوبت باران پی در پی خاتمه یابد .
از آن پس زمین مرده دوباره زنده شده و برکاتش هویدا گردد و بعد از آن هر غم و
اندوهی از جویندگان حق و پیراون حضرت مهدی (علیه السلام) رخت بر بندد . بر
اساس

پاورقی -----

1 () نام منطقه ای است در عراق . و خانقین شهر مرزی فعلی عراق .

روایات در آن لحظه از تاریخ ، یاران حضرت به ظهور آن بزرگوار در مکه پی برده

و

جهت یاری او متوجه آن دیار گردند .

آری ، وقوع برخی از این حوادث حتمی و برخی دیگر مشروط به پیدایش شرائطی است که خدای سبحان به چگونگی آنها آگاه تر است . ما این حوادث را بگونه ای که در کتب تاریخ و روایات بود ذکر کردیم و از خدای بزرگ (در رسیدن به

حقیقت) یاری می طلبیم " . (۱)

آنچه مرحوم شیخ مفید بیان کرد ، چکیده ای از نشانه ها و علامت های دور و نزدیک ظهور است اما مقصود او وقوع این حوادث بصورت زنجیره ای و آنچنانکه برشمرده نیست ، زیرا ، تعدادی از این حوادث مانند کشته شدن نفس زکیه بین رکن

و مقام فاصله ای بیش از دو هفته با ظهور حضرت ندارد بلکه در حقیقت جزئی از وقایع نهضت ظهور آن بزرگوار است زیرا او فرستاده حضرت مهدی (علیه السلام) است .

بعضی دیگر از این نشانه ها قرنهای زیادی با ظهور حضرت فاصله دارند مانند اختلافات داخلی بنی عباس و ظهور مغربی در مصر و تصرف منطقه شامات توسط او در جنبش فاطمیان .

اما مراد شیخ مفید از حتمی بودن برخی نشانه ها و مشروط بودن دسته ای دیگر این است که وقوع تعدادی از این حوادث ، حتمی است مانند خروج سفیانی و

یمنی ، کشته شدن نفس زکیه ، صیحه آسمانی ، فرو رفتن لشکر سفیانی و غیر آن .

و

تعدادی دیگر مشروط به وقوع پیشامدهای دیگری است که علم آن نزد خدای سبحان و تقدیر او است . آری او است که به گذشته و آینده و نسبت به تمام

حوادث

دانا و آگاه است .

-----پاورقی

1 () () ارشاد مفید ص ۳۳۶ و بحار : ۵۲ / ۲۱۹ .

صفحه : ۱۷۳

شاید منظور از حسنی در روایات ، همان " نفس زکیه " در مکه باشد و شاید جوانی باشد که نزدیک ظهور حضرت در مدینه به دست لشکریان سفیانی به قتل می رسد ، همچنانکه احتمال دارد منظور ، سیدی حسنی باشد که رهبر حرکت اسلامی در عراق را بر عهده خواهد داشت ، در برخی روایات عبارت " و تحرك الحسنى " دیده می شود . (۱)

روایات دیگری که در ارتباط با استقرار سواران مغربی در نزدیکی حیره یعنی کوفه وارد شده ، بیانگر آن است که این ماجرا در زمان سفیانی و یا نزدیک به آن

زمان

واقع خواهد شد . اما آنچه در کلام شیخ مفید جلب توجه می کند این عبارت است

که می گوید : " ورود سوارانی از غرب که در دروازه حیره (کوفه) مستقر شوند
" احتمال دارد منظور

از این نکته ، نیروهای غربی باشند که جهت حمایت از سفیانی وارد عراق می شوند
و یا قبل از سفیانی در آنجا بسر می برند .

منظور از درفش های مشرق زمین ، درفش های سیاه خراسانی ها است که همراه
نیروهای یمنی جهت مقابله با سفیانی که بدانجا لشکر کشی نموده وارد عراق
می شوند .

اما شکافته شدن رود فرات و جاری شدن آب در کوفه آنچنانکه در روایات آمده
مربوط به سال ظهور است . در روایتی از امام صادق (علیه السلام) وارد شده که
فرمود : " سال

فتح ، فرات شکافته شود تا آب وارد کوچه های کوفه گردد " (۲)

پاورقی -----

(1) (بعضی ها احتمال داده اند که کشته شدن نفس زکیه همراه هفتاد تن از

صلحاء شاید بر شهید عالی

مقام آیه الله سید محمد باقر صدر (قدس سره) تطبیق کند که با گروهی از علمای

برجسته و مؤمن ، که

تعدادشان به هفتاد نفر می رسید ، به شهادت رسیدند و ممکن است مقصود از پشت

کوفه که در

حدیث آمده نجف باشد چرا که از شهر نجف گاهی با عنوان نجف کوفه یعنی

بلندی های کوفه نیز

یاد می شود . مؤلف

صفحه : ۱۷۴

از طرفی ، گواهی شیخ مفید بر این نکته که نشانه های ظهور حضرت ، در منابع حدیثی معتبر ثابت شده ، ارزش و اهمیت والایی به این دسته از روایات می بخشد ، زیرا دقت و مقام برجسته علمی شیخ مفید از یک طرف و نزدیکی او به دوران تابعین و امامان (علیهم السلام) از طرف دیگر جایگاه ویژه ای به دیدگاه های او بخشیده است .

شیخ مفید در سال ۴۱۳ هجری رحلت نمود .

* *

تعدادی از روایت ها ، درباره حوادث قبل از سفیانی در عراق ، نکاتی را بیان کرده اند به این شرح :

الف : در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " سپس بین سران عرب و عجم

دشمنی و اختلاف پیش آید و این اختلاف ادامه یابد تا فرمانروائی به مردی از ذریه ابو سفیان رسد " (۱)

ب : روایت " تحرک حسنی " روایتی است که می گوید : مرکز فعالیت سید حسنی در

عراق خواهد بود و او در همان محل پس از بدست گرفتن قدرت ، به قتل خواهد رسید .

ج : دسته ای از روایات نشانگر آن است که حکومت ستمگران در عراق تا ظهور

حضرت مهدی (علیه السلام) ادامه خواهد داشت . از امام صادق (علیه السلام)
نقل شده که فرمود :

" زمانی که دیوار عقب مسجد کوفه که به خانه عبدالله بن مسعود می رسد تخریب
گردد ، حکومت خاندان

فلان پایان پذیرد و پس از آن قائم ظهور فرماید " (۲) و در روایتی که در کتاب
غیبت طوسی

در همین رابطه است چنین آمده " خراب کننده دیوار ، آن را ترمیم نمی کند " (۳)
(

پاورقی -----

1 ((الزام الناصب : ۲ / ۱۶۰ .

2 ((ارشاد مفید ص ۳۶۰ .

3 ((غیبت طوسی ص ۲۷۱ .

صفحه : ۱۷۵

یعنی کسی که دیوار مسجد را خراب کند یا کشته می شود و یا قبل از نوسازی و
مرمت ، آنجا را ترک می کند .

برخی روایات بیانگر هجوم سفیانی به عراق و مبارزه او با حکومتی مخالف

اسلام و امام مهدی (علیه السلام) است همچنانکه در روایتی آمده است : "

و فرمانروای مردم در آن

روز ، مردی جبار و لجوج است که کاهن و جادوگر نامیده می شود . " (۱)

حسنى ، شىصبانى و عوف سلمى

در حوادث مربوط به ظهور حضرت ، از قيام و خروج سه شخصيت مثبت و منفى نام برده شده است ، اين سه نفر عبارتند از : حسنى ، شىصبانى و عوف سلمى .

تعدادى از روايات سخن از شخصى به نام حسنى به ميان آورده اند كه بيانگر ايجاد نهضتى توسط او و سپس كشته شدن نامبرده است . اما اين روايات تصريح نكرده اند كه او در كشور عراق ظهور خواهد كرد و از وي به شكلهاى مختلف ياد نموده اند از جمله با نام حسنى مدينه ، حسنى مكه ، حسنى عراق يا حسينى خراسانى كه در منابع اهل سنت با نام " حسنى خراسانى " مطرح شده و او را بعنوان كسى كه در سال ظهور با سپاهانش وارد عراق مى گردد ، معرفى نموده اند .
بنابراين

احتمال دارد منظور روايات از جنبش حسنى در عراق همين حسنى باشد و احتمال دارد كه حسنى ديگرى قبل از او وجود داشته باشد .

اما درباره شىصبانى روايتى در كتاب غيبت نعمانى از جابر بن يزيد جعفى نقل شده كه گفت : از امام باقر (عليه السلام) در مورد سفىانى سؤال كردم حضرت فرمود : " سفىانى را

نخواهيدديد مگر آنكه شىصبانى در سرزمين كوفان (عراق) مانند آبى كه از زمين بجوشد ناگهان ظاهر شود ،

پاورقى -----

او نمایندگان شما را به قتل رساند . بعد از آن ماجرا در انتظار سفیانی و خروج قائم باشید . " (۱)

این روایت دارای چند نکته درباره شخصیت شیصبانی است از جمله :
الف : امام او را به شیصبانی توصیف کرده است در حالی که شیصبان صفتی است که امامان ما (علیهم السلام) از آن برای معرفی طاغوتها و اشرار استفاده می کنند .
در شرح

قاموس آمده است که شیصبان در اصل نام ابلیس است .

ب : او قبل از سفیانی خروج می کند و بین او و سفیانی فاصله چندانی نخواهد بود و یا بلافاصله بعد از او سفیانی خروج خواهد کرد . امام فرمود : " بعد از او منتظر سفیانی باشید " .

ج : محل خروج او عراق است که به آن سرزمین کوفان نیز گفته می شود و یا خود شهر کوفه است و این خروج ، در قالب انقلاب یا حکومت به شکل ناگهانی و غیر منتظره است " مانند آب که از زمین می جوشد " او انسانی است طغیانگر و خونریز که

مؤمنان را به قتل می رساند و ظاهراً معنای جمله " نمایندگان شما را می کشد " در کلام

امام این است که مؤمنین عالی رتبه ای را که معمولاً پیشاپیش و در صدر هیئت نمایندگی حضور دارند به شهادت می رساند . زیرا وقتی گفته می شود " نمایندگان قبیله یا نمایندگان شهر " به معنای صاحبان جاه و مقام و شخصیت‌های آنان است .

البته از دیدگاه برخی ، چنین ویژگی هایی ممکن است بر صدام حاکم سابق عراق منطبق باشد . چون همه این صفات در او وجود دارد بنابراین اگر سفیانی بعد از او در شام خروج نماید می توان ادعا کرد که صدام همان شیصبانی عراق است که در روایت وارد شده است .

* *

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۵۰ به نقل از غیبت نعمانی .

صفحه : ۱۷۷

اما درباره عوف سلمی نیز روایتی در کتاب غیبت طوسی آمده که در آن حدلم بن بشیر از امام زین العابدین (علیه السلام) چنین نقل می کند : " به علی بن الحسین (علیهما السلام) عرض کردم چگونه خروج مهدی (علیه السلام) را برایم توصیف و نشانه هایش را به من معرفی فرما .

حضرت فرمود : قبل از ظهور او مردی بنام عوف سلمی در سرزمین جزیره خروج نماید که جایگاه او

تکریت و محل قتل وی مسجد دمشق است . سپس شعیب بن صالح از سمرقند خروج کند و آنگاه سفیانی

ملعون که از نسل عتبه پسر ابوسفیان است از منطقه وادی یابس (بیابان خشک) خروج نماید . با خروج او

حضرت مهدی (عج) پنهان گردد و پس از مدتی ظهور نماید " . (۱)

آنچه در متن روایت درباره شعیب بن صالح آمده مخالف با روایت های مشهور شیعه است که او را از اهالی ری می داند مگر آنکه بگوئیم او اصالتاً اهل سمرقند است . همچنین است کیفیت خروج او پیش از سفیانی که قبلاً بیان کردیم . ظاهراً عوف سلمی علیه حکومت سوریه قیام می کند نه عراق ، و اگر روایت او صحیح باشد مدت کوتاهی قبل از سفیانی زنده خواهد بود . اما جزیره که مرکز جنبش و قیام او است نام منطقه ای است در مرز عراق و سوریه و بر اساس آنچه در کتاب های تاریخ و حدیث آمده هرگاه لفظ جزیره بدون اضافه به کلمه دیگر بیاید همین معنا از آن استفاده می شود . و به آن جزیره ربیعه و جزیره دیار بکر نیز گفته می شود ، بنابراین منظور از آن جزیره العرب نیست . و ظاهراً مفهوم جمله "

جایگاه

وی تکریت است " این باشد که جایگاه او قبل از قیام یا بعد از شکست و فرارش تکریت

خواهد بود که امروزه یکی از شهرهای معروف عراق است . آنچه این مطلب را تأیید می کند قرار داشتن تکریت در نزدیکی منطقه جزیره است . آنچه در برخی نسخه ها به جای تکریت ، بکریت و یا بکویت آمده در اثر اشتباه نسخه هاست و

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۳ به نقل از غیبت طوسی .

مؤید آن عبارت کتاب بحار مجلسی و غیبت طوسی است که در آنها ، کلمه

تکریت

آمده است .

روایت اشاره به این معنا دارد که عوف سلمی در مسجد دمشق کشته می شود
یعنی در آنجا با ترور به قتل می رسد و یا در آن محل بازداشت و به قتل می رسد .
بنابراین ماجرای او از جمله حوادث دوران قبل از ظهور شام است که با حوادث
عراق نیز بی ارتباط نیست .

مرحله سوم : لشکر کشی سفیانی و تخریب بصره

روایاتی در دست ماست که نشانگر لشگر کشی سفیانی به عراق و اشغال آن و
آزار و اذیت مردم مخصوصاً شیعیان حضرت مهدی (علیه السلام) و اهل بیت (
علیهم السلام) است که در

بخش جنبش سفیانی از آن یاد کردیم اما از مجموعه روایات چنین استفاده می شود
که حکومت وقت عراق در آن زمان به اندازه ای ضعیف و ناتوان است که نه با قوای
نظامی و نه با تکیه بر نیروی مردمی قادر به جلوگیری از هجوم سفیانی نیست . این
حکومت حتی نمی تواند از ورود نیروهای یمنی و ایرانی که جهت رویارویی با
سفیانی وارد عراق می شوند ممانعت کند . اما احتمال دارد ورود نیروهای سفیانی
به عراق با دعوت حکومت ضعیف آن کشور باشد . و شاید نبردی که لشکریان
سفیانی در دجیل و بغداد و سایر شهرهای عراق با آن درگیر می شوند ، جنگ و
درگیری سفیانی با گروه های شورشی باشد که علیه او قیام می کنند . از طرف
دیگر ،

روایات بیانگر آن است که نیروهای ایران و یمنی از پشتیبانی مردمی ملت عراق

برخوردارند و عراقی ها با شادمانی این نیروها را جهت تعقیب و سرکوبی قوای سفیانی یاری می نمایند .

اما درباره تخریب بصره روایات به سه دسته تقسیم می شوند :

صفحه : ۱۷۹

الف : تخریب آن با غرق شدن در آب .

ب : بواسطه جنبش و انقلاب زنگیان (سیاه پوستان)

ج : در اثر فرو رفتن زمین و انهدام آن .

مضمون بسیاری از کلمات امیر مؤمنان (علیه السلام) در خطبه های نهج البلاغه و

سایر

موارد بیانگر دو تخریب اول و دوم است که در زمان عباسیان بوقوع پیوسته ،

همچنانکه همه مورخان آن را بیان کرده اند .

حضرت خطاب به اهل بصره می فرماید : " شما لشکریان آن زنید (عایشه) و

طرفداران

آن حیوان (شتر عایشه) آنگاه که حیوان فریاد زد اجابت کردید وزمانی که پی شد

گریختید . اخلاقتان

پست ، پیمانتان گسسته ، دینتان ، نفاق و آب آشامیدنیتان تلخ است ، کسی که میان

شما زندگی کند به کیفر

گناهانش گرفتار آید و هر کس از شما دوری گزیند مشمول رحمت پروردگارش

گردد . گویا مسجد شما را

می بینم که چون سینه کشتی غرق شده (از آب بیرون مانده) و عذاب خدا از بالا و پائین آنرا احاطه کرده و

تمام سرنشینان آن غرق شده اند " (۱)

ابن ابی الحدید پیرامون جملات مذکور می گوید : " درباره این کلام امیر المؤمنین (علیه السلام) که

از غرق شدن بصره به جز مسجد آن خبر داده ، شنیدم که در کتابی مربوط به وقایع خونبار عالم آمده است

که شهر بصره و اهل آن بوسیله آب تیره ای که از زمین می جوشد هلاک و غرق می گردند و تنها مسجد آن

سالم می ماند . "

اما آنچه درست است این است که شهر بصره تاکنون دوبار بطور کامل تخریب شده که یکی از آنها در زمان خلیفه عباسی " قائم بأمر الله " بوده . در آن حادثه

بجز

بخشی از مسجد جامع آن که شبیه سینه پرنده روی آب هویدا بوده ، چیزی باقی نماند ، همانگونه که امیر مؤمنان (علیه السلام) خبر داد . در آن زمان آب از خلیج فارس از

ناحیه ای که امروزه معروف به جزیره فارسی است و از طرف کوه معروفی بنام کوه

پاورقی -----

(1) (نهج البلاغه خطبه ۱۳ .

سنام بالا آمد و خانه های شهر و هرچه در آن بود را غرق کرد و جمعیت انبوهی از مردم شهر را هلاک نمود . یکی از دو حادثه غرق شدن بصره نزد مردم شهر معروف است و آن را از پیشینیان خود نقل می کنند .

اما حادثه تخریب بصره توسط انقلاب زنگی ها حادثه ای است که در اواسط قرن چهارم در زمان عباسیان اتفاق افتاد و امیر مؤمنان (علیه السلام) بارها از آن خبر داده است . از

جمله در خطبه ای فرمود : " ای احنف ، گویا من او را می بینم که بالشکری بدون صدا و بدون حرکت

لگام و شیهه اسبان به راه می افتد و زمین را زیر قدم های خود چون گام شتر مرغان در می نوردد . "

سید رضی می گوید : " اشاره آن حضرت ، به صاحب زنگ (زنگیان) است " . سپس حضرت

ادامه داد : " وای بر کوچه های آباد و خانه های زینت شده بصره که بالهایی چون بال کرکسان و ناودان

چون خرطوم پیلان دارد . بر کشتگان آنها نمی گریند و از گمشدگانشان جستجو نمی کنند . "

انقلاب زنگیان که در کتب تاریخ مشهور است به رهبری قرمطی و در قرن سوم اتفاق افتاد . او مدعی بود که از علویان است ، آنچه امیر مؤمنان (علیه السلام) درباره آنان

پیشگوئی کرده بطور کامل بر آنها منطبق است . این انقلاب در حقیقت عکس

العمل

ظلم ، خوشگذرانی و بیدادگری با بردگان و مستضعفان بود . از این رو لشکر
زنگیان

همه از بردگان سیاه و پیاده بودند و مرکبی در اختیار نداشتند .
اما حادثه تخریب بصره که از نشانه های ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است
در

بسیاری از روایات مطرح و بیان شده که بصره از جمله شهرهای مؤتفکه (یعنی زیر
و رو شده) است که در قرآن مجید آمده یعنی شهرهایی که با فرو رفتن در زمین و
عذاب الهی زیر و رو شده اند که از جمله آنها شهر بصره است ، این شهر سه بار
زیور و شده و مرحله چهارم آن هنوز باقی مانده است . در شرح نهج البلاغه ابن
میثم بحرانی چنین آمده است : " وقتی امیر مؤمنان (علیه السلام) از جنگ جمل
فارغ شد فرمان داد که مردم
به مدت سه روز در نماز حاضر شوند و کسی بدون عذر تخلف نکند " .

صفحه : ۱۸۱

پس از اجتماع مردم حضرت در آن مکان حضور یافت و نماز صبح را در مسجد
جامع با مردم به جماعت گذارد . پس از پایان نماز ، حضرت در حالی که پشت به
قبله به دیوار سمت راست مصلی تکیه زده بود ، مردم را مخاطب قرار داد و بعد از
حمد و ستایش خدا و درود بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و طلب آمرزش برای
مردان و زنان مؤمن و
مسلمان چنین آغاز سخن فرمود : " ای مردم بصره ، ای اهالی شهری که تاکنون سه
بار اهل خود را

به کام مرگ فرستاده ، خداوند بار چهارم را نیز محقق خواهد ساخت . ای
لشکریان زن (عائشه) وای
طرفداران آن حیوان (شتر عائشه) که چون فریاد زد اجابت کردید و زمانی که پی
شد گریختید ، اخلاقتان
پست و پیمانتان گسسته و دینتان نفاق و آب آشامیدنیتان تلخ است . شهری که از
همه جا به آب نزدیکتر و
به آسمان دورتر است و نه دهم آن شر است . هر کس در آن بماند به گناه افتد و هر
کس خارج شود مشمول
عفو خدا گردد . گویی شهر شما (بصره) را می بینم که آب پوشانده بگونه ای که
جز کنگره های مسجد چیزی
دیده نمی شود مانند سینه پرنده ای بر امواج دریا " در این هنگام احنف بن قیس
ایستاد و عرض کرد : ای
امیر مؤمنان این حوادث چه زمانی اتفاق می افتد ؟ حضرت فرمود : " تو آن زمان را
هرگز درک نخواهی کرد .
بین تو و آن زمان قرن ها فاصله است ، ولی باید حاضرین شما این خبر را به غائبین
برسانند تا آنها نیز به
برادران دینی خود اطلاع دهند . تا آنگاه که دیدند کپرهای چوبی شهر تبدیل به
خانه و نیزارها تبدیل به قصر
شده ، پس فرار را بر قرار ترجیح دهند که در آن روز دیگر بصره ای برای شما باقی
نخواهد ماند " . سپس

حضرت متوجه سمت راست خود شد و فرمود: " بین شما و " ابله " چقدر فاصله است؟ منذر بن جارود

عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چهار فرسخ. حضرت فرمود: راست گفتی. به خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله) را

به پیامبری برانگیخت و او را به مقام نبوت کرامت بخشید و رسالت را مخصوص وی گردانید و مرغ روحش را

در بهشت جاودان جایگزین فرمود. از آن بزرگوار شنیدم همانگونه که شما اکنون از من می شنوید که فرمود:

ای علی، آیا می دانی فاصله بین مکانی که بصره نام دارد و منطقه ای که آنرا " ابله " می نامند چهار فرسخ

است و بزودی این منطقه محل استقرار خراج گیران خواهد شد. در آن مکان هفتاد هزار نفر از امت من

شهید شوند که جایگاهی همچون شهدای جنگ بدر خواهند داشت. منذر عرض کرد: ای امیر مؤمنان (علیه السلام)

صفحه: ۱۸۲

پدر و مادرم بقرابت چه کسی آنان را می کشد؟ حضرت فرمود: آنها توسط برادرانی که همچون شیطان ها،

سیاه چهره و بدبویند کشته می شوند. حرص و طمعشان فراوان و غنیمتشان اندک است. خوشا بحال کسی

که بدست آنها کشته شود . برای مبارزه با آنان گروهی پیشقدم شوند که نزد
مستکبرین آن زمان کم اهمیت
و در زمین ناشناس و در آسمان معروفند . آسمان وزمین و آنچه در آنهاست برایشان
می گریند آنگاه اشک
در چشمان حضرت حلقه زد و فرمود : وای بر تو ای بصره از لشکری که نه گرد و
غبار دارد و نه صدا . منذر
پرسید : به خاطر غرق شدن (بصره) چه بر سر آنها می آید ؟ حضرت فرمود : این
لفظ (وای) دو دریچه
دارد . یکی رحمت و دیگری عذاب . آری ای پسر جارود خونخواهانی بزرگ که
گروهی از آنان گروه دیگر را
به قتل رسانند و از آن جمله فتنه و آشوبی که تخریب خانه ها ، شهرها و غارت اموال
را بدنبال خواهد داشت و
اسارت زنانی که به شکل رقت باری سر بریده شوند . ای وای که تا چه اندازه
سرگذشت آنان عجیب است !
و از جمله ظهور دجال بزرگ یک چشم که چشم راستش صاف شده و در چشم
دیگرش چیزی شبیه گوشت
جویده خون آلود دیده می شود و مانند دانه انگوری که روی آب در گردش باشد از
حدقه بیرون زده . گروهی
از مردم بصره که تعدادشان به اندازه شهدای ابله است و انجیل را در سینه حمایل می
کنند از او پیروی

نمایند . در آن زمان عده ای کشته شوند و عده ای بگریزند و سپس لرزش زمین ،
پرتاب آدمها ، فرو رفتن
در زمین و مسخ چهره هاست . آنگاه گرسنگی شدید و پس از آن مرگ سرخ یعنی
غرق شدن است . ای
منذر : شهر بصره در کتب آسمانی دارای سه نام دیگر است که جز دانشمندان
کسی نمی داند و عبارتند از
خریبه ، تدمر و مؤتفکه (یعنی : مخروبه ، ویرانه ، زیر و رو شده) تا آنکه فرمود :
ای اهل بصره خداوند بر
هیچ خطه ای از سرزمین های اسلامی شرف و کرامتی قرار نداد مگر آنکه برتر از
آنها نصیب شما ساخت و با
بزرگواریش شما را از فضل و کرم خویش بهره مند کرد . پس قبله شهر شما بهترین
قبله است زیرا شما در
راستای مقام ابراهیم قرار دارید که جایگاه امام در مکه است .
قاریان قرآن شما بهترین قاریان و پارسایان شما بهترین پارسایان ، عابدان شما
برترین عابدان و
تاجران شما بهترین و راستگوترین تاجران ، صدقه دهندگان شما کریم ترین صدقه
دهندگان ،
ثروتمندان شما بخشنده ترین و متواضع ترین انسان ها و شایستگان شما خوش
اخلاق ترین مردمند . .

شما بهترین پناهندگان به مردمید و کمترین زحمت را بر دیگران تحمیل می کنید ،
پرشورترین مردم برای

شرکت در نماز جماعتید . درختانتان پر بار ، مال و ثروتتان افزون ، فرزندانتان
باهوش و زنانتان عفیف و

شوهردارند . خداوند آب روان را همواره در اختیارتان قرار داده تا از زندگیتان بهره
مند گردید و دریا را در

دسترستان نهاده تا بر ثروتتان بفرزایید . پس اگر اهل صبر و استقامت باشید بدانید که
درخت طوبی جایگاه

و سایه بان شماست . اما اراده خداوند امری حتمی و خواست او جاری و قطعی
است و کسی قدرت تغییر آنرا

ندارد و او سریع الحساب است . خدای سبحان می فرماید : " هیچ آبادی نیست
مگر آنکه پیش از قیامت

آنرا هلاک کنیم و یا به عذاب شدید گرفتارش سازیم و این در کتاب (لوح
محفوظ) ثبت شده است " (۱)

سپس حضرت فرمود : " روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در حالی که کسی
غیر از من با آن حضرت نبود فرمود :

جبرئیل روح الامین مرا بر شانه راستش حمل نمود تا زمین و آنچه روی آن قرار دارد
را ببینم کلیدهای آن را

به من سپرد و به آنچه که در زمین است و تا روز قیامت خواهد بود مرا آگاه نمود و
آگاهی این امر برایم دشوار

نبود ، همچنانکه بر پدرم آدم دشوار نبود . بدانگونه که نامها را به او آموخت اما به فرشتگان نیاموخت . آنگاه

در کنار دریا شهری دیدم که بصره نامیده می شود ، آنجا دورترین زمین به آسمان و نزدیکترین زمین به

آب دریاست . سریعتر از سایر مکانها تخریب شود ، از نامرغوب ترین خاک برخوردار است و شدیدترین

عذابها را تحمل کند ، در قرون گذشته بارها به زمین فرو رفته و دیگر بار نیز چنین شود . ای اهالی بصره ! و

روستاهای اطراف ! روزی که آب شهر شما را فرا گیرد ، روز بلا و مصیبت بزرگی خواهد بود . من محل فوران

و جوشش آن را در شهر شما می دانم . و قبل از آن حوادثی بزرگ و غیر منتظره به شما روی آورد که از

دیدگانتان نهان است اما ما به آن آگاهیم . کسی که قبل از غرق شدن شهر ، آن را ترک گوید ، رحمت خدا

شامل او شده و کسی که بدون توجه باقی بماند گرفتار خطای خویش گردد و خداوند نسبت به بندگانش ستم

نمی کند " (۲) .

----- پاورقی

1 ((اسراء / ۵۸ .

2 ((بحار : ۶۰ / ۲۲۴ - ۲۲۶ .

بخشی از این حدیث در کتاب نهج السعادة در مستدرک نهج البلاغه اضافه شده و بخشی دیگر از این خطبه در کتاب عیون الاخبار نوشته ابن قتیبه از حسن بصری روایت شده که در ادامه آن آمده است : " اما از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شنیدم که می فرمود سرزمینی فتح خواهد شد که بصره نامیده می شود از نظر قبله با ثبات ترین قسمت زمین هاست ، قاریان آن از بهترین قاریان و عبادت کنندگان آن بهترین عابدان و دانشمندان و علماء آن دیار داناترین اندیشمندان و صدقه دهندگان و تجار آن بزرگترین تاجرانند ، از این شهر تا منطقه ای که " ابله " نام دارد چهار فرسخ فاصله است . در آستان مسجد جامع این شهر تعداد چهل هزار نفر به شهادت می رسند که هر شهید آنان مانند شهیدی است که با من در جنگ بدر حضور داشته است " . اگر این بخش از سخنان حضرت جزو روایت و سند آن صحیح باشد ، نمی توان حدس زد که آیا این تخریب بصره ، متصل به زمان ظهور است یا نه . آنچه از منابع تاریخی استفاده می شود این است که خطبه امیر مؤمنان (علیه السلام) در (بصره و سخنان آن حضرت از حوادث و پیشامدهای حتمی و مشهور است ، اما

روایات آن در طولانی و کوتاه بودن و از نظر محتوا با هم اختلاف دارند . دو

روایتی

که نقل کردیم به تنهایی تخریب بصره با غرق شدن بعد از فرو رفتن را بیان می کند
و

این ماجرا در دو مرحله غرق شدن قبلی و یا در انقلاب زنگیان رخ نداده است .
از طرف دیگر ، تنها این دو روایتند که به بیان تعداد چهل یا هفتاد هزار شهید
بصره پرداخته و آنان را هم رتبه شهدای بدر دانسته و از گریستن امیر مؤمنان (علیه
السلام) و در

روایتی دیگر از گریه پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر آنان سخن گفته است .
روایت اول محل شهادت آنان را بین بصره و ابله بیان کرده که اکنون محله ای در
نزدیکی ایستگاه قطار بصره است . در حالی که روایت ابن قتیبه شهادت آنان را
کنار

مسجد جامع که ظاهراً مراد از آن مسجد بصره است بیان کرده . بنابراین باید جریان
شهادت آنان قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) باشد ، زیرا بعد از ظهور
آن بزرگوار هیچ

صفحه : ۱۸۵

ستمگر و ظالمی وجود ندارد تا شهدا پیش آنان ذلیل و خوار باشند چنانکه از روایت
برداشت می شد همچنانکه روایت به روشنی بیان نموده که آنها به دست چه

کسانی

کشته می شوند و شاید کلمه " برادران " اشتباهاً بجای کلمه دیگری نوشته شده باشد .

و دجالی که نامش مطرح شد و گفته شد بعد از آنها خواهد آمد و دارای طرفدارانی بالغ بر هفتاد هزار تن از نصارا است ، بعید نیست که غیر از دجال موعود باشد زیرا او بعد از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ظاهر خواهد شد . علاوه بر این نکات مبهم ،

روایت مذکور دارای اشکال های دیگری نیز هست از جمله اینکه روایت ابن قتیبه به

بیان شهدای ابله اکتفا نموده و نامی از دجال به میان نیاورده است و از طرفی ابن میثم منبع این روایت را متذکر نشده که این خود نیاز به تحقیق و بررسی بیشتر دارد .

در تفسیر نور الثقلین درباره این آیه شریفه که می فرماید : " وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ " (۱) (یعنی : فرعون و کسانی که قبل از او بودند و شهرهای زیر و رو

شده مرتکب خطا شدند) آمده است که منظور از شهرهای زیر و رو شده شهر بصره

است همچنین در تفسیر آیه شریفه " وَالْمُؤْتَفِكَهٗٓ أَهْوٰی " (۲) (یعنی : شهرهای زیر و رو شده را فرو افکند) از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " مراد اهل بصره است

و هم آن شهر است که زیر و رو شده است " و در تفسیر آیه ۹ سوره حاقه ، امام صادق فرمود :

" آنان قوم لوط اند که شهرشان زیر و رو و بر سرشان واژگون شد " و در همین تفسیر مطلبی از

کتاب " من لایحضره الفقیه " از جویریة بن مسهر عبدی آمده است که گفت : " با امیر

مؤمنان (علیه السلام) از جنگ با خوارج بر می گشتیم ، وقت نماز عصر بود که به سرزمین بابل

رسیدیم ، حضرت به همراه مردم در آن منطقه فرود آمد سپس امام رو به مردم

پاورقی -----

(۱) حاقه / ۹ .

(۲) (نجم / ۵۳ .

صفحه : ۱۸۶

فرمود : " ای مردم این سرزمین ملعون است و در طول زمان سه مرتبه گرفتار عذاب الهی شده " در

روایتی دیگر به دو مرتبه اشاره شده که در انتظار سومین مرحله است . و گفته شده که بصره یکی از سرزمین های زیر و رو شده است .

حال با نگرش دوباره بر احادیث حوادث بصره و تخریب آن قبل از ظهور امام زمان (عج) در می یابیم که ارتباط این احادیث با علائم ظهور چندان قابل قبول نیست مگر برخی از آنها مثل روایت شیخ مفید که از امام صادق (علیه السلام)

چنین نقل

می کند (۱) :

" مردم ، پیش از قیام قائم (عج) (بخاطر وقوع چند حادثه) از گناه و معصیت دور می شوند : به آتشی که

در آسمان ظاهر گردد ، به رنگ سرخی که در فضا جلوه کند ، به فرو رفتن زمین در بغداد و بصره و خونهایی

که در آن بر زمین ریزد و تخریب خانه ها و نابودی ساکنان آن ، و ترس همگانی که مردم عراق را فرا گیرد و

کسی آرام و قرار نیابد " (۲)

مرحله چهارم : فتح عراق به دست امام زمان (عج)

در زمینه ورود امام زمان (علیه السلام) به عراق و آزاد ساختن آن از باقیمانده نیروهای

سفیانی و گروهک های متعدد شورشی و انتخاب آن بعنوان مرکز حکومت ، روایات

پاورقی -----

1 () کتاب ارشاد ص ۳۶۱ .

2 () ما این حدیث را در کتاب معجم احادیث الامام المهدی (عج) با شماره ۱۰۴۷ آورده ایم . علاوه

بر آن ، حدیث مذکور در کتاب اعلام الوری ص ۴۲۹ با تفاوت کمی از متن کتاب ارشاد وارد شده

و در سند آن " حسن بن یزید به جای حسین بن سعید " آمده است . همچنین کتاب اثبات الهداء :

733 / 3 این حدیث را از کتاب اعلام الوری نقل کرده اما با سند حسین بن

یزید به جای حسین بن

سعید . و در کتاب ارشاد ص ۷۴۲ ، این حدیث با سند منذر خوزی به جای منذر

خوزی آمده و

درباره فرو رفتن بصره تعبیر (فرو رفتن مناره بصره) دارد و این نکته سبب می شود

که احتمال

دهیم فرو رفتن بصره محدود به مکان یا منطقه خاصی از آن شهر باشد . والله العالم

.

صفحه : ۱۸۷

فراوانی وجود دارد . در مورد زمان دقیق ورود حضرت به عراق مطلبی در دست

نیست اما در فصل " حرکت ظهور " خواهد آمد که ورود حضرت به عراق چند ماه

بعد از ظهور و پس از آزاد سازی حجاز و چه بسا پس از درگیری منطقه بیضاء

استخر

(کوه سفید) در نزدیکی اهواز اتفاق خواهد افتاد . برخی روایات ، ورود حضرت

به

عراق را از طریق هوا با یک اسکادران هواپیما مطرح کرده اند .

در تفسیر این آیه که می فرماید : " ای جماعت جن و انس اگر قادر به نفوذ و عبور

از اطراف

آسمان ها و زمین بودید پس بگذرید اما نخواهید گذشت مگر با قدرت (۱) " از
امام محمد باقر

روایت شده که فرمود: " قائم هنگام ظهور ، با هفت قبه از نور بگونه ای فرود آید
که روشن نیست در

کدامیک از آنهاست تا آنکه در شهر کوفه قرار گیرد "

این روایت علاوه بر بیان جنبه اعجازی ، نشانگر آن است که شرائط امنیتی و
فضای کینه توزانه جهانی نسبت به حضرت چنین احتیاطی را طلب می کند ،
مخصوصاً که پاکسازی محیط عراق بدست حضرت تمام نشده و خطرات گوناگون
همچنان متوجه آن وجود مبارک است . از محتوای روایت می توان فهمید که
حضرت ابتدا در پایتخت عراق و یا در یک مرکز نظامی یا در کربلا فرود می آید و
سپس به کوفه منتقل می گردد .

روایات ، بخش عظیمی از فعالیتها و معجزات حضرت در عراق را بیان می کنند
و ما در مبحث حرکت ظهور به بیان آن خواهیم پرداخت اما در اینجا تعدادی از آنها
را که به اوضاع عمومی عراق ارتباط دارد مطرح می کنیم . مهم ترین تلاش
حضرت

در این مقطع عبارت از پاکسازی فضای داخلی و متلاشی ساختن بسیاری از
مخالفان است . بر اساس روایات هنگام ورود حضرت به کوفه درگیری و
کشمکش

پاورقی -----

بین سه جناح وجود دارد که ظاهراً جناح اول طرفداران حضرتند و گروه دوم پیروان سفیانی و دسته سوم شورشیان .

عمرو بن شمر در روایتی از امام باقر (علیه السلام) می گوید : سخن از مهدی (عج) به میان آمد ،

حضرت فرمود : " او وارد کوفه شود در حالی که سه جناح پرچم دار با یکدیگر درگیرند ، آنها شهر را تحویل

حضرت دهند . او وارد شهر شده و بر فراز منبر قرار گیرد . اما مردم از شدت گریه متوجه گفتار وی

نشوند " (۱) در این حدیث و احادیث مشابه ، منظور از کلمه کوفه عراق است و ظاهراً

باید بخشی از گروه های موجود در عراق یاران خراسانی و یمنی حضرت باشند همچنانکه از مفاد حدیث زیر ، این نکته قابل استفاده است حدیثی که در منابع شیعه و سنی با سندهای مختلف از امیر مؤمنان (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) نقل شده که

فرمود : " درفش های سیاهی که از خراسان خروج می کنند در کوفه فرود آیند و زمانی که مهدی (علیه السلام) ظاهر

شود جهت بیعت حضور آن بزرگوار شرفیاب شوند " (۲)

از روایاتی که در مورد گروهک های معاند حضرت وارد شده ، معلوم می شود که حرکت های مخالف فراوانی از شورشیان و طرفداران سفیانی و دیگران در برابر حضرت مقاومت می کنند اما امام جهت اجرای عهد و پیمانی که با جدش رسول

خدا (صلی الله علیه وآله) دارد سیاست شدت عمل و سرکوب مخالفان را به اجرا می گذارد .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " روش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در میان امتش بر اساس نرمی و مدارا و دوستی با مردم بود اما سیاست قائم ، کشتن مخالفان است ، او بر پایه فرمانی که به همراه دارد مأمور اجرای این سیاست است و از کسی درخواست توبه نمی کند . وای بر کسی که مخالفت امر وی کند " (۳)

پاورقی -----

1 ((ارشاد مفید ص ۳۶۲ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۷ .

3 ((بحار : ۵۲ / ۳۵۳ .

صفحه : ۱۸۹

فرمان و نوشته ای که او به همراه دارد عهدنامه ای است به املاء جدش پیامبر (صلی الله علیه وآله) و به خط علی (علیه السلام) که در آن چنین آمده است : " آنان را به قتل برسان و باز هم به قتل برسان و طلب توبه از کسی مکن " .

از امام باقر (علیه السلام) منقول است که فرمود : " قائم (علیه السلام) با فرمان
جدید و قضاوت جدید قیام کند با

عرب ها به شدت برخورد نماید و روش او جز شمشیر نباشد ، او از احدی طلب
توبه نکند و در راه خدا از

سرزنش هیچ ملامتگری نهراسد " (۱)

فرمان جدید که در عبارت حدیث آمده یعنی اسلام که توسط ستمگران محو
گردیده و مسلمانان از آن فاصله گرفته اند ، اسلام و قرآن بوسیله آن حضرت دیگر
بار

حیات خود را بازیابد و این موضوع برای عربهایی که از حاکمان سرکش خود
اطاعت و با آن حضرت به دشمنی و ستیز برخاسته اند ، دشوار می آید .

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " قائم (علیه السلام) در جریان
نبرد خود با مسائلی روبرو شود

که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با آن مواجه نشده زیرا پیامبر خدا ظهور کرد
در حالی که آنان سنگ و چوب تراشیده)

بت) را می پرستیدند اما در زمان قائم ، مردم بر او می شورند و کتاب خدا را برای
آن حضرت تأویل و تفسیر

می کنند و (به خیال خود) برای دفاع از قرآن با او می جنگند . " (۲)

ما گاهی دیده ایم که چگونه حاکمان و دانشمندان وابسته به آنان ، آیات خدا را
برای مبارزه با اسلام و علمای دین توجیه و تفسیر می کنند ! به گفته برخی روایات

غضب آن حضرت منافقینی که خود را در پوشش اسلام مخفی می سازند دربر

می گیرد . افرادی که چه بسا خود را میان اطرافیان حضرت پنهان می کنند اما او با نور

و حکمتی که خدای سبحان در قلبش جای داده آنان را شناسائی می کند .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۵۴ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۶۳ .

صفحه : ۱۹۰

در همین رابطه از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " چه بسا

شخصی در کنار قائم

است و حضرت جهت اجرای دستوراتش به او امر و نهی می کند اما ناگهان امام می

گوید : او را نزد من

بیاورید . چون او را حاضر کنند حضرت فرمان دهد تا سر از بدنش جدا کنند . در

شرق و غرب جهان چیزی

باقی نماند مگر این که از آن بزرگوار ترس و وحشت بدل دارد " (۱)

بر اساس برخی روایات ، گاهی گروهی بطور کامل نابود می گردد . از امام باقر (

علیه السلام)

نقل شده که فرمود : " زمانی که قائم قیام کند بطرف کوفه روان شود . جمعیتی

بیش از ده هزار مسلح که

" بتريه " ناميده شوند از شهر بيرون آيند و به آن حضرت گويند : از همان راهی که آمده ای باز گرد ، ما را نيازى به اولاد فاطمه نيست ، پس حضرت بر آنان شمشير کشد بگونه ای که یک نفر از آنان را زنده نگذارد . آنگاه وارد کوفه شود و تمام منافقين شکاک و جنگ جويان مخالف خود را از دم تيغ بگذراند تا رضایت حضرت حق را فراهم آورد " . (۲)

در روايت بعدی نیز آمده : آن حضرت هفتاد نفر را به قتل می رساند که آنها اصل و اساس فتنه و اختلاف در میان شيعه اند و به نظر می رسد که از علمای گمراه و نابکار باشند .

از مالک بن ضميره نقل شده که گفت : امير مؤمنان (عليه السلام) فرمود : " ای مالک بن ضميره چگونه خواهی بود زمانی که شيعيان اين چنين با يکديگر اختلاف کنند ! ؟ آنگاه حضرت انگشتان مبارک خود را بصورت ضربدري داخل يکديگر نمود . عرض کردم : ای امير مؤمنان آیا در آن هنگام خيري خواهد بود ؟

حضرت فرمود : تمام خير در آن هنگام است . ای مالک : در آن زمان قائم ما قيام کند و تعداد هفتاد نفر را که به خدا و رسول خدا دروغ بسته اند پيش کشيده و همه را به قتل رساند ، آنگاه خداوند همه را پيرامون يک حقيقت گرد آورد . " (۳)

1 ((بحار : ۳۶۵ / ۵۲ .

2 ((بحار : ۳۳۸ / ۵۲ .

3 ((بحار : ۱۱۵ / ۵۲ .

صفحه : ۱۹۱

روایت بعدی حاکی از آن است که علیرغم فرو رفتن لشکر سفیانی در حجاز و شکست او در عراق ، باز هم طرفدارانی برای او در عراق باقی می ماند ، از امام زین

العابدین (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " سپس (مهدی) حرکت نماید تا به قادسیه رسد در این حال

مردم در کوفه اجتماع و با سفیانی بیعت کرده اند " (۱) و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" . . . سپس متوجه کوفه شود و در آنجا فرود آید و خون هفتاد قبیله از قبایل عرب را مباح شمارد " (۲)

یعنی خون افرادی از این قبایل را که به شورشیان و دشمنان حضرت پیوسته اند هدر بشمارد .

ابن ابی یعفور از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که حضرت فرمود : " او اولین قائم از ما اهل

بیت است که قیام کند و با شما سخنی گوید که تحمل نکنید و در " رمیله دسکره
" بر او خروج کنید و با او

بجنگید ، او نیز با شما بستیزد و همه شما را به قتل رساند و این گروه آخرین گروه
شورشى ، علیه او خواهد
بود " (۳)

از امام باقر (علیه السلام) چنین نقل شده است : " وقتی صاحب این امر به بعضی
از احکام حکم کند و از
برخی سنت ها سخن براند ، بناگاه جماعتی شورشى از مسجد بیرون آیند و آهنگ
خروج کنند . حضرت

دستور تعقیب آنها را صادر کند ، یاران حرکت کرده و شورشیان را در محله
تمارین (خرمافروشان) کوفه به
اسارت خویش درآورند ، آنگاه به فرمان حضرت آنان را به قتل رسانند و این آخرین
گروهی است که بر

قائم آل محمد (صلی الله علیه وآله) خروج نماید " (۴)
از کنار هم قرار دادن این دو روایت به این نتیجه می رسیم که شورشیان " رمیله

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۸۷ .

2 ((غیبت طوسی ص ۲۸۴ .

3 ((بحار : ۲ / ۳۷۵ .

4 ((بحار : ۵۲ / ۳۴۵ .

دسکره " آخرین گروه مسلحی هستند که علیه امام خروج می کند و شورشیان مسجد کوفه دسته ای هستند که سعی در مخالفت با او دارد . روایات نشانگر آن است که شورشیان رمیله دسکره خطرناکترین گروه شورشی است و فرمانده آنها فرعون یا ابلیس است . از ابو بصیر نقل شده که در این باره چنین می گوید : " پس از

اندک زمانی شورشیانی از غیر عرب در " رمیله دسکره " خروج کنند که تعداد آنها ده هزار نفر و شعارشان "

یا عثمان ، یا عثمان " است . حضرت مردی از عجم را فرا خوانده و شمشیر خود را به دوش او آویزد ، او

آهنگ آن جماعت کرده و همه را به قتل رساند بگونه ای که یک تن هم باقی نگذارد " (۱) .

در کتاب معجم البلدان آمده است که " رمیله دسکره " روستائی است نزدیک " شهربان " از روستاهای " بعقوبه " در استان " دیالی " عراق . اما این نکته که افراد

مذکور در روایت بنام شورشیان غیر عرب مطرح شده یا بدان جهت است که آنها عرب نیستند و یا بخاطر آن است که فرمانده آنان از غیر عرب است .

اما برخی روایات از نوعی دیگر از عملیات پاکسازی خبر می دهند که طی آن حضرت دوازده هزار نفر از سپاهیان عرب و غیر عرب خود را طلبیده به آنان لباس متحد الشکلی پوشانده و دستور می دهد تا وارد شهر شوند و هر کس را که دارای

لباس نباشد به قتل رسانند و آنان دستور را اجرا می کنند . (۲) به نظر می رسد که

چنین

شهری باید پر از کافران و منافقان مخالف حضرت باشد که چنین دستوری در موردشان صادر شود یا آنکه مؤمنان شهر بگونه ای از موضوع باخبر شده و از خانه هایشان بیرون نیایند یا آنکه قبلا از لباس های مخصوص برای آنان نیز ارسال شده باشد .

-----پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۳ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۷۷ .

صفحه : ۱۹۳

البته این پاکسازی های وسیع ، موجی از وحشت و رعب و تردید در عراق و سایر نقاط جهان ایجاد می کند زیرا در بعضی روایات آمده است که گروهی از مردم

آنگاه که این کشتار وسیع را مشاهده می کنند با خود می گویند : او از ذریه فاطمه (علیها السلام)

نیست ، او اگر از نسل فاطمه بود بر مردم ترحم می کرد . در حدیثی که قبلا بیان کردیم آمده بود که بعضی از اصحاب خاص آن حضرت تاب و تحمل اجرای برخی احکام او را ندارند و با مشاهده کشتار مخالفان دچار شک و تردید می گردند تا جایی

که یکی از آنان که کنترل اعصاب خود را از دست داده نسبت به حضرت زبان اعتراض می‌گشاید .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " قائم (علیه السلام) پیش می‌رود تا به " سوق " برسد ،

مردی از نسل پدرش به او می‌گوید : شما مردم را مانند گله گوسفندان می‌ترسانید . آیا این کار شما با

دستوری از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) صورت می‌گیرد یا خیر ؟ امام افزود : در میان مردم نیرومندتر از آن مرد وجود

ندارد . در این لحظه مردی از عجم بر آن شخص بانگ می‌زند که : ساکت شو و الا گردنت را می‌زنم . آنگاه

قائم (علیه السلام) فرمانی از حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) را به آنان نشان دهد " (۱)

از حدیث می‌توان فهمید که مرد معترض ، علوی است و منظور از " سوق " یا بازار شهر است و یا مکان خاصی با این نام .

در روایت دیگری آمده : مردی آن شخص معترض را به سکوت وادار می‌کند ، مسؤول بیعت گرفتن برای حضرت مهدی (علیه السلام) است . از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که

فرمود : " زمانی که او به ثعلبیه (۲) رسد ، شخصی از ذریه پدرش که پس از مهدی ، از همه نیرومندتر و

شجاع تر است در مقابل او می‌ایستد و می‌گوید : ای فلان ! چه می‌کنی به خدا سوگند تو مردم را همچون گله

1 ((بحار : ۳۸۷ / ۵۲ .

2 ((ثعلبیه ، نام محلی است در خاک عراق از سمت حجاز .

صفحه : ۱۹۴

گوسفندان فراری می دهی ! آیا فرمانی از رسول خدا داری که چنین کنی ؟ ! آنگاه
مردی که مسئول بیعت

گرفتن است فریاد زند : ساکت شو و الا به خدا قسم گردنت را خواهم زد ، در
اینجا قائم (علیه السلام) به او می گوید :

ای فلان ساکت باش ، آری بخدا سوگند فرمانی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله
(دارم ، سپس حضرت دستور می دهد تا

صندوق کوچکی را نزد او بیاورند ، آنگاه فرمان رسول خدا را برای وی (بیرون
آورده و) می خواند ، پس

شخص معترض خطاب به امام گوید : خداوند جان مرا فدای تو گرداند . اجازه
دهید تا (به قصد عذرخواهی)

سر مبارکتان را بوسه زنم ، سپس میان دو چشم حضرت را می بوسد و می گوید :
اجازه دهید تا باشما تجدید

بیعت کنیم . حضرت بار دیگر با آنان بیعت می کند " (۱)

از این بیان کوتاه می توان فهمید که کسانی که حضرت آنان را از بین می برد
گروه های مختلفی از شیعه و سنی طرفدار سفیانی و مخالفان حضرتند که در میان

آنان مجموعه ای از احزاب ، گروهک ها ، مردم عادی و حتی علما و دانشمندان
منحرف را می توان مشاهده کرد و به شکل طبیعی در میان آنان مزدوران غربی را
نیز

می توان دید .

پس از این مرحله ، کشور عراق در سایه حکومت امام زمان (علیه السلام) برای
مدتی

طولانی نفس راحتی می کشد و در نقش جدید خود بعنوان مرکز جهانی و بعنوان
پایتخت فرمانروائی قائم آل محمد (عج) جلوه خاصی یافته و قبله گاه دل و دیده
مسلمانان جهان و محل رفت و آمد گروه های مختلف می گردد .

در آن زمان کوفه ، سهله ، حیره ، نجف و کربلا محله های یک شهر بزرگ را
تشکیل می دهند که نام آن بر سر زبانها و در دل ملت های جهان جا می گیرد و
مردم

از دورترین نقاط عالم در شب جمعه آهنگ آن دیار می کنند تا بتوانند صبح روز بعد
,

جهت اقامه نماز جمعه به امامت حضرت مهدی (علیه السلام) در مسجد جهانی او
که دارای

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۴۳ .

یک هزار در ورودی است حاضر شوند . و علیرغم آن ، چه بسا پیدا کردن مکانی خالی در میان میلوونها نمازگزار امکان پذیر نباشد .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " مرکز زمامداری او کوفه و محل قضاوت او مسجد

جامع کوفه و محل بیت المال و تقسیم غنیمت های مسلمانان ، مسجد سهله و خلوتگاه او با خالق خویش ،

محلی در تپه های سفید غریین (۱) است . بخدا سوگند هیچ با ایمانی نمی ماند مگر این که در آنجا و یا

اطراف آنجا بسر برد " . (و در روایتی دیگر آمده " یا به سوی آنجا آیند " و در روایت دیگر "

بسوی آن بشتابد " که همین عبارت صحیح تر است) .

" شهر کوفه به پنجاه و چهار میل رسد و ساختمانهای باشکوه آن به عمارت های کربلا نزدیک شود ،

خداوند کربلا را پناهگاه و جایگاه رفت و آمد فرشتگان و مؤمنان قرار دهد و عظمتی بسیار یابد " . (۲)

منظور از " محل قضاوت " محل مراجعات یا محل قضاوت حضرت بین مردم است که در مسجد کوفه فعلی خواهد بود یا در مسجد جمعه بزرگی که آن حضرت بنا خواهد کرد . و منظور از پنجاه و چهار میل شدن کوفه یعنی مساحت و یا طول آن

شهر به حدود یکصد کیلومتر می رسد .

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " در پشت کوفه (نجف)
مسجدی بنا کند با هزار در . (و)
شهر کوفه به اندازه ای بزرگ شود که (خانه های آن به دو رودخانه کربلا و حیره
متصل گردد بگونه ای که اگر
شخصی با وسیله ای تندرو و سبک ، آهنگ نماز جمعه کند آن را درک نماید " (۳)
(یعنی اگر انسان با
وسیله ای سبک و سریع به سوی نماز جمعه بشتابد آن را درک نکند زیرا مکانی
خالی برای اقامه نماز نمی یابد .

پاورقی -----

- 1 ((محل مذکور نزدیک نجف است و به آن نجف غری و نجف غریین نیز
گفته می شود .
- 2 ((بحار : ۱۱ / ۵۳ .
- 3 ((غیبت طوسی ص ۲۸۰ .

صفحه : ۱۹۶

البته روایات در مورد پیشرفت های معنوی و مادی در عراق یعنی مرکز حکومت
آن بزرگوار فراوان است که اینجا محل طرح آنها نیست .
با پاکسازی عراق توسط حضرت و ملحق شدن آن به قلمرو حکومت امام زمان و
مرکزیت یافتن آن ، دامنه فرمانروائی حضرت شامل مناطق یمن ، حجاز ، ایران ،

عراق و کشورهای خلیج خواهد شد و بدین ترتیب حضرت مهدی (علیه السلام)

با خاطری

آسوده از اوضاع داخلی به سراغ دشمنان خارجی خود خواهد رفت . او ابتدا لشکری به طرف ترک ها اعزام و آنها را شکست می دهد ، سپس خود آن حضرت در

رأس سپاهی آهنگ شام می نماید و در منطقه ای بنام " مرج عذراء " نزدیک دمشق فرود می آید و به منظور آزادی قدس آماده نبردی بزرگ با سفیانی ، یهود و رومیان می گردد که شرح ماجرا در فصل حوادث و پیشامدهای نهضت ظهور خواهد آمد .

* *

صفحه : ۱۹۷

جنگ جهانی در دوران ظهور

روایات فراوانی حکایت از وقوع یک جنگ جهانی پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) دارد ، اما بعید است که بتوان آن را بر دو جنگ جهانی اول و دوم معاصر

تطبیق نمود زیرا صفاتی که برای آن جنگ جهانی در روایات آمده با اوصاف این دو جنگ تفاوت دارد چرا که برخی روایات زمان این جنگ را نزدیک ظهور یا در اثناء آن مطرح می کنند بلکه از برخی روایات استفاده می شود که این نبرد در همان سال ظهور و یا بعد از آغاز نهضت مقدس آن بزرگوار بوقوع می پیوندد .

اینک به نمونه هایی از این روایات توجه کنید :

از امیر مؤمنان (علیه السلام) منقول است که فرمود : " پیش روی قائم (علیه السلام) مرگی سرخ و مرگی سفید
پدیدار گردد و ملخ هایی خونرنگ وقت و بی وقت هجوم آورند اما مرگ سرخ یعنی
شمشیر و مرگ سفید
یعنی طاعون " (۱) . از عبارت " پیش روی قائم " می توان فهمید که این جنگ و
مرگ سرخ

به ظهور حضرت بسیار نزدیک است اما روایت محل وقوع آن را تعیین نمی کند .
امام باقر (علیه السلام) می فرماید : " قائم قیام نکند مگر پس از پیدایش این نشانه
ها : ترس و وحشتی
شدید ، بروز زلزله ها ، آشوب و بلاهایی که مردم گرفتار آن شوند و طاعونی قبل از
آن و شمشیری بران میان

پاورقی -----

1 () (۱) ارشاد مفید ص ۴۰۵ و غیبت طوسی ص ۲۷۷ .

صفحه : ۱۹۸

عرب و اختلاف شدید میان مردم و پراکندگی در دین و دگرگونی در احوال آنان
بگونه ای که انسان از به جان
هم افتادن مردم و تکه پاره کردن یکدیگر هر صبح و شام آرزوی مرگ کند " (۱)
(

این روایت بیانگر آن است که مرض طاعون قبل از ترس شدیدی است که

احتمالا همان جنگ عمومی است . اما اگر مطمئن باشیم که شخص راوی عبارت های حدیث را پس و پیش بیان نکرده باز هم با توجه به متن حدیث و ابهامی که در این حوادث وجود دارد مشکل می توان گفت که حوادث مذکور به شکل زنجیره ای و پی در پی افتاق خواهد افتاد .

آری ، می توان گفت که بر اساس این حدیث دوره ای سخت و طاقت فرسا برای عربها و عموم مردم بوجود خواهد آمد که این سخن در ابعاد گوناگون سیاسی ، اقتصادی و امنیتی جلوه گر خواهد شد و چه بسا بیان این شرائط اعلان پیدایش سال قحطی است که در روایت بعدی امام صادق آنرا بیان فرموده است :

" البته پیش روی قائم سالی خواهد بود که مردم گرسنگی کشند و ترس و وحشت شدید از کشتار ، آنان را فرا گیرد " (۲)

روایت بعدی روشن می کند که این شرائط دشوار و فضای جنگی ادامه می یابد تا صیحه آسمانی در ماه مبارک رمضان و نزدیک ظهور حضرت به گوش برسد . از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " اهل شرق و غرب با یکدیگر اختلاف کنند . آری و اهل قبله

نیز و مردم بر اثر ترس و وحشت ، با مشکلات فراوانی روبرو شوند و به همان حال به سر برند تا آنگاه که

منادی از آسمان ندا دهد . پس هرگاه چنین شد کوچ کنید کوچ " (۳)

-----پاورقی

1 ((کمال الدین صدوق ص ۴۳۴ .

2 ((بحار : ۲۲۹ / ۵۲ .

صفحه : ۱۹۹

این روایت نشان می دهد که خسارت های ناشی از جنگ مزبور ، بطور اساسی بر ملت های غیر مسلمان وارد می شود . جمله " اهل شرق و غرب . آری و اهل قبله با هم اختلاف

پیدا کنند " عبارت دقیقی است که بیانگر کم اهمیت بودن اختلاف مسلمانها است و بنظر می رسد این اختلاف نتیجه و یا تابع اختلافات اهل شرق و غرب باشد . البته

این نکته در جنگ جهانی آینده طبیعی خواهد بود زیرا اهداف آن جنگ مراکز حکومت ها و کشورهای بزرگ و پایگاه های نظامی آنان است و آثار آن بطور غیر مستقیم به مسلمانان نیز سرایت می کند . برخی از روایات ما صریحاً به این مطلب اشاره کرده اند . ابو بصیر می گوید از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که فرمود :
" این امر (یعنی

قیام قائم) نخواهد بود تا دو سوم مردم از بین بروند . پرسیدیم وقتی دو سوم مردم از بین رفتند پس چه

کسی باقی خواهد ماند ؟ فرمود : آیا دوست ندارید که شما در یک سوم باقی مانده باشید ؟ " (۱)

شاید خطبه امیر مؤمنان (علیه السلام) بیش از سایر احادیث ، زمان و عامل این جنگ را

مشخص می سازد ، خطبه ای که در آن ، تعدادی از نشانه های ظهور بیان شده و
دو

فقره از آن به جنگ جهانی ارتباط دارد . حضرت فرمود : " آگاه باشید ای مردم : از
من آنچه

می خواهید برسید ، پیش از آن که فتنه و فساد شرقی همچون شتر لجام گسیخته
ای که گویا یکبار مرده و

زنده شده و افسارش رها شده ، فرا رسد و با فتنه ای دیگر در مغرب زمین آتشی
عظیم برافروخته گردد ،

فتنه ای که آه از نهاد همگان برآورد و فریاد خونخواهی و انتقام را بالا برد . آنگاه
مردی (یا راهبی) از اهل

نجران خارج شود و امام (علیه السلام) را اجابت کند . او اول نصرانی است
که دعوت حضرت را لبیک گوید و

صومعه خود را تخریب و صلیبش را بشکنند و به اتفاق یاران و مردم مستضعف و
سواران و با درفش های

هدایت بطرف " نخيله " حرکت کند . (در آن روز) محل تجمع تمام مردم روی
زمین ، منطقه ای بنام فاروق

است (و آن منطقه ای است که در سر راه سفر حج امیر مؤمنان (علیه السلام) بین
برس و فرات قرار دارد) در آن روز

پاورقی -----

تعداد سه هزار (هزار) یهودی و نصرانی کشته شود برخی ، برخی دیگر را بکشند . آری آن روز تأویل و

مصدق این آیه شریفه است : " پس پیوسته این سخن را تکرار می کردند تا آنها را درو کرده و خاموش

ساختیم (۱) با شمشیر " (۲) ابتدای حدیث بیانگر آن است که آغاز این درگیری از شرق

است و یا سرمنشأ آن در منطقه شرق است . و از طرف دیگر آتش غرب نیز باعث ویرانی شهرهای غربی شده و موارد اشتعال آن آتش بزرگ ، همان پایگاه های نظامی ،

پایتخت ها و مراکز مهم سرزمین های غربی است .

به نظر می رسد که منظور امام از این جمله که فرمود : " محل تجمع مردم روی زمین

فاروق است " یعنی مردم در آن روز از گوشه و کنار جهان جهت پیوستن به حضرت

مهدی (علیه السلام) گرد هم جمع می شوند و مقر و پایگاه او بین کوفه و حله است ، همانگونه

که راهب نجرانی با گروهی از مردم مستضعفین در همان ناحیه به حضور حضرت می رسند ، ظاهراً عبارت " و آنجا منطقه ای است که در سر راه و مسیر سفر حج

امیر مؤمنان (علیه السلام) بین

برس و فرات است " حاشیه ای از خود راوی و یا نویسندگان متن کتاب است که
داخل

حدیث شده است ، البته ممکن است معنای کلمه المحجة که در عبارت آمده محل
اجتماع کاروانهای حج در زمان امیر مؤمنان (علیه السلام) و یا نام محلی باشد که
هیئت ها و

نمایندگان مختلف برای ورود به اردوگاه حضرت و یا ملاقات با او اجتماع می
کنند .

این جمله که حضرت فرمود : " در آن روز بین شرق و غرب سه هزار هزار کشته می
شوند " یعنی

سه میلیون نفر و اینکه کلمه (هزار) را بین پرائتر قرار دادیم بدین جهت است که
کلمه هزار دوم ، در روایت دیگری در بحار (۳) وارد شده و شاید از این روایت
افتاده

پاورقی -----

1 ((انبیاء / ۱۵ .

2 ((بحار : ۸۳ / ۸۲ و ۸۴ .

3 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۴ .

صفحه : ۲۰۱

باشد ، البته این بدان معنی نیست که قربانیان جنگ جهانی سه میلیون نفر خواهد
بود ، بلکه این تعداد ، مربوط به کشته های آن روز و یا آن مقطع است و این یک

مرحله از مراحل جنگ جهانی و آخرین مرحله آن است . قبلا گفتیم که مجموع خسارت های جانی جنگ و مرض طاعون که پیش از آن جنگ شیوع پیدا می کند به

دو سوم ساکنان جهان می رسد . همین مطلب در روایتی دیگر پنج هفتم جمعیت جهان ذکر شده است .

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود : " پیشاپیش قائم دو نوع مرگ وجود دارد یکی مرگ

سرخ و دیگری مرگ سفید تا از هر هفت نفر ، پنج نفر از بین بروند " (۱)
در برخی روایات رقم نه دهم آمده است . گاهی اینگونه اختلاف ها در روایات بعثت تفاوت منطقه ها و یا علل دیگری است اما به هر حال خسارتهای مسلمانان در این جنگ اندک است .

خلاصه کلام این که : روایات گرانقدر ما سخن از وجود هراس و وحشت عمومی و جهان شمول قبل از ظهور و یا در سال ظهور آن حضرت دارند که خسارت های سنگین و شکننده ای بر جان مردم و بطور کلی بر غیر مسلمانها خواهد داشت . شاید بتوان این نشانه ها را به جنگ عمومی و ابزارهای پیشرفته ، وحشتناک و نابود کننده آن تفسیر کرد که باعث ترس و نگرانی همه مردم می شود چرا که اگر شیوه این

جنگ با استفاده از روش های عادی و کلاسیک موجود در جهان باشد ، رعب و وحشت آن به اندازه ای که روایات توصیف کرده اند فراگیر نمی شود و یا دست

کم

باید مناطق خاصی مشمول این ترس ، وحشت ، قتل و کشتار نگردد . از سوی
دیگر

شواهدی وجود دارد که بتوان این هراس عظیم و عمومی را به جنگ های منطقه ای

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۰۷ .

صفحه : ۲۰۲

فراوان تفسیر نمود ، مخصوصاً با تعبیری که در کلام امام باقر (علیه السلام) آمده
بود که فرمود :

" و جنگ ها در زمین زیاد شود " یعنی جنگ های متعددی در همان سال پدیدار
گردد . با

کنار هم گذاشتن این حدیث و احادیث دیگری که بیانگر اختلاف و جنگ میان
مردم

شرق و غرب بود می توان به این نتیجه رسید که این نبردها بصورت جنگ های
منطقه ای بین آنان ایجاد می شود و نقطه اصلی ویرانگری آن نیز در غرب تمرکز
می یابد .

اما زمان این جنگ بر اساس آنچه از روایات می توان فهمید نزدیک به زمان ظهور
حضرت و چه بسا در همان سال ظهور باشد . اکنون با یک نگاه کلی به احادیث
می توان گفت که این جنگ طی چند مرحله به وقوع خواهد پیوست یعنی پیش از
ظهور ، آغاز و تا مدتی پس از ظهور ادامه خواهد یافت بطوری که فتح سرزمین

حجاز توسط حضرت نیز در خلال آن روی می دهد و سپس به فتح عراق منجر می گردد .

اما اگر بخواهیم این حوادث را به وقوع یک جنگ فراگیر هسته ای تفسیر کنیم آنچنانکه جرائد از آن سخن می گویند ، باید گفت که زمان چنان جنگی بسیار کوتاه

خواهد بود و همانگونه که گفته می شود در مدتی کمتر از یک ماه همه چیز به پایان

می رسد . والله العالم .

* *

صفحه : ۲۰۳

ایرانیان در دوران ظهور

کشور ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در نگاه غربی ها پایگاهی حیاتی و مهم به شمار می رفت که در مرز شوری و در قلب جهان اسلام قرار داشت و از دیدگاه مسلمانها کشوری اسلامی و اصیل محسوب می شد که " شاه " هم پیمان غرب و اسرائیل بر آن حکومت می کرد و کشور را در خدمت آنان قرار می داد . علاوه بر آنچه در تصور دیگران بود ، ایران در ذهن یک فرد شیعه مانند من ، کشوری بود که در آن مرقد مطهر امام رضا (علیه السلام) و حوزه علمیه قم وجود داشت با

ریشه های اصیل در تاریخ تشیع و علماء و اندیشمندان شیعه و تألیفات گرانبها ، زمانی که ما به روایات مربوط به ستایش ایرانیان و نژاد سلمان فارسی برخورد

می کردیم ، به یکدیگر می گفتیم : این روایات مانند روایت هایی است که مدح و ستایش و یا مذمت برخی گروه ها و قبیله ها یا بعضی کشورها را دربردارد ، که جای

بررسی و تأمل داشته و اگر از نظر سند درست باشند ، مربوط به زمان گذشته و احوال ملتهای زمان صدر اسلام و قرن های گذشته است .

این طرز فکر رائج میان اهل فکر و فرهنگ بود و همه بر این باور بودیم که امت اسلامی در حالتی جاهلانه و تحت نفوذ سلطه کفر جهانی و نمایندگان اوست ، در بین ملت ها هیچیک بر دیگری برتری ندارد و چه بسا ایرانیان در شرائطی بدتر از

صفحه : ۲۰۴

سایر ملتها باشند ، چرا که به نظر می رسید ایرانیان طرفداران تمدنی کفرآمیز و متکی

به افتخارات قومی خویشند و شاه و حامیان غربی او نیز برای برانگیختن چنین فکر و فرهنگی تلاش می کنند .

... تا اینکه پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ، مسلمانان جهان را غافلگیر و قلب های غمگین آنان را چنان از سرور و شادی سرشار نمود که در قرن های گذشته

بی سابقه بود ، حتی می توان گفت : تصور چنین پیروزی بزرگی در فکر کسی نمی گنجید . این سرور و خوشحالی همه کشورها و ملت های مسلمان را در بر گرفت ،

و به جایی رسید که همه جا سخن از فضل و برتری ایرانیان و نژاد و قبیله سلمان

فارسی بود ، بطور مثال ، یکی از صدها عنوانی که در مجلات و روزنامه های غرب و

شرق جهان اسلام منتشر شد ، این تیترا مجله تونسسی " شناخت " بود که در آن آمده بود : " پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، ایرانیان را برای رهبری امت اسلام برمی گزیند " این حوادث ،

نگاه ما را بار دیگر به سوی ایرانیان باز گرداند و دریافتیم روایاتی که از پیامبر (صلی الله علیه وآله)

درباره ایرانیان وارد شده تنها مربوط به تاریخ گذشته آنها نبوده ، بلکه به آینده نیز ارتباط دارد . . .

از این رو با مراجعه به منابع حدیث و تفسیر و بررسی روایات مربوط به ایرانیان ، به این نتیجه رسیدیم که این اخبار بیش از آنکه مربوط به گذشته باشد ، مربوط به آینده است و جالب اینکه اینگونه روایات در منابع حدیث سنی ها بیشتر از منابع شیعه ها وجود دارد .

چه می توان کرد ، وقتی که در روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) و زمینه سازان

حکومت آن بزرگوار ، ایرانی ها و یمنی ها دارای سهم بسزائی بوده و کسانی هستند که به افتخار ایجاد زمینه ظهور آن حضرت و شرکت در نهضت وی نائل می شوند ، همچنین افراد شایسته و بزرگی از مصر و مؤمنانی حقیقی از شام و گروه هایی از

صفحه : ۲۰۵

عراق نیز از این فیض بهره مند می شوند و همینطور سایر دوستان آن حضرت در

گوشه و کنار جهان اسلام که از این موهبت برخوردار و از یاران ویژه و دستیاران آن

حضرت خواهند بود . جانمان فدای آن حضرت و یاران او باد .

ستایش ایرانیان در احادیث سنی ها

این نکته ، بسیار قابل توجه است که احادیث نبوی در ستایش ایرانیان در منابع سنی ها بسیار بیشتر از منابع شیعی است . آنچنانکه یک محقق به راحتی می تواند از روایات مصادر سنی ها کتابی در فضائل و مناقب ایرانی ها و برتری آنها بر عرب بنویسد !

از جمله این احادیث " گوسفندان سیاه و سفید " است که ابو نعیم روایت می کند (روایت از طریق حدیفه) : رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود : خواب دیدم که گوسفندان سیاه بدنبال من

هستند ، سپس گوسفندان سفید به آنها اضافه شدند ، تا جائی که دیگر گوسفندان سیاه را بین آنها ندیدم .

ابوبکر گفت : گوسفندان سیاهی که بدنبال شما بودند عرب ها هستند و گوسفندان سفید ، عجم هائی که از

شما پیروی خواهند کرد که آنقدر زیاد می شوند که دیگر عرب ها در میان آنها به چشم نمی آیند . رسول

خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود : فرشتگان نیز همین گونه خواب را تعبیر نمودند .

(۱)

حدیث پشتیبانی فارس ها از اهل بیت (علیهم السلام) : ابو نعیم از ابن عباس

روایت می کند :

نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از ایرانیان سخن به میان آمد ، حضرت فرمود :
ایرانیان پشتوانه ما اهل بیت اند .

حدیث اطمینان پیامبر به فارس ها : ابو نعیم از ابوهریره روایت می کند : نزد رسول
خدا (صلی الله علیه وآله) یادی از عجم شد ، حضرت فرمود : بخدا قسم اطمینان
من به آنها بیش از اطمینان به شما یا
بعضی از شماست (۲) .

پاورقی -----

1 () ذکر اصبهان ص ۸ با سندهای گوناگون از ابو هریره و نعمان بن بشیر و
مطعم بن جبیر و ابوبکر
و ابن ابی لیلی و حذیفه .

2 () کتاب مذکور ص ۱۲ . شبیه به همین روایت نیز در سنن ترمذی : ۵ /
۳۸۲ آمده است .

صفحه : ۲۰۶

مسلم از ابو هریره روایت می کند : هنگامی که سوره جمعه نازل می شد ، ما نزد
رسول خدا (صلی الله علیه وآله) نشسته بودیم ، وقتی حضرت این آیه را خواند :
وآخرین منهم لما يلحقوا
بهم . . . (و کسانی که هنوز به ایشان نپیوسته اند) شخصی پرسید : یا رسول الله !
آنان کیانند ؟ حضرت

پاسخی نداد تا دوباره و سه باره سؤال کرد . سلمان فارسی هم آنجا بود . حضرت دست بر شانه سلمان

گذشت و فرمود : اگر ایمان در ثریا هم باشد ، مردانی از اینان به آن خواهند رسید (۱) .

احمد بن حنبل روایت می کند : پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : نزدیک است که خداوند متعال اطراف شما

را از عجم پر کند ، آنان چون شیرانی هستند که نمی گریزند . با دشمنان شما می جنگند و از غنائم شما

استفاده نمی کنند . (۲)

این روایت را ابو نعیم با اسناد مختلف از حدیفة و سمره بن جندب و عبدالله بن عمر روایت کرده است . (۳)

ابن ابی الحدید روایت می کند : اشعث بن قیس از میان جمعیت خود را به علی (علیه السلام) رساند و

گفت : یا امیر المؤمنین ! این سرخ رویان (یعنی ایرانیان) که اطراف ترا گرفته اند بر ما عرب ها غلبه کرده اند .

حضرت با پای خود آهسته به منبر کوبید . صعصعه بن صوحان گفت : ما را با اشعث چه کار ؟ ! امروز امیر

المؤمنین درباره عرب سخنی خواهد گفت که هرگز گفته نخواهد شد . حضرت فرمود : کدامیک از این شکم

پرستان بی شخصیت که مانند الاغ در رختخوابش می غلطد و مانع هدایت مردم می گردد ، عذر مرا

می پذیرد؟! آیا تو می خواهی من آنها (ایرانیان) را برانم؟! اگر چنین کنم قطعاً نادان خواهم بود . قسم به

کسی که دانه را شکافت و انسان را آفرید ، ایرانیان شما را برای بازگشت به دین خواهند کوبید ، چنانکه شما آنها را برای پذیرش دین کوبیدید . (۴)

پاورقی -----

1 ((صحیح مسلم : ۱۹۲ / ۷ .

2 ((مسند احمد : ۱۱ / ۵ .

3 ((ذکر اصبهان ص ۱۳ .

4 ((شرح نهج البلاغه : ۲۸۴ / ۲۰ .

صفحه : ۲۰۷

آنچه که مربوط به موضوع ماست نقش ایرانیان در عصر ظهور و قیام حضرت مهدی (علیه السلام) است که در احادیث با این عناوین نه گانه از آنها یاد شده است : قوم

سلمان ، اهل مشرق ، اهل خراسان ، صاحبان پرچم های سیاه ، فارس ، اهل قم ، اهل طالقان که غالباً مقصود از همه آنها یکی است .

ایرانیان و زمینه سازی ظهور

تمام منابع روایی شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که ظهور امام زمان (عج) پس از نهضتی بوقوع خواهد پیوست که زمینه ساز ظهور حضرت است . در این نهضت

صاحبان درفش های سیاه از ایران ، آماده کننده مقدمات فرمانروائی او هستند . و
وجود دو شخصیت ایرانی موعود ، یعنی سید خراسانی ، یا هاشمی خراسانی و
یاور او شعیب بن صالح نقشی قابل توجه دارند .

منابع حدیث شیعه علاوه بر ایرانیان ، از یمنی ها نیز بعنوان زمینه سازان ظهور
حضرت نام برده اند . همچنانکه از مجموعه احادیث می توان وقوع یک حرکت
انقلابی قبل از ظهور را پیش بینی کرد . مانند این روایت که در تفسیر آیه : " بعثنا
علیکم

عباداً لنا اولى بأس شدید " یعنی : گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما
برانگیزیم ، چنین آمده است : آنان گروهی هستند که خداوند قبل از قیام قائم
برانگیزد و به سراغ هر یک از قاتلان اهل بیت که بروند او را به قتل رسانند . (۱)
و در حدیثی که " ابان بن تغلب " از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده ، آمده
است : " زمانی

که پرچم حق ظهور کند ، اهل مشرق و مغرب بر آن نفرین کنند ! آیا می دانی چرا ؟
گفتم خیر . فرمود : چون

مردم قبل از ظهور با گروهی از اهل بیت او مواجه گردند . "

پاورقی -----

1 ((کافی : ۲۰۶ / ۸ .

صفحه : ۲۰۸

از این روایت می توان فهمید که افرادی از بنی هاشم و پیروان آنها قبل از ظهور

حضرت ، نهضتی خواهند داشت .

نویسنده کتاب " یوم الخلاص " این حدیث را نقل کرده که می گوید : " او می آید و

برای خداوند ، شمشیری است از نیام کشیده شده " .

صاحب کتاب " یوم الخلاص " برای این حدیث پنج منبع نقل کرده است که من این روایات را در این منابع نیافتم ، آنچه یافتم چنین است " همراه او شمشیری ست از نیام

کشیده " کتاب مذکور موارد دیگری را هم ذکر نموده که سندی برایش نیافتم .
بنابراین روایات مربوط به مقدمات ظهور ، سه دسته هستند :

الف : روایات مربوط به دولت هواداران درفش های سیاه که شیعه و سنی آن را نقل کرده اند .

ب : روایات مربوط به ظهور حکومت یمنی که فقط در منابع شیعه وارد شده و شبیه این روایات در برخی از منابع سنی ها آمده اما بیانگر ظهور یمانی پس از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است .

ج : روایاتی که حاکی از ظهور زمینه سازان قیام حضرتند ، بی آنکه جزئیات آنها را مشخص نمایند . اما بزودی بیان خواهیم کرد که این روایات بطور کلی بر یاران ایرانی و یمنی آن حضرت منطبق است که زمینه ساز حکومت آن حضرتند .
روایات ، زمان روی کار آمدن حکومت یمنی ها را مشخص نموده و آنرا سال ظهور حضرت و همزمان با خروج سفیانی یا نزدیک به آن می داند .

خروج سفیانی به منظور دشمنی با آن حضرت و از سرزمین شام یا منطقه ای در نزدیکی آن به وقوع خواهد پیوست که بزودی جزئیات آن را بیان خواهیم کرد .

اما حکومت ایرانیان زمینه ساز ، به دو مرحله مشخص تقسیم می شود :
مرحله اول ، آغاز نهضت آنان بدست مردی از قم که شاید نهضت او سرآغاز امر

صفحه : ۲۰۹

ظهور حضرت باشد چرا که در روایت آمده که " آغاز نهضت آن حضرت از ناحیه
مشرق است " .

مرحله دوم ، ظهور دو شخصیت موعود در بین ایرانیان به نام سید خراسانی و
فرمانده نیروهای او شعیب بن صالح است .

در تعدادی از روایات ، مشخص گردیده که نهضت شعیب و خراسانی شش سال
قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است . از محمد بن حنفیه نقل شده که
:

" پرچم سیاه بنی عباس خروج کند سپس پرچم سیاه دیگری از خراسان ظاهر شود
حاملان آن

درفش ها کلاه سیاه و لباس سفید بر تن دارند ، پیشاپیش آنان مردی است که او را
صالح بن شعیب و یا

شعیب بن صالح می نامند و از قبیله بنی تمیم است ، آنان نیروهای سفیانی را
شکست داده و در بیت

المقدس فرود آیند تا مقدمات حکومت مهدی را فراهم آورند ، تعداد سیصد تن از
شام به آنها پیوندند ،

فاصله خروج او تا تحویل زمام امور به مهدی (علیه السلام) هفتاد و دو ماه است .

" (۱)

در مقابل این احادیث ، روایات دیگری هست که می گوید ، ظاهر شدن خراسانی و شعیب همزمان با ظاهر شدن یمانی و سفیانی است ، از امام امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" خروج خراسانی ، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع شود ، درفش یمانی در بین این پرچمها از همه هدایت گتر است ، او مردم را به حق دعوت کند " (۲)

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود : " خروج سفیانی ، یمانی و خراسانی در سال ، ماه و روز واحد خواهد بود ، نظم و ترتیب آنها همچون دانه های تسبیح ، پی در پی است ، در آن زمان مشکلات از همه سو روی آورند ، وای بر کسی که با آنان به مخالفت برخیزد . در میان پرچمها ، پرچمی هدایتگر از یمانی

پاورقی -----

- 1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۸۴ و قریب به همین مضمون در ص ۷۴ .
- 2 () (بحار : ۲۱۰ / ۵۲ .

صفحه : ۲۱۰

نیست . آن پرچم ، پرچم هدایت است چرا که به سوی مولای شما دعوت کند " .

(۱)

این روایت ها به خاطر محکم بودن سندشان بر روایت های دیگر برتری دارند ،

مخصوصاً روایت آخر که سندش صحیح است و آنرا ابو بصیر از امام پنجم نقل کرده است .

شاید منظور از خروج این سه نفر به ترتیب ، مانند دانه های تسبیح ، با آنکه در یک روز واقع می شود این است که انگیزه های خروج آنها با هم ارتباط سیاسی دارد .

البته آغاز خروج آنان در یک روز است ، اما ترتیب جنبش آنان و استحکام امورشان مانند مهره های تسبیح ، یکی پس از دیگری واقع می شود .

روایت آغاز حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) از ایران

این حدیث صراحت دارد که آغاز نهضت حضرت از ناحیه مشرق خواهد بود از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" آغاز کار او از مشرق است ، زمانی که این امر پیش آید ، سفیانی خروج کند " (۲)

از طرفی آنچه علماء بر آن اتفاق دارند و روایات متواتر (۳) آنرا تأیید می کنند ، این

است که ظهور حضرت از مکه مکرمه است ، بنابراین باید منظور امیر مؤمنان (علیه السلام) که

فرمود " آغاز کار او از مشرق است " یعنی پیدایش کار و مقدمات نهضت او از مشرق

است . و همچنین می توان فهمید که ظهور مقدمات نهضت حضرت ، قبل از خروج

سفیانی است و فاصله بین این مقدمات و خروج سفیانی ، مدتی نه کوتاه و نه

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۲ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۵۲ .

3 ((متواتر خبری است که روایان آن به حدی برسد که عادتاً امکان همدستی آنان بر ساختن خبر

محال باشد و این حالت در همه طبقات روایان حفظ شود . مترجم

صفحه : ۲۱۱

طولانی است . حتی می توان گفت روایت ، اشاره به این نکته دارد که حرکت زمینه ساز ظهور در ایران انگیزه و علت خروج سفیانی است زیرا جنبش سفیانی واکنشی است جهت رویارویی با موج فزاینده نهضت اسلامی که زمینه ساز قیام آن حضرت خواهد بود .

روایت حمایت از امت محمد (صلی الله علیه وآله) ، توسط مردی از اهلیت ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت فرمود :
" ای ابو بصیر ، امت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را مادام که خاندان فلان بر مسند حکومت تکیه زده در گشایش

نخواهی دید تا آنکه فرمانروائی آنان منقرض شود ، با تمام شدن حکومت آنان ،

خداوند آن را به مردی از ما

اهل بیت ارزانی می دارد که روش او بر اساس تقوی و عمل وی هدایت گر مردم است . در قضاوت و حکم ،

اهل رشوه نیست . بخدا سوگند من او را با نام خودش و نام پدرش می شناسم ،
سپس مردی خواهد آمد ،

نیرومند و کوتاه اندام که خالی بر صورت و دو نشانه بر بدن دارد . او پیشوایی عادل
و نگاهبان امانتهای الهی

است ، دنیا را پر از عدل و داد نماید آنگونه که بدکاران پر از ظلم و جور کرده اند
" (۱)

این روایت ، قابل توجه ولی متأسفانه ناقص است ، علامه مجلسی آنرا از سید
بن طاووس نقل کرده که می گوید : این روایت را در سال ۶۶۲ در کتاب "
ملاحم "

بطائنی دیده و از آن کتاب نقل کرده اما بصورت ناتمام ، بطائنی از یاران امام
صادق (علیه السلام) بوده و نسخه کتاب وی هم اکنون در دسترس نیست البته
ممکن است در

گوشه و کنار کشورهای اسلامی در میان کتاب های خطی و ناشناخته موجود باشد
(۲) .

بر اساس این روایت سید بزرگواری از ذریه اهل بیت (علیهم السلام) پیش از
ظهور حضرت

قائم (علیه السلام) حکومت می کند و مقدمات دولت او را فراهم می نماید .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۶۹ .

2 ((کتاب اقبال سید بن طاووس ص ۵۹۹ .

اما عبارت " خاندان فلان " در کلام امام ، لازم نیست که حتماً بنی عباس باشند
آنگونه که سید بن طاووس فهمیده است ، زیرا در سایر روایات که ائمه ما (علیهم
السلام) تعبیر

به فلان و آل فلان نموده اند ، گاهی منظور بنی عباس و گاهی خاندان هایی است
که

قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) فرمانروائی می کنند ، مثلاً روایات
متعددی وجود

دارد که می گویند : اختلاف بین خاندان فلان و آل فلان ، از حکام حجاز بر سر
انتخاب فرمانروا ، رخ می دهد و این تفرقه به قبایل حجاز سرایت می کند ، آنگاه
مهدی (علیه السلام) ظهور می نماید . پس منظور از بنی فلان در این حدیث بنی
عباس نیست

بلکه خاندانی است که قبل از ظهور حضرت در حجاز حکومت می کنند . مانند
روایتی که از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به دست ما رسیده که حضرت فرمود
:

" آیا خبر ندهم شما را به آخرین حاکم آل فلان ؟ عرض کردیم چرا ای امیر مؤمنان
. فرمود : کشته شدن

بیگناهی در منطقه حرم از قبیله ای از قریش ، سوگند به خدایی که دانه را شکافت
و موجودات را هستی

بخشید ، پس از این حادثه ، تنها پانزده شب از سلطنتشان باقی خواهد ماند " (۱)
غیر از این روایت ، روایات دیگری وجود دارد که اختلاف بین خاندان فلان و یا

به هلاکت رسیدن فرمانروای ظالمی از آنان را بیان کرده و می گوید پس از آن
سفیانی

خروج خواهد کرد و یا ظهور حضرت بوقوع خواهد پیوست و یا بیانگر برخی از
نشانه ها و پیشامدهای نزدیک ظهور است . بنابراین باید عبارت بنی فلان در این
روایت را به غیر بنی عباس تفسیر نمود زیرا صدها سال پیش ، حکومت آنها سپری
شده و آنچه در این روایت مطرح است متصل به زمان ظهور حضرت است .
به نظر می رسد روایاتی که به صراحت از بنی عباس نام برده نیز حتماً باید مورد
بررسی و دقت قرار گیرد . زیرا ممکن است این روایات از امامان (علیهم السلام)
با عبارت

پاورقی -----
1 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۴ .

صفحه : ۲۱۳

" فرزندان فلان " و " خاندان فلان " وارد شده باشد اما شخص راوی به گمان
اینکه

منظور ، همان بنی عباسند آن را با لفظ بنی عباس نقل کرده باشد .
همچنانکه ممکن است در روایات ظهور ، تفسیر بنی فلان به بنی عباس نیز
صحیح باشد ، زیرا ممکن است مراد از ذکر نام بنی عباس ، روش ستیزه جویانه آنان
باشد که در نقطه مقابل امامان (علیهم السلام) بوده ، نه اینکه مراد شخص آنها و
فرزندان و یا

ذریه آنها باشد . هر چند به ندرت نیاز به چنین تفسیر و توجیهی داریم چرا که در بیشتر روایات تعبیر به فرزندان و خاندان فلان شده نه خاندان بنی عباس .
بهر حال ، منظور از خاندان فلان در روایت مورد بحث که فرمود : " خاندان فلان بر

مسند حکومت باشند ، تا اینکه فرمانروائی آنان منقرض شود ، با تمام شدن حکومت آنان خداوند آن را بر مردی از ما اهل بیت ارزانی دارد " حکام ظالم و ستم پیشه ای ، غیر از بنی عباسند که انقراض حکومتشان متصل به زمان ظهور حضرت است .

اما جمله " آنگاه ، آن مرد نیرومند کوتاه اندام که خالی بر صورت و دو نشانه بر بدن دارد و پیشوایی است عادل " حکایت از اوصاف شخصی است که بعد از سید موعود خواهد آمد و مفهوم آن این است که او شخص حضرت مهدی (علیه السلام) است و هم اوست که دارای این نشانه هاست . اما صفت " مرد نیرومند کوتاه قد " بر آن حضرت تطبیق نمی کند .

زیرا تمام روایات ، آن حضرت را با قامتی رشید و موزون توصیف کرده اند ، بعید نیست که بخش هائی از این روایت ، در نقل سید بن طاووس و یا دیگران افتاده یا جابجا شده باشد . و صفت مرد نیرومند و کوتاه اندام ، از ویژگیهای همان سید مورد

نظر باشد ، بنابراین نمی توانیم ، اتصال زمان این سید را به زمان ظهور حضرت

مهدی (علیه السلام) ، از این روایت استفاده کنیم .

صفحه : ۲۱۴

احادیث قم و مرد موعود آن

از جمله روایاتِ ظهور ، قیامِ مردی از قم است . امام کاظم (علیه السلام) فرمود :

" مردی از قم ، مردم را به حق دعوت کند ، افرادی پیرامون او گرد آیند که قلب

هایشان همچون

پاره های آهن (استوار) است . بادهای تند حوادث ، آنان را نلغزاند ، از جنگ

خسته نشده و نترسند ،

اعتمادشان بر خدا است و سرانجامِ کار از آن پرهیزکاران است " (۱) .

روایت ، زمانِ قیام او را مشخص نکرده اما در تاریخ قم و ایران وجود چنین

شخصیتی با چنان یارانی قبل از امام خمینی و طرفدارانش سابقه نداشته است .

البته احتمال دارد که این روایت ناقص باشد و یا به مناسبت خاصی ، امام آن را

فرموده باشد . این حدیث را بحار الانوار ، از کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد

بن حسن قمی که هزار سال پیش آن را تألیف نموده نقل کرده و متأسفانه نسخه

اصلی آن کتاب در دسترس نیست .

ممکن است گفته شود : درست است که در تاریخ قم و ایران ظاهر شدن چنین

شخصیتی برجسته سابقه ندارد ، اما دلیلی در دست نیست که ثابت کند این روایت

،

منطبق بر امام خمینی و طرفداران اوست . پس شاید منظور ، شخص دیگری باشد

که در عصر ما و یا بعد از مدتی ظاهر شود .

اما در پاسخ باید گفت : اگرچه در روایت ، زمان این پیشامد مشخص نیست اما مجموعه صفاتی که در روایت آمده ، بعلاوه آنچه که روایات متعدد دیگر ، پیرامون قم و ایران وارد شده ، این نظریه را تقویت می کند که شاید مراد ، امام خمینی و یاران او باشند .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۶۰ / ۲۱۶ چاپ ایران .

صفحه : ۲۱۵

ویژگی های ممتاز قم در احادیث

درباره ویژگی های ممتاز شهر قم و آینده آن از اهل بیت (علیهم السلام) روایاتی نقل شده که

نشان می دهد این شهر در قلب ایران در سال ۷۳ هجری ، بر اساس طرحی از سوی امام باقر (علیه السلام) پایه گذاری شده و پس از آن همواره مورد توجه خاص ائمه اطهار (علیهم السلام) قرار گرفته است .

آنان با دانشی که از جد بزرگوارشان داشتند ، خبر داده اند که در آینده ، این شهر از جایگاهی والا برخوردار خواهد شد و اهالی آن از یاران باوفای حضرت مهدی ارواحنا فداه خواهند بود .

برخی روایات بیانگر آن است که فلسفه نامگذاری این شهر به نام قم ، هماهنگ با نام حضرت مهدی است که قائم به حق است و با قیام اهل قم و منطقه جغرافیائی

آن در زمینه سازی و یاری حضرت ارتباط دارد . (۱)

عفان بصری از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده و می گوید :

" امام (علیه السلام) به من فرمود : آیا می دانی چرا این شهر را قم می نامند ؟

عرض کردم : خدا و رسولش

آگاه ترند ، فرمود : زیرا اهل قم ، اطراف قائم آل محمد (علیه السلام) گرد آمده و

با او قیام نمایند و در کنار او ثابت قدم

مانده و او را یاری کنند " (۲)

امامان ما به قم معنایی برتر و وسیع تر از معنا و مفهوم یک شهر داده و نام این

شهر را به منزله روش و اسلوب قم ، نسبت به ولایت اهل بیت (علیهم السلام) و

قیام آنان با

مهدی آل پیامبر (صلی الله علیه وآله) بکار برده اند .

عده ای از بزرگان ری نقل کرده اند که خدمت حضرت امام صادق (علیه السلام)

رسیدند و

پاورقی -----

1 ((کلمه " قم " در زبان عربی به معنی " به پا خیز " است . مترجم

2 ((بحار : ۶۰ / ۲۱۶ .

صفحه : ۲۱۶

عرض کردند :

" ما اهل ری هستیم که خدمت رسیده ایم . حضرت فرمود : خوش آمدند برادران
قمی ما ، عرض کردند
ما اهل ری هستیم ، حضرت فرمود : خوش آمدند برادران قمی ما ، مجدداً عرض
کردند : ما اهالی ری هستیم ،
امام نیز کلام خود را تکرار کرد ، آنان گفته خود را چند بار یادآور شدند و امام نیز
همچون بار اول پاسخ داده و
چنین فرمود : خداوند دارای حریمی است که مکه مکرمه است و پیامبر دارای حریمی
که مدینه منوره است و
امیر المؤمنین (علیه السلام) دارای حریمی یعنی کوفه است و ما اهل بیت نیز دارای
حریمی هستیم که شهر قم است ،
بزودی بانویی از سلاله من بنام فاطمه در این شهر دفن خواهد شد ، هر کس آن
بزرگوار را در قم زیارت کند
اهل بهشت است "

راوی می گوید : " این سخن را امام صادق (علیه السلام) زمانی فرمود که هنوز
حضرت کاظم (علیه السلام) متولد نشده بود . "

معنی سخن حضرت آن است که قم تا زمان حضرت مهدی (علیه السلام) ، حرم
امامان (علیهم السلام)
اهل بیت و مرکز ولایت و یاری آن بزرگواران است و اهل ری و غیر آن نیز اهل قم
محسوب می شوند ، زیرا آنان نیز پیرو خط و مشی اهل قم نسبت به اهل بیت اند ،
از

این رو بعید نیست که مراد از اهل قم که در روایات آمده و اینکه آنان یاوران حضرت

مهدی اند ، همه ایرانیانی باشند که در ولایت و دوستی و جنگ و جهاد پیرو امامان (علیهم السلام) هستند ، حتی شاید این تعبیر مسلمانان غیر ایرانی را نیز دربرگیرد .

و معنای کلام راوی که گفت : " حضرت این کلام را زمانی فرمود که هنوز امام کاظم متولد نشده

بود " این است که امام صادق از ولادت نوه خود فاطمه معصومه دختر موسی بن جعفر (علیه السلام) پیش از ولادت پدر حضرت معصومه یعنی قبل از سال ۱۲۸ هجری قمری

خبر داده و بیان نموده که آن بانوی بزرگوار در قم دفن خواهد شد ، این ماجرا هفتاد

سال بعد از سخن حضرت تحقق پیدا کرده است .

محدثان بزرگ قم نقل کرده اند مأمون ، امام رضا (علیه السلام) را در سال ۲۰۰ هجری از

مدینه خارج و به طرف مرو فرستاد ، در سال ۲۰۱ هجری خواهر گرامی او ،

صفحه : ۲۱۷

حضرت فاطمه معصومه در پی برادر از مدینه خارج شد و به سمت ایران حرکت کرد چون به شهر ساوه رسید ، بیمار شد ، سؤال کرد فاصله اینجا تا قم چقدر است

؟

عرض کردند ده فرسخ . . . زمانی که خبر ورود آن حضرت به ساوه به اولاد سعد

-

یعنی سعد پسر مالک اشعری در قم - رسید ، همه با هم به طرف ساوه حرکت کردند

تا از حضرت تقاضا کنند که به شهر قم بیایند . چون حضور او رسیدند ، موسی پسر خزرج از بین آن جماعت به طرف حضرت رفت و مهار شتر ایشان را گرفته و تا قم همراهی کرد و آن بزرگوار را در منزل خویش جای داد ، پس از ۱۶ یا ۱۷ روز اقامت

در شهر قم ، آن بانوی بزرگ به رحمت و رضوان الهی پیوست و روح پاکش به ملکوت اعلیٰ پر گشود . موسی ، آن حضرت را در زمینی که متعلق به خودش بود و هم اکنون نیز مرقد مطهر حضرتست ، به خاک سپرد و سقفی از بوریا و حصیر بر قبر

او برافراشت . تا آنکه توسط زینب دختر حضرت جواد (علیه السلام) بر قبر آن بزرگوار گنبد و

بارگاهی بنا شد " (۱)

از روایات چنین برمی آید ، که فاطمه معصومه همچون مادرش فاطمه زهرا بانوئی اهل عبادت ، قداست و منشأ خیر بسیار و شبیه مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام) بود ،

آن بزرگوار با سن کم ، نزد اهل بیت (علیهم السلام) مقام خاص و والایی داشت . این مقام و

منزلت حضرت ، نزد علماء و بزرگان قم نیز محرز بود زیرا آنان به منظور ارج نهادن

به مقام آن بانو از قم به طرف ساوه حرکت کرده و به استقبال وی شتافتند و پس از رحلت آن بانو ، ساختمانی بر مزارش ساخته سپس گنبدی بنا کردند و آنجا را زیارتگاه دوستداران اهل بیت قرار دادند و عدّه ای از آن بزرگان وصیت کردند که در جوار حضرتش به خاک سپرده شوند .

پاورقی

1 ((بحار : ۶۰ / ۲۱۹ .

صفحه : ۲۱۸

در روایات آمده است که سنّ مبارک حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) کمتر از بیست سال بوده است و شاید علت اینکه ایرانیها آن حضرت را " فاطمه معصومه " و یا " معصومه قم " می نامند بخاطر کمی سنّ و پاکی آن بزرگوار از گناه باشد ، زیرا معصوم در فارسی بمعنای بی گناه است و از همین رو به طفل خردسال نیز معصوم می گویند .

از روایت بعدی که از امام رضا (علیه السلام) نقل شده ، ظاهر می شود که امامان (علیهم السلام) ، از بدو تأسیس شهر قم ، مردم این شهر را از یاران حضرت مهدی (علیه السلام) بشمار آورده اند و

دوستی و محبت مردم این شهر نسبت به آن حضرت ، قبل از ولادت او معروف بوده است ، از صفوان بن یحیی نقل شده که گفت :

" روزی خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم ، سخن از اهل قم و علاقه آنان نسبت به حضرت مهدی (علیه السلام) به میان

آمد ، حضرت برای آنان طلب آموزش کرد و فرمود : خداوند از آنان خوشنود باشد ، آنگاه فرمود : بهشت ،

دارای هشت در است که یکی از آنها مخصوص اهل قم است ، آنان (اهل قم) بهترین پیروان ما از میان

شیعیان جهانند ، خداوند ولایت ما را در سرشت آنان قرار داده است " (۱)
قابل توجه است که محبت اهل قم نسبت به حضرت مهدی (علیه السلام) همچنان پرشور

و زنده تا زمان ما باقی مانده است ، این حقیقت را در ایمان ، عملکرد و ظاهر زندگی

قمی ها حتی در نامگذاری فرزندان ، مساجد و مؤسسات خود بنام آن حضرت ، بگونه ای که شاید کمتر خانه ای از این نام خالی باشد ، می توان مشاهده نمود .
صاحب بحار الانوار دو روایت از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که نشانگر آینده شهر

قم و نقش آن پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است .
روایت اول می گوید :

" خداوند بوسیله شهر کوفه بر سایر شهرها ، حجت و برهان اقامه کند و به وسیله مؤمنان آن شهر بر

صفحه : ۲۱۹

سایر مؤمنین و به وسیله شهر قم بر سایر شهرها و بواسطه اهل قم بر جهانیان اعم از جن و انس ، خداوند
اهل قم را مستضعف فکری قرار نداده بلکه همواره آنان را موفق و تأیید کرده است
، سپس فرمود :
دینداران در این شهر در مضیقه زندگی اند اگر غیر این باشد مردم به سرعت به این
شهر هجوم آورند و
آنجا را تباه کنند و دیگر نمی توان این شهر را بر سایر شهرها حجت و الگو قرار داد
. و اگر چنان شود ،
آسمان و زمین آرامش خود را از دست بدهند و ساکنان آن لحظه ای باقی نمانند .
بلا و گرفتاری از قم و اهل
آن دور گردیده است ، بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهل آن حجت بر مردم
خواهند بود و این در حد
فاصل زمان غیبت قائم ما و ظهور او است . اگر چنین نباشد زمین اهل خودش را
فرو برد ، فرشته های الهی
مأمور دور ساختن بلاها از این شهر و اهل آنند ، هر ستمگری که اندیشه پلیدی
نسبت به این شهر در سر

داشته باشد ، خداوندی که درهم کوبنده ستم پیشگان است ، او را در هم شکنند و
یا به گرفتاری و مصیبت و یا

دشمنی سرسخت ، مبتلا گرداند ، خداوند نام قم و اهلش را در زمان فرمانروائی
ستمگران از یاد آنان

می برد آنگونه که آنها خدا را فراموش می کنند " .

و روایت دوم می گوید :

" بزودی شهر کوفه از مؤمنان خالی گردد و همانگونه که مار در لانه خود فرو می
رود علم از کوفه رخت

بربندد و سپس از شهری بنام قم آشکار شود و آن سامان معدن فضل و دانش گردد
به شکلی که در زمین

کسی در استضعاف فکری بسر نبرد حتی نوعروسان در حجله گاه خویش . و این
امور نزدیک ظهور قائم ما

به وقوع پیوندد ، خداوند ، قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام ، جانشین حضرت
حجت گرداند اگر چنین

نشود زمین اهل خودش را فرو برد و در زمین حجتی باقی نماند ، دانش از این شهر
به شرق و غرب جهان

منتشر گردد ، بدین سان بر مردم اتمام حجت شود و کسی باقی نماند که دین و
دانش به وی نرسیده باشد ،

آنگاه قائم (علیه السلام) ظهور کند و با ظهور وی خشم و غضب خداوند بر

بندگان جلوه گر شود . زیرا خداوند از

بندگان انتقام نمی گیرد مگر بعد از آنکه آنان حجت خدا را انکار نمایند " (۱)

صفحه : ۲۲۰

از این دو روایت ، چند موضوع روشن می شود :

الف : نقش علمی شهر کوفه در گسترش تشیع و پیروی از اهل بیت (علیهم السلام
(، در آستانه

ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) مضمحل شده و از بین می رود ، البته کوفه
شامل نجف نیز

می شود زیرا نام اصلی آن نجف کوفه بوده است بلکه گاهی مراد از کوفه تمام عراق
است چنانچه قبلا بیان کردیم ، اما نقش قم همچنان ادامه می یابد . و نزدیک ظهور
,

از عظمت بیشتری برخوردار می گردد ، چنانکه دو فقره از این روایت به این معنی
اشاره داشت : " و این همه ، در طول زمان غیبت قائم ما تا ظهور وی می باشد " و
" این امور نزدیک

ظهور قائم ما خواهد بود . "

ب : نقش برجسته اعتقادی شهر مقدس قم ، در آن زمان منحصر به ایران و یا
شیعیان نیست ، بلکه نقشی است جهانی که حتی غیر مسلمانان را نیز دربر می گیرد
" و بزودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلس حجت بر مردم خواهند بود " " و
کسی باقی نماند که دین و

دانش به او نرسیده باشد " این بدان معنا نیست که دانش و مذهب ، از این شهر به فرد فرد

مردم جهان می رسد ، بلکه بدین معناست که دست یابی به مقررات و دستورات اسلام برای همه امکان پذیر خواهد بود .

روایت اهل مشرق و پرچمهای سیاه

این حدیث در منابع شیعه و سنی وارد شده و از آن بعنوان روایت درفش های سیاه و روایت اهل مشرق یاد شده است ، حدیث مذکور را عده ای از صحابه پیامبر با اندکی تفاوت در الفاظ نقل کرده اند و تعدادی از آن منابع تصریح نموده اند که راویان این خبر ، همه مورد اعتمادند .

قدیمی ترین منابع حدیثی سنی ها که این روایت و یا بخشی از آن را نقل کرده اند ، عبارتند از :

صفحه : ۲۲۱

ابن ماجه در سنن ج ۲ ص ۵۱۸ و ۲۶۹ و حاکم در مستدرک ج ۴ ص ۴۶۴ و 553 و ابن حماد در نسخه خطی خود به نام " الفتن " ص ۸۴ و ۸۵ و ابن ابی

شیبه

در کتاب مصنف ج ۱۵ ص ۲۳۵ و دارمی در سنن ص ۹۳ و سایر راویان نیز به نقل از

همین منابع این روایت را نقل کرده اند . و شاید حدیثی که ابن ماجه و احمد بن حنبل و دیگران نقل کرده اند که " گروهی از مشرق زمین خروج کنند و مقدمات حکومت مهدی را

فراهم نمایند " بخشی از همین روایت باشد .

اینک عین عبارت حدیث را به نقل از مستدرک حاکم می آوریم :

" از عبدالله بن مسعود نقل شده که گفت : حضور پیامبر (صلی الله علیه وآله)

رسیدیم ، حضرت با چهره ای که شادمانی

از آن نمایان بود با ما روبرو شد ، آنچه از حضرت سؤال می کردیم پاسخ می داد و

اگر ما ساکت می شدیم آن

حضرت شروع به سخن می نمود تا اینکه گروهی از جوانان بنی هاشم از آنجا عبور

کردند . حسن و

حسین (علیهما السلام) در میانشان بودند ، تا چشم حضرت به آنها افتاد ، آنان را

در آغوش گرفت و دو چشمانش پر از

اشک شد . عرض کردیم : ای رسول خدا ، آنچه در چهره شما می بینیم برای ما

ناخوشایند است . حضرت

فرمود : خداوند برای ما اهل بیت ، آخرت را بر دنیا برگزید . بزودی بعد از من ،

اهل بیت در شهرها پراکنده و

آواره شوند ، تا آنکه درفش هایی سیاه از مشرق زمین به اهتزاز درآیند که حق را می

طلبند ، اما حقوقشان را

اداء نکنند . آنان دست از حق طلبی نکشند ، اما اجابت نشوند ، دیگر بار

درخواست کنند ، به آنان اعتنا نگردد .

پس از آن دست به مبارزه زنند و به پیروزی رسند هرگاه کسی از شما و یا فرزندان

شما آن زمان را درک

کرد ، پس به پیشوایی پیوندد که از اهل بیت من است . اگر چه با دشواری روی
برف با دست و پا برود ، آنها
درفش های هدایتند و آن را بدست مردی از اهل بیت من سپارند که نام او نام من و
نام پدرش نام پدرم
باشد ، او حاکم زمین گردد و آن را پر از عدل و داد کند ، آنگونه که از جور و ستم
پُر شده است " (۱) .

----- پایورقی

1 () در منابع ما ، این حدیث توسط سید بن طاووس در کتاب ملاحم و فتن
ص ۳۰ و ۱۱۷ و

مجلسی در بحار : ۵۱ / ۸۳ از اربعین حافظ ابو نعیم ، روایت بیست و هفتم که
مربوط به آمدن

حضرت مهدی (علیه السلام) از ناحیه مشرق است نقل شده است .

صفحه : ۲۲۲

مشابه حدیث فوق از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :
" گویا می بینم گروهی از مشرق زمین خروج کرده اند و طالب حق اند اما آنها را
اجابت نکنند . مجدداً بر

خواسته هاشان تأکید کنند ، اما مخالفان نپذیرند ، وقتی چنین شود ، شمشیرها را
به دوش کشیده و در مقابل

دشمن بایستند ، آنگاه پاسخ مثبت گیرند ، اما این بار ، خودشان نپذیرند تا آنکه همه قیام کنند . و درفش

هدایت را جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی (علیه السلام)) نسیزند ، کشته های آنان شهیداند ، اگر آن زمان را درک می کردم ، خویشتن را برای یاری صاحب این امر (یعنی امام زمان (عج)) نگه می داشتم " (۱)

از این روایت ، چند نکته استفاده می شود :

اول : اینکه مطالب و محتوای این روایت متواتر اجمالی است . یعنی آنچه در این روایت آمده و محتوای اصلی آن را تشکیل می دهد توسط جمعی از اصحاب پیامبر خدا نقل و با سندهای مختلف بدست ما رسیده ، بطوری که معلوم می شود محتوای این حدیث توسط رسول خدا بیان شده است و مهمترین مطالب آن عبارت است از :

الف : خبر دادن پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به مظلومیت اهل بیت بعد از خودش .

ب : اینکه تنها گروهی که حق آنان را استیفاء می کنند کسانی هستند که از مشرق بپا خاسته و مقدمه حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) را مهیا می نمایند .

ج : در پی به قدرت رسیدن همین افراد ، امام (علیه السلام) ظهور می کند و آنان درفش خود

را تسلیم حضرت می نمایند ، و سرانجام خداوند بوسیله وجود مقدس او ، اسلام را به جهانیان معرفی و زمین را پر از عدل و داد می کند .

دوم : مراد از اینکه گروهی از مشرق با درفش های سیاه خروج می کنند ، ایرانیانند ،

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۴۳ .

صفحه : ۲۲۳

این مسأله مورد اتفاق همه صحابه ای است که این روایت و مشابه آن را نقل کرده اند

و نزد تابعین نیز که روایت را از صحابه دریافت نموده اند ، همین نظر وجود دارد . همچنین تمام مؤلفان بعدی ، در خلال قرن ها بر این مسأله اتفاق نظر دارند ، بگونه ای که ماجرای خروج صاحبان پرچم های سیاه در نزد آنان ، امری کاملاً روشن

و ثابت بوده است ، دلیل این ماجرا آن است که هیچ یک از راویان و دانشمندان نگفته اند که ممکن است این گروه مثلاً اهل ترکیه و یا هند یا جای دیگری غیر از ایران باشند . بلکه عده ای از راویان و مؤلفان تصریح کرده اند که آنان ایرانیانند ، حتی نام خراسانیها در برخی احادیث به چشم می خورد . چنانکه در روایت مربوط به درفش های خراسان خواهد آمد .

سوم : نهضت مذکور با نوعی مخالفت جهانی و جنگ روبرو خواهد شد ، و در ابتدا علیه حاکم خود آنان صورت خواهد گرفت اما نزدیک ظهور تبدیل به قیامی فراگیر خواهد شد .

چهارم : بر هر فرد مسلمان معاصر آنان واجب است که به یاری آنان برخیزد هر چند که در شرائط دشواری بسر برد حتی اگر لازم باشد که برای یاری آنان روی یخ و برف حرکت نماید .

پنجم : این روایت از آینده و غیب خبر می دهد و یکی از معجزات نبوت نبی اکرم (صلی الله علیه وآله) است ، زیرا آنچه آن بزرگوار از مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) و آوارگی و پراکندگی آنان در چهار گوشه جهان اطلاع داده ، در طول قرون گذشته محقق شده

است تا جایی که ما خاندانی را در طول تاریخ و در سطح جهان سراغ نداریم که مانند اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) و فرزندان حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) با تبعید و آوارگی مواجه شده باشند .

صفحه : ۲۲۴

علاوه بر این مطالب ، عبارت های موجود در روایت ، اوصاف دقیقی از نهضت و قیام ایرانیان را در بر دارد ، از این رو بخش هایی از آن را مورد ارزیابی قرار می دهیم .

به نظر من این روایت با حدیثی که قبلا از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شد ، ارتباط دارد .

به عبارتهای امام باقر (علیه السلام) دقت کنید :

"گویا می بینم گروهی از مشرق زمین خروج کرده اند" از این جمله می توان فهمید که این

قیام ، از وعده های حتمی خداوند متعال است و این مفهوم همان جمله ای است که پیامبر (صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) چنین تعبیر کردند " گویا آن را می بینم " و یا " آن مسأله محقق شده "

اینگونه کلمات دلالت بر حتمی بودن و روشن بودن مسأله در ذهن شریف آنان به شکل حتمی دارد ، گویا که آن ماجرا را می بینند بلکه می توان گفت دلالت بر دیدن

آنان با بصیرت ویژه ای دارد که خداوند به آنان عنایت فرموده و متناسب با مقام پیامبر (صلی الله علیه وآله) و مقام اهل بیت آن حضرت است .

همچنین می توان از این روایت فهمید که نهضت ایرانیان از طریق انقلاب است ، زیرا مفهوم عبارت " خروج کرده اند " نیز همین است ، به عبارت امام توجه کنید :

" طالب حق اند اما آنها را اجابت نکنند ، مجدداً بر خواسته هایشان تأکید دارند ، اما مخالفان نپذیرند ،

وقتی چنین شود . شمشیرها را به دوش کشیده در مقابل دشمن بایستند ، آنگاه پاسخ مثبت گیرند ولی این

بار خودشان نپذیرند تا آنکه همه قیام کنند و آن را جز به صاحبان تحویل ندهند " . این پافشاری در حق جوئی ایرانیان تداوم می یابد ، آنها از دشمنان خود " طالب حق اند " یعنی از ابرقدرتها می خواهند که در شئون زندگی آنان دخالت ننموده و

دست از این مردم بردارند تا دارای استقلال باشند . . . اما به آنان اعتنا نمی کنند ،
تا

مجبور به گرفتن سلاح شوند . ایرانیان در این نبردها به پیروزی می رسند ، دشمنان
خواسته اولیه آنها را می پذیرند اما دیگر دیر شده و شرائط دگرگون گشته و ایرانیان

صفحه : ۲۲۵

زیر بار آن نمی روند . پس از آن ، انقلاب جدید مردم آغاز می گردد : " تا اینکه
قیام کنند "

انقلابی که متصل به ظهور حضرت می شود و با ظهور او ، پرچم مبارزه را بدست
وی

می سپارند .

در یکی از این روایت ها آمده است که ایرانیان پس از درخواستهای اولیه شان
دست به مبارزه می زنند و در آن مبارزه به پیروزی می رسند : " آنان حق را طلب
کنند اما

اجابت نشوند پس به نبرد پردازند و پیروز شوند آنگاه خواسته آنان را بپذیرند ولی
ایرانیان قبول نکنند " .

توجه به این نکته در حدیث لازم است که از جمله " حق را طلب کنند اما اجابت
نشوند "

می توان فهمید که اولاً حق طلبی ایرانیان طی دو مرحله صورت می پذیرد یکی قبل
از جنگ و درگیری و دیگری بعد از آن و ثانیاً انقلاب فراگیر و گسترده آنان نزدیک
به

زمان ظهور حضرت خواهد بود " تا آنکه قیام کنند " .

نکته دیگر اینکه حدیث مذکور ، نهضت ابتدائی ایرانیان را با عبارت " خروج " مطرح کرد اما از نهضت دوم که متصل به ظهور حضرت است با عبارت " قیام " یاد

نمود . از این بیان امام (علیه السلام) می توان فهمید که نهضت دوم مهمتر و عظیم تر از نهضت

ابتدائی و مرحله تکامل یافته آن است که طی آن ایرانیان با خیزش همگانی و قیام الهی خویش زمینه را برای ظهور حضرتش فراهم خواهند ساخت . ممکن است از بیان امام که فرمود " تا اینکه قیام کنند " و نفرمود " پس قیام می کنند "

چنین استفاده شود که بین پاسخگویی دشمن به خواسته های ایرانیان و بین قیام بزرگ دوم آنان فاصله ای وجود داشته باشد . و شاید بتوان گفت این فاصله به خاطر مرحله ای از شک و تردید در میان آنان بوجود خواهد آمد و ریشه آن یا به جهت پیدایش خط فکری خاصی در بین خودشان است که فقط با گرفتن امتیاز از دشمن موافق است و یا به سبب شرائط خارجی که بر آنان تحمیل می گردد . اما سر انجام

صفحه : ۲۲۶

تفکر جناح دیگر غلبه پیدا نموده و مجدداً قیام نموده و نهضتی گسترده و فراگیر به پا می دارند و این نهضت مقدمه ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) می گردد . " کشته های آنها شهیدند " این گواه بزرگی است از امام باقر (علیه السلام) برای کسانی است که

در نهضت و قیام ایرانیان کشته می شوند خواه در خروج اول آنان و یا زمان
درگیری با

دشمن و یا در قیام عمومی مردم .

ممکن است گفته شود که گواهی امام باقر (علیه السلام) بر شهید بودن کشته
هایشان دلیل بر

نیت پاک رزمندگان و مظلومیت آنان دارد نه اینکه دلیل بر درستی نیت رهبران و
خط فکری آنان باشد ، در پاسخ باید گفت اگر ما این استدلال را هم بپذیریم ، باز
هم

چنین تفسیر و توجیهی نمی تواند تکلیف انسان را در لزوم حمایت از آن نهضت
تغییر دهد .

اما جمله " اگر آن زمان را درک می کردم خودم را برای یاری صاحب آن امر نگه
می داشتم " از حال

خود حضرت خبر می دهد که اعلام می نماید که اگر نهضت آنان را درک کند ،
گرچه

کشته های آنها شهیداند ، اما برای درک ظهور و یاری حضرت مهدی (علیه
السلام) خود را از

خطرات حفظ می کند . این عبارت بر مقام با عظمت حضرت مهدی (علیه السلام
) و یاران وی

دلالت دارد ، بگونه ای که امام باقر (علیه السلام) غبطه می خورند که ای کاش
با آن بزرگوار

باشند و از سوی دیگر ، چنین عبارات هایی از حضرت باقر (علیه السلام) کمال
تواضع و

فروتنی او را نسبت به فرزندش حضرت مهدی (علیه السلام) گواهی می دهد .
از این روایت می توان فهمید که فاصله نهضت ایرانیان تا ظهور آن حضرت از
مدت عمر یک انسان بیشتر نخواهد بود ، چون ظاهر گفته امام باقر (علیه السلام)
این است که

اگر نهضت آنها را درک کند ، جان خویش را حفظ می نماید و این حفظ جان
بطور

طبیعی است نه به شکل معجزه ، و همین نشانه مهمی است بر این نکته است که ما

صفحه : ۲۲۷

در حال حاضر وارد دوران ظهور آن حضرت شده ایم و نهضت ایرانیان به ظهور آن
حضرت نزدیک و متصل خواهد گردید .

از لطیفه هایی که من در ارتباط با روایت درفش های مشرق زمین در گفته
پیامبر (صلی الله علیه وآله) که فرمود : " باید به یاری آنان بشتابید هر چند با دست
و پا رفتن روی یخ " شنیده ام

داستانی است که برای یکی از علمای بزرگ تونس اتفاق افتاد . او در فصل زمستان
و

یخ بندان مسافرتی به ایران داشت ، روزی هنگام خروج از هتل ، روی یخ های
محوطه به زمین خورد ، یکی از دوستان همراهش جلو آمد تا به او کمک کند . آن

عالم تونسسی گفت : صبر کن ، می خواهم خودم بلند شوم . سپس با کمک

دستهایش

با کندی از جا بلند شد و سرپا ایستاد ، و گفت : هر وقت ما این روایت را درباره حضرت مهدی (علیه السلام) و یارانش می خواندیم و به این جمله پیامبر (صلی الله علیه وآله) که " باید به یاری

آنان بشتابند هرچند با دست و پا رفتن روی یخ " می رسیدیم ، با خود می گفتیم که حضرت

مهدی (علیه السلام) از مکه ظهور می کند و در آنجا برف و یخ وجود ندارد که پیامبر با این تعبیر

ما را امر فرموده است ، اما اکنون معنای گفته پیامبر (صلی الله علیه وآله) را دانستم ، از این رو سعی

کردم که برف و یخ را با دست خود لمس نموده و خودم از زمین بلند شوم . روایت پرچم های سیاه از خراسان تا قدس

این روایت را عده ای از علمای سنی مانند ترمذی در کتاب سنن ج ۳ ص ۳۶۲ و احمد بن حنبل در مسند و ابن کثیر در کتاب نهاییه و بیهقی در کتاب دلائل نقل کرده اند و ابن صدیق مغربی در رساله خود که در ردّ ابن خلدون نوشته ، آنرا صحیح

دانسته . عبارت حدیث این است :

" درفش های سیاه از خراسان بیرون آیند که چیزی جلودارشان نیست تا در ایلایاء (قدس) به اهتزاز درآیند " .

شبهه این روایت در منابع شیعه روایت شده و احتمال دارد که این روایت جزئی از روایت قبلی باشد (۱) .

معنای حدیث ، روشن و حاکی از تحرک نظامی و پیشروی نیروها از ایران به سوی قدس است که بیت ایل و ایلیاء نیز نامیده می شود .

نویسنده مجمع البحرین گفته است که " ایل به زبان عبری و یا سریانی ، نامی از نام های خداوند بزرگ است و کلماتی مانند جبرائیل ، میکائیل و اسرافیل به معنای عبدالله و تیم الله (بنده خدا) و مانند اینها است . و ایل همان بیت المقدس است . و گفته شده بیت ایل به معنای خانه خدا است چون کلمه ایل به لغت عبرانی یعنی خدا " و در کتاب شرح قاموس گفته است که " کلمه ایلیا نام شهر بیت المقدس است " .

محدثان تصریح کرده اند که مراد از این درفش های وعده داده شده ، پرچم های عباسیان نیست (شعار دولت عباسیان ، لباس و پرچم های سیاه بود) ابن کثیر در کتاب نهایی حاشیه ای بر این روایت زده و می گوید : " این درفش ها آنهایی نیست که

بوسیله ابو مسلم خراسانی بر افراشته و حکومت بنی امیه را برانداخت ، بلکه درفش های سیاه دیگری است که همراه مهدی (علیه السلام) خواهد آمد (۲) "

برخی روایات که از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده ، بین درفش های عباسیان که مسیر و

هدفشان دمشق بوده و پرچمهای یاران مهدی (علیه السلام) که هدفشان قدس

است ، فرق

گذاشته اند . از آن جمله روایتی است که ابن حماد از محمد بن حنفیه و سعید بن مسیب نقل کرده که گفت : پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : " درفش هایی از ناحیه مشرق به اهتزاز درآید که مربوط به بنی عباس است و تا زمانی که اراده خداوند تعلق گیرد ، باقی خواهد بود . سپس درفش های سیاه

پاورقی -----

1 ((ملاحم و فتن ابن طاووس ص ۴۳ و ۵۸ .

2 ((معجم أحادیث الإمام المهدی : ۱ / ۴۱۵ حدیث ۲۷۷ .

صفحه : ۲۲۹

کوچکی از ناحیه مشرق بیرون آید و با مردی از نسل ابو سفیان و لشکریانش مبارزه کند و مردم را به طاعت مهدی سوق دهد . " (۱)

بنی عباس در نهضتشان تلاش کردند تا روایات درفش های سیاه را به سود خود بر ضد بنی امیه معنا کنند و به مردم بقبولانند که جنبش ، حکومت و درفش های برافراشته آنان همان چیزی است که در روایات پیامبر (صلی الله علیه وآله) بشارت داده شده و

مهدی (علیه السلام) از خاندان آنهاست ، از همین رو ابو جعفر منصور عباسی پسرش را مهدی

نام گذاشت و سعی فراوان نمود تا قضات و راویان گواهی دهند که اوصاف حضرت

مهدی که از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده بر پسرش منطبق است
سرگذشت عباسیان در ادعای مهدویت و انتخاب پرچم و لباسهای سیاه در کتب تاریخ ضبط شده است این ترفند عباسیان در اوائل ، مقداری به سود آنها تمام شد ، اما این حيله گری به سرعت توسط دانشمندان ، راویان حدیث و امامان (علیهم السلام)

کشف و حقیقت ، روشن گردید . زیرا هیچیک از آنان دارای صفات حضرت مهدی (علیه السلام) نبودند و آنچه را پیامبر (صلی الله علیه وآله) وعده فرموده بود بدست آنان تحقق نیافت و

هیچکدام نتوانستند حتی در کاخ خود عدالت را برقرار سازند !

به گفته برخی روایات ، آخرین خلفای عباسی معترف بودند که مسأله ادعای مهدویت پدران آنها از ریشه و اساس جعلی و دروغ بوده است .

به نظر می رسد ادعای مهدویت در حوادث پایانی قرن اول هجری زمینه مناسبی داشته ، زیرا مسلمانان تحت سلطه بنی امیه سختی های زیادی را متحمل و عملاً مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) را لمس می کردند ، بهمین جهت نقل روایاتی از

پیامبر (صلی الله علیه وآله) مبنی بر مظلومیت اهل بیت و بشارت به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در بین

پاورقی

آنان متداول گشت . و همین موضوع زمینه مناسبی برای ادعای مهدویت عده زیادی از بنی هاشم و دیگران گردید . مانند موسی بن طلحه بن عبیدالله . ظاهراً عبدالله بن حسن مثنی از زبر دست ترین افرادی بود که برای فرزند خود محمد ادعای مهدویت نمود . او برای فرزندش از زمان تولد و طفولیت برنامه ریزی دقیق کرد و نام وی را محمد گذاشت ، چرا که می دانست حضرت مهدی (علیه السلام) هم نام

پیامبر (صلی الله علیه وآله) است و سپس او را تحت تربیت و مراقبت ویژه قرار داد و از چشم مردم

پنهان نگه داشت و با اشاعه افسانه هائی پیرامون فرزندش او را همان مهدی موعود معرفی کرد در کتاب مقاتل الطالبیین ص ۲۳۹ آمده است :

" (محمد) فرزند عبدالله بن حسن که از کودکی از دید مردم پنهان بود ، مردم را به سوی خویش فرا

می خواند و خود را به آنان مهدی معرفی می کرد " . سپس می گوید : " به زبان مردم افتاد که محمد را

مهدی صدا بزنند " (۱)

عباسیان نیز قبل از آنکه از هم پیمانان حسنی خود روی گردان شوند ، همین ادعا را ترویج می کردند . از عمیر بن فضل خثعمی روایت شده است که گفت :

" در یکی از روزها که محمد فرزند عبدالله بن حسن مثنی از منزل پدرش خارج می شد ، منصور عباسی

را دیدم که با غلام سیاه و اسبش جلو در ایستاده بود ، منصور انتظار محمد را می کشید همینکه او خارج شد
منصور برخاست و ردایش را گرفت تا سوار اسب شود ، سپس لباس او را روی زین اسب مرتب نمود تا
محمد از آنجا دور شد ، من منصور را می شناختم ولی محمد را نمی شناختم از منصور سؤال کردم : او کیست
که این همه احترامش کردی ؟ رکابش را گرفته و لباسش را مرتب نمودی ؟ گفت :
آیا او را نمی شناسی ؟ گفتم
نه . گفت این شخص محمد فرزند عبدالله بن حسن بن حسن ، مهدی ما اهل بیت است " . (۲)

----- پاورقی

1 ((مقاتل الطالبین ص ۲۴۴ .

2 ((همان کتاب ص ۲۳۹ .

صفحه : ۲۳۱

به احتمال قوی عباسیان ادعای مهدویت را ، از هم پیمانان و شرکاء حسنی آموختند تا از آن در مبارزات خود علیه بنی امیه استفاده کنند که در اینجا محل بحث آن نیست .
اما به هر حال نزد راویان و تاریخ نویسان ، شکی نیست که درفش های سیاهی که در این روایت و روایت های دیگر وعده داده شده ، پرچمهایی ست که مهیا کننده

ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) است . حتی اگر روایات پرچمهای بنی عباس را صحیح

بدانیم . چون گفتیم که روایات ، بین این دو پرچم فرق گذاشته و واقعیت امر نیز چنین است که مهدی مورد ادعای عباسیان و دیگران با ویژگی های امام زمان (عج)

تطبیق ندارد و از طرفی اشاره نمودیم که مسیر و هدف درفش های عباسیان دمشق و

مسیر پرچمداران و یاران حضرت مهدی (علیه السلام) قدس شریف خواهد بود . گرچه این روایت ، ماجرای درفش های سیاه را مختصر بیان کرده اما در عین حال رسیدن به هدف را در آن مژده داده است ، هر چند که دشواری های فراوانی در راه رسیدن آنها به قدس وجود داشته باشد .

زمان ظهور این پرچمها در این روایت ذکر نشده اما روایات دیگر می گویند : رهبری این درفش ها بعهدہ صالح بن شعیب موعود است . از محمد بن حنفیه چنین نقل شده :

" درفش های سیاهی به اهتزاز درآید که مربوط به بنی عباس است ، سپس پرچمهای دیگری از سوی

خراسان به اهتزاز درآید که حاملان آن کلاه های سیاه و لباسهای سفید بر تن دارند ، پیشاپیش آنان مردی

است بنام صالح از قبیله تمیم ، طرفداران سفیانی را شکست دهند . تا در بیت المقدس فرود آیند و پایگاه

دولت مهدی (علیه السلام) را فراهم آورند " . (۱)

صفحه : ۲۳۲

به نظر می رسد که مراد از این حرکت به طرف قدس ، حمله حضرت مهدی (علیه السلام)

برای آزادی فلسطین و قدس است ، اما احتمال دارد که منظور ، آغاز حرکت خراسانیها به سوی قدس باشد . حرکتی که قبل از ظهور صورت می پذیرد .

روایت گنجهای طالقان

پیرامون این مطلب ، حدیثی از منابع سنی ها از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده است

که فرمود :

" آفرین بر طالقان ، خداوند را در آن گنج هایی ست اما نه از جنس طلا و نقره بلکه در آن سرزمین

مردانی ست که خدا را آنطور که شایسته معرفت است شناخته اند . آنان ، یاران مهدی آخر الزمانند " (۱)

و در روایتی دیگر آمده است : " پر افتخار باد طالقان ! " (۲)

همین مطلب با لفظ دیگری در کتاب های شیعه نیز موجود است . (۳) از امام

صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمود :

" خداوند را در طالقان گنج هایی است که نه طلاست و نه نقره بلکه درفش هایی
ست که تاکنون به اهتزاز
در نیامده . در آن خطّه مردانی هستند که قلب هایشان مانند پاره های آهن ، محکم
و نستوه است و نسبت به
ذات مقدس خداوند تردیدی در آنها راه نمی یابد ، شدیدتر از آتش اند اگر بر کوه
حمله ور شوند آن را از
جای بر کنند ، آهنگ هر دیاری نمایند چون عقاب بر آن فرود آیند و آن را منهدم
سازند ، آنان وجود مبارک
امام را پروانهوار در میان گرفته و به هنگام خطر ، از وجود مقدس او با جان خود
محافظت کنند . شبها را به
نماز و مناجات سپری کنند و روزها سوارانِ کارزارند . زاهدانِ شب و شیران روزند
. آنان (در اطاعت از امام)
مطیع تر از کنیزان ، در برابر مولای خویش اند ، درخشان چون چراغهای پرنوراند .
گویا بر دل‌هایشان

پاورقی -----

- 1 ((الحاوی سیوطی : ۲ / ۸۲ و کنز العمال : ۷ / ۲۶۲ .
- 2 ((ینابیع الموده قندوزی ص ۴۴۹ .
- 3 ((بحار از کتاب " سرور اهل ایمان " نوشته علی بن عبدالحمید با سند او .

چلچراغی آویخته اند . از بیم خدا دل نگران اما شهادت طلب اند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را دارند

شعارشان ، خونخواهی سالار شهیدان حسین (علیه السلام) است ، هنگامی که به پیش می تازند رعب و وحشتی

عظیم فرسنگها جلوتر از آنان در قلبهای دشمنان جای گیرد ، گروه گروه بسوی حق بشتابند ، بواسطه این

رادمردان ، خداوند امام بر حق (مهدی (علیه السلام)) را یاری فرماید . " (۱)
قبلا تصور می کردم که منظور از طالقان در این روایت منطقه ای است در دامنه رشته کوههای البرز در صد کیلومتری شمال غرب تهران . منطقه ای که از تعدادی روستا تشکیل شده و به نام طالقان مشهور است ، و در آنجا شهری بزرگ وجود ندارد . مرحوم سید محمود طالقانی که از شخصیت‌های انقلاب ایران بود نیز اهل همین منطقه است . قابل ذکر است که در منطقه طالقان ویژگیهای زیادی از صفا ، صمیمیت ، تقوی و علاقه به قرآن و آموختن آن به دیگران از دیرباز وجود داشته است حتی عده ای از مردم شمال ایران و سایر نقاط برای انتخاب معلم قرآن به مردم منطقه طالقان مراجعه می کنند .

اما بعد از بررسی روایات طالقان ، بنظرم بهتر رسید که شاید مراد از اهل طالقان اهل ایران باشد نه منطقه جغرافیائی طالقان ، اما اینکه روایات ، ایرانیان را بنام اهالی طالقان نامیده اند ، شاید به دلیل ویژگیهای جغرافیائی و یا خصوصیات اخلاقی و دینی اهالی آن سامان باشد .

روایات مربوط به طالقان ، از مجموعه ای از یاران خاص حضرت مهدی (علیه السلام)

سخن می گویند ، ولی تعداد آنها را مشخص نمی کنند اما قطعاً جمعی از یاران آن حضرت از میان آنان خواهد بود .

روایات ، صفات برجسته ای برای این اولیاء خدا و یاران حضرت بیان نموده و

پاورقی -----

1 ((بحار : ۳۰۷ / ۵۲ .

صفحه : ۲۳۴

تأیید و گواهی والایی از امامان (علیهم السلام) در حق آنان صادر کرده از جمله اینکه آنها را

عارفان الهی و اهل بصیرت و یقین و دارای شجاعت بی نظیر در میدان نبرد معرفی کرده که شهادت در راه خدا را دوست دارند و از او می خواهند که شهادت در راهش

را نصیبشان گرداند ، آنان دوستداران واقعی ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) اند و شعارشان

خونخواهی آن بزرگوار و به ثمر رساندن هدف قیام آن حضرت است . اعتقاد آنان نسبت به حضرت مهدی (علیه السلام) عمیق و علاقه آنان به آن حضرت فوق العاده است ،

این صفات از ویژگی های شیعیان و از جمله مردم ایران است .

ظهور خراسانی و شعیب در ایران

روایات ، بیانگر آن است که این دو شخصیت از یاران حضرت مهدی (علیه السلام) بوده و

همزمان با ظهور حضرت ، از ایران ظاهر شده و در نهضت مبارک او شرکت می جویند .

اما از اعزام نیروهای ایرانی به مدینه و یا سایر شهرهای حجاز جهت یاری حضرت مهدی (علیه السلام) سخنی در روایات نیامده است . ظاهراً نیازی به اعزام این نیروها

وجود ندارد . از این رو نیروهای ایرانی که وارد عراق شده اند به اعلام دوستی و بیعت با آن حضرت اکتفا می کنند :

" درفش های سیاهی که از خراسان خروج می کنند ، در کوفه فرود آیند و چون حضرت ظهور کند

(نماینده ای) جهت بیعت نزد او بفرستند " (۱)

از طرف دیگر بعضی روایات سنی ها از حرکت ایرانیان و تراکم در جنوب ایران خبر می دهند ، که احتمالاً جهت پیشروی عمومی به سوی حجاز ، و بطرف

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۷ .

صفحه : ۲۳۵

حضرت مهدی (علیه السلام) خواهد بود :

" زمانی که سواران سفیانی به قصد کوفه خارج شوند گروهی را در پی اهل خراسان فرستند و اهالی

خراسان در جستجوی مهدی (علیه السلام) برآیند " (۱)

تجمع انبوه مردم ایران در جنوب این کشور ، در منطقه " کوه سفید " نزدیک شهر اهواز و تحت رهبری سید خراسانی است . و امام زمان (علیه السلام) بعد از آزاد سازی کشور

حجاز متوجه این منطقه شده و با یاران خراسانی و لشکریان او ملاقات می نماید و در همان جا بین این نیروها به رهبری آن حضرت و بین نیروهای سفیانی جنگ سختی درمی گیرد .

احتمال دارد که این نبرد و رویارویی با نیروی دریائی رومیانی باشد که از سفیانی حمایت می کنند . چنانکه در مبحث نهضت ظهور بیان خواهیم کرد . مؤید این مطلب آن است که نبرد بین سفیانی و یاران حضرت مهدی (علیه السلام) نبردی است

سرنوشت ساز که راهگشای حمایت های گسترده مردمی ، در یاری آن حضرت خواهد بود " در این لحظات مردم آرزوی دیدار آن حضرت را داشته و او را می جویند " (۲)

از آن زمان ، خراسانی و شعیب در زمره یاران خاص حضرت قرار می گیرند و شعیب به فرماندهی کل نیروهای حضرت منصوب و نیروهای خراسانی بخشی از هسته مرکزی لشکریان حضرت را تشکیل می دهند بطوری که حضرت برای سامان

بخشیدن به اوضاع داخلی عراق از دست مخالفان و شورشیان و سپس درگیری با

ترکان و در نهایت ، در پیشروی بزرگ ، جهت آزاد سازی قدس ، بر آنها تکیه می کند .

آنچه ملاحظه کردید خلاصه ای بود از نقش این دو شخصیت موعود ایرانی که از

پاورقی -----

1 ((ابن حماد ص ۸۶ .

2 ((ابن حماد ص ۸۶ .

صفحه : ۲۳۶

روایات قابل درک بود . اما منبع بسیاری از این روایات ، مربوط به اهل سنت و تعداد اندکی مربوط به شیعه است . این پدیده مرا بر آن داشت که در روایات مربوط به خراسانی و شعیب در منابع شیعه ، بررسی بیشتری نمایم چون بنظرم رسید که احتمال دارد ماجرای سید خراسانی از بافته های حکومت بنی عباس در خصوص ابو مسلم خراسانی باشد . اما بعد از بررسی این منابع ، روایاتی را با سندهای صحیح یافتم که از خراسانی یاد کرده اند . مانند روایت ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام)

درباره یمانی و روایات دیگری که بیانگر این نکته است که پیش از خروج ابو مسلم و

قبل از سوء استفاده عباسیان از روایت حضرت مهدی ، شخصیت خراسانی موعود نزد ائمه ما و اصحاب آنان شخصیتی معروف و مشهور بوده است .

بنابراین ، جریان خراسانی در منابع شیعه نیز ثابت و مسلم است و نقشی که

روایات شیعه ، برای او نقل کرده اند در منابع سنی ها نیز وجود دارد .
و همچنین است ماجرای شعیب بن صالح در منابع ما . گرچه روایات مربوط به
سید خراسانی ، قوی تر از روایات مربوط به شعیب است .

* *

پیرامون شخصیت خراسانی و شعیب سؤالهای زیادی مطرح است ، بارزترین
آنها عبارت است از اینکه آیا منظور از خراسانی در این روایات فرد معین و
مشخصی است یا اینکه تعبیری از رهبر ایرانی است که در زمان ظهور حضرت به
ایفای نقش خواهد پرداخت و شاید نام اصلی او ، نامی دیگر باشد ؟

روایات مربوط به خراسانی که از طریق سنی ها و همچنین از کتاب های مؤلفان
اخیر شیعه بدست ما رسیده به روشنی دلالت بر این دارد که خراسانی مردی از
ذریه امام حسن مجتبی (علیه السلام) و یا امام حسین (علیه السلام) است و
گاهی از او بعنوان هاشمی

خراسانی یاد شده و از نظر صفات جسمی دارای صورتی نورانی و خالی بر گونه

صفحه : ۲۳۷

راست یا دست راست است .

اما وقتی به روایاتی که در منابع حدیث درجه اول شیعه ، مانند کتاب " غیبت "
نعمانی و " غیبت " شیخ طوسی ، می نگریم ، می بینیم که در این روایتها تنها کلمه
" خراسانی " مطرح شده و از لفظ " هاشمی " خبری نیست . بنابراین احتمال دارد
که

کلمه خراسانی به معنی یار و حامی خراسانی و یا به معنی رهبر اهل خراسان و یا

رهبر سپاه خراسان باشد . اما از مجموعه قرائن موجود ، پیرامون شخصیت او می توان فهمید که او همزمان با خروج سفیانی و یمانی ظاهر می شود و نیروهای خود را به سوی عراق اعزام و سپاه سفیانی را شکست می دهد .

سؤال دیگر پیرامون این دو شخصیت ، این است که آیا امکان دارد نام خراسانی و شعیب ، دو نام رمز گونه و غیر واقعی باشند ؟ در پاسخ باید گفت : اما نسبت به خراسانی ، رمزی بودن اسم معنی ندارد . چون در روایات اصلا نام این شخصیت مطرح نشده است . بلکه ممکن است بگوئیم نسبت او به خراسان به این معنی نیست که حتماً اهل استان خراسان فعلی باشد ، چون در صدر اسلام ، خراسان به مشرق زمین اطلاق می شد و شامل ایران و سایر مناطق اسلامی متصل به آن بود . بنابراین خراسانی می تواند اهل هر منطقه ای از این محدوده باشد ، همچنین از منابع معتبر شیعه نمی توان فهمید که او سید حسنی و یا حسینی است ، آنگونه که در منابع سنی ها به آن تصریح شده است .

اما نسبت به شعیب بن صالح و یا صالح بن شعیب باید گفت که روایات ، ویژگیهای وی را ذکر نموده اند ، او جوانی است گندم گون و لاغر ، دارای محاسنی

کم پشت ، صاحب بصیرت و یقین ، اراده ای استوار ، جنگاوری ممتاز و شکست ناپذیر . اگر کوه ها در مقابلش بایستند آنها را درهم می کوبد و راه عبور خود را از میان

آنها باز می کند . . . البته احتمال دارد که جهت حفظ جانش ، نام او نامی مستعار

باشد تا وعده الهی محقق شود ، همچنین امکان دارد که نام او و نام پدرش مشابه شعیب و صالح و یا به معنای این دو باشد . برخی از روایات وی را اهل سمرقند می دانند اما بیشتر روایات می گوید که او اهل ری است و با قبیله بنی تمیم نسبتی دارد و یا از نژاد یکی از شاخه های بنی تمیم بنام " محروم " است و یا اینکه غلامی از بنی تمیم است ، بهر حال اگر این مطلب صحیح باشد احتمال دارد وی اهل جنوب ایران باشد زیرا در آنجا هنوز عشایری از قبیله های بنی تمیم وجود دارند یا از قبیله بنی تمیم باشد که در صدر اسلام به استان خراسان هجرت کردند و امروزه بیشتر آنان در مردم ایران هضم شده و فقط چند روستای کوچک نزدیک مشهد از آنان باقی است که با زبان عربی هم صحبت می کنند و یا اینکه رابطه خویشاوندی و نسبی با آنها داشته باشد .

سؤال دیگر ، درباره زمان ظهور آن دو شخصیت است ، در اول فصل یادآور شدیم که بنظر می رسد این دو تن ، در سال ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) و همزمان با

خروج سفیانی و یمانی خروج کنند ، البته احتمال دارد ، روایتی صحیح باشد که می گوید " فاصله بین خروج شعیب و بین سپردن زمام امور به مهدی (علیه السلام) هفتاد و دو ماه است " در این

صورت ظهور خراسانی و شعیب ، شش سال قبل از ظهور حضرت به وقوع می پیوندد .

اما فاصله بین زمینه سازان ایرانی و بین ظهور خراسانی و شعیب ، در روایات مشخص نیست . مگر اشاره و قرینه هایی که می تواند بطور سربسته و تقریبی این

فاصله را معین نماید ، از جمله آن قرینه ها ، روایاتی است که درباره شهر قم و حوادث آن به دست ما رسیده مانند موقعیت ممتاز و جهانی شهر قم نزدیک ظهور قائم (علیه السلام) که آنرا از جلد ۶۰ بحار ص ۲۱۳ نقل کردیم .
روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شد که فرمود : " اگر آن هنگام را درک می کردم ، خویشتن را برای

صفحه : ۲۳۹

صاحب این امر نگاه می داشتم " (۱) می فهماند که فاصله بین حکومت اهل مشرق و ظهور قائم (عج) از عمر معمولی یک انسان فراتر نمی رود .
روایت دیگری که مناسب این بحث است ، حدیثی است که قبلا نقل شد (۲) .
در آن روایت آمده بود :
" خداوند آن را به مردی از اهل بیت ارزانی دارد که روش او بر اساس تقوی و عمل وی هدایت گر مردم است ، در مقام قضاوت و حکم بر مردم ، اهل رشوه نیست ، بخدا سوگند من او را با نام خود و نام پدرش می شناسم . سپس آن مرد نیرومند و کوتاه اندام که خالی بر صورت و دو نشانه دیگر بر بدن دارد می آید ، او حافظ و نگاهبان امانتی است که نزد او نهاده شده و دنیا را پر از عدل و داد گرداند . "

از این روایت می توان فهمید که حکومت یاران حضرت مهدی (علیه السلام) ابتدا توسط

سیدی بزرگوار از سلاله اهل بیت (علیهم السلام) پایه گذاری می گردد و پس از او و قبل از ظهور

یک یا چند نفر دیگر قدرت را بدست می گیرند . همانطور که قبلا گفتیم این روایت

دارای نواقصی است اما سید خراسانی ، آخرین شخصی است که پیش از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) بر ایران حکومت خواهد کرد والله العالم .

آخرین سؤالی که پیرامون سید خراسانی مطرح است این است که آیا او دارای مقام مرجعیت تقلید مردم است و یا رهبری سیاسی در کنار یک مرجع است مانند رئیس جمهور ، مثلا ؟

آنچه از روایات بدست می آید ، این است که او رهبری حکومت مشرق زمین را بعهدہ دارد ، اما این احتمال هست که وی به فرمان یک مرجع و رهبر بزرگ ، بعنوان

رهبر سیاسی زمام امور را بدست گیرد . والله العالم .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۴۳ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۶۹ .

آغاز نهضت ظهور مقدس

روایات ، می گویند که نهضت مقدس حضرت مهدی (ارواحنا فداه) در مدت چهارده ماه کامل می گردد ، در شش ماه اول ، امام (علیه السلام) در اضطراب و نگرانی بسر

می برند و حوادث را بصورت مخفیانه ، توسط یاران خود رهبری می کنند و در هشت ماه بعدی در مکه ظهور و از آنجا رهسپار مدینه و آنگاه راهی عراق شده و سرانجام وارد قدس می گردند او با دشمنان خود به نبرد می پردازد ، جهان اسلام را بطور یکپارچه تحت فرمان و اطاعت خود در می آورد ، آنگاه با رومیان (غریبها) پیمان آتش بس می بندد ، توضیح این حوادث در صفحات بعد خواهد آمد .
بر اساس روایات حدود شش ماه پیش از نهضت ظهور دو حادثه بزرگ رخ می دهد که به منزله نشانه ای الهی است تا آن حضرت خود را برای ظهور آماده سازد .

حادثه اول : وقوع کودتایی است در سرزمین شام که به رهبری عثمان سفیانی انجام می گیرد .

دشمنان امت اسلامی از جمله یهودیان و غربی ها ، آن را گام مؤثری در یکپارچه نمودن منطقه اطراف فلسطین ، بدست یکی از دست نشانده های خود بشمار می آورند که بتواند با قدرت ، از عملیات نظامی علیه آنها جلوگیری کند . و در برابر

تهدیدات جهان عرب و ایران علیه اشغالگران قدس بایستد .

در این هنگام کسانی که با روایات سفیانی آشنایی دارند و می دانند که ماجرای سفیانی ، توسط پیامبر (صلی الله علیه وآله) وعده داده شده ، می گویند : خدا و پیامبرش (درباره

ظهور سفیانی) راست فرمودند ، و این آیه را تلاوت می کنند " سبحان ربنا ان كان وعد ربنا

لمفعولا " یعنی : منزّه است پروردگار ما و البته وعده پروردگار حتمی و عملی است .

این گروه ظهور سفیانی را مقدمه ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) می دانند و خود را برای یاری حضرت آماده می کنند .

حادثه دوم : ندائی است آسمانی خطاب به مردم جهان که همه مردم عالم آنرا می شنوند . صدائی قوی و نافذ که از آسمان و از هر سمت به گوش می رسد و هر کس به زبان خود آنرا می شنود . صدائی که خفته را بیدار و نشسته را برپا می دارد ، مردم از این صیحه آسمانی هراسان گشته و از خانه هایشان بیرون می آیند تا ببینند چه خبر است ! آن ندای آسمانی مردم را به خودداری از ظلم ، کفر ، جنگ و خونریزی دعوت و به پیروی از امام زمان (علیه السلام) فرا می خواند ، حضرت را با نام خود و

نام پدرش معرفی می کند !

بر اساس این روایات تمام انسانها در برابر این نشانه الهی ، سر تسلیم فرود

می آورند ، زیرا این نشانه الهی تفسیر آن گفته خداوند است که در قرآن می فرماید :

" اگر بخواهیم از آسمان معجزه ای بر آنها فرو فرستیم که در برابر آن سر تسلیم فرود آورند . " (۱)

پس از این حادثه آسمانی ، مردم عالم مصرانه و در همه گوشه و کنار جهان در پی پاسخ به یک سؤال برمی آیند : مهدی کیست ؟ و کجاست ؟
اما پس از آنکه متوجه می شوند او پیشوای مسلمانان و از خاندان پاک پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) است و بزودی از سرزمین حجاز ظهور خواهد کرد ، به ایجاد شک و تردید ،

پاورقی -----

1 () شعراء - ۴ .

صفحه : ۲۴۳

پیرامون ندای معجزه آسای آسمانی می پردازند و توطئه های خود را جهت ضربه زدن به موج جدید اسلامی برنامه ریزی می کنند و در پی قتل آن پیشوای بزرگ الهی برمی آیند ، اما ایمان آورندگان به غیب که روایات مربوط به این ندای آسمانی را شنیده اند آگاهند که این ندا ، همان ندای حق موعود است و آنان سر بر سجده شکر

می نهند و بر خشوع دلهایشان در پیشگاه خداوند افزوده می شود . و همواره از آن حضرت سخن می گویند و خود را جهت یاری وی مهیا می کنند .

اصل روایات مربوط به این ندای آسمانی که مردم را به پیروی از امام مهدی (علیه السلام)

دعوت نموده و او را با نام خود و پدر بزرگوارش یاد می کند ، در منابع شیعه و سنی ،

فراوان است ، و بعید نیست که به حد تواتر معنوی (۱) برسد . (۲)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" منادی از آسمان نام صاحب این امر را ، بانگ زند که فرمانروائی از آن فلانی فرزند فلان است پس

کشتار برای چیست ؟ " (۳)

و نیز آن حضرت فرمود :

" دو صیحه رخ دهد ، یکی در آغاز شب و دیگری در پایان شب دوم ، هشام بن سالم گوید پرسیدم :

آن ندا چگونه است ؟ فرمود : صیحه ای از آسمان است و صیحه دیگر از سوی

ابلیس ، پرسیدم : چگونه این

یکی از دیگری باز شناخته شود ؟ فرمود : کسی که این خبر را قبلا از ما شنیده ،

پیش از پیدایش صیحه دوم

از آن با خبر است " (۴)

پاورقی -----

1 () تواتر معنوی یعنی راویان زیادی یک مطلب را با تفاوت الفاظ نقل می کنند

بطوری که برای

انسان ، اطمینان حاصل می شود که این موضوع را معصوم (علیه السلام) بیان کرده است . مترجم

2 () ابن حماد این روایات را در نسخه خطی خود ، در صفحات ۵۹ و ۶۰ و ۹۲ و ۹۳ و مجلسی در

بحار : ۵۲ / ۱۱۹ و ۲۸۷ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۳ و ۲۹۶ و ۳۰۰ و در بخش های دیگر مطرح کرده اند .

3 () بحار : ۵۲ / ۳۹۶ .

4 () بحار : ۵۲ / ۲۹۵ .

صفحه : ۲۴۴

محمد بن مسلم نقل می کند که فرمود :

" منادی از آسمان نام قائم را ندا کند بگونه ای که هر کس در شرق و غرب جهان باشد آن را بشنود ، در

اثر آن ندا ، خفته بیدار و ایستاده بنشیند و نشسته بپای خیزد ، و آن صدای روح الامین جبرئیل است " (۱)

از عبدالله بن سنان نقل شده است که گفت :

" خدمت امام صادق (علیه السلام) بودم ، شنیدم مردی اهل همدان به امام می گوید : که عامه (سنی ها) ما را

نکوهش می کنند و می گویند : شما عقیده دارید که منادی از آسمان به اسم صاحب این امر ندا خواهد کرد ؟ !

حضرت در حالی که تکیه داده بود خشمناک شد و نشست ، آنگاه فرمود : این مطلب را از من روایت نکن ،

بلکه از پدرم نقل کن . و از این بابت بر شما ایرادی نیست ، شهادت می دهم که پدرم فرمود : سوگند بخدا

این مطلب در کتاب خدا نیز آشکار آمده است آنجا که می فرماید : اگر بخواهیم معجزه ای از آسمان بر آنها

فرو فرستیم که در برابر آن سر تسلیم فرود آورند . (۲)
سیف بن عمیره گوید :

" نزد ابو جعفر منصور (۳) بودم که بدون مقدمه گفت : ای سیف بن عمیره ، بدانکه بی تردید ، ندای

آسمانی نام مردی از خاندان ابو طالب را می خواند ، با تعجب گفتم : فدایت شوم ، ای امیر مؤمنان ، آیا این

مطلب را بعنوان روایت نقل می کنید ؟ گفت : آری ، سوگند به کسی که جانم در اختیار اوست ، این روایت را با

گوش خود شنیدم ، گفتم ای امیر مؤمنان تاکنون این روایت را نشنیده ام . گفت :
ای سیف ! این سخن حقی

است آنگاه که چنین ندائی برآید ، ما نخستین اجابت کننده آن خواهیم بود ! مگر نه این است که آن ندا مردم

را به سوی مردی از عموزادگان ما فرا می خواند ، گفتم : آیا مردی از فرزندان فاطمه (علیها السلام) ؟ گفت : آری . اگر

این سخن را از ابو جعفر محمد بن علی (امام باقر (علیه السلام)) نشنیده بودم و تمام اهل زمین آنرا نقل می کردند هرگز نمی پذیرفتم ولی او محمد بن علی است " (۴)

پاورقی -----

- 1 ((بحار : ۲۹۰ / ۵۲ .
- 2 ((بحار : ۲۹۲ / ۵۲ .
- 3 ((یعنی منصور دوانقی ، خلیفه عباسی . مترجم
- 4 ((ارشاد مفید ص ۴۰۴ .

صفحه : ۲۴۵

و از سعید بن مسیب چنین نقل شده است :

" فتنه ای بوجود آید که در آغاز همچون بازیچه کودکان است بگونه ای که هرگاه از گوشه ای آرام گیرد از جانب دیگر سر بر آورد تا آنگاه که منادی از آسمان ندا کند : آگاه باشید فرمانروای شما فلانی است . ابن مسیب (از شدت هیجان) دستهای خود را بهم پیچید به شکلی که گویا دستانش می لرزید ، آنگاه سه بار گفت :

اوست فرمانروای برحق . " (۱)

در همین مأخذ آمده است :

" چون ندا کننده ای از آسمان ندا دهد که حق با آل محمد است ، در آن هنگام نام مهدی بر سر زبانها

جاری شود و محبت او در دلها قرار گیرد و مردم اندیشه ای جز او نداشته باشند " .
و نیز آمده است :

" سعید به نقل از جابر و او از امام باقر برای ما نقل کرده که حضرت فرمود : ندا کننده ای از آسمان ندا کند : آگاه باشید که حق با اهل بیت محمد است و ندایی دیگر از زمین بانگ برآورد که

بدانید حق در خاندان عیسی و یا در خاندان عباس است ، تردید از من است . و همانا ندای زمینی از

شیطان است تا مردم را به اشتباه اندازد . (شک کننده ابو عبدالله نعیم است) " .
و در ص ۶۰ از ابن مسعود از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت کرده که فرمود :
" چون ندای آسمانی در ماه رمضان شنیده شود به دنبال آن در شوال هیاهوی شدیدی رخ دهد و در ذی

قعدة قبیله ها جدا شوند و در ذی حجه خونریزی اتفاق افتد ، آنگاه سه بار فرمود :
اما محرم چه محرمی

خواهد شد ، هیهات ، هیهات ، در این ماه ، مردم بر اثر آشوب ها کشته شوند ،
سؤال کردیم ای رسول خدا

صیحه آسمانی چیست ؟ فرمود : این صیحه در نیمه ماه رمضان و شب جمعه اتفاق
افتد . صدایی است که

شخص خوابیده را بیدار و ایستاده را بر زمین بنشانند و زنان نجیب و پوشیده را از
پرده ها بیرون آورد . . . در

شب جمعه . و در سالی که زلزله ها فراوان شود ، چون نماز صبح جمعه را بجای آوردید به خانه های خود روید

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۹۲ .

صفحه : ۲۴۶

و در و پنجره ها را ببندید و خود را بپوشانید و گوشه‌هایتان را بگیرید وقتی آن صبحه را شنیدید سر به سجده

بگذارید و بگوئید : سبحان القدوس ، سبحان القدوس ، سبحان القدوس هر کس

چنین کند نجات یابد و هر

کس چنین نکند هلاک شود " .

روایات دیگری نیز در این باره از منابع شیعه و سنی به دست ما رسیده است .

اما آن ندای زمینی مخالف ، که روایات از آن سخن می گویند ممکن است واقعاً

صدای ابلیس باشد . همچنانکه ابلیس در جنگ اُحُد فریاد برآورد : که " محمد (

صلی الله علیه وآله)

کشته شد " و ممکن است فریاد ابلیس بوسیله دستیاران و حامیان او ، یعنی شیاطین

تبلیغاتی جهان باشد ، که برای رویارویی با موج جهانی اسلام که ندای آسمانی

ایجاد کرده ، به مقابله برخیزند .

اما نبردی که ندای آسمانی ، دعوت به توقف آن می کند ، بعید نیست همان

جنگ جهانی باشد که قبلاً درباره آن سخن گفته شد و گفتیم که ممکن است آن

جنگ جهانی به شکل جنگ های متعدد در نقاط مختلف عالم روی دهد .
همچنانکه در روایات آمده در سال ظهور جنگها فراوان خواهد شد .
باید توجه داشت که بین روایاتی که بیانگر زمان وقوع ندای آسمانی است ،
تفاوتی وجود دارد ، چون برخی آنرا در ماه رمضان و بعضی دیگر آنرا در ماه
رجب (۱) و دسته ای آنرا در موسم حج (۲) و یا در ماه محرم بعد از کشته
شدنِ نفس

زکیّه ذکر می کنند (۳) . از بعضی روایات استفاده می شود که ندای آسمانی ،
نداها

متعددی است حتی بخشی از روایات بر این امر صراحت دارند . یکی از دانشمندان
,

پاورقی -----

- 1 ((بحار : ۵۲ / ۷۸۹ .
- 2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۲ .
- 3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۳ .

صفحه : ۲۴۷

به هشت مورد از نداهای وارد شده در منابع شیعه دست یافته است و در منابع
سنی ها نیز نزدیک به همین رقم دیده می شود ، اما بنظر می رسد که تنها یک ندای
آسمانی ، آن هم در ماه رمضان شنیده می شود و تصور نداهای مختلف ناشی از
اختلاف روایات ، در تعیین زمان آن است . والله العالم .

* *

پس از این دو نشانه ، یعنی ، خروج سفیانی در ماه رجب و ندای آسمانی در ماه رمضان ، تا ظهور حضرت در ماه محرم ، نزدیک شش ماه باقی است . منابع روایی سنی ها شماری از اقدامات امام (علیه السلام) را در این فاصله بیان کرده اند . از جمله ، ارتباط

آن حضرت با یاران خود در مدینه منوره و مکه مکرمه و دیدار وی با کسانی که از اطراف جهان با شوق و اضطراب جهت بیعت با او ، در جستجوی حضرتند . از آن جمله هفت تن از دانشمندان کشورهای مختلف که بدون قرار قبلی ، امام را در مکه ملاقات می کنند در حالی که هر کدام در شهر خود از سیصد و سیزده نفر از افراد متدین و مخلص بیعت گرفته اند ، آنها از طرف پیروانشان ، با آن بزرگوار بیعت می نمایند ، و امید دارند که با پذیرش بیعتشان از طرف امام ، جزو ۳۱۳ یاور حضرت محسوب گردند که پیامبر خدا از آن خبر داده است .

روایت های شیعه ، این شش ماه را مرحله ظهور غیر علنی بعد از غیبت کبری ، قلمداد می کنند و آنرا منطبق با این کلام امیر مؤمنان (علیه السلام) می دانند که فرمود : " ظاهر

شدن او ابهام آمیز است تا آنکه نام و یادش همه جا را فرا گیرد ، و امرش آشکار گردد " (۱) یعنی ظهور

حضرت به تدریج آغاز می گردد و سپس موضوع برای مردم آشکار می گردد و احتمال دارد ظهور تدریجی حضرت ، بدان جهت باشد که امر ظهور و پذیرش مردم

پاورقی -----

به آزمایش گذاشته شود ، و زمینه ای برای ظهور علنی حضرت گردد .
در این باره ، علاوه بر خیر قبل ، روایات دیگری نیز وجود دارد که برخی از نظر
سند ، صحیح شمرده می شوند و گویاتر از همه نامه حضرت مهدی (علیه السلام)
به نماینده

خود ، علی بن محمد سَمُرِی (رضوان الله علیه) است که فرمود :
" در آینده از پیروان من کسانی ادعای مشاهده مرا می کنند ، آگاه باشید که هر
کس پیش از خروج

سفیانی و صیحه آسمانی ، ادعای دیدن مرا بکند ، افترا بسته و دروغگوست ولا
حول ولا قوة إلا بالله العلی
العظیم " (۱) .

ظاهراً منظور از ادعای مشاهده امام (علیه السلام) قبل از وقوع این دو حادثه ،
ادعای

نمایندگی صاحب الامر (علیه السلام) است نه صرف شرفیابی به حضور ایشان ،
بدون ادعای

نمایندگی و یا بدون سخن گفتن درباره آن . زیرا فراوان نقل شده که عده ای از
علماء

و اولیاء مورد اعتماد و شایسته به توفیق دیدار با امام (علیه السلام) دست یافته اند
و شاید

همین موضوع دلیل بکارگیری عبارت نفی مشاهده در کلام امام باشد نه نفی
رؤیت .

این نوشته امام (علیه السلام) می فهماند که غیبت کبری با خروج سفیانی و صیحه آسمانی

پایان می پذیرد و بعد از آن دوره ای شبیه به دوره غیبت صغری و مقدمه ظهور خواهد بود . حضرت در این مدت با یاران خود تماس می گیرد و شماری از آنان به محضر امام (علیه السلام) شرفیاب می شوند و حضرت نمایندگانی را بعنوان رابط خود و

مؤمنین منصوب می نماید .

از روایات بعدی اینگونه به دست می آید که امام (علیه السلام) پس از خروج سفیانی ،

ظاهر می شود سپس دوباره تا هنگام ظهور موعود خود در ماه محرم ، پنهان می گردد ،

در روایت حدلم بن بشیر از امام زین العابدین (علیه السلام) چنین آمده است :

-----پاورقی

1 ((بحار : ۵۱ / ۳۶۱ .

صفحه : ۲۴۹

" وقتی سفیانی خروج کند ، حضرت مهدی (علیه السلام) نهان گردد و سپس

دوباره ظاهر شود " (۱)

این روایت ، تفسیری ندارد جز آنکه امام (علیه السلام) بعد از خروج سفیانی ، در

رجب

ظاهر ، و آنگاه تا لحظه ظهور خویش در محرم نهران گردد ، و روایت مشخص نمی کند که آیا این ظهور پیش از ندای آسمانی ، در ماه رمضان است و یا بعد از آن ؟

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" قائم قیام نکند مگر پس از آنکه دوازده نفر ، اتفاق بر یک سخن کنند و گویند او را دیده اند اما آنها را تکذیب کنند " (۲)

بنظر می رسد که آنان مردانی راستگو باشند ، چون امام (علیه السلام) اتفاق نظر آنها را از

دیدار حضرت مهدی (علیه السلام) بیان می کند و از تکذیب مردم نسبت به آنها تعجب می کند

و ظاهراً ملاقات آنها با حضرت ، در همان دوره ای صورت می گیرد که امام (علیه السلام)

ظهوری نامحسوس و نه چندان آشکار دارد تا تدریجاً مسأله ظهور ، علنی گردد و سرانجام نام و یادش بالا گرفته و ظهور موعود عملی شود .

بنابراین ، حضرت در این دوره حساس نقش تقریباً کامل رهبری خود را ایفا نموده و با رهنمودهای خویش حکومت های زمینه ساز یمنی و ایرانی را رهبری می نماید و در تمام سرزمین های اسلامی ، با یاران خود که اولیاء خدایند ، ارتباط برقرار می کند .

و اینک برای آنکه بتوان اقدامات امام (علیه السلام) در دوره ظهور کوتاه را به تصویر کشید ،

نگاهی گذرا بر اعمال حضرت در دوره غیبت ، می اندازیم . پاره ای از روایات آورده اند که امام (علیه السلام) در این دوره در مدینه منوره مسکن می گزیند و با سی نفر در

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۳ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۴۴ .

صفحه : ۲۵۰

ارتباط است . از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت شده است :
" صاحب این امر را غیبتی است و در آن غیبت ، عزلتی ، بهترین منزلگاه وی مدینه است و با وجود سی

نفر اضطراب و وحشتی نخواهد بود " . (۱)

همچنین بخش دیگری از روایات ، دلالت دارند که آن حضرت در کنار خضر (علیه السلام)

بسر می برد ، در این زمینه امام رضا (علیه السلام) می فرماید :

" خضر (علیه السلام) از آب حیات نوشید و از این رو زنده است و نمی میرد تا در صور اسرافیل دمیده شود ، البته

او نزد ما می آید و به ما سلام می دهد ، ما صدای او را می شنویم ولی شخص او را نمی بینیم هر جا که نام او

برده شود باید بر او درود فرستاد ، او در موسم حج حاضر و تمام مناسک آن را بجا می آورد . در عرفات

وقوف می کند و دعای مؤمنان را آمین می گوید و خداوند نگرانی قائم ما را بوسیله او به انس و الفت ، و تنهائی

وی را در کنار او به پیوستگی بدل می سازد . " (۲)

از روایت قبلی و سایر روایات چنین بنظر می رسد که آن سی تن یاران مهدی (علیه السلام)

پیوسته عوض می شوند یعنی هر گاه یکی از ایشان از دنیا برود ، فرد دیگری جانشین وی می گردد ، و شاید منظور از ابدال (شایستگان) که در دعای نیمه ماه رجب از

امام صادق (علیه السلام) وارد شده ، همانها باشند ، آنجا که بعد از درود بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خاندانش می فرماید :

" خداوندا بر مؤمنان شایسته (ابدال) و بزرگان و روزه داران و عبادت کنندگان و مخلصان و زاهدان و

تلاشگران و مجاهدانِ راهت درود فرست " (۳)

به احتمال قوی این سی تن و یا بیشتر ، که از اولیاء خدایند ، در اقداماتی که

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۱۵۷ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۱۵۲ .

3 ((مفتاح الجنّات : ۳ / ۵۰ .

حضرت در غیبت خود انجام می دهد ، نقش دارند ، روایات متعدد ، نشانگر آن است که امام (علیه السلام) در زمان غیبت فعالیت‌های گسترده ای دارد ، او وارد خانه ها و کاخ ها می شود . در کوچه و بازار قدم می زند و هر سال در مراسم حج حاضر می گردد . راز غیبت آن حضرت ، کشف نمی شود مگر پس از ظهور ، همانگونه که راز اقدامات خضر (علیه السلام) در زمان همسفر شدن موسی با او کشف نشد مگر بعد از آنکه خودش موسی (علیه السلام) را از آن آگاه ساخت .

عبدالله به فضل می گوید : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود :

" برای صاحب این امر ، غیبتی است که اهل باطل در آن به تردید افتند ، پرسیدم : فدایت گردم چرا ؟

فرمود : بخاطر چیزی که ما مجاز به کشف آن برای شما نیستیم ، پرسیدم : راز غیبت امام (علیه السلام) چیست ؟

فرمود : در غیبت امام حکمتی ست همچون حکمت غیبت حجت های گذشته الهی ، و این راز و حکمت آشکار

نشود مگر پس از ظهور حضرت ، چنانکه راز اقدامات خضر (علیه السلام) یعنی شکستن کشتی ، کشتن نوجوان و

ساختن دیوار ، برای موسی (علیه السلام) روشن نشد مگر زمان جدا شدن آن دو
از یکدیگر . ای پسر فضل این
ماجرا یکی از دستورات الهی و سری از اسرار خدا و غیبی از غیب های اوست . . .
پس اگر خداوند را حکیم
دانستیم ، باید تمام افعال او را حکیمانه بدانیم گرچه راز آن بر ما روشن نباشد " (۱)
(

از محمد بن عثمان عُمَری رضوان الله علیه منقول است که گفت :
" سوگند به خدا ، صاحب این امر هر سال در موسم حج حضور می یابد و مردم را
می بیند و آنها را

می شناسد . مردم او را می بینند ، اما نمی شناسند " (۲)
و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :
" برای مردم چه جای انکار است که خداوند متعال در مورد حجّت خود ، همان
کاری کند که درباره

پاورقی -----

1 ((بحار : ۹۱ / ۵۲ .

2 ((کافی : ۳۳۷ / ۱ .

صفحه : ۲۵۲

یوسف (علیه السلام) انجام داد ؟ ! یعنی در بازارهایشان راه برود ، روی فرش
هایشان قدم بگذارد و در عین حال او را

نشاسند تا آنکه خداوند اجازه دهد که خود را معرفی نماید آن چنان که به یوسف (علیه السلام) اجازه داد ، آن زمان که

یوسف به برادرانش گفت : آیا می دانید چه بر سر یوسف و برادرش آوردید در حالیکه شما ناآگاه بودید ،

برادران گفتند : تو حتماً یوسف هستی ؟ ! گفت : آری من یوسفم و این هم برادر من است . " (۱)

بر اساس این روایات ، حالت ناشناخته ماندن امام (علیه السلام) در زمان غیبت ، همچون

حالت حضرت یوسف (علیه السلام) و نوع رفتار او در این مدت همانند رفتار حضرت

خضر (علیه السلام) است که قرآن ، بخشی از شگفتیهای آن را برای ما روشن ساخته است .

حتی از این روایات چنین استفاده می شود که آن دو بزرگوار (حضرت خضر و حضرت مهدی (علیهما السلام)) با هم زندگی و با یکدیگر همکاری دارند . و چه بسا بسیاری از اقدامات آن حضرت ، بدست یاران شایسته او و شاگردانش انجام پذیرد . کسانی که از قدرت طی الأرض برخوردارند و زمین و مسافت های آن برایشان کوتاه می شود و خداوند آنان را به خاطر ایمانشان با آموزشهای حضرت مهدی (علیه السلام) رهنمون می سازد ، آری روایات و داستانهای معتبر فراوانی از قبیل راه

رفتن روی آب و طی الارض و امثال آن ، حتی درباره کسانی که از اولیاء و بندگان شایسته خداوند بوده و مقامی کمتر از یاران خاص آن حضرت را دارا بوده اند ، نقل

شده است .

خدای سبحان همواره کارها و حوادث بزرگ و کوچک این جهان را با اسباب آن به جریان می اندازد اما او حاکم بر این اسباب است و بدست هر یک از فرشتگان یا بندگانش که اراده فرماید ، می تواند هرگونه تصرفی در این امور بنماید . بسیاری از پدیده ها که در نظر ما طبیعی جلوه می کند ، اگر بتوانیم حقیقت آنرا ببینیم متوجه

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۱ / ۱۴۲ .

صفحه : ۲۵۳

خواهیم شد که دست غیب الهی در آن نقش دارد . مثلا در ماجرای سوراخ کردن کشتی توسط حضرت خضر ، وقتی مأمورین فرمانروای ستمگر ، به قصد مصادره ، جلوی کشتی را گرفتند ، چون آن را معیوب دیدند ، به حال خود رها ساختند اما متوجه نشدند که در آن ماجرا دست غیبی دخالت داشته است ، همچنین در ماجرای دیگری که خضر (علیه السلام) اقدام به کشتن فرزند آن پدر و مادری کرد که عمر خود

را با ایمان به خدا سپری کرده و به تکالیف الهی خویش عمل نمودند ، اما نمی دانستند که اگر پسرشان زنده بماند ، آن دو را به کفر و طغیان می کشاند و یا ماجرای بازسازی دیوار خانه دو کودک یتیم توسط حضرت خضر ، دیواری که زیر آن گنجی نهان بود و زمانی که آن دو کودک بزرگ شدند ، گنج خود را از زیر دیوار

استخراج کردند .

وقتی این سه حادثه در مدت کوتاه همراهی موسی (علیه السلام) ، از خضر (علیه

السلام) سر زده و

خداوند در کتاب خود آنرا برای ما روشن ساخته ، ما باید بسیاری از اعمال و رفتار

مشابه را در روزگار پر بار و عمر طولانی خضر در ذهن خود ترسیم نمائیم . از

پیامبر

خدا (صلی الله علیه وآله) نقل شده که فرمود :

" خداوند برادرم موسی (علیه السلام) را رحمت کند که در برخورد با خضر

عجله کرد . زیرا اگر صبر پیشه می کرد

شگفتیهایی را از او مشاهده می نمود که هرگز ندیده بود . " (۱)

بنابراین ما می توانیم کارهای حضرت مهدی (علیه السلام) را در دوره غیبت

تصور کنیم در

حالی که امام مهدی (علیه السلام) بنا به نقل همه مسلمانان مقامش از حضرت

خضر (علیه السلام) برتر و

بالا تر است ، زیرا بر حسب روایت ، او یکی از هفت نفری است که سالار اهل

بهشت

و از برگزیدگان اولین و آخرین بشمار می رود ، از پیامبر عظیم الشان نقل شده

است

----- پاورقی

که فرمود :

" ما هفت تن از فرزندان عبدالمطلب ، سروران اهل بهشتیم : من ، حمزه ، علی ،

جعفر ، حسن ، حسین

و مهدی " (۱)

حال ، خدا آگاه است که حضرت مهدی (علیه السلام) و وزیر او خضر و یاران

شایسته وی و

شاگردان آنها که اولیاء خدایند در سراسر جهان و در حوادث بزرگ و کوچک آن ،
چه نقشی ایفا می کنند . و طبیعی است که راز غیبت ، و رمز کارهای آنان تا هنگام
ظهور آشکار نشود . و عملکرد آنان در حوادث روزگار ما و روزگاران گذشته در

پس

پرده غیب باقی بماند ، حتی امکان دارد هر یک از ما در زندگی خود مرهون توجه و

یا اقدامات آنان باشیم چه رسد به نقش آن بزرگواران در حرکت تاریخ و حوادث

بزرگ عالم .

باید توجه داشت که این عقیده به غیب الهی و عمل امام مهدی (علیه السلام) و

خضر (علیه السلام) و

مؤمنان برجسته و شایسته ، با عقاید و نظریات اهل تصوف در مورد قطب و افراد
پرهیزکار ، تفاوت دارد . گرچه در برخی جهات به آن شباهت داشته باشد ، هر چند
بعضی از صوفیه سعی می کنند این گونه صفات را بر حضرت مهدی (علیه السلام)

و یارانش

منطبق نمایند ، در گفته کفعمی در حاشیه مصباح و همچنین در سفینه البحار ماده

(قَطَب) آمده است که :

" گفته اند : زمین از قطب و چهار نفر اوتاد (بزرگان) و چهل مرد شایسته و هفتاد

فرد نجیب و سیصد و شصت فرد صالح ، خالی نمی ماند و قطب ، همان مهدی (علیه السلام)

است و اوتاد (بزرگان) از چهار نفر کمتر نیست ، زیرا دنیا همچون خیمه و مهدی به

منزله ستون است و آن چهار تن مثل طناب های آن خیمه اند و گاهی اوتاد بیش از

پاورقی -----

1 ((بحار : ۶۵ / ۵۱ و صواعق المحرقة ص ۱۵۸ .

صفحه : ۲۵۵

چهار نفر و مردان شایسته بیش از چهل و افراد نجیب فزون از هفتاد و صالحان ، بیش از سیصد و شصت تن می باشند و ظاهراً خضر و الیاس نیز از اوتاد و پیوسته ملازم حریم قطب می باشند .

اما صفات اوتاد (بزرگان) آن است که یک لحظه از خدا غفلت نمی ورزند و از مال دنیا مگر به اندازه لازم و ضروری جمع نمی کنند و لغزشهای بشری از آنها سر نمی زند ، عصمت در آنها شرط نیست اما در قطب شرط است .

اما ابدال (شایستگان) مرتبه ایشان پائین تر از اوتاد (بزرگان) است و گاهی از آنها غفلت سر می زند و با ذکر و یاد خدا آن را جبران می کنند و عمداً از آنها گناهی

صادر نمی شود .

اما صالحان ، مردان با تقوا و موصوف به عدالت اند ، از آنان گناه سر می زند ولی با استغفار و پشیمانی آنرا تلافی می کنند ، خداوند می فرماید :

" کسانی که تقوا پیشه کرده اند هرگاه از شیطان ، وسوسه و خیالی به آنها برسد ، همان لحظه خدا را به

یاد آورند و بینائی و بصیرت پیدا کنند " .

آنگاه کفعمی می گوید هرگاه یکی از آنها ، مرتبه ای از مراتب یاد شده را از دست بدهد ، فرد دیگری از مرتبه پائین تر جانشین وی گردد و اگر فردی از صالحان کم شود ، شخصی از سایر مردم جایگزین او گردد " .

آنچه کفعمی درباره عمر طولانی ایلیاس پیامبر (علیه السلام) بیان کرده ، مطابق نظر عده ای

از مفسران است که در تفسیر آیاتی راجع به ایلیاس اظهار کرده اند و بر اساس تعدادی

از روایات که از اهل بیت (علیهم السلام) رسیده ، آن حضرت زنده است و خداوند عمر او را

همچون خضر طولانی نموده و آن دو بزرگوار هر سال در سرزمین عرفات و برخی اماکن دیگر حضور می یابند .

* *

صفحه : ۲۵۶

به هر حال ، آنچه از روایات برمی آید این است که دوره شش ماهه ، یعنی فاصله

زمانی خروج سفیانی و ندای آسمانی تا ظهور حضرت در محرم ، سرشار از تلاش و فعالیت امام (علیه السلام) و یاران اوست و کرامات و معجزاتی از یاران و پیوستگان به حضرت

دیده می شود و این رویداد جهانی ذهن مردم و دولتها را بطور یکسان به خود مشغول می کند . ملت‌های مسلمان در همه جا از مهدی (علیه السلام) و کرامات او و نزدیک

شدن زمان ظهورش سخن می گویند . از سوی دیگر ، این اشتیاق عمومی زمینه مناسبی برای دروغ‌گویان و شیادان مدعی مهدویت فراهم می کند تا در جهت گمراه ساختن مردم تلاش کنند . در روایات آمده است که دوازده پرچم ، قبل از ظهور

حضرت برافراشته شود که ادعای مهدویت کنند و دوازده تن از خاندان ابو طالب درفشی را برافرازند و مردم را به سوی خود دعوت کنند که تمام آنها درفش های گمراهی و تلاشهای دنیوی است که برای بهره گیری از موج گرایش جهانی به ظهور

آن حضرت صورت می گیرد .

مفضل بن عمرو جعفی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که فرمود :
" از بردن نام آن حضرت بر حذر باشید ، بخدا سوگند امام شما سالیانی از دیدگانتان پنهان خواهد شد ،

آنقدر که امتحان شوید تا گفته شود آن حضرت مرده و یا هلاک گردیده و یا معلوم نیست کجا رفته است ،

دیدگان مؤمنان در فراق او اشکبار شود و جماعتی از شما همچون کشتی طوفان
زده دربارہ او بہ تردید و
اختلاف دچار شوید و کسی نجات نیابد مگر آنکہ خداوند از او عہد و پیمان گرفتہ
و ایمان را در دل او
جایگزین کردہ و با روح خود او را تأیید نمودہ باشد ، آری دوازده درفش تردید
برانگیز بہ اهتزاز درآید کہ
هیچیک از دیگری بازشناختہ نشود . مفضل گوید : من در این لحظہ گریستم ،
امام فرمود : چرا گریہ می کنی ؟
عرض کردم چگونہ گریہ نکنم در حالی کہ می گوئید دوازده پرچم برافراشتہ شود
کہ هیچکدام از دیگری
شناختہ نشود . پس تکلیف ما در آن زمان چیست ؟ آنگاہ امام (علیہ السلام) بہ
خورشید کہ داخل ایوان می تابید
نگریست و فرمود : ای مفضل این خورشید را می بینی ؟ گفتم آری فرمود : سوگند
بہ خدا موضوع ولایت ما از

صفحه : ۲۵۷

این خورشید واضح تر است " (۱)

یعنی از اینکہ قضیہ حضرت با مدعیان دروغین مہدویت اشتباہ شود ، نگران
نباشید زیرا ماجرای آن حضرت با توجہ بہ نشانہ ہا و علاماتی کہ پیش و بعد از او
پدیدار می شود ، از خورشید واضح تر است ، بعلاوہ شخصیت او ہرگز قابل
مقایسہ

با مدعیان دروغین مهدویت نمی تواند باشد .

از سوی دیگر دو حکومت زمینه ساز ظهور حضرت ، یعنی حکومت یمن و ایران در حوادث جهان و آگاهی افکار ملتها ، آثار سیاسی مهمی برجای گذاشته و نیاز شدیدی به رهنمودها و هدایت‌های آن حضرت احساس خواهد شد .

از روایات و از سیر طبیعی حوادث چنین برمی آید که دشمنان حضرت یعنی سفیانی و سردمداران کفر و اکنش شدیدی در برابر موج افکار عمومی طرفدار حضرت نشان می دهند و تمام توان خود را در سامان دادن به عراق و حجاز متمرکز می کنند که نقطه ضعف منطقه بشمار می آیند . چرا که سران کفر در عراق از نفوذ زمینه سازان ایرانی و ضعف حکومت مرکزی آن نگران می شوند و در حجاز از خلأ سیاسی و درگیری قبایل بر سر حکومت و نفوذ زمینه سازان یمنی هراسان می گردند

و مهمتر از آن چشم مسلمانان به منطقه حجاز دوخته می شود چرا که آنان ظهور حضرت را از آن سرزمین انتظار می کشند و می دانند که امام (علیه السلام) در شهر مدینه

سکونت داشته و از شهر مکه قیام و نهضت جهانی خویش را آغاز خواهد کرد .

از این رو فعالیت سیاسی و نظامی دشمنان علیه حضرت در دو حرم مکه و مدینه متمرکز خواهد شد و سفیانی با حمله نظامی خود به شهر مدینه ، به دستگیری و بازداشت گسترده بنی هاشم می پردازد ، به این امید که حضرت در

میان

پاورقی

آنها خواهد بود !

و از طرفی ، هماهنگ با نبرد سفیانی در عراق و حجاز ، تحرک نظامی دیگری از سوی غربی ها و شرقی ها در منطقه خلیج و دریای مدیترانه بخاطر اهمیت استراتژیک منطقه رخ می دهد و چه بسا فرود آمدن نیروهای روم در رمله و قوای ترک در جزیره ، که در روایات متعدد از آن یاد شده ، در آن دوره و یا نزدیک بدان باشد . والله العالم .

بحران حکومت در حجاز

روایات شیعه و سنی بر این نکته اتفاق دارند که طلعه ظهور حضرت در حجاز ، پیدایش خلا سیاسی و کشمکش بین قبائل بر سر فرمانروائی است . این حوادث در پی مرگ پادشاه و یا خلیفه ای رخ می دهد که با مردنش گشایشی در امور بوجود می آید . برخی روایات ، نام او را " عبدالله " و اعلان خبر مرگ او را

روز عرفه تعیین کرده اند . پس از مرگ او حوادثی پیاپی در حجاز رخ می دهد که تا خروج سفیانی و ندای آسمانی و درخواست اعزام نیرو از سوریه به حجاز و سرانجام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ادامه می یابد . در این زمینه امام صادق (علیه السلام)

می فرماید :

" هر کس مرگ عبد الله را برای من تضمین کند ، من ظهور قائم را برای او تضمین می کنم " سپس

فرمود: " وقتی عبدالله بمیرد ، مردم برای حکومت با کسی توافق نکنند و این اختلاف و درگیری به

خواست خدا تا ظهور صاحب الامر ادامه یابد . حکومت های چند ساله پایان یافته و تبدیل به حکومت چند

ماهه و چند روزه شود . سؤال کردم : آیا این ماجرا به طول می انجامد ؟ فرمود : هرگز . " (۱)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۲۱۰ / ۵۲ .

صفحه : ۲۵۹

همچنین فرمود :

" زمانی که مردم در سرزمین عرفاتند ، سواری بر شتری راهوار وارد شده و مرگ خلیفه را خبر دهد . با

مرگ او فرَج آل محمد (صلی الله علیه وآله) و گشایش کار تمام مردم فرا رسد . " (۱)

شتر راه وار کنایه از سرعت پیام رسانی و بشارت به حجّاج است و ظاهراً در روایت شیوه پیام رسانی مورد توجه بوده است . در روایتی دیگر آمده است که آنها مرد شترسواری را که در عرفات بین حاجیان خبر را منتشر می کند به قتل می رسانند .

شاید خلیفه ای که خبر مرگ و یا کشته شدنش در روز عرفه اعلان می شود ،

همان عبدالله یاد شده در روایت گذشته باشد . و معنی جمله " از بین رفتن

حکومت های

چند ساله و بوجود آمدن حکومت های چند ماهه و چند روزه " این است که

هر گاه بعد از او

فرمانروایی بر سر کار آورند ، حکومت او یکسال کامل دوام نیابد و پس از چند ماه

یا

چند روز ، فرد دیگری به حکومت رسد ، تا اینکه ماجرا به ظهور حضرت مهدی (

علیه السلام)

منتهی شود . برخی از روایات ، علت کشته شدن خلیفه را ماجرائی اخلاقی و قاتل

وی را یکی از گماشتگان معرفی کرده و می گوید که وی به خارج از حجاز می

گریزد

و تعدادی از نیروهای حکومت به جستجوی او می پردازند ، اما قبل از بازگشت آنها

،

کشمکش بر سر سلطنت آغاز می شود .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" علت مرگ ، آن است که او به یکی از خواجگان خود تعدی می کند ، خواجه او

را سر می برد . مرگ او را

چهل روز مخفی می دارند . سواران به جستجوی خواجه می روند ، اما قبل از

بازگشت اولین کسی که بدنبال او

رفته ، حکومت آنها نابود می گردد . " (۲)

پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۴۰ .

2 ((کمال الدین صدوق ص ۶۵۵ .

صفحه : ۲۶۰

روایاتی که درگیری بر سر حکومت در حجاز بعد از کشته شدن این فرمانروا را توصیف می کنند ، فراوانند . اینک نمونه هایی از آن را یادآور می شویم . بزنتی از حضرت رضا (علیه السلام) روایت می کند که فرمود :

" از جمله نشانه های فَرَج ، حادثه ای است که بین دو حرم مکه و مدینه رخ دهد ، پرسیدم : آن حادثه

چیست ؟ فرمود : تعصّب قبله ای بین دو حرم بوجود آید و فلانی از خاندان فلان پانزده رئیس قبیله را به قتل رساند " (۱)

یعنی یکی از فرمانروایان و یا زمامداران حجاز ، پانزده شخصیت از نسل فرمانروا و یا پیشوای معروفی را به قتل می رساند . از ابو بصیر نقل شده که گفت :

" خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم : ابو جعفر (علیه السلام) (امام باقر (علیه السلام)) می فرمود : قائم آل محمد دو

غیبت دارد که یکی طولانی تر از دیگری است . فرمود : آری این امر تحقق نیابد مگر آنگاه که در خاندان

فلان اختلاف بوجود آید و حلقه تنگ شود و سفیانی ظهور کند و بلا سخت گردد و مرگ و کشتار مردم را

فراگیرد و آنان به حرم خدا و پیامبرش پناهنده شوند " (۲)

این روایت بیانگر آن است که اصل درگیری بین خود قبيله حاکم بوجود می آید .
از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" . . . برای قیام قائم نشانه ها و علاماتی است ، نخست محاصره کوفه بوسیله
کمین و خندق و به اهتزاز
درآمدن درفش ها پیرامون مسجد بزرگتر . در این پیکار قاتل و مقتول هر دو در
آتش دوزخ اند . " (۳)

ظاهراً مراد از مسجد بزرگتر ، مسجد الحرام است نه مسجد کوفه . و درفش های
مخالف در مکه و حجاز با یکدیگر درگیر می شوند و پرچم حقی میان آنها وجود
ندارد .

پاورقی -----

- 1 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۰ .
- 2 ((بحار : ۵۲ / ۱۵۷ .
- 3 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۳ .

صفحه : ۲۶۱

ابن حماد در نسخه خطی خود بیش از بیست روایت را درباره بحران سیاسی
حجاز و کشمکش قبيله ای بر سر حکومت ، در سال ظهور حضرت مهدی (علیه
السلام) نقل
می کند ، از جمله به نقل از سعید بن مسیب می گوید :

" زمانی بر مسلمانان فرا رسد که در ماه رمضان صدایی شنیده شود و در ماه شوال مهلکه ای به پا شود و

در ذی قعدة قبيله ها عليه يکديگر تجهيز گردند و در ماه ذی حجه اموال حجاج به يغما و غارت رود و ماه

محرم چه محرمی ! " (۱)

ابن مسعود از پیامبر (صلی الله عليه وآله) روايت کرده که آن حضرت فرمود :

" زمانی که صيحه ای در ماه رمضان شنیده شود ، در ماه شوال شعله های آتش به هوا برخیزد و در ذی

قعدة مردم دسته دسته شده و هر کس سراغ قبيله خود رود و در ذی حجه خونريزی شود . و سه بار

فرمود : و اما محرم چه محرمی " (۲)

و از عبد الله بن عمر نقل شده که گفت :

" مردم با يکديگر به حج روند و بدون پيشوا روانه عرفات گردند و آنگاه که در منی منزل کردند ،

همچون افرادی که به هاری دچار شده اند به جان هم افتند تا آنکه عقبه را سيل خون فرا گیرد . " (۳)

يعنی آنها حالتی شبیه به بیماری هاری پیدا می کنند و يکباره پس از مناسک

حج ، دشمنی میان آنها بروز می کند و به کشتار يکديگر می پردازند بگونه ای که خون

آنها در کنار جمره عقبه جاری می گردد !

روایات ابن حماد بعد از صيحه و ندای آسمانی ، به بيان کشمکشِ سیاسی در

حجاز می پردازند . اما روایات دیگری وجود دارد که به دو موضوع مهم در این بحران سیاسی اشاره می کنند : یکی ، رویدادی که پیش از خروج سفیانی رخ

پاورقی -----

- 1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۵۹ .
- 2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۶۰ .
- 3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۶۰ .

صفحه : ۲۶۲

می دهد که قبلا بیان کردیم و دیگری بحران روابط میان شرق و غرب ، یعنی جنگ جهانی موعود . از ابن ابی یعفور نقل شده که گفت : امام صادق (علیه السلام) به من فرمود :

" با انگشتان دست بشمار : هلاک شدن فلانی ، خروج سفیانی و قتل نفس . . . تا

آنکه فرمود : تکمیل

فَرَج و گشایش کار ، هنگام به هلاکت رسیدن فلانی است " (۱)

البته ممکن است در ترتیب زمان این پیشامدها آنگونه که در روایت آمده جای سؤال باشد . اما تعدادی از روایات که برخی از آنها گذشت ، نشانگر آن است که هلاکت فلانی و کشمکش پس از او قبل از خروج سفیانی رخ می دهد ، امام باقر (

علیه السلام)

فرمود :

" قائم در سالی از سالهای فرد قیام کند ، همچون نه ، یک ، سه ، پنج . و فرمود :
آنگاه بنی عباس (بنی

فلان) به حکومت رسند و پیوسته در اوج قدرت و در عیش و نوش بسر برند تا
آنکه بین آنها اختلاف افتد (و

چون درگیری بوجود آمد) حکومتشان منقرض شود و شرق و غرب حتی اهل قبله
با یکدیگر به نزاع

برخیزند و مردم از وحشت گرفتار رنج و عذاب گردند و پیوسته در آن حال اند ، تا
از آسمان منادی حق ندا

برآورد . چون ندای آسمانی آمد ، پس کوچ کنید کوچ " (۲)

نکته قابل توجه در این روایت ، وجود رابطه بین اختلاف خاندانِ فلان و انقراض
حکومت آنها و درگیری میان شرق و غرب و گسترش آن بر اهل قبله یعنی
مسلمانان

است . و گویا این کشمکش جهانی در ارتباط و یا حتی معلول بحران سیاسی
حجاز

است و منظور از بنی عباس که اندکی قبل از ظهور حضرت بین آنان اختلاف بوجود
می آید ، آل فلان است که به گفته روایات ، آخرین خاندانِ حاکم بر حجاز قبل از
حضرت مهدی (علیه السلام) است .

* *

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۴ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۵ .

از مجموع این روایات معلوم می شود که حوادثِ پی در پی حجاز که مقدمه ظهور است ، با آتش زرد سرخ فامی در حجاز و یا شرق آن ، آغاز و چند روز ادامه می یابد ، آنگاه آخرین فرمانروای خاندان فلان کشته می شود و بر جانشینی او اختلاف گردد و این اختلاف به نیروهای سیاسی حجاز که بیشتر آنها قبائل آن سامانند ، سرایت می کند . . . بحران سیاسی حجاز در نزاع بین شرق و غرب تأثیر می گذارد . . . سپس خروج سفیانی و ندای آسمانی و آنگاه ورود لشکر سفیانی از سوریه به داخل حجاز و حوادث مدینه و پس از آن حوادث مکه و ظهور مقدس پدیدار می گردد . در منابع سنی ها تعدادی روایت آمده که آتش حجاز را از نشانه های قیامت یاد می کند از آن جمله در کتاب صحیح مسلم می خوانیم :

" قیامت برپا نمی شود مگر آنکه آتشی در حجاز برافروخته شود که روشنائیش

گردن شتر را در بُصرا

روشن کند " (۱)

یعنی نور آن به شهر بُصرا در سوریه می رسد . تعدادی از همین روایات در کتاب مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۳ - ۴۴۲ آمده و می گوید : " آتش مذکور از کوه وراق یا حبس

سیل و یا وادی حسیل برآید " . حبس سیل محلی است نزدیک مدینه منوره و

ممکن است

اشتباهاً از آن به وادی حسیل یاد شده باشد و برخی دیگر از روایات می گویند : "

آن

آتش از منطقه عدن در حضرموت پدید آید و مردم را به سوی محشر و یا مغرب کشاند " .

همانگونه که ملاحظه می کنید روایت موجود در صحیح مسلم به صراحت نمی گوید که این آتش از نشانه های قیامت است بلکه فقط وقوع آنرا در آینده حتمی

می داند به اعتقاد من ، آن آتشی که از نشانه های رستاخیز و قیامت است ، آتش

عدن یا حضرموت است که در منابع شیعه و سنی به آن اشاره شده است .

----- پاورقی

1 ((صحیح مسلم : ۸ / ۱۸۰ .

صفحه : ۲۶۴

اما آتش حجاز ، که طبق روایت ، در مدینه منوره پدید می آید ممکن است تنها خبری از غیب از قول پیامبر (صلی الله علیه وآله) بوده و وقوع آن نشانگر ماجرای خاصی نبوده . و

قبلا اتفاق افتاده باشد چه اینکه مورخان وجود آتشفشانی را ثبت کرده اند که در قرن

اول نزدیک مدینه به مدت چند روز ادامه داشته است .

اما آتشی که از نشانه های ظهور است ، در روایات ، بنام آتش مشرق آمده و در برخی روایات از آن به عنوان آتشی در شرق حجاز یاد شده است . در نسخه خطی

ابن حماد از ابن معدان نقل شده است که گفت :

" وقتی ستونی از آتش از سوی مشرق و در ماه رمضان در آسمان مشاهده نمودید تا می توانید مواد

غذائی و خوراکی تهیه کنید که آن سال ، سالِ قحطی خواهد بود " (۱)

و از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود :

" وقتی آتش بزرگی از سوی مشرق مشاهده کردید که چند شب زبانه می کشد ، در آن هنگام گشایش

کار مردم فرارسد و این آتش اندکی قبل از ظهور قائم است . " (۲)

و از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" وقتی از جانب مشرق آتش بزرگ سرخ فامی مشاهده کردید که سه یا هفت روز بالا می آید ، در آن

هنگام به خواست خدا منتظر فرج آل محمد (صلی الله علیه وآله) باشید که خداوند عزیز و حکیم است . " (۳)

احتمال دارد این آتش ، آتشفشانی طبیعی و یا انفجار بزرگ مواد نفتی باشد ،

همچنانکه احتمال دارد نشانه ای الهی از علامت های ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)

باشد . از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

پاورقی -----

1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۶۱ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۴۰ .

3 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۰ .

" پیش از قیام قائم ، مردم بوسیله آتشی که برای آنان در آسمان پدید آید و سرخی آن آسمان را

بپوشاند ، از گناهانشان بازداشته شوند " (۱)

این آتش پیش از بحران سیاسی حجاز و یا در اثناء آن شعلهور خواهد شد . والله العالم

خروج امام (علیه السلام) با بیم و امید از مدینه

طبق روایات ، لشکر سفیانی بر مدینه منوره تسلط کامل می یابد و سه روز تمام ، این شهر را در اختیار سپاهیان خود قرار می دهد تا هرچه می خواهند انجام دهند . آنان افراد بنی هاشم را دستگیر و شماری از آنان را به قتل می رساند . هدف از این عملیات دستیابی به وجود مبارک امام است . ابن حماد روایت کرده که :

" سفیانی به سوی مدینه حرکت کرده و قریش را از دم شمشیر بگذراند و چهار صد تن از مردان آنها و

از انصار را بکشد و شکم زن ها را دریده و کودکان را به قتل رساند و خواهر و برادری بنام محمد و فاطمه را از

قریش کشته و بر دروازه مسجد مدینه آویزد ! " (۲)

و در همین صفحه از ابو رومان نقل می کند که می گوید :

" سفیانی لشکری به سوی مدینه اعزام کند تا هر یک از خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) را که بیابند ، دستگیر نمایند

. در این گیر و دار مردان و زنانی از بنی هاشم کشته شوند . و مهدی و میبض (منصور) از مدینه به سوی مکه

گریزند و سفیانی گروهی را به تعقیب آنها فرستد غافل از آن که آنان به حرم امن خدا رسیده اند "

و در روایتی دیگر آمده است که " مردم مدینه به سبب خشم و هجوم سفیانی و جنایات وی

شهر را ترک کنند " (۳) .

امام باقر (علیه السلام) در روایت جابر بن یزید جعفری می فرماید :

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۱ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۸۸ .

3 ((مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۲ .

صفحه : ۲۶۶

" سفیانی گروهی را به مدینه فرستد . آنها مردی را در آنجا به قتل رسانند و مهدی و منصور از آنجا

بگریزند و کوچک و بزرگ خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) دستگیر شوند و کسی از آنان نماند مگر آنکه زندانی گردد .

لشکر سفیانی به تعقیب آن دو مرد اعزام شوند " (۱)

مردی که بدست لشکر سفیانی کشته می شود ، غیر از آن جوانی است که طبق

روایات ، در مدینه به قتل می رسد ، در این زمینه امام صادق (علیه السلام) می فرماید :

" ای زراره ، ناگزیر ، در مدینه جوانی کشته شود ، پرسیدم : فدایت شوم ، مگر لشکر سفیانی او را به

قتل نمی رساند ؟ فرمود : نه ، لشکر خاندان فلانی وی را می کشند ، نیروهای یاد شده در حالیکه مردم

نمی دانند برای چه آمده اند ، وارد مدینه شوند ، آنگاه آن جوان را دستگیر و به قتل رسانند وقتی آن جوان از

روی ستم و ظلم کشته شود ، خداوند آنها را مهلت ندهد ، پس در این هنگام چشم به راه فرَج باشید " (۲)

پاره ای از روایات ، این جوان را نفس زکیّه نامیده اند ولی نه آن نفس زکیّه ای که اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) در مکه کشته می شود .

از این روایات و روایات دیگر چنین پیداست که حکومتِ رو به زوال حجاز در تعقیب شیعیان در حجاز و بویژه در مدینه دست به تلاش وسیعی می زند و جوانی را که بعنوان نفس زکیه مطرح است یا به جرم اینکه نامش محمد بن حسن است می کشد زیرا حضرت ، نزد مردم به این نام مشهور است . و یا بدین جهت که وی از

مؤمنان شایسته ای است که با حضرت مهدی (علیه السلام) ارتباط دارد .

آنگاه لشکر سفیانی وارد حجاز شده و همان سیاست حکومت حجاز را در ابعادی شدیدتر و وحشیانه تر دنبال می کند ، آنان هر کس را که منسوب به خاندان بنی هاشم باشد و یا احتمال می رود که با آنان در ارتباط باشد ، دستگیر می کنند و

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۳ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۱۴۷ .

صفحه : ۲۶۷

مردی را که نامش محمد و خواهرش فاطمه است تنها به دلیل اینکه نام پدرشان
حسن است به قتل می رسانند !

در چنین موقعیت بحرانی ، امام مهدی روحی فداه مانند خروج حضرت
موسی (علیه السلام) از میان فرعونیان ، بیمناک و نگران از مدینه خارج می شود و
یکی از

یارانش حضرت را همراهی می کند . نام او در روایت پیشین ، منصور و در روایتی
دیگر منتصر آمده است و شاید نام مبیض که در روایت گذشته آمد همان منتصر
بوده و اشتباهی در نوشته رخ داده است .

روایتی دیگر می گوید : حضرت مهدی (علیه السلام) هنگام خروج از مدینه ،
میراث رسول

الله را با خود به همراه دارد که در میان آنها شمشیر ، زره ، پرچم ، عمامه و لباس
پیامبر به چشم می خورد .

من ، زمان مشخص خروج آن حضرت از مدینه به سوی مکه را در منابع شیعه
نیافتم ولی باید این خروج پس از ندای آسمانی در ماه رمضان یعنی در موسم حج
باشد و به خاطر دارم در روایتی دیدم که ورود لشکر سفیانی به مدینه در ماه رمضان

است . . . و در روایت طولانی مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) چنین آمده است :

" سوگند به خدا ای مفضل ، گویا اکنون می بینم او را (حضرت مهدی (علیه السلام)) که وارد مکه می شود ، در حالیکه عمامه ای زرد فام بر سر نهاده و کفش مخصوص پیامبر (صلی الله علیه وآله) را پوشیده و چوبدستی او را در دست گرفته و چندین بزغاله لاغر پیشاپیش خود می برد تا به خانه خدا برسد ، اما هیچکس او را در آنجا نمی شناسد " (۱)

اگرچه سند این روایت ضعیف است ، اما بسیج دشمنان برای دستیابی به آن حضرت باعث می شود که حضرت زندگی خود را همچون دوران غیبت صغری در پاورقی -----

1 () (بشارة الاسلام ص ۲۶۷ به نقل از بحار .

صفحه : ۲۶۸

نهان نگه دارد . از این جهت می توان محتوای اینگونه روایتها را قابل قبول دانست .
طبیعی بنظر می رسد که مراسم حج در سال ظهور ، گرم و پر رونق باشد . . . از مجموعه روایتها چنین به نظر می رسد که در سال ظهور ، وضع نابسامان و آشفته جهان و اوضاع سرزمین های اسلامی و بحران حجاز و اعلان وضعیت غیر عادی در

آن به سبب ورود ارتش سفیانی و . . . مراسم حج را بر حاکمان حجاز ، طاقت
فرسا و

هراس انگیز جلوه می دهد و بی گمان آنها شمار حجّاج را به حداقل ممکن کاهش
خواهند داد و نیروها و دستگاههای امنیتی را در مکه و مدینه چندین برابر سالهای
عادی بسیج خواهند کرد ولی این اقدامات ، امت اسلامی را از توجه به مکه معظمه
باز نمی دارد و مردم همچنان چشم به آن سامان دوخته و منتظر ظهور مهدی (علیه
السلام)

خواهند بود ، در آن سال صدها هزار ، بلکه میلیونها نفر از مسلمانان بمنظور شرکت
در مراسم حج دلیرانه بپا می خیزند و با آنکه دولت های خود و دولت حجاز بر سر
راهشان موانعی قرار می دهند ، اما تعداد بسیاری از آنان خود را به مکه می رسانند .
در آن هنگام همه حاجیان با شور و شوق در پی یافتن پاسخ به یک سؤال از
یکدیگرند : شما از ظهور مهدی (علیه السلام) چه می دانید ؟ البته طرح این سؤال
، خطرناک

بنظر می رسد ، از این رو حجّاج ، آن را بصورت سری و نهان ، میان خود مطرح و
آخرین خبرها و شایعات پیرامون حضرت ، و نیز آخرین اقدامات حکومت حجاز
وارتش سفیانی را ، آهسته به اطلاع یکدیگر می رسانند .

روایت بعدی سیمایی از حالت مسلمانان و حجّاج را هنگام پرداختن به ماجرای
ظهور حضرت و جستجوی وی ترسیم می نماید ، در نسخه خطی ابن حماد چنین
آمده است (۱) :

----- پاورقی

1 () (سند روایت چنین است : " ابو عمر از ابن ابو لهیعه از عبدالوهاب بن

حسین از محمد بن ثابت

از پدرش از حارث بن عبد الله .

صفحه : ۲۶۹

از ابن مسعود روایت است که : وقتی بازار تجارت کساد و راهها ناامن و فتنه ها زیاد

شود هفت تن از

علمای مناطق مختلف که با هر یک از آنان بیش از سیصد و اندی ، دست بیعت داده

اند ، بدون قرار قبلی

رهسپار مکه شوند و در آنجا با یکدیگر ملاقات کرده و می پرسند انگیزه آمدن

شما به مکه چیست ؟

می گویند به جستجوی مردی آمده ایم که امید است این فتنه ها بدست با کفایت او

آرام گیرد و خداوند

قسطنطنیه را بدست او آزاد نماید . ما او را با نام خود و نام پدر و مادرش و با تمام

ویژگیهایش می شناسیم ،

این عالمان بر این هدف مشترک با یکدیگر توافق و جستجوی آن حضرت را از

مکه آغاز می کنند . . . آنها از

مردی که ظاهراً ویژگی های حضرت را دارد می پرسند آیا شما فلانی پسر فلان

هستی ؟ می گوید : نه ، من

مردی از انصارم و از آنها جدا می شود . این گروه ، اوصاف حضرت را برای اهل
اطلاع بازگو می کنند ولی به
آنان گفته می شود : مولی و صاحب شما که در جستجویش هستید اکنون رهسپار
مدینه شده ، در پی او به
مدینه می روند ولی حضرت به مکه بازگشته است ، بدنبال او به مکه می آیند ، بار
دیگر به سراغ همان مرد
قبلی می روند و می پرسند آیا شما فلانی فرزند فلان هستید و مادر شما فلانی دختر
فلان است و این
نشانه ها را در خود دارید ؟ ما شما را یک بار از دست دادیم ، اکنون دست تان را
بدهید تا با شما بیعت کنیم .
می گوید : من صاحب الأمر شما نیستم من فلانی فرزند فلان انصاری ام ، اما با من
بیانید تا شما را به صاحب
و مولایتان راهنمایی کنم ، آنگاه از ایشان جدا می شود آنها بار دیگر او را در مدینه
می جویند ولی او بر عکس
خواسته آنها به مکه رفته است از این رو به مکه باز می گردند و سرانجام حضرت را
در کنار رکن کعبه
می یابند و خطاب به او می گویند : گناه ما و خون های ما به گردن شماست ، اگر
دستتان را ندهید که با شما
بیعت کنیم ، ارتش سفیانی در تعقیب ماست و مردی حرام زاده بر آنها فرمانروائی
دارد ، آنگاه حضرت بین

رکن (یکی از چهار گوشه کعبه) و مقام (مقام ابراهیم در مسجد الحرام) می نشیند و دست خود را به آنان می دهد و آنها با وی بیعت می کنند . خداوند محبت او را در دل مردم می افکند پس او با گروهی که شیران روز و زاهدان شب اند حرکت خود را آغاز می کند " (۱)

پاورقی -----

1 () نسخه خطی ابن حماد ص ۹۵ .

صفحه : ۲۷۰

در سند و متن این روایت نقاط ضعفی وجود دارد ، از جمله آنکه به ماجرای آزادی قسطنطنیه اشاره شده که طی چند قرن ، مشکل سیاسی ، نظامی مسلمانان و کانون تهدید بخشی از دولت اسلامی بشمار می رفت ، تا آنکه سلطان محمد فاتح ، حدود پانصد سال پیش آنرا فتح کرد . البته مسلمانان از قول پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره آزادی

قسطنطنیه ، روایات بشارت دهنده ای نقل نموده اند که صحت آنها نیاز به تحقیق و بررسی دارد ولی آنچه به موضوع ما مربوط می شود ، روایاتی است که به آزاد سازی

قسطنطنیه بدست حضرت مهدی (علیه السلام) اشاره می کند که از جمله ، همین روایت است .

بنابراین یا باید بگوئیم فتح قسطنطنیه به دست حضرت مهدی (علیه السلام) از مطالبی است که

راویان حدیث در لابلای روایات از خودشان اضافه کرده اند زیرا می دانستند آن حضرت تمام مشکلات مسلمانان را حل و فصل می نماید و همانطور که گفتیم مسأله قسطنطنیه قرنهای مشکل بزرگ مسلمانان بود . و یا اینکه ممکن است مراد از قسطنطنیه ، پایتخت روم در زمان ظهور حضرت باشد و در برخی روایات از آن به شهر بزرگ روم تعبیر شده ، همان شهری که طبق روایت ، حضرت و یارانش آنرا محاصره نموده و با تکبیر آزاد می کنند .

اما سرنوشت این روایت هرچه باشد حتی اگر آن را ساختگی فرض کنیم ، روایتی است متعلق به مؤلفی معروف که حدود یکهزار و دویست سال قبل آن را نگاشته . چون تاریخ درگذشت ابن حماد سال ۲۲۷ ه . ق است و روایت را از تابعین

قبل از خود نقل کرده . بنابراین ، این روایت حداقل ، حاکی از تصویر ذهنی راویان آن زمان نسبت به وضع سیاسی کلی سال ظهور و رایج بودن اخبار و وقایع ظهور حضرت نزد مسلمانان و جستجوی آنها از علائم ظهور بوده است . علاوه بر آن ، محتوای بیشتر مطالب این روایت یا در روایات دیگر آمده و یا نتیجه منطقی پیشامدهایی است که در دیگر روایات بر آن تصریح شده است .

صفحه : ۲۷۱

آمدن هفت نفر از علماء بزرگ به مکه در آن موقعیت ، حاکی از شدت توجه مسلمانان نسبت به ظهور امام است . همچنین اعزام نمایندگان مردم به مکه جهت

شرفیابی به حضور حضرت و نیز بیعت گرفتن هر یک از علماء از سید و سیزده نفر

از مؤمنانی که برای جانبازی در کنار آن امام اعلام آمادگی می کنند ، جملگی حکایت از شور و هیجان مردمی دارد که مشتاقانه می خواهند در زمره یاوران آن حضرت که به تعداد رزمندگان جنگ بدر خواهد بود ، قرار گیرند .

اما کناره گیری چند باره حضرت از آن علماء خالی از ضعف نیست ولی شاید اشاره به مطلبی باشد که در منابع شیعه و سنی آمده و آن اینکه بیعت حضرت با آنها از روی اکراه است . این موضوع در حدیثی که از پیامبر و اهل بیت (علیه السلام) نقل شده

بدست ما رسیده . در همین رابطه یکی از اصحاب بزرگ امام صادق (علیه السلام) نسبت به

این بیعت توأم با اکراه تردیدی به خود راه می دهد . اما امام صادق (علیه السلام) معنی اکراه را

توضیح می دهد و می گوید که منظور از اکراه اجبار نیست ، آنگاه دل او آرام می گیرد .

آنچه در این روایت گذشت ، تصویری از اوضاع روانی مسلمانان و انتظار شدید آنان نسبت به ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) بود . . . اما عملکرد امام (علیه السلام) در مکه و بیعت

یارانش با او ، در روایات دیگر به شیوه دیگری بیان شده که با آنچه در این روایت آمده متفاوت است .

اجتماع یاران حضرت (علیه السلام)

در اینجا لازم است به چند نکته پیرامون اصحاب حضرت توجه کنیم .

1 - شمار اصحاب امام زمان (عج) که در منابع شیعه و سنی بدان اشاره شده به عدد یاران پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) در جنگ بدر یعنی سیصد و سیزده نفر است ، این امر

نشانه شباهت فراوان روزهای تولد اسلام به رهبری پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و تجدید حیات

صفحه : ۲۷۲

آن توسط حضرت مهدی (علیه السلام) است . در روایت آمده که اصحاب حضرت به

آزمایش هائی آزموده می شوند که یاران پیامبران الهی گذشته بدان آزموده شدند . در این زمینه امام صادق (علیه السلام) فرمود :

" یاران موسی به آب نهری آزمایش شدند . همان آزمایشی که در قرآن به آن اشاره شده " إن الله

مبتلیکم بنهر " (یعنی البته خداوند شما را به نهر آبی آزمایش خواهد کرد) یاران قائم نیز در معرض چنین

آزمایشی قرار خواهند گرفت " (۱)

2 - مراد از این اصحاب در روایت ، اصحاب خاص امام (علیه السلام) و برگزیدگان آنان و

فرمانروایان جهان نوینی است که حضرت رهبری آنها بعهده می گیرد ولی تنها آنها نیستند که یاوران حضرتند ، بلکه در روایت آمده است که شمار لشکریان امام زمان

(عج) که از مکه خارج می شوند ده هزار یا بیشتر است و لشکری که حضرت به همراه آن وارد عراق می گردد و سپس قدس را آزاد می سازد به صدها هزار تن می رسد همه آنها اصحاب و یاران حضرتند . در آن زمان میلیونها نفر از مردم جهان مخلصانه به او ارادت می ورزند .

3 - یاران حضرت از تمام سرزمین های جهان اسلام و از دورترین کرانه های گیتی گردهم می آیند . در میان آنان افراد شایسته ای از مصر و مؤمنانی حقیقی از شام و بزرگانی از عراق و به بیان روایات گنج هایی گرانبها از طالقان و قم وجود دارند . ابن عربی در کتاب فتوحات مکیه گفته است : " آنها (یاران) از عجمند و عرب در میان

آنها نیست اما جز به زبان عربی سخن نمی گویند "

اما روایات بسیاری از جمله این روایت مشهور می گوید : " در میان یاران مهدی افراد

شایسته ای از مصر و مؤمنانی واقعی از شام و بزرگانی از عراق وجود دارند " (۲)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۲ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۴ .

صفحه : ۲۷۳

شبهه این روایت در نسخه خطی ابن حماد ص ۹۵ و دیگر منابع موجود است و نشان می دهد شماری از افراد عرب در میان یاران آن حضرتند ، بر اساس روایات ،

نه تنها جمع زیادی غیر عرب (عجم) در میان آنها است بلکه بخش مهمی از ارتش حضرت مهدی (علیه السلام) از ایرانیان تشکیل می گردد .

4 - تعدادی از روایات می گویند : در میان اصحاب حضرت پنجاه زن وجود دارد (۱) و طبق روایتی ، سیزده زن مسئولیت مداوای مجروحان را بر عهده دارند .

این موضوع ، جایگاه و نقش بزرگ زنان را در اسلام و تمدن آن نشان می دهد که حضرت در عصر خود عملی می سازد . این جایگاه واقع بینانه هم به دور از رفتار جاهلی است که متأسفانه هنوز در برخورد با زنان در کشورهای ما به چشم می خورد

و هم به دور از هرگونه تحقیر وابتدالی است که زنان در تمدن غرب گرفتار آتند .

5 - برخی روایات حاکی از آن است که بیشتر یاران حضرت را جوانان تشکیل می دهند بلکه طبق بعضی روایات ، میانسالان در بین آنها بسیار اندک اند ، همچون نمک در توشه مسافر . به روایتی که از امیر مؤمنان (علیه السلام) وارد شده توجه کنید :

" یاران مهدی جوانند و میانسال در بین آنها نیست مگر به قدر سرمه چشم و نمک همراه مسافر و

ناچیزترین توشه مسافر ، نمک است " (۲)

6 - در منابع شیعه و سنی در ستایش و شأن والای اصحاب حضرت و کرامت هایشان روایات زیادی وارد شده و آمده است که حضرت مهدی (علیه السلام) با خود

نوشته ای دارد که تعداد یاران و نام و صفات آنها در آن ثبت شده و زمین زیر پایشان

پیموده می شود و هر کار دشواری برایشان آسان می گردد . آنها لشکر خشم خدا و

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۳ از امام باقر (علیه السلام) .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۴ .

صفحه : ۲۷۴

برخوردار از شجاعت و قدرتی فوق العاده اند ، و خدای سبحان در قرآن وعده فرموده که آنها را بر یهود مسلط سازد :

" بعثنا علیکم عبداً لنا أولى بأس شدید " (۱) (برخی از بندگان خود را که

سخت

جنگجویند بر شما برانگیزیم)

آنها همان امت معدودی هستند که در قرآن از آن یاد شده است :

" اگر عذاب را تا مدت اندکی (تا امة معدودة) از آنان تأخیر بیندازیم خواهند

گفت چه چیز آن را

بازمی دارد ؟ آگاه باشید روزی که (عذاب) به آنها برسد از آنان بازداشته نمی شود

و آنچه را که مسخره

می کردند آنان را خواهد گرفت " (۲)

آنها برگزیدگان امت و در کنار عترت نیکو کردار و همان فقیهان و داوران و

فرمانروایانند . خداوند دلهایشان را به یکدیگر چنان مأنوس گرداند که نه از کسی

بترسند و نه از پیوستن کسی به جمعشان خوشحال گردند . یعنی افزایش مردم در

اطراف آنان بر اُنس و ایمانشان نمی افزاید . آنها در هر کجای عالم که باشند

حضرت

مهدی (علیه السلام) را می بینند ، و با وی سخن می گویند در حالی که حضرت

در جایگاه خود

بسر می برد . هر یک از آن یاران نیروی چهل یا سیصد مرد را دارا خواهد بود .

در روایات آمده است که آنان از اصحاب تمام انبیاء برترند .

ابو بصیر چنین نقل می کند که :

" امام باقر (علیه السلام) فرمود : روزی اصحاب ، نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله

) بودند . آن حضرت عرض کرد : پروردگارا برادران

مرا به من بنمایان . اصحاب پرسیدند : یا رسول الله ! آیا ما برادران شما نیستیم ؟

حضرت فرمود : خیر ،

شما اصحاب من هستید . برادران من گروهی هستید که در آخر الزمان می آیند و به

من ایمان می آورند ، در

پاورقی -----

1 ((اسراء / ۵ .

2 ((هود - ۸ .

صفحه : ۲۷۵

حالی که مرا ندیده اند . خداوند آنها را با اسم هایشان و اسم پدرانشان به من معرفی

کرده است قبل از آنکه

از پشت پدر و رحم مادرانشان زاده شوند . آنها در پاسداری و حفاظت از دین خود
دقیق و حساسند . گویا در

تاریکی شب می خواهند دست بر شاخه ای پر تیغ بکشند و یا گلوله ای از آتش در
دست گیرند . آنها

مشعل های هدایتند . خداوند آنان را از هر فتنه و گمراهی حفظ می نماید " (۱) .
در صحیح مسلم نیشابوری ج ۱ ص ۱۵۰ آمده است :

" پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : دوست داشتم برادرانمان را می دیدیم !
عرض کردند : یا رسول الله ! آیا ما

برادران شما نیستیم ؟ فرمود : شما اصحاب من هستید . برادران ما کسانی هستید
که هنوز نیامده اند .

پرسیدند : چگونه می شناسید کسانی از امت خود را که هنوز نیامده اند ؟ فرمود :
آیا چنانچه کسی اسب

سفیدی در میان اسبان سیاه داشته باشد ، آنرا نمی شناسند ؟ ! عرض کردند : چرا یا
رسول الله ! فرمود :

برادران من خواهند آمد با روی سپید و نورانی شده از وضو و من کنار آنها در پیش
حوض (کوثر) خواهم

بود . . . "

روایات فراوانی در فضائل و کرامات اصحاب حضرت وارد شده است . بنابر
گفته برخی از آنها ، اصحاب کهف دوباره برانگیخته شده و در زمزه یاران حضرت
قرار می گیرند و خضر و الیاس (علیه السلام) نیز از جمله یاوران او خواهند بود .
حتی بعضی

روایات بیانگر آن است که جمعی از مردگان نیز به فرمان خدای سبحان زنده می شوند و به یاران حضرت مهدی (علیه السلام) می پیوندند .

7 - از روایات فهمیده می شود که یاران مهدی (علیه السلام) نزدیک ظهور آن بزرگوار سه

گروه خواهند بود : گروهی که همراه حضرت وارد مکه می شوند یا پیش از گروه های

دیگر به مکه می رسند . و گروهی بوسیله ابر یا هوا نزد او می روند ، و گروهی در حالی که شب در خانه ها و در شهر و دیار خود بسر می برند ، ناگاه خود را در مکه

پاورقی -----

1 () بصائر الدرجات صفار ص ۱۰۴ .

صفحه : ۲۷۶

می بینند . امام باقر (علیه السلام) فرمود :

" صاحب الامر را غیبتی است در برخی از این صخره ها و امام به ناحیه ذی طوی (که از

دره های ورودی شهر مکه است) اشاره کرد . سپس افزود : دو شب قبل از خروجش ، غلام

خود را می فرستد تا با برخی از اصحابش ملاقات کند از آنان می پرسد شما در اینجا چند نفرید ؟ پاسخ

می دهند چهل نفر ، می گوید : اگر شما صاحب خود را ببینید چه خواهید کرد ؟
می گویند : بخدا سوگند اگر در
کوهها منزل و مأوی گزیند با او خواهیم رفت ، آنگاه شب بعد نزد آنان آمده و به
آنها می گوید ده تن از بزرگان
و برگزیدگان خود را انتخاب نمائید . آنان نیز چنین کنند ، آنگاه آنها را با خود می
برد تا به صاحبشان برساند .

او فردا شب را که شب موعود است به آنها وعده می دهد " (۱)
ظاهراً مقصود از غیبت او در این روایت ، غیبت دوره کوتاهی است که قبل از
ظهور واقع می شود و مراد از این یاران غیر از مؤمنانی است که همراه حضرت اند و
یا
با او در ارتباطند و همچنین غیر از دوازده نفری است که هر یک به اتفاق می گویند
امام را دیده اند ولی مردم آنها را تکذیب می کنند . بلکه این ها شایستگان و
نیکانی اند

که در جستجوی دیدار حضرتند مانند آن هفت عالمی که ماجرایشان بیان شد .
از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود :
" قائم می آید ، با چهل و پنج مرد ، از نه منطقه ، از منطقه ای یک مرد و از منطقه
ای دو مرد و از منطقه ای
دیگر سه و از ناحیه ای چهار و از منطقه ای پنج و از نقطه دیگر شش و از منطقه ای
هفت و از جایی دیگر

هشت و از منطقه ای هم نه تن ، تا عدد یارانش کامل گردد . " (۲)
یعنی ورود آن حضرت با یاران از مقدمات ظهور است یا آنکه حضرت با این

گروه وارد مکه می گردد و بعید نیست دو دسته ای که در دو روایت گذشته آمد
یک

پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۴۱ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۰۹ .

صفحه : ۲۷۷

دسته بیشتر نباشد که قبل از سایر یاران حضرت مهدی (علیه السلام) به مکه می
رسند .

بنظر می رسد آن دسته از یاران حضرت که ناگهان از بسترشان ناپدید شده و به
قدرت خدای سبحان از شهر و دیار خود در یک چشم بهم زدن به مکه منتقل
می شوند ، مقامشان برتر و بالاتر از افرادی است که قبل از آنها به مکه وارد شده اند
و

اما آن گروه که روز هنگام بوسیله ابر رهسپار مکه می شوند ، چنانکه در روایات
آمده

بود و با نام و نام پدرشان شناخته شده اند ، به این معنا است که آنها بصورت طبیعی
وارد مکه می شوند و توجه مردم را بر نمی انگیزند . این افراد بطور کلی برترین و
با

فضیلت ترین یاران حضرت اند و بعید نیست که آنان همان مؤمنان واقعی باشند که
با

حضرت زندگی می کنند و یا در سراسر نقاط جهان کارهای آن بزرگوار را انجام می دهند و زمان ظهور را بطور دقیق می شناسند و در وقت مقرر حضور می یابند . در این مورد امام صادق (علیه السلام) می فرماید :

" یاران صاحب الأمر برای او محفوظند ، حتی اگر تمام مردم از دنیا بروند ، خداوند یاران مهدی را خواهد آورد و خدای سبحان این آیه را در شأن آنها فرمود : اگر اینان (کفار قریش) بدین امور کفر بورزند (بی تردید ما گروهی را گمارده ایم که هرگز بدان کافر نباشند " (۱) و نیز در حقشان فرمود : " بزودی خداوند گروهی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها نیز دوستدار وی هستند ، آنان نسبت به مؤمنان متواضع و در مقابل کافران سرسخت اند " (۲) امام باقر (علیه السلام) فرمود :

" . . . گروهی از آنان شبانگاه از بسترشان ناپدید شده و بامدادان در مکه بسر برند و گروهی روز هنگام در حال حرکت در ابرها دیده شوند . با نام خود و نام پدر و خصوصیات نسب شان شناخته شوند . پرسیدم

پاورقی -----

1 ((انعام / ۸۹ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۷۰ .

فدایت شوم کدام دسته از نظر ایمان برتر و بالاترند؟ فرمود: آن گروه که به هنگام روز در ابر حرکت کنند" (۱)

معنای حرکت در ابر این است که خداوند متعال آنان را به طریق معجزه آسا توسط ابرها به مکه می رساند ، چنانکه احتمال دارد مانند سایر مسافران با هواپیما و گذرنامه که نام شخص و نام پدر ، در آن ثبت می شود رهسپار آن دیار شوند ، اما روایت از آن به حرکت در ابر تعبیر کرده ، چون در آن زمان هواپیما وجود نداشته است .

شاید ملاک برتری این گروه بر گروهی که شبانه از بسترشان ناپدید می گردند ، آن است که اینها همان مؤمنان واقعی اند که با حضرت همکاری دارند و یا امام (علیه السلام) قبل

از دیگران در آن برهه با این گروه ارتباط برقرار کرده و به انجام کارهایی مأمورشان

ساخته . در حالی که گروه دیگر ، آن شب را در منزل خود بسر می برند و چه بسا نمی دانند که در پیشگاه خداوند از یاران امام مهدی (علیه السلام) محسوب می شوند ! ولی به

سبب میزان تقوا ، خرد و آگاهی شان ، شایستگی احراز چنین مقام والایی را پیدا می کنند و خدای سبحان آنان را انتخاب و شبانه به مکه مکرمه منتقل و شرفیاب محضر مقدس مهدی (علیه السلام) می شوند .

در پاره ای از روایات آمده که آنها در حالی که بر بام خانه های خود خوابیده اند ، ناگهان ناپدید می شوند و خداوند آنان را در آن لحظه به مکه انتقال می دهد ، از این

مطلب می توان پی برد که ظهور حضرت در فصل تابستان و یا حد فاصل بین تابستان و پائیز واقع می شود چنانکه اشاره خواهیم کرد ، و نیز می توان فهمید که شماری از این گروه ، از مردم مناطق گرمسیرند که بر بام و یا حیاط خانه های خود می خوابند .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۶۸ .

صفحه : ۲۷۹

در روایت آمده که زمان گردهمائی آنان در مکه ، شب جمعه و شب نهم محرم است . امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید :

" خداوند سبحان آنان را در شب جمعه گرد هم آورد و صبح جمعه جملگی در مسجد الحرام با آن حضرت دست بیعت و وفاداری دهند و هیچیک از آنان سرپیچی نکنند " (۱)

این مطلب با آنچه در منابع روائی شیعه و سنی آمده هماهنگی دارد ، که خداوند متعال در یک شب ، قیام آن حضرت را سر و سامان می دهد . پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود :

" مهدی از خاندان ما اهل بیت است و خداوند قیام وی را در یک شب سامان می بخشد " .

و در روایتی دیگر آمده است که :

" خداوند قیام او را در شبی سامان می دهد " (۲)

گرد آمدن یاران مهدی (علیه السلام) از جمله الطاف خداوند ، در سامان دادن به
قیام ولی

خود است . این روایت همچنین با روایات متعددی که آغاز ظهور حضرت را
غروب

روز جمعه نهم محرم و سپس روز شنبه دهم محرم تعیین می کند هماهنگ است .
یک حرکت آزمایشی و شهادت نفس زکیه

بر اساس روایات ، هنگام ظهور ، نیروهائی فعال و تأثیرگذار در شهر مکه حضور
دارند . روند طبیعی اوضاع نقش این نیروها را به شکل زیر ترسیم می کند :

الف : حکومت حجاز ، این حکومت با وجود ضعف درونی ، نیروهای خود را
جهت

رویارویی با ظهور احتمالی حضرت بسیج می کند ، ظهوری که مسلمانان چشم
انتظار آن از مکه هستند و فعالیت های خود را بدین جهت در مراسم حج افزایش
می دهند .

پاورقی -----

1 ((بشاره الاسلام ص ۲۱۰ به نقل از دلائل الامامة طبری .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۸۰ .

صفحه : ۲۸۰

ب : شبکه های امنیتی ابرقدرتها ، این شبکه ها که در راستای پشتیبانی از حکومت
حجاز

و نیروهای سفیانی و یا به شکل مستقل فعالیت می کنند و اوضاع حجاز ، بویژه مکه

را زیر نظر دارند .

ج : نیروهای امنیتی سفیانی ، این نیروها در تعقیب فراری مدینه از چنگال خود بوده و

پیوسته اوضاع را جهت ورود لشکر سفیانی در موقعیت مناسب ، زیر نظر دارند تا هرگونه قیام و نهضت امام مهدی (علیه السلام) را از مکه ، سرکوب نمایند . از سوی دیگر در برابر این تحركات ، یمنی ها نیز باید در مکه و حجاز دارای نقشی باشند . بویژه از این رو که حکومت زمینه ساز آنها ، چند ماه قبل از ظهور ، تأسیس می شود ، همچنانکه یاران ایرانی امام (علیه السلام) نیز در مکه باید حاضر باشند ،

بلکه خود حضرت نیز باید دارای یارانی از میان مردم حجاز و مکه و حتی نیروهای رژیم حجاز باشد .

در چنین فضای موافق و مخالفی ، امام مهدی ارواحنا فداه ، برنامه نهضت خویش را از حرم شریف اعلان و بر شهر مکه استیلا پیدا می کند . البته طبیعی است که روایات جزئیات این برنامه را بیان نکنند . مگر آن مقدار که در پیروزی انقلاب مقدس ، سودمند و مؤثر باشد و آسیبی به آن وارد نیاورد .

بارزترین حادثه ای که روایات بیان می کنند این است که حضرت در ۲۴ یا ۲۳ ذی حجه یعنی پانزده شب پیش از ظهور خویش جوانی از یاران و خویشاوندانش را جهت ایراد بیانیه خود به اهل مکه اعزام می دارد ، اما به مجرد اینکه جوان مذکور بعد از نماز پیام حضرت و یا فرازهایی از آن را برای مردم می خواند ، به او حملهور

شده و به طرز وحشیانه ای وی را در داخل مسجد الحرام بین رکن و مقام به قتل می رسانند . این شهادت فجیع بر آسمان و زمین اثر می گذارد .
حادثه مذکور حرکتی مقدماتی و آزمایشی است که فایده های فراوان دارد . از

صفحه : ۲۸۱

جمله اینکه چهره درنده خوی حکام حجاز و نیروهای کافر حامی وی را برای مسلمانان آشکار می سازد و زمینه را برای نهضت حضرت مهدی (علیه السلام) که بیش از دو هفته بعد آغاز خواهد شد ، فراهم می سازد . در اثر این جنایت وحشیانه و شتابزده ، پشیمانی و ضعف بر تمام تشکیلات حکومتی آن سامان ، سایه می افکند .
ماجرای شهادت این جوان نیک سرشت در مکه ، در احادیث متعدد شیعه و سنی و بیشتر در منابع شیعه مطرح شده و از او بعنوان " جوان " یا " نفس زکیه " یاد

شده و برخی روایات نام وی را محمد بن حسن ذکر کرده اند ، از امیر مؤمنان (علیه السلام)

روایت است که فرمود :

" آیا نمی خواهید شما را خبر دهم از آخرین فرمانروای حکومت خاندان فلان ؟
گفتیم : چرا ای امیر

مؤمنان . فرمود : کشته شدن بیگناهی در سرزمین حرم توسط قومی از قریش .

سوگند به خدائی که دانه را

می شکافد و جان ها را می آفریند بعد از این واقعه بجز پانزده شب ، حکومتی برای آنان باقی نماند ،

پرسیدیم : آیا پیش از این حادثه یا بعد از آن اتفاقی رخ می دهد ؟ فرمود : در ماه رمضان صیحه آسمانی که

شخص بیدار را به وحشت افکند و خوابیده را بیدار سازد و دختران را از پشت پرده بیرون آورد . " (۱)

از آنجا که معنای جمله " قومی از قریش " نامفهوم است ، بنظر می رسد که در این عبارت ، خطائی صورت گرفته باشد . در روایتی طولانی که ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده چنین آمده است :

" قائم به یاران خود فرماید : ای قوم ! اهل مکه مرا نمی خواهند ، ولی من شخصی را به سوی آنان

می فرستم تا آنگونه که شایسته است بر آنها حجت را تمام کند . از این رو حضرت یکی از یاران خود را

فراخوانده و می گوید به مکه برو و این پیام را به مردم برسان و بگو : ای مردم مکه ، من پیام آور فلانی برای

شمایم ، که چنین می گوید : ما اهل بیت رحمت ، کانون رسالت و خلافت الهی و سلاله محمد (صلی الله علیه وآله) و از تبار

پاورقی -----

(1) (بحار : ۵۲ / ۲۳۴ .

انبیائیم ، از آن زمان که پیامبر ما رحلت کرد تا امروز در حق ما ظلم شد و بر ما ستمها رفت و حقوق مسلم ما

پایمال گردید ، اینک ما از شما یاری می خواهیم پس ما را یاری کنید . وقتی جوان این سخنان را ابلاغ کند ،

بر او هجوم آورند و او را در مسجد الحرام ، میان رکن و مقام به شهادت رسانند ، او همان " نفس زکیه "

است ، چون این خبر به اطلاع امام رسد به یاران خود فرماید : نگفتم به شما که اهل مکه ما را نمی خواهند ؟

یاران حضرت در کنار او باقی بمانند تا آن حضرت ظهور نماید و از کوه طوی با سیصد و سیزده نفر به تعداد

رزمندگان جنگ بدر ، فرود آید و به مسجد الحرام وارد شده و در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز گزارد . آنگاه

به حجر الاسود تکیه دهد و پس از حمد و ستایش خدا و یاد پیامبر و درود بر او ، سخنانی بیان کند که کسی

مانند آن نگفته باشد " (۱) .

طوی نام یکی از کوههای مکه و از ورودی های شهر است و آنچه درباره نفس زکیه در این روایت آمده ، صحیح است . اما آنچه در بیان چگونگی ظهور حضرت بهتر بنظر می رسد این است که آن بزرگوار و یارانش یک یک وارد مسجد الحرام می شوند ، چنانکه خواهیم گفت .

ابن حماد تعدادی روایت درباره نفس زکیه ای که در مدینه و نفس زکیه ای که در مکه به شهادت می رسند آورده است . (۲)

از جمله می گوید :

" مهدی خروج نکند مگر آنکه نفس زکیه کشته شود و چون او به شهادت رسید ،
اهل آسمان و زمین بر
قاتلان او غضبناک شوند ، آنگاه مردم نزد مهدی درآیند و همچون بردن عروس با
شور و نشاط گرداگرد او
جمع شوند ، او زمین را پر از عدل و داد گرداند . زمین رویش خود را فزونی بخشد
و آسمان از بارش دریغ
نورزد و امت من در سایه ولایت او به شکلی بی سابقه غرق در نعمتهای الهی گردند
" (۳) .

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۰۷ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد صفحات ۸۹ ، ۹۱ و ۹۳ .

3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۱ .

صفحه : ۲۸۳

و در روایتی دیگر از قول عمار بن یاسر آمده است :

" چون نفس زکیه و برادرش بی دلیل در مکه کشته شوند ، منادی از آسمان ندا

برآورد که : فرمانروای

شما فلانی است . او مهدی (علیه السلام) است که روی زمین را پر از حق و عدل

سازد " (۱)

* *

صفحه : ۲۸۴

صفحه : ۲۸۵

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

بگو حق آمد و باطل نابود شد ، همانا باطل نابود شدنی است (۱)

روایات ، در کیفیت آغاز نهضتِ ظهور و زمان آن ، اندکی با هم تفاوت دارند ولی بنظر می رسد که حضرت ابتدا در میان سیصد و سیزده صحابی خاص خود ظاهر می شود ، آنگاه در غروب نهم محرم ، یاران حضرت یک یک وارد مسجد الحرام شده و نهضت مقدس امام (علیه السلام) بعد از نماز عشاء با سخنان او برای اهل مکه آغاز

می گردد . سپس در همان شب ، یاران و سایر هواداران حضرت بر حرم و شهر مکه

مسلط می شوند روز بعد یعنی روز دهم محرم حضرت پیام خود را به جهانیان ابلاغ و هر کس به زبان خود پیام او را دریافت می نماید .

امام در مکه باقی می ماند تا حادثه فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین اتفاق افتد . آنگاه حضرت با سپاهی مرکب از ده هزار نفر یا کمی بیشتر ، رهسپار مدینه می گردد .

شایان توجه است که روایات ، آغاز نهضت امام (علیه السلام) از مکه را با واژه های " ظهور ،

خروج و قیام " بیان کرده اند و بنظر می رسد که این واژه ها دارای یک محتوا باشند

پاورقی -----

1 ((اسراء / ۸۱ .

صفحه : ۲۸۶

ولی برخی روایات بین ظهور و خروج فرق می گذارند . و نهضت امام (علیه السلام) در مکه را

" ظهور " و حرکت وی از آنجا به سوی مدینه را " خروج " می نامند و یادآور می شوند که ظهور امام (علیه السلام) در مکه با حضور یاران خاص او انجام می پذیرد ، در

حالیکه خروج وی از مکه به سوی مدینه زمانی رخ می دهد که تعداد یاران حضرت به ده هزار تن برسد و لشکر سفیانی در زمین فرو رود ، از عبدالعظیم حسنی (

رضوان

الله علیه) نقل شده که می گوید :

" به امام جواد (علیه السلام) عرض کردم : امیدوارم شما همان قائم اهل بیت محمد (صلی الله علیه وآله) باشید که زمین را از عدل

و داد پر می کند همانگونه که مملو از ظلم و بیداد شده باشد ، فرمود : ما اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه وآله) جملگی قائم به امر خدا و هدایت گر به دین او هستیم ، اما من آن قائمی نیستم که خداوند بوسیله او زمین را از لوٹ وجود کفار و منکرین پاک و سراسر گیتی را از عدل و داد سرشار گرداند ، او کسی است که ولادتش از مردم مخفی و شخص او از دیده ها پنهان و جاری کردن نامش بر زبان حرام است ، او همان رسول الله (صلی الله علیه وآله) و هم کنیه اوست ، زمین زیر پایش پیموده و هر کار دشواری برایش آسان گردد . . . یاران او به عدد اصحاب بدر سیصد و سیزده تن و از دورترین نقاط جهان گرد او جمع شوند و به این ماجرا اشاره دارد آیه قرآن که می فرماید : (هر جا که باشید خداوند همه شما را گرد هم آورد . او بر هر چیز تواناست (۱)) چون این تعداد از مردم زمین گرد او جمع شوند ، ظهور نماید و چون شمار یارانش به ده هزار رسد به اذن خدا خروج کند و پیوسته دشمنان خدا را به هلاکت رساند تا خشنودی او حاصل گردد . عبدالعظیم می گوید : پرسیدم : ای سرور من چگونه امام قائم از خشنودی خداوند آگاه گردد ؟ فرمود : با قرار دادن رحمت و مهربانی در دل او . " (۲)

همچنین اعمش از ابو وائل روایت کرده که امیر مؤمنان (علیه السلام) به فرزندش

حسین (علیه السلام) نگاه کرد و فرمود :

پاورقی -----

1 ((بقره / ۱۴۸ .

2 ((بحار : ۱۵۷ / ۵۱ .

صفحه : ۲۸۷

" این فرزند من سرور و سالار است ، چنانکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را
سید و سالار نامید . خداوند بزودی از

سلاله وی مردی به جهان بیاورد همان پیامبرتان که در صورت و سیرت چون او
باشد ، وقتی خروج کند که

مردم به خواب غفلت فرو رفته و حق و حقیقت مرده و ظلم و بیداد آشکار شده
باشد ، به خدا اگر خروج نکند ،

گردن او را نیز می زنند ، با ظهور و قیام وی اهل آسمان و ساکنانش شادمان شوند
و زمین از عدالت سرشار

گردد ، همانگونه که قبل از آن از ستم و جور پر شده باشد " (۱)

جمله حضرت که " اگر خروج نکند گردنش را می زنند " نشانگر این است که
دستگاه های

امنیتی دشمنان اندکی قبل از ظهور از ماجرا آگاه شده و چه بسا به نقشه حضرت پی
ببرند . از همین رو اگر امام خروج و قیام نکند مرگ او را تهدید خواهد کرد .

ابراهیم جریری از پدرش روایت کرده که گفت :

" نفس زکیه جوانی است از خاندان محمد (صلی الله علیه وآله) نامش محمد بن حسن که بی جرم و بی گناه کشته شود .
چون او را بکشند هیچ عذر و بهانه ای برای آنان در آسمان و زمین باقی نماند ، در این هنگام خداوند قائم آل محمد را در میان گروهی اندک و ناشناخته و بظاهر ضعیف و ناتوان برانگیزد ، وقتی خروج کنند ، مردم برایشان اشک ریزند ، زیرا یقین دارند که جملگی بزودی دستگیر خواهند شد ، اما خداوند شرق و غرب جهان را به روی آنها بگشاید ، آگاه باشید که آنان مؤمنان حقیقی اند و بدانید که (همراهی آنان) بهترین جهاد ، در آخر الزمان است " (۲)
از این روایت می توان فهمید که حضرت در آغاز کار با تعداد اندکی از یاران ظهور می کند به شکلی که مردم به حال آنان می گریند و تصور می کنند که بزودی دستگیر و کشته می شوند .

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

----- پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۱ / ۱۲۰ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۱۷ .

" همانا قائم از راه کوه ذی طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر فرود آید تا اینکه به

حجر الاسود تکیه داده و پرچم پیروزی را برافرازد ، علی بن حمزه گفت : این مطلب را به امام کاظم (علیه السلام)

عرض کردم ، امام فرمود : همراه با منشوری آماده اجرا " (۱) منظور روایت ، این نیست که امام (علیه السلام) با یارانش قبل از ورود به مسجد الحرام در

ذی طوی ظهور می کند بلکه منظور این است که آمدن امام (علیه السلام) و اصحابش به مکه از

راه ذی طوی و یا آغاز حرکت آنان به مسجد از آنجا صورت می گیرد و منظور از پرچم پیروزی ، پرچم پیامبر (صلی الله علیه وآله) است که طبق روایات نزد حضرت است ، پرچمی

که بعد از جنگ جمل گشوده نشده تا آنکه حضرت آن را به اهتزاز درآورد . بر اساس

روایات ، میراث پیامبر (صلی الله علیه وآله) و پیامبران دیگر نیز همراه آن حضرت است .

معنای عبارت " منشوری آماده اجرا " که در حاشیه روایت آمده این است که حضرت

دستور العملی لازم الاجرا برای مردم بیرون می آورد . شاید این دستور العمل ، همان

عهدنامه معروف باشد که با بیان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و خط امیر مؤمنان (علیه السلام) برای امام زمان

(عج) به نگارش درآمده است ، چنانکه روایت در همان منبع بدان اشاره می کند

در روایتی دیگر امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود :

" مهدی از گردنه کوه طوی با سیصد و سیزده مرد به عدد رزمندگان جنگ بدر ،

فرود آید تا وارد مسجد

الحرام شود . در مقام ابراهیم چهار رکعت نماز گزارد و به حجر الاسود تکیه زند و

پس از حمد و ثنای خدا و

یاد پیامبر (صلی الله علیه وآله) و درود بر او ، سخنانی گوید که هیچ یک از مردم ،

چنان سخنی نگفته باشد . نخستین کسانی

که با او دست بیعت دهند جبرئیل و میکائیل (علیهما السلام) باشند . " (۲)

البته روایات ، فرازهایی از خطبه یا نخستین پیام حضرت را که برای اهل مکه

ایراد می فرماید و نیز دومین پیامی که برای مسلمانان جهان ابلاغ می کند ، آورده

اند .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۳۰۶ / ۵۲ .

2 (بحار : ۳۰۷ / ۵۲ .

از آن جمله در نسخه خطی ابن حماد از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" مهدی هنگام نماز عشاء ظهور کند ، در حالی که پرچم رسول الله (صلی الله علیه و آله) و پیراهن و شمشیر او را با خود

دارد و دارای نشانه ها (ی مخصوص) و نور و بیان است . وقتی نماز عشاء را بجای آورد ، با صدای رسا

فرماید : ای مردم خدا را بیاد شما می آورم و موقعیت تان را در پیشگاه خدا خاطر نشان می سازم ، او حجت

خود را برگزید و پیامبران را برانگیخت و کتاب آسمانی فرو فرستاد . و شما را فرمان داد که چیزی را شریک

او قرار ندهید و اطاعت خدا و رسول او کنید و زنده کنید آنچه را که قرآن زنده کرده و بمیرانید آنچه را که قرآن

میرانده است (ترک کنید آنچه را که قرآن نهی کرده است) طرفدار راستی و هدایت و پشتیبان تقوا باشید .

زیرا نابودی و زوال دنیا نزدیک شده و اعلان وداع نموده است . من شما را به خدا و رسول و عمل به کتاب

خدا و ترک باطل و احیاء سنت الهی دعوت می کنم . سپس حضرت به همراه سیصد و سیزده مرد به شمار

یاران بدر ظهور خود را علنی کند . یارانی همچون ابرهای پائیزی ، زاهدان شب و شیران روزند و بدون قرار

قبلی گردهم آیند . خداوند سرزمین حجاز را برای مهدی (عج) بگشاید ، و هر
کس از بنی هاشم را که در
زندان بسر برد آزاد سازد . آنگاه درفش های سیاه در کوفه فرود آیند و گروهی را
جهت بیعت به سوی
مهدی (علیه السلام) گسیل دارند . حضرت لشکریان خود را به سراسر جهان
اعزام کند تا ظلم و ظالم از میان برود و
شهرها به عدالت و درستکاری درآیند . " (۱)
تعبیر " ابرهای پائیزی " برای این است که ابرهای پائیزی در آسمان پراکنده شده و
سپس به هم متصل می گردند . تشبیه یاران مهدی به ابرهای پائیزی نخستین بار
توسط امیر مؤمنان (علیه السلام) به کار رفته است (۲) . شاید این تعبیر را
حضرت امیر (علیه السلام) از
پیامبر (صلی الله علیه وآله) اقتباس کرده باشد و احتمال دارد ظهور مهدی (علیه
السلام) و گرد آمدن یارانش در
مکه چنانکه قبلا اشاره کردیم در فصل پائیز و یا آخر تابستان واقع شود .

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۹۵ .

2 () (نهج البلاغه خطبه ۱۶۶ .

صفحه : ۲۹۰

ابو خالد کابلی می گوید : امام باقر (علیه السلام) فرمود :

" سوگند به خدا گویا قائم را می بینم در حالیکه به حجر الاسود تکیه داده و حق

خویش را با سوگند خدا

یاد می کند و می گوید :

ای مردم : هر کس درباره خدا با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به خدا هستم .

ای مردم : هر کس درباره آدم با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به آدم هستم .

ای مردم : هر کس درباره نوح با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به نوح هستم .

ای مردم : هر کس درباره ابراهیم با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به ابراهیم هستم .

ای مردم : هر کس درباره موسی با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به موسی هستم .

ای مردم : هر کس درباره عیسی با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به عیسی هستم .

ای مردم : هر کس درباره محمد با من بحث و مناقشه کند ، من نزدیک ترین مردم

نسبت به محمد هستم .

ای مردم : هر کس درباره کتاب خدا با من به بحث و مناقشه پردازد ، من آگاه

ترین مردم به کتاب خدا

هستم ، آنگاه به مقام ابراهیم رفته و دو رکعت نماز گزارد " (۱)

در بعضی روایات ، علاوه بر مطالب فوق عبارت های دیگری نیز آمده است ، از

جمله می گوید : " ای مردم ، ما خدا را بیاری می طلبیم و هر کس دعوت ما را پذیرا باشد ، ما اهل بیت پیامبر شما محمد (صلی الله علیه وآله) و نزدیکترین افراد به او هستیم . . . من بازمانده و جانشین آدم و ذخیره نوح و برگزیده ای از سلاله ابراهیم و برگزیده خاندان محمدم . . . هان ! کسی که در سنت رسول خدا با من به بحث و استدلال پردازد ، من به سنت رسول خدا از هر کس آگاه تر و سزاوارترم " . آنگاه خداوند سیصد و سیزده یاور او را بدون وعده قبلی گرد او جمع نماید . . . آنها بین رکن و مقام با امام بیعت کنند . با آن حضرت عهدنامه ای است از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که آنرا فرزندان از پدران به ارث گذاشته اند " (۲)

----- پاورقی

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۱۵ .

2 ((بحار : ۵۲ ص ۲۳۸ - ۲۳۹ .

صفحه : ۲۹۱

در برخی احادیث آمده است که ابتدا یکی از اصحاب حضرت که مردم او را می شناسند در مسجد الحرام به پا می خیزد و آنان را برای شنیدن پیام حضرت و پذیرش دعوت او فرا می خواند .

از امام زین العابدین (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" مردی وابسته به او برخیزد و ندا دهد : ای مردم ! این شخص ، خواسته شماست که اینک نزدتان آمده ،

شما را به همان اموری دعوت می کند که پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) دعوت

فرمود ، با شنیدن این کلمات ناگهان مردم بپا

خیزند ، امام نیز برخیزد و چنین گوید : ای مردم ! من فلانی فرزند فلانی فرزند

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) هستم ، شما

را دعوت می کنم به آنچه پیامبر خدا دعوت فرمود ، در این وقت مردم آهنگ

کشتن او را کنند ، اما سیصد و

چند تن از یاران حضرت به پا خاسته و از وقوع این حادثه جلوگیری نمایند " (۱)

معنای جمله " مردی وابسته به او " یعنی از سلاله او و معنای " بپا خیزند " یعنی

می ایستند تا مهدی (علیه السلام) را که زبانه زد مردم شده و چشم انتظار وی

هستند ببینند و

شاید هدفشان این باشد که برخیزند و از ترس رژیم حاکم ، آماده بازگشت باشند .

و اما آنها که بسوی امام هجوم می برند و آهنگ کشتن وی را دارند بی گمان از

عمال رژیم حجازند ، روایت با دقت تمام حالت شور و نشاط مسلمانان را که در

جستجوی حضرتند همراه با وحشت و خشم مردم از حکومت به تصویر می کشد .

نکته قابل توجه اینکه بعید به نظر می رسد یاران خاص امام (علیه السلام) برای

آزاد سازی

حرم و مکه آنهم در چنان فضای دشواری که روایات بیان می کنند ، کافی باشند ،

فضائی که می توان آنرا از حادثه قتل وحشیانه نفس زکیه در دو هفته قبل از ظهور و
به

جرم اینکه می گوید : من فرستاده مهدی (علیه السلام) هستم و فرازهایی از پیام
امام (علیه السلام) را ابلاغ
می کند ، احساس کرد . بی تردید امام زمان (علیه السلام) علاوه بر اسباب غیبی
که خداوند در

پاورقی -----

1 ((بحار : ۳۰۶ / ۵۲ .

صفحه : ۲۹۲

اختیار وی قرار داده ، وسائل طبیعی را نیز مهیا می کند تا سخنان خود را به شکل
کامل به گوش مردم برساند و سپس یاران او بتوانند بر حرم شریف و آنگاه بر مکه
تسلط یابند و این کار به دست صدها و یا هزاران نفر از یاران یمنی ، ایرانی ،

حجازی

و حتی مکی وی که طبق روایات ، شماری از آنان با حضرت بیعت می کنند ،

انجام

خواهد گرفت ، اینها نیروهای انسانی و نظامی هستند که برای پیروزی نهضت
مقدس حضرت مهدی (علیه السلام) اقدام به کارهای مهم و ضروری می نمایند و
زمام امور را

در شهر مکه بدست می گیرند و موج پشتیبانی مردمی از آن حضرت را ، به حرکتی

سامان یافته تبدیل می کنند . در این ماجرا نقش سیصد و سیزده نفر یاران خاص امام (علیه السلام) نقش فرماندهی و ساماندهی فعالیت های دیگر هواداران خواهد بود .

آنچه گفته شد ، نشانگر این نیست که نهضت ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) نهضتی

خونین است ، چرا که روایات ، وقوع هیچ درگیری یا کشتار در مسجد الحرام و حتی

در مکه را نشان نمی دهد ، از برخی دانشمندان شنیده بودم که یاران مهدی (علیه السلام) امام

جماعت مسجد الحرام را در آن شب به هلاکت می رسانند . ولی من در این مورد روایتی نیافتم . تنها مطلبی که بدست آوردم عبارت کتاب الزام الناصب در ج ۲ ص ۱۶۶ به نقل از برخی علماء است که می گوید :

" روز دهم محرم حضرت حجّت خروج می کند و در حالی که هشت رأس بزغاله لاغر را پیشاپیش خود

می برد وارد مسجد الحرام می شود ، و خطیب آنان را به هلاکت می رساند و چون خطیب کشته شد ، حضرت

از چشم مردم در کنار کعبه غایب می شود و چون شب شنبه فرا رسد بر فراز بام کعبه می رود و سیصد و

سیزده تن یاران خود را ندا می کند ، آنان از شرق و غرب زمین گرد او جمع می شوند و صبح روز شنبه مردم

را به بیعت با خود فرا می خواند . "

اما این سخنان ، روایت نیست . بعلاوه مطالب آن همچنانکه اشاره کردیم ، پایه و اساس استواری ندارد .

صفحه : ۲۹۳

بنابراین بهتر است بگوئیم ، نهضت ظهور آن حضرت ، نهضتی است پاک و بدون خونریزی . و این واقعه به دلیل حمایت های غیبی امام (علیه السلام) و ترس و وحشتی که

خداوند در دل دشمنان او می اندازد عملی می گردد . از سوی دیگر افکار عمومی مردم مشتاقانه ظهور وی را لحظه شماری می کنند و خود حضرت با نقشه دقیقی که

جهت تسلط بر حرم ، مراکز قدرت و مواضع حساس مکه دارد ، بدون جنگ و خونریزی ماجرا را به اتمام می رساند . و بعید نیست اجرای بدون درگیری این عملیات به خاطر پاسداری از حرمت حرم و قداست مکه مکرمه باشد .

* *

... در آن شب مبارک ، شهر پر عظمت مکه ، نفس آسوده ای می کشد و پرچم امام زمان (علیه السلام) بر فراز آن به اهتزاز درآمده و نور بقیة اللہی از آن پرتو افکن می شود . . .

در حالیکه دشمنان و رسانه های خبری جهانی همسو با آنها می کوشند تا پیروزی نهضت مقدس حضرت را سرپوش گذاشته و با مخفی کردن حوادث ظهور آنرا حرکتی از سوی افراتیون و مدعیان مهدویت جلوه دهند که قبلا تعدادی از آنان در مکه و دیگر نقاط نابود شده اند . از سوی دیگر دشمنان حضرت در داخل مکه

دست به تحرک وسیعی می زنند تا از رهبری نهضت و نیروهای او و نقاط ضعف آنان

کسب اطلاع نموده و آنرا در اختیار سفیانی قرار دهند ، نیروهای سفیانی دستور دارند در سریعترین زمان ممکن خود را به مکه برسانند .

روز عاشوراء که به گفته بعضی روایات روز شنبه است ، حضرت (علیه السلام) وارد مکه

می شود تا بر جهانی بودن نهضت خویش تأکید نماید و تمام ملت‌های مسلمان و ملل جهان را به زبان خودشان مورد خطاب قرار دهد و از آنان علیه کافران و ستمگران یاری طلبد . از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

صفحه : ۲۹۴

" قائم ، روز شنبه که روز عاشورا است روزی که حسین (علیه السلام) در آن به شهادت رسید خروج می کند " (۱)

روایت قبلی ، ظهور حضرت را روز جمعه بعد از نماز عشاء بیان کرده بود ، حال با توجه به این دو روایت می توان گفت که ظهور امام (علیه السلام) در دو مرحله انجام می شود .

ابتدا سلطه امام بر حرم و مکه در شب دهم محرم صورت می گیرد و این عمل مقدمه

اعلان ظهور ، برای جهانیان در روز شنبه است که همزمان با روز عاشورا است . بی تردید این حادثه برای دولت های جهان دارای اهمیت بوده و انعکاس

فراوانی در میان ملل مسلمان دارد . بویژه زمانی که حضرت ، مردم را از معجزه ای که

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) بیان کرده باخبر می سازد ، معجزه ای که طی آن لشکریان سفیانی که

اهل سوریه هستند و برای سرکوبی نهضت حضرت به سوی مکه می آیند ، در زمین فرو خواهند رفت .

روایاتی که از مدت اقامت حضرت در مکه و اقدامات او خبر دهد اندک است . یکی از آنها می گوید :

" امام در مکه تا زمانی که خدای سبحان اراده کند باقی می ماند " (۲)

روایت دیگری می گوید : امام (علیه السلام) بر دزدان کعبه اجرای حد می نماید ، ممکن

است مراد از دزدان کعبه ، حکام حجاز قبل از ظهور حضرت باشند . اما بی گمان از

جمله اقدامات حضرت ، ایراد خطابه برای ملل اسلامی و اعلان موضع سیاسی جهانی او خواهد بود .

به گفته روایات ، امام (علیه السلام) از مکه خروج نمی کند مگر پس از وقوع معجزه فرو

رفتن سپاه سفیانی در زمین ، اما بنظر می رسد که این سپاه بعد از علنی شدن نهضت

پاورقی -----

1 ((بحار : ۲۸۵ / ۵۲ .

2 ((بحار : ۳۳۴ / ۵۲ .

امام به سرعت برای سرکوبی آن عازم مکه می شود و قبل از رسیدن به مکه خداوند آنها را در زمین فرو می برد .

آری ، سردمداران کفر در غرب و شرق عالم در برابر پیروزی نهضت حضرت مهدی (علیه السلام) واکنش شدیدی از خود نشان می دهند و آنچنان به خشم می آیند که

تسلط بر اعصاب و روان خویش را از دست می دهند ، امام صادق (علیه السلام) می فرماید :

" وقتی پرچم حق آشکار گردد ، اهل شرق و غرب بر آن نفرین کنند ، پرسیدم چرا ؟ فرمود : به سبب

آنچه که از بنی هاشم می بینند " (۱) و در روایتی " به سبب آنچه از اهل بیت او پیش از او می بینند " .

این روایت نشانگر آن است که چند جنبش زمینه ساز ، قبل از حضرت وجود خواهد داشت که رهبری غالب آنها را سادات بنی هاشم بر عهده دارند و کفر جهانی

از ناحیه این جنبش های اسلامی و موج اسلام خواهی آنها ، با دشواریهای فراوانی روبرو می شود .

بنا به نقل روایات ، امام (علیه السلام) پس از نصب فرمانداری برای مکه ، با سپاه خود که

مرکب از ده هزار و یا بیشتر است ، رهسپار مدینه می گردد ، امام باقر (علیه السلام) فرمود :

" با قائم بر اساس کتاب خدا و سنت رسول در مکه بیعت کنند و امام حاکمی بر مکه گمارد و آنگاه راهی

مدینه شود ، در بین راه به او خبر رسد که نماینده او را کشته اند ، امام به مکه بازگردد و فقط قاتل یا قاتلان او را به هلاکت رساند . " (۲)

از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود :
" او اهل مکه را با حکمت و موعظه نیکو ، به حق دعوت کند و آنها اطاعت کنند . آنگاه مردی از خاندان خود

را بعنوان نماینده خویش بر آنها بگمارد و آهنگ مدینه نماید . همینکه امام از مکه خارج گردد ، به نماینده او

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۶۳ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۰۸ .

صفحه : ۲۹۶

حملهور شوند ، از این رو امام بسوی آنها بازگردد ، آنان سرافکننده و گریان نزد امام بشتابند و گویند : ای

مهدی آل محمد ! توبه توبه (از کرده خود پشیمانیم ، از ما در گذر) امام آنها را
موعظه و به آنان اعلان خطر

نماید و از تبهکاری بر حذر دارد و نماینده ای دیگر از میان آنها انتخاب و سپس
رهسپار مدینه گردد " (۱)

البته این روایت ، اشاره به جنبشی که با امام در مکه درگیر شود ندارد و در روایت
اول که می گوید : قاتلان را می کشد ، ممکن است منظور افرادی باشند که
نماینده

وی را در مکه کشته اند .

امام (علیه السلام) در سر راه خود به مدینه ، از محل فرو رفتن لشکر سفیانی در
زمین ، عبور

می کند ، چنانکه روایتی در کتاب تفسیر عیاشی از امام باقر (علیه السلام) نقل
کرده که فرمود :

" مردی از آنان (آل محمد) در حالی که سیصد و سیزده تن او را همراهی می کنند
و پرچم پیامبر (صلی الله علیه و آله) را

با خود دارد ، آهنگ مدینه نماید (تا به محلی می رسند) امام می فرماید : اینجا
محل فرو رفتن لشکریان در

زمین به فرمان خداست و این تأویل آیه قرآن است که فرمود : آیا کسانی که به
نیرنگ خویش توطئه های

زشت انجام دادند در امانند از اینکه خداوند آنها را به زمین فرو برد یا عذاب از
جائی که فکرش را نمی کنند

آنان را فرا گیرد . یا آنها را در حال رفت و آمدشان بگیرد . پس آنها هرگز ناتوان
کننده خدا نیستند . " (۲)

آزاد سازی مدینه منوره و حجاز

روایات می گویند بر خلاف مکه ، حضرت در مدینه منوره در گیر یک یا چند نبرد
خواهد شد . از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که در روایتی طولانی چنین فرمود
:

" . . . آنگاه وارد مدینه شود ، پس قریش از آنها پنهان گردند . و این گفته علی بن
ابی طالب (علیه السلام) درباره

آنهاست که فرمود : بخدا سوگند قریش آرزو کنند که ای کاش می توانستند تمام
دارائی خود و آنچه را که

خورشید بر آن می تابد بدهند و در عوض به اندازه زمان کشتن شتری ، علی بن ابی
طالب را در کنار خود

پاورقی -----

1 ((بحار : ۱۱ / ۵۳ .

2 ((نحل ۴۶ - ۴۵ .

صفحه : ۲۹۷

بیانند (۱) . سپس حادثه ای به وقوع پیوندد که پس از آن قریش گویند : ما را نزد
این طاغی ببرید ، سوگند

بخدا اگر او محمدی یا علوی یا فاطمی بود دست به این عمل نمی زد ، آنگاه خداوند به شکل کامل حضرت را بر آنان مسلط گرداند و حضرت قاتلان را به هلاکت رسانده و همه وابستگان به آنها را به اسارت گیرد ، سپس حرکت کرده و در شَقْرَه (۲) فرود آید ، در آنجا به وی خبر رسد که نماینده او را کشته اند ، دگر بار به سوی آنها بازگردد و آنان را چنان هلاک کند که کشتار حَرّه در برابر آن ناچیز نماید . آنگاه مردم را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت کند . . . " (۳)

این روایت بیانگر دو نبرد در شهر مدینه است . نخستین نبرد بعد از وقوع حادثه ای است که بدست حضرت صورت می پذیرد و قریش و دیگران آن را نکوهش

نموده و ناخوش می دارند . بنظر می رسد که آن حادثه در ارتباط با تخریب مسجد پیامبر و قبر مطهر آن حضرت و بازسازی آنها باشد ، چنانکه روایات دیگر نیز آنرا بیان کرده اند . دشمنان آن حضرت این رویداد را بهانه ای برای تحریک مردم علیه امام (علیه السلام) و مبارزه با وی قرار می دهند ، حضرت با آنها به نبرد برمی خیزد و طبق روایتی

دیگر ، صدها تن از آنها را به هلاکت می رساند ، در این هنگام است که قریشیان یعنی بستگان قبایل قریش آرزو می کنند که ای کاش امیر مؤمنان (علیه السلام) هر چند به مقدار

کشتن ماده شتری حضور داشت تا آنها را از دست انتقام مهدی نجات می داد زیرا

سیاست امیر مؤمنان (علیه السلام) در مورد آنها سیاست بردباری و گذشت بوده است .

اما نبرد دوم ، بعد از پایان دادن به جنبش مخالفان و تعیین حاکم برای مدینه

پاورقی -----

1 () این آرزو برای آن است که ای کاش امیر مؤمنان حضور داشت و همچون

جنگ جمل آنان را

مورد عفو و رحمت قرار می داد . مترجم

2 () منطقه ای است در حجاز از سمت ایران و عراق . مترجم

3 () بحار : ۵۲ / ۳۴۲ از تفسیر عیاشی .

صفحه : ۲۹۸

است و آنگاه که امام به سوی عراق یا ایران رهسپار می شود و در منطقه شقره یا شقرات که احتمالاً اردوگاه سپاه حضرت است ، فرود می آید . خبر می رسد بار دیگر

مردم مدینه دست به اقداماتی در مخالفت با حضرت زده و نماینده منصوب

امام (علیه السلام) در مدینه را به قتل رسانده اند . امام (علیه السلام) به مدینه

باز می گردد و بیش از

کشتاری که لشکر اموی در واقعه مشهور " حره " از مردم مدینه داشت از آنان به

قتل

می رساند و مجدداً مدینه را تحت فرمانروائی خود در می آورد . شمار کشتگان حره

با توجه به منابع تاریخی ، بیش از هفتصد شهید ذکر شده است اما انقلاب و شورش حرّه علیه یزید بن معاویه بعد از قیام امام حسین (علیه السلام) اتفاق افتاد و انقلابی بود بر حق

و مشروع . بر خلاف طغیان اهل مدینه بر ضد امام مهدی (علیه السلام) . و تشبیه این دو حادثه

به یکدیگر صرفاً به جهت تعداد کشته گان آن حادثه است .

صاحب کتاب " یوم الخلاص " در ص ۲۶۵ بخشی از روایت سابق در تفسیر عیاشی را آورده و از آن چنین استفاده کرده که حضرت فقط هنگام ورود به مدینه درگیر نبرد خواهد شد . . . در حالی که ملاحظه می کنید این روایت بعد از ورود امام (علیه السلام) به مدینه از دو نبرد خبر می دهد . روایات کتاب یوم الخلاص نیاز به دقت و

بررسی دارد ، زیرا مؤلف آن به خود اجازه داده که روایات را جزء جزء نموده و اجزاء بعضی را به برخی دیگر ضمیمه نماید ، آنگاه آن روایت ترکیب شده را به مأخذی نسبت دهد که تنها بخشی از روایت ، یا مشابه آن ، در مأخذ آمده است ! احتمال دارد هنگام ورود حضرت به مدینه عناصر باقی مانده حکومت و یا نیروهای سفیانی ، مقاومتی از خود نشان داده یا نبردی بین آنان واقع شود و امام (علیه السلام)

بر آنان پیروز گردد .

ولی من روایتی که نشانگر این درگیری باشد ندیدم ، اما روایتی یافتیم که به رضایت اهل مدینه از حضور حضرت و عدم مقاومت آنها در برابر امام (علیه السلام) اشاره (

می کند . در کتاب کافی از امام صادق (علیه السلام) در ضمن روایتی مفصل آمده است که

فرمود :

" در آن روز هر کس از فرزندان علی (علیه السلام) که در مدینه باشد به مکه گریزند تا در آنجا به صاحب امر

ملحق گردند و صاحب امر رهسپار عراق شده و لشکری را به مدینه گسیل دارد تا مردم آن سامان در امنیت

بسر برند و مردم دوباره به مدینه برگردند . " (۱)

آنچه محتوای این روایت را تأیید می کند آن است که اهل مدینه نظاره گر لشکر سفیانی بوده و وقوع معجزه فرو رفتن آنان در زمین را مشاهده کرده و ضعف حکومت حجاز و چه بسا سقوط آن بعد از واقعه فرو رفتن سفیانیان را دیده و شاهد موج پشتیبانی افکار عمومی از حضرت مهدی (علیه السلام) بوده اند . . . علاوه بر همه اینها

احساس مردم مدینه این است که امام از خود آنان است .

همانطور که ملاحظه می کنید این روایت نشان می دهد که در آن دوره امام شخصاً به مدینه وارد نمی شود ، بلکه سپاهی را به آنجا اعزام می کند . این احتمال به واقعیت نزدیک تر است .

به هر حال روایات ، حاکی از آن است که خداوند ، حجاز را به دست حضرت آزاد می سازد و این بدان معنی است که عناصر باقیمانده حکومت ضعیف حجاز

سقوط کرده و بقایای نیروهای سفیانی شکست می‌خورند . احتمال دارد آزاد سازی

حجاز و بیعت مردم آن سامان با حضرت ، بعد از استیلای امام (علیه السلام) بر مکه و پس از

وقوع معجزه فرو رفتن سفیانیان باشد .

با قرار گرفتن سرزمین حجاز تحت فرمانروایی امام ، قلمرو دولت آن بزرگوار با وجود مخالفانی در عراق ، کشورهای یمن ، حجاز ، ایران و عراق را دربرمی‌گیرد

.

----- پاورقی

1 ((کافی : ۲۲۴ / ۸ .

صفحه : ۳۰۰

با توجه به تسلط امام بر حجاز ، باید خلیج نیز تحت فرمان امام درآید . این اتفاق

ممکن است با کمک ملت های آن منطقه و یا با پشتیبانی یاران یمنی و ایرانی

صورت

پذیرد .

برپایی دولتی با این گستردگی ، به رهبری امام مهدی (علیه السلام) واکنش

شدیدی در

شرق و غرب خواهد داشت زیرا تسلط حکومت مهدی (علیه السلام) بر تنگه باب

المنذب و

تنگه هرمز ، خطری استراتژیک و اقتصادی برای آنان محسوب می گردد و مهمتر از آن ، خطر تمدن و گسترش فرهنگ اسلام است که موجودیت شرق و غرب و یهود را به لرزه می اندازد . در روایتی از امام صادق (علیه السلام) بیان شد که شرق و غرب ، پرچم

مهدی (علیه السلام) یعنی انقلاب و حکومت او را نفرین می کنند .

احتمال دارد که نیروهای غرب و شرق پس از آنکه تمام نفوذ و سلطه خود را در مناطق آزاد شده از دست دادند ، ناوهای جنگی خود را در خلیج فارس و دریاهای مجاور منطقه به حرکت درآورند . و چیزی جز حضور در دریا و تهدید با نیروی دریائی و هوائی برایشان باقی نماند و چه بسا همانها آتش افروزانِ درگیری های بصره و منطقه اصطخر باشند که بزودی به ماجرای آن خواهیم پرداخت .

حرکت حضرت مهدی (علیه السلام) بسوی ایران و عراق

در روایات پیرامون حرکت حضرت از حجاز ، تفاوت هایی به چشم می خورد .

تصویر کلی بسیاری از احادیث شیعه بیانگر آن است که امام (علیه السلام)

مستقیماً از حجاز

رهسپار عراق می گردد . برخی منابع دیگر می گویند : او مستقیم از شهر مکه وارد آن

سامان می شود . این مطلب ، روایت کتاب کافی را تأیید می کند که می گفت

امام (علیه السلام)

لشکری به سوی مدینه گسیل می دارد .

اما روایات منابع سنی ، گویای آن است که حضرت از مکه به شام و قدس

می رود یا ابتدا به عراق و سپس به سوی شام و قدس حرکت می نماید . تنها یکی
دو

روایت در نسخه خطی ابن حماد می گوید : امام (علیه السلام) ابتدا به جنوب
ایران می آید و

ایرانیان به همراه رهبر خراسانی آنان و فرمانده سپاه وی شعیب بن صالح با حضرت
بیعت می نمایند و آنگاه به اتفاق ایرانیان در منطقه بصره به نبرد علیه سفیانی
می پردازند . سپس حضرت وارد عراق می گردد .

آنچه از مجموع روایات استفاده می شود این است که آغاز نهضت ظهور امام (علیه السلام)

شهر مکه و هدف آن قدس شریف است . اما در این میان ، مدتی به سر و سامان
دادن دولت جدید خود و بویژه وضع عراق و تدارک سپاه خویش جهت پیشروی به
سوی قدس خواهد پرداخت .

بدیهی است روایات ما در صدد بیان همه تحرکات و اقدامات امام (علیه السلام)
نبوده اند

بلکه آنها ، تنها حوادثی را به تصویر می کشند که اعلان آن زبانی به نهضت امام
وارد

نساخته و شوق امید در دل مسلمانان را زنده می نماید و با تقویت روح ایمان ، آنان
را بر یاری و نصرت حضرت آماده کند .

به احتمال قوی امام (علیه السلام) در این مدت به اقتضای مصلحت ، بین حجاز ،
ایران ،

عراق و یمن در رفت و آمد خواهد بود و شخصاً در نبردهای سپاهش شرکت

نخواهد کرد مگر وقتی که ضرورت این حضور احساس شود .

در فصلی که مربوط به ایران بود روایتی را برگزیدیم که بر اساس آن آمدن امام (علیه السلام)

به جنوب ایران از چند جهت قابل پیش بینی است :

الف : روایات موجود در منابع شیعه و سنی بیانگر آن است که جنگ بصره بعد از آزاد شدن حجاز به وقوع می پیوندد . جنگی که از آن به جنگی بزرگ و سرنوشت ساز

تعبیر شده است .

ب : بخش اصلی سپاه امام را حداقل در آن منطقه ، ایرانیان تشکیل می دهند .

صفحه : ۳۰۲

بنابراین آمدن امام (علیه السلام) به ایران جهت آمادگی در جنگ بصره و خلیج

فارس ، امری

طبیعی خواهد بود . ابن حماد در نسخه خطی خود از ولید بن مسلم و رشد بن سعد

از ابو رومان از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) آورده است که حضرت فرمود :

" وقتی سواران سفیانی به سوی کوفه روی آورند ، گروهی را به جستجوی اهل

خراسان فرستند و در آن

حال اهل خراسان در جستجوی مهدی بیرون آیند ، آنگاه بین امام و مرد هاشمی با

درفش های سیاه که

شعیب بن صالح پیشاپیش آنها است ملاقاتی رخ دهد سپس در دروازه استخر ، امام

و یاران سفیانی با

یکدیگر برخورد نمایند بگونه ای که بین آنها کارزار بزرگی اتفاق افتد سپس یاران
درفش های سیاه غلبه

یابند و سپاه سفیانی از معرکه بگریزند ، در این هنگام مردم تمنای دیدار مهدی
کنند و او را جويا شوند " .

اگر چه سند این روایت ضعیف است و در متن آن آشفتگی وجود دارد اما جنگ
بصره را که در فصل مربوط به عراق گذشت تأیید می کند همچنانکه روایات
مربوط

به عکس العمل شدید شرق و غرب در برابر پیروزی انقلاب مهدی (علیه السلام)
نیز ، برخی

از روایات نبرد بصره را تأیید می کند و بیانگر آن است که طرف مقابل مهدی (علیه السلام) و

یارانش ، غربی هایی هستند که پیرو انجیل اند و به احتمال زیاد لشکر سفیانی پیش
قراول نیروهای غربی است .

امیر مؤمنان (علیه السلام) در خطبه ای مفصل راجع به بصره می فرماید :
" از اهل بصره به تعداد شهدای ابله در پی او (سفیانی) روان شوند ، در حالی که
انجیل هایشان بر

سینه شان آویخته است " (۱)

در تفسیر عیاشی آمده است : امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه شریفه " یا
معشر الجن

والإنس إن استطعتم أن تنفذوا من أقطار السموات والأرض فأنفذوا لا تنفذون إلا
بسلطان " (۲) فرمود :

1 () شرح نهج البلاغه ابن میثم : ۱ / ۲۸۹ و بحار : ۳۲ / ۲۵۳ .

2 () الرحمن / ۳۳ .

صفحه : ۳۰۳

" او (امام زمان (علیه السلام)) با هفت قبه نور در پشت کوفه فرود آید و

مشخص نشود که در کدامیک قرار دارد و

این آیه مربوط به زمان فرود او است . "

و در روایت دیگر آمده است : " حضرت در قبه ای از نور ، در پشت کوفه و در

منطقه فاروق فرود

آید " .

ممکن است این حادثه کرامتی آسمانی نسبت به حضرت باشد و شاید هم

تعبیری از ورود امام (علیه السلام) بوسیله یک اسکادران هواپیما و یا وسائل مشابه

باشد که در

روایات به قبه نور تعبیر شده است ، به هر حال بیان این مطلب به تفسیر آیه شریفه

کمک می کند .

درباره اقدامات امام (علیه السلام) در عراق روایات زیادی وارد شده که برخی را

در فصل

مربوط به عراق یادآور شدیم و سایر موارد را در اینجا بطور خلاصه می آوریم .

الف : روایات بسیاری درباره تصفیه اوضاع داخلی عراق و کشته شدن گروههای

شورشى بدست امام (عليه السلام) وارد شده كه بيشتر آنها در جاى خود بيان شد

ب : ورود حضرت به كوفه ، نجف و كربلا و انتخاب كوفه به عنوان مركز ، و ساخت مسجد جامعى با کاربرد جهانى در نزديكى كوفه كه طبق روايات داراى يك

هزار در ورودى خواهد بود .

از امام صادق (عليه السلام) منقول است كه فرمود :

" زمانى كه قائم ما قيام كند ، زمين به نور الهى روشن و درخشان گردد بگونه اى كه مردم از پرتو

خورشيد بى نياز شوند و عمر مردان در زمان حكومت او چنان طولانى شود تا هر مردى صاحب هزار فرزند

پسر گردد و در آنها دختر نباشد . وى مسجدى در نجف بنا كند كه داراى هزار در است . خانه هاى كوفه به نهر

كربلا و به حيره متصل گردد تا جائى كه اگر كسى روز جمعه با استرى چابك و لاغر ، آهنگ آن ديار كند تا نماز

جمعه را درك كند موفق نشود . " (۱)

----- پاورقى

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۰ .

و نیز امام باقر (علیه السلام) می فرماید :

" وقتی جمعه دوم فرا رسد مردم گویند ای فرزند پیامبر خدا ، نماز جمعه به امامت شما برابر با نماز

پشت سر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) است و این مسجد گنجایش ما را ندارد ، آنگاه امام نقشه مسجد مستحکمی را

ترسیم کند که دارای هزار در باشد و مردم را در خود جای دهد . " (۱)

ظاهراً منظور از هزار در ، وسعت و گستردگی مسجد است ، زیرا مسجدی که مسلمانان بخواهند از سراسر جهان برای شرکت در نماز جمعه به امامت حضرت گردهم آیند ، با در نظر گرفتن امکانات جانبی مورد نیاز از قبیل فرودگاه ، ترمینال ،

پارکینگ و . . . مساحتی بین کوفه و کربلا را نیاز دارد که بالغ بر هشتاد کیلومتر است .

ج : از دیگر اقدامات حضرت ، اعتلا بخشیدن به موقعیت کربلا بعنوان یک پایگاه جهانی و تکریم از جد بزرگوارش ، حضرت حسین بن علی (علیه السلام) است . از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" خداوند کربلا را دارای موقعیت و مقامی قرار دهد که محل آمد و شد فرشتگان و مؤمنان گردد و به

عالی ترین مقام و مرتبه برسد " (۲)

د : معجزه ای در نجف از حضرت ظاهر شود . آن هنگام که حضرت ، زره جدش پیامبر (صلی الله علیه وآله) را بپوشد و بر مرکب ویژه او سوار شود و جهان را به پرتو خود روشنائی

بخشد ، بگونه ای که مردم هر جا که هستند ، حضرت را ببینند ، در حالی که او در جایگاه خویش مستقر است . از امام صادق (علیه السلام) در این باره منقول است که فرمود :

" گویا من قائم را در پشت نجف مشاهده می کنم که زره پیامبر خدا (صلی الله

علیه وآله) را به تن کرده زرهی که متوازن

با قامت اوست سپس آن را جابجا می کند تا بر قامتش موزون گردد . آنگاه زره را

با جامه ای ابریشمی

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۱ .

2 ((بحار : ۵۳ / ۱۲ .

صفحه : ۳۰۵

پوشاند . سپس بر اسب ابلق خود که میان دو چشمش ستونی از نور می درخشد

سوار شود و آنرا به پرواز

درآورد ، اهل هیچ سرزمینی نیست که این نور به آنها نرسد تا نشانه ای برایشان باشد

، سپس حضرت

پرچم پیامبر (صلی الله علیه وآله) را برافرازد و با برافراشتن آن ، شرق و غرب

جهان به نورش روشن گردد " (۱)

در همین منبع از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" گویا او را می بینم بر اسبی سپید پا که ستونی از نور از پیشانیش می درخشد

نشسته و از وادی السلام

به سوی رودخانه سهله پیش می رود و در حال دعا چنین می گوید : " لا إله إلا الله

حقاً حقاً ، لا إله إلا الله تعبداً و

رقاً . اللهم معز كل مؤمن وحيد ومذل كل جبار عنيد ، أنت كنفى حين تعيينى

المذاهب ، وتضيق على الأرض بما

رحبت ، اللهم خلقتى وكنت غنيا عن خلقى ، ولولا نصرک إياى لكنت من

المغلوبين ، يا منشر الرحمة من

مواضعها ، ومخرج البركات من معادنها ، ويا من خص نفسه بشموخ الرفعة فأولياؤه

بعزه يتعززون ، يا من

وضعت له الملوك نير المذلة على أعناقهم ، فهم من سطوته خائفون . . . "

در صفحات آینده به امدادهای غیبی ، کرامات و معجزاتی اشاره خواهیم کرد که

خداوند بدست حضرت آشکار می سازد و روایاتی را بیان خواهیم کرد که بیانگر

تکامل علوم در عصر حضرت است .

ه : از جمله اقدامات حضرت (علیه السلام) در عراق انتخاب مسجد سهله بعنوان

محل

سکونت خود و خانواده او است . مسجد سهله در کنار کوفه است .

در این باره روایاتی وارد شده و گویای آن است که حضرت (علیه السلام) پس از

ظهور ،

دارای همسر و فرزند خواهد بود .

و : توقف طولانی حضرت در عراق قبل از حرکت به طرف قدس نیز قابل توجه

است :

" سپس آن حضرت به کوفه آمده و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا اقامت گزیند
" (۲) .

----- پاورقی

1 ((بحار : ۳۹۱ / ۵۲ .

2 ((بحار : ۲۲۴ / ۵۲ .

صفحه : ۳۰۶

بنظر می رسد علت این توقف طولانی ، سر و سامان دادن به وضع داخلی عراق ،
تثبیت کوفه بعنوان مرکز حکومت ، جمع کردن نخبگان اصحاب حضرت از تمامی
عالم ، تجهیز و اعزام نیروهای نظامی به دیگر کشورها و سرانجام حرکت بسوی
قدس و فتح بیت المقدس باشد .

امام باقر (علیه السلام) می فرماید : هنگامی که قائم (علیه السلام) وارد کوفه
شود ، هیچ مؤمنی باقی نماند مگر آنکه در
کوفه باشد یا به آن سو حرکت کند و این را امیر المؤمنین (علیه السلام) خبر داده
است . آنگاه حضرت به اصحابش

فرماید : به سوی این طغیانگر (یعنی سفیانی) حرکت کنید . (۱)

همچنین فرمود : گویا قائم (علیه السلام) را می بینم که از مکه بسوی نجف
کوفه در حرکت است ، در حالیکه

پنج هزار فرشته با او همراهند . جبرئیل از سمت راست ، میکائیل از سمت چپ و

مؤمنین در پیش رو قرار

دارند . او سپاهیان را به تمام کشورها اعزام می کند (۲) .

و در روایت دیگر آمده که " شعیب بن صالح پیشاپیش سپاه اوست " او فرمانده

سپاه

است .

در بعضی روایات آمده : اولین سپاهی که حضرت گسیل می دارد ، برای جنگ با

ترک ها است .

در کتاب خطی ابن حماد ص ۵۸ از ارطاه چنین نقل می کند : سفیانی با ترک ها

می جنگد ولی نابودی ترک ها بدست مهدی (علیه السلام) است . این اولین

پرچمی است که حضرت برای جنگ

برافرازد و به سوی ترکها اعزام نماید . (۳)

----- پاورقی

1 ((بحار ۵۲ / ۳۳۰ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۷ .

3 ((شبیه این روایت در کتاب الملاحم والفتن ابن طاووس ص ۵۲ آمده . او

حدود هفتاد صفحه و

یا بیشتر ، از کتاب ابن حماد را در کتابش آورده است .

از مجموع روایات چنین برمی آید که امام (علیه السلام) در عراق به کارهای زیر
بنائی نظیر

سر و سامان دادن به اوضاع دولت جدید و تثبیت آن ، برقراری امنیت در مرزهای
شرقی از سمت روسیه و چین و آنگاه بسیج عمومی سیاسی و نظامی جهت نبرد
بزرگ آزاد سازی قدس اقدام می نماید .

پیشروی به سوی قدس

احادیث می گویند که حضرت مهدی (علیه السلام) برای نبرد با رومیان سپاهی به
انطاکیه

می فرستد که در میان آنها بعضی از اصحاب امام حضور دارند ، آنها از غار انطاکیه
صندوق مقدس را بیرون می آورند صندوقی که در آن نسخه اصلی تورات و انجیل
موجود است . (۱)

پیدا شدن صندوق مقدس برای غربی ها که نیروهایشان را برای جنگ با حضرت
در ساحل انطاکیه آماده کرده اند ، نقش بازدارنده خواهد داشت .

بر اساس روایات ، این نیروها در پی ندای آسمانی ماه رمضان ، در آن منطقه
فرود می آیند و خداوند اصحاب کهف را بعنوان معجزه برای آنان آشکار می سازد .
از امیر مؤمنان (علیه السلام) منقول است که فرمود :

" رومیان به ساحل دریا نزدیک غار اصحاب کهف روی آورند و خداوند آن جوانان
را همراه با سنگشان

از غار برانگیزد ، دو نفر از آنان به نامهای ملیخا و خملاها ، دو شاهد مسلم برای
حضرت قائم اند " (۲)

شاید عبارت اخیر به این معنا باشد که ملیخا و خملاها نزد حضرت آمده و

بیعت می کنند و یا میراث هایی که اصحاب کهف با خود دارند ، تقدیم حضرت می نمایند .

----- پاورقی

1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۸ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۲۷۵ .

صفحه : ۳۰۸

ظهور معجزه امداد غیبی ، غربیان را در ورود به جنگ با حضرت و طرفداری از یهودیان و سفیانی دچار تردید می کند .

معجزه اول ؛ ظاهر شدن اصحاب کهف و معجزه دوم استخراج صندوق مقدس و نسخه هایی از تورات و انجیل از غار انطاکیه و استدلال یاران حضرت بوسیله آنها بر غریبهاست . از این رو بعید بنظر می رسد که بین غربی ها و حضرت در انطاکیه درگیری بوجود آید .

همچنانکه پیاده شدن نیروهای غربی در ساحل ترکیه و نه خود ترکیه ، حاکی از آن است که این کشور خارج از نفوذ غربی هاست یا اینکه ترکیه در آن برهه با قیام و

انقلاب مردم و یا توسط سپاهیان حضرت آزاد گشته است .

اما نیروهای رومی (غربی) که در ساحل فلسطین (رمله) پیاده می شوند همان نیروهایی هستند که در برخی از روایات ، به شورشیان روم توصیف شده اند و به نظر

می رسد که آنها در نبرد قدس به جانبداری از یهودیان و سفیانی شرکت کنند .
همچنین بعضی روایات بیانگر آن است که حضرت ، سپاه خود را برای ورود به
نبرد قدس به سوی شام اعزام می کند و احتمال دارد که امام (علیه السلام) شخصاً
در آن نبرد

شرکت نکند بلکه پس از شکست دشمنان ، وارد قدس شود . ولی بیشتر روایات
حاکی از آن است که امام (علیه السلام) به همراه سپاهیان خود رهسپار منطقه
شده و در " مرج

عذراء " نزدیک دمشق اردو می زند .

امام باقر (علیه السلام) فرمود :

" آنگاه (امام) به کوفه می آید و تا زمانی که خدا بخواهد در آنجا می ماند تا اینکه
بر آنجا سیطره یابد ،

سپس با همراهان خود به " مرج عذراء " وارد شود و عده زیادی از مردم به او
بپیوندند . در آن هنگام سفیانی

در وادی رمله است . آن روز ، روز جابجائی (نیروها) است ، جمعی از پیروان آل
پیامبر (صلی الله علیه وآله) که با سفیانی

همراهند به نیروهای امام (علیه السلام) ملحق شوند و گروهی از طرفداران سفیانی
که در زمره پیروان آل پیامبر خود

صفحه : ۳۰۹

را جا زده اند بیرون آمده و به سپاه سفیانی بپیوندند ، و هر دسته ای به پرچم و
لشکر خود ملحق شوند . امیر

مؤمنان (علیه السلام) فرمود : در آن روز ، سفیانی و هر که با او باشد کشته شوند ، حتی خبر دهنده ای از آنان باقی

نماند و در آن روز زیانکار است کسی که از غنائم فراوان سفیانی محروم بماند " (۱)

از این روایت می توان فهمید که پشتیبانی افکار عمومی از امام سبب می شود و ورود سپاهیان حضرت به خاک سوریه ، بدون هیچ مقاومتی صورت گیرد و حضرت

در سی کیلومتری دمشق اردوگاه خود را مستقر سازند .

نبرد امام (علیه السلام) با یهود

بر اساس روایات ، چهره سیاسی منطقه ، قبل از نبرد قدس بدین گونه است :

پیروزی های غیر منتظره یاران حضرت در یمن ، حجاز ، عراق و احتمالاً پیروزی او بر غربی ها در منطقه خلیج ، رومی ها و غربی ها را از رویارویی با حضرت به شدت

نگران و هراسان می سازد . این هراس با موج خروشان ملت های مسلمان بویژه مسلمانان منطقه در حمایت از امام (علیه السلام) قوت می گیرد . پیدایش معجزات و

نشانه های الهی پیش از ظهور یا همزمان با آن نیز تأثیر شگرفی بر ملت های غربی خواهد گذاشت و بر آشفتگی وضع حکومت های آنها خواهد افزود به شکلی که آنها به کاری غیر از اعزام نیروهای خود به ساحل انطاکیه و رمله در فلسطین و یا مصر اقدام دیگری نخواهند کرد .

بنابراین نقش غربیها در این نبرد ، تنها به پشتیبانی از هم پیمانان یهودی و

سفیانی منحصر خواهد شد .

اما وضع یهودیان بسیار وحشتناک تر و پیچیده تر است ، چرا که این جنگ برای آنان سرنوشت ساز است از این رو یهودیان ترجیح می دهند که از درگیری مستقیم با

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۲۲۴ .

صفحه : ۳۱۰

سپاه مهدی (علیه السلام) اجتناب کرده و به جای آن با حمایت از خطوط

مشترک دفاع عربی

که با سفیانی تشکیل می شود ، اهداف خود را پیگیری کنند . این یک اصل کلی و سنت ثابت میان حکومت های طغیانگر است که همواره ترجیح می دهند تا دیگران به نمایندگی از طرف آنها بجنگند و در پس پرده و در خط دوم یا سوم باقی بمانند چنانکه امروز این روش را در میان یهودیان بطور عموم مشاهده می کنیم .

در همین حال ، افکار عمومی مردم منطقه ، در راستای حمایت شدید از امام (علیه السلام)

پیش می رود و این حمایت به حدی است که اگر پشتیبانی نیرومند قدرت های خارجی غربی و یهودی از سفیانی نباشد ، می توانند سفیانی را نابود و سرزمین شام را به حکومت حضرت ملحق کنند .

اما بعید نیست همزمان با عقب نشینی نیروهای سفیانی از مقابل سپاه حضرت ،

سرزمین شام در حالت خلأ یا شبه خلأ سیاسی قرار گیرد .

ابن حماد ، در نسخه خطی کتاب خود ، بیست روایت را تحت عنوان " خروج مهدی از مکه به سوی بیت المقدس " آورده که تعدادی از آنها در منابع ما شیعیان نیز وجود دارد . از جمله روایت ابن وزیر غافقی از علی (علیه السلام) است که می فرماید :

" او با تعداد حداقل دوازده و حداکثر پانزده هزار نفر ، خروج کند ، ترس و وحشت پیشاپیش او (به دل

دشمنان) راه یابد . با هر دشمنی برخورد کند به فرمان خدا از پای درآورد ،

شعارشان درهم کوبیدن دشمنان

است . در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نهراسند . سپس هفت لشکر از شام

بسوی آنها هجوم آورد که

جملگی را شکست داده و آنها را به اسارت خویش درآورند . در آن زمان محبت ،

نعمت و فضای " قاصه " و

" بزاره " به میان مسلمانان باز گردد و پس از آنها جز خروج دجال حادثه ای باقی

نماند ، پرسیدیم : قاصه و

بزاره چیست ؟ فرمود : هرگاه امام زمان حکومت را بدست گیرد هر کس هر چه

خواهد بگوید و از چیزی

نهراسد " (۱)

----- پاورقی

در همین کتاب آمده است :

" مهدی می رود تا در بیت المقدس فرود آید ، خزائن را از همه سو نزد او آورند ،

عرب ، عجم ، جنگ

افروزان ، رومیان (غربی ها) و دیگران جملگی به اطاعت وی درآیند " (۱) .

و در جائی دیگر از این منبع آمده که :

" مهدی گوید پسر عموی من (سفیانی) را بیاورید تا با او سخن گویم ، او را نزد

امام آورند ، حضرت با

وی گفتگو کند تا تسلیم امر امام شده و با او بیعت نماید ، اما همینکه سفیانی نزد

یارانش از قبیله بنی کلب

بازگردد ، او را از کرده خود پشیمان سازند ، او نزد امام بازگردد و بیعت خود را

پس بگیرد ، سرانجام بین

امام و سفیانی که به هفت گروه و دسته تقسیم شده اند ، نبرد سختی واقع شود و

فرمانده هر دسته ای

خواستار بدست گیری زمام امور به نفع خود باشد . امام (علیه السلام) همه را

شکست دهد " (۲)

و باز در همین مصدر :

" سفیانی بیعت خود را از امام (علیه السلام) باز پس گیرد و امام بطلان آن را

اعلام کند ، آنگاه او لشکریان خود را

برای مبارزه با حضرت بسیج نماید که امام (علیه السلام) وی را شکست دهد .

خداوند رومیان (غربی ها) را نیز

بوسیله آن بزرگوار به شکست کشاند . " (۳)

سفیانی از نظر نسب پسر عموی امام مهدی (علیه السلام) محسوب می شود ، زیرا
سفیانی

از نسل امیه است و امیه و هاشم چنانکه معروف است با هم برادر بوده اند .

اگر این روایت ها صحیح باشند ، باید گفت که امام (علیه السلام) می خواهد با

این سیاست

حکیمانه و اخلاق نیکو حتی الامکان او را از گمراهی بازگرداند و یا بر او اتمام

حجت نماید گرچه سفیانی موقتاً از شخصیت حضرت تأثیر می پذیرد ، اما بسرعت

پاورقی -----

1 () نسخه خطی ابن حماد ص ۹۶ .

2 () نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷ .

3 () نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷ .

صفحه : ۳۱۲

پشیمان شده و در ظاهر خویشاوندان بنی کلبی و سران ارتش او و در پشت پرده ،

اربابان غربی و یهودیش او را از بیعت با امام منصرف می سازند .

از امیر مؤمنان (علیه السلام) در توصیف این نبرد آمده است که :

" خداوند بر سفیانی غضب کند و بندگان خدا نیز با خشم الهی بر او خشمگین

شوند ، آنگاه پرندگان با

بالها ، کوهها با صخره ها و فرشتگان با فریادشان به سوی آنها نشانه روند و ساعتی نگذرد که خداوند تمام

یاران سفیانی را هلاک سازد و جز او (سفیانی) کسی از دشمنان ، در زمین باقی نماند . امام او را دستگیر و

در زیر درختی مشرف بر دریاچه طبریه به قتل رساند " (۱) .

علاوه بر آنچه در روایت قبل ذکر شد بعضی روایات ، این نبرد را از دیگر امدادهای غیبی برای مسلمانان دانسته اند ، از جمله :

" در آن روز صدایی از آسمان به گوش رسد که ندا کند : آگاه باشید ولیّ خدا ، فلانی یعنی مهدی است و

شکست و تیره روزی از آن یاران سفیانی . سپس جملگی کشته شوند غیر از یک نفر فراری . " (۲)

* *

ظاهراً منظور از نبرد مسلمانان با یهود در آخر الزمان که در منابع شیعه و سنی آمده ، همین نبرد باشد ، چرا که شباهت فراوانی در محتوای این روایات با روایاتی وجود دارد که در تفسیر این آیه از قرآن " بعثنا علیکم عبداً لنا أولى بأس شدید " وارد شده

است . این آیه به امام مهدی (علیه السلام) و یارانش تعبیر شده و ما قبلاً در فصل مربوط به

ایران ، به شکل گسترده به بیان آن همراه با دلائل مربوط پرداختیم .

از مشهورترین روایات مربوط به نبرد آخر الزمان در منابع سنی ها روایتی است که سه محدث معروف یعنی مسلم ، احمد و ترمذی آنرا از پیامبر (صلی الله علیه

وآله) روایت

- 1 ((الملاحم والفتن ص ۱۴۵ .
- 2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۷ .

صفحه : ۳۱۳

کرده اند که حضرت فرمود :

" قیامت برپا نشود مگر آنگاه که بین مسلمانان و یهود جنگی رخ دهد که

مسلمانان همه آنها را به

هلاکت رسانند بگونه ای که اگر شخصی یهودی در پشت صخره یا درختی پنهان

شود آن سنگ یا درخت به

صدا درآید و گوید : ای مسلمان ! این یهودی است که در پناه من مخفی شده ، او

را هلاک کن مگر درخت "

غرقد " که از درختان یهود است " (۱)

مشابه این روایت را نیز اهل سنت از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل کرده اند (۲)

(که فرمود :

" یهودیان با شما به ستیز برخیزند اما شما بر آنها مسلط شوید "

در منابع شیعه و سنی روایات بسیاری وجود دارد که از بیرون آوردن صندوق

مقدس و بخش هایی از کتاب آسمانی تورات توسط حضرت و استدلال بوسیله آن

بر یهودیان ، حکایت دارد . بنظر می رسد که این ماجراها پس از پیروزی امام (

علیه السلام) بر

آنها و ورود حضرت به قدس اتفاق می افتد . . .

* *

من در روایات ، رقم مشخص نیروهایی که در نبرد آزاد سازی قدس شرکت می کنند را نیافتم ، چه نیروهای همراه حضرت ، چه نیروهای سفیانی ، یهودی و غربی . هر چند برخی روایات ، تعداد نیروهای سفیانی را که کنار دریاچه طبریه پیاده می شوند ، یکصد و هفتاد هزار نفر گفته اند ؛ اما نشانه ها ، گویای آن است که

نیروهای طرفین از شمار بسیار زیادی شکل می گیرد ، از جمله در روایت گذشته که

امام باقر (علیه السلام) فرمود : " تعداد بسیاری از مردم به وی می پیوندند . "

بعلاوه گستردگی جبهه

جنگ از طبریه تا قدس و بنابر بعضی روایات ، امتداد آن تا مرج عکا ، صور و دمشق

پاورقی -----

1 ((التاج الجامع للأصول : ۵ / ۳۵۶ و مسند احمد : ۲ / ۴۱۷ .

2 ((مسلم و ترمذی در کتاب الفتن و بخاری در کتاب مناقب ص ۲۵ .

صفحه : ۳۱۴

نشانگر صحنه عظیم این نبرد است .

اما روایاتی که شمار سپاهیان حضرت را بیش از ده هزار نفر عنوان کرده اند مربوط به لشکری است که حضرت آنرا از مکه به مدینه اعزام می دارد . و چه بسا برخی از راویان ، این سپاه را با سپاهی که حضرت از عراق به سوی قدس روانه

خواهد کرد ، اشتباه گرفته اند در حالیکه فرمانده این لشکر ، شعیب بن صالح ، همان

فرمانده نیروهای ایرانی است که لشکر آنها از مرز یک میلیون سرباز فراتر می رود چرا که سپاه او شامل نیروهای ایرانی ، یمنی ، عراقی و نیروهای سایر کشورهای اسلامی است . بعلاوه شماری نیز در طول مسیر از سرزمین شام و احتمالاً دیگر نقاط به آن خواهند پیوست .

ابن حماد روایاتی که تعداد لشکریان حضرت را هنگام حرکت به سوی قدس ده هزار نفر عنوان کرده در ص ۹۵ به بعد آورده ، اما در ص ۱۰۶ روایتی دیگر نقل کرده

که تعداد محافظان حضرت ، هنگام ورود به قدس دوازده هزار نفر است .
" مردی از بنی هاشم به بیت المقدس وارد شود که محافظان وی دوازده هزار تن باشند . "

و در روایت دیگری در ص ۱۰۷ می گوید :

" محافظان او سی و شش هزار نفرند که بر سر هر راهی که به بیت المقدس منتهی شود دوازده هزار نفر ، حضور دارند "

این نشانگر انبوه لشکریان حضرت است ، در ص ۱۱۰ همین مأخذ روایتی دیگر درباره تجدید بنای قدس توسط امام چنین آمده است :

" خلیفه ای از بنی هاشم فرود آید که زمین را از عدل و داد پر کند و عمارت بیت المقدس را به گونه ای بسازد که همانندش ساخته نشده باشد "

طبیعی است که این پیروزی شگفت انگیز و قاطع امام (علیه السلام) و ورود او
به قدس

شریف ، همچون صاعقه ای بر سر غربیان فرود آید و با شکست هم پیمانان یهودی

صفحه : ۳۱۵

و فرو ریختن کیان آنها ، گرفتار حالت جنون و وحشت شوند . بر اساس محاسبات
سیاسی و شناختی که ما از وضع اروپائیان داریم ، آنها باید از طریق دریا و هوا علیه
امام (علیه السلام) و سپاه وی به حمله ای نظامی دست بزنند ، و چه بسا استفاده
از جنگ

افزارهای خطرناک را نیز در سر پیورراندند .

اما آنگونه که از روایات فهمیده می شود ، عواملی وجود دارند که فضای خشن و
پرتلاطم آن روز را به محیطی امن و آرام تبدیل می کنند ، شاید مهم ترین آنها فرود
حضرت مسیح (علیه السلام) در قدس و احساس ترس و اضطراب عمیق غربی ها
از رویارویی

با حضرت مهدی (علیه السلام) باشد . علاوه بر آن ، حضرت از امدادهای غیبی
نیز برخوردار

است و در موارد لازم از آن بهره می گیرد . هر چند تأثیر این امدادها بر حکومتها
چندان زیاد نیست اما ، آثار فراوان آن بر دل ملت های اروپائی بسیار شگرف و قابل
توجه است . ناگفته نماند که حضرت ، احتمالاً جنگ افزارهای پیشرفته ای نیز در
اختیار دارد که می تواند با سلاح های غربی برابری کرده و یا بر آنها برتری داشته
باشد .

صفحه : ۳۱۶

صفحه : ۳۱۷

فرود مسیح از آسمان

فرود آمدن حضرت روح الله عیسی مسیح (علیه السلام) از آسمان ، در آخر الزمان

مورد

اتفاق تمام مسلمانان است . بیشتر مفسران این آیه را که می فرماید :

" هیچ یک از اهل کتاب (تورات و انجیل) نیست مگر آنکه پیش از مرگ ، به او (

عیسی) ایمان آورد و او

نیز روز قیامت بر آنان گواه باشد " (۱) به همین معنا تفسیر کرده اند . مؤلف

کتاب مجمع

البیان این تفسیر را از ابن عباس و دیگران نقل نموده و می گوید طبری نیز این

تفسیر

را پذیرفته است . علامه مجلسی این تفسیر را از امام باقر (علیه السلام) روایت

کرده است که

فرمود :

" پیش از قیامت (عیسی) به دنیا فرود آید و هیچ یک از ملت یهود و مسیح نماند

مگر آنکه قبل از مرگ

به او ایمان آورد و آن حضرت پشت سر مهدی نماز گزارد . " (۲)

روایاتِ فرود آمدن مسیح در منابع شیعه و سنی فراوان است ، از جمله این روایتِ مشهور از پیامبر (صلی الله علیه وآله) که فرمود :
" چگونه خواهید بود آنگاه که عیسی بن مریم در میان شما فرود آید و پیشوای شما از خود شما باشد . " (۳)

این روایت را جمعی از علماء اهل سنت از جمله بخاری و دیگران در باب " فرود آمدن عیسی " آورده اند . (۴)

پاورقی -----

- 1 ((نساء / ۱۵۹ .
- 2 ((بحار : ۱۴ / ۵۳۰ .
- 3 ((بحار : ۵۲ / ۳۸۳ .
- 4 ((صحیح بخاری : ۲ / ۲۵۶ .

صفحه : ۳۱۸

ابن حماد حدود سی روایت را تحت عنوان " فرود عیسی بن مریم (علیه السلام) و روش او "

و تحت عنوان " مدت حیات مسیح بعد از فرود " آورده است ، از جمله روایتی که از

پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شده است :

" سو گند به آنکه جانم بدست اوست به یقین عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و پیشوایی دادگر در

میان شما فرود آید . او صلیب را بشکند و خوگ را بکشد و مالیات را بردارد و

اموال مردم به قدری زیاد شود

که دیگر کسی مالی قبول نکند " (۱)

و در همین مأخذ آمده است :

" پیامبران به دلائلی با یکدیگر برادرند . آئین شان یکی و مادرانشان مختلف است ،

نزدیکترینشان به

من عیسی بن مریم است ، چرا که بین من و او پیامبری نیست ، او در میان شما

فرود خواهد آمد پس او را

بشناسید ، مردی چهار شانه و سرخ و سفید گونه است ، خوگ را می کشد و

صلیب را می شکند ، و مالیات را

برمی دارد و بجز اسلام آئینی را قبول نمی کند . دعوت او فقط در راستای

پروردگار جهانیان است "

در شماری از روایت های ابن حماد به اماکن متعددی به عنوان محل فرود

عیسی (علیه السلام) اشاره شده است ، از جمله قدس شریف ، پل سفید بر دروازه

دمشق ،

کنار مناره ای در محل دروازه شرقی دمشق و دروازه لدّ در فلسطین .

بر اساس روایات ابن حماد ، مسیح پشت سر امام مهدی (علیه السلام) نماز می

گزارد و هر

سال به حج خانه خدا مشرف می شود . مسلمانان به همراه او به نبرد با یهود ، روم

و

دجال می پردازند . آن بزرگوار پس از چهل سال زندگی به دیار باقی می شتابد و

مسلمانان پیکر او را به خاک می سپارند .
در روایتی از اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که امام زمان (علیه السلام)
مراسم دفن او را بطور
آشکار و در برابر دیدگان مردم برگزار می کند تا دیگر مسیحیان حرفهای گذشته
را

پاورقی -----

1 () نسخه خطی ابن حماد ص ۱۵۹ - ۱۶۲ به نقل از صحاح اهل سنت .

همین روایت در کتاب

بحار نیز آمده است .

صفحه : ۳۱۹

درباره او بر زبان نیاورند و پیکر او را با پارچه ای که دستباف مادرش حضرت
مریم (علیها السلام) است کفن نموده و در قبر مریم در قدس به خاک می سپارد .
با توجه به آیه قرآن که : " هیچکس از اهل کتاب نیست مگر اینکه به او ایمان آورد
" می توان

گفت همه ملل مسیحی و یهودی پس از نزول مسیح به او ایمان می آورند . شاید
فلسفه عروج او به آسمان و طولانی شدن عمرش برای ایفای نقش بزرگی است که
در مرحله حساس و تاریخی ظهور امام زمان (علیه السلام) برعهده می گیرد تا
مسیحیان عالم که

احتمالا بزرگترین قدرت جهانی و جدی ترین مانع بر پایی حکومت و تمدن الهی

حضرت مهدی (علیه السلام) اند ، از سر راه برداشته شوند .

از این رو طبیعی است که با ظهور مسیح ، جهان مسیحیت خرسندی عمیق خود را با برپائی تظاهرات گسترده مردمی ابراز نماید و فرود عیسی (علیه السلام) را برای خود در

برابر ظهور مهدی (علیه السلام) برای مسلمانان ، موهبتی الهی پندارد و طبیعی است که

حضرت مسیح (علیه السلام) از کشورهای مختلف آنان دیدار کند و خداوند نشانه ها و

معجزه هایی را بدست او آشکار سازد و جهت هدایت تدریجی مسیحیان به اسلام در دراز مدت اقدام نماید . در نتیجه نخستین نتایج سیاسی فرود مسیح کاهش دشمنی حکومت های غربی نسبت به اسلام و مسلمانان و به گفته روایات ، انعقاد پیمان صلح و آتش بس بین آنها و حضرت مهدی (علیه السلام) خواهد بود .

ممکن است نماز گزاردن مسیح ، پشت سر حضرت مهدی (علیه السلام) پس از نقض

قرارداد صلح توسط غربی ها و اقدام آنان به جنگ با لشکری انبوه در منطقه باشد و در پی آن مسیح موضع صریح خود را در طرفداری از مسلمانان اعلام و پشت سر حضرت مهدی (علیه السلام) نماز گزارد .

اما شکستن صلیب و کشتن خوک ، بعید نیست که پس از جنگ غربی ها در منطقه و شکست آنها بدست مهدی (علیه السلام) باشد . این نکته نیز قابل توجه است که

امواج خروشان حمایت های مردمی از مسیح تأثیر شگرفی بر حکومت های غرب

قبل از نبرد بزرگ آنها با حضرت مهدی (علیه السلام) خواهد داشت .

صفحه : ۳۲۰

اما ماجرای ظاهر شدن دجال ، با توجه به روایات ، به احتمال قوی مدتی نه چندان کوتاه ، پس از برپائی حکومت جهانی حضرت مهدی (علیه السلام) و رفاه عمومی

ملت های جهان و پیشرفت حیرت انگیز علوم به وقوع خواهد پیوست .
خروج دجال جنبشی بر اساس لاابالی گری و نشأت گرفته از توطئه یهود و همانند جریان " هیپی گری " غربی است که ناشی از عیش و نوش و خوشگذرانی است . البته جنبش دجال یک چشم بسیار پیشرفته و دارای ابعاد عقیدتی و سیاسی گسترده ای است که تمامی ابزارهای علمی روز را در تبلیغات و ترفندهایش بکار می گیرد و یهودیان که در پشت این حرکت قرار دارند ، از او پیروی کرده و با فریب

دختران و پسران جوان آنان را در راستای اهداف خود قرار می دهند و می توان گفت

که فتنه و آشوب دجال بر مسلمانان فتنه ای سخت و ناگوار خواهد بود .
درباره روایاتی که می گویند : مسیح (علیه السلام) دجال را می کشد ، باید دقت و بررسی به

عمل آورد زیرا این عقیده مسیحیان است که در انجیل آنان آمده . در حالی که فرمانروای حکومت جهانی ، بنا بر نظر تمام مسلمانان ، حضرت مهدی (علیه السلام) است و

مسیح (علیه السلام) نقش یاور و پشتیبان او را بر عهده خواهد گرفت . در

روایات اهل بیت (علیهم السلام)

آمده است که مسلمانان به رهبری حضرت مهدی (علیه السلام) دجال را به

هلاکت می رسانند .

پیمان صلح بین امام (علیه السلام) و غربی ها

از روایات فراوانی که مربوط به این پیمان است می توان پی برد که محتوای

اصلی پیمان ، برقراری صلح ، عدم تجاوز و همزیستی مسالمت آمیز است . بنظر

می رسد هدف امام (علیه السلام) ، ایجاد بستری مناسب برای فعالیت های خود و

برنامه های

حضرت مسیح (علیه السلام) است تا او بتواند به شکل طبیعی در هدایت ملل

غربی گام

بردارد و تحوّل در عقاید و سیاست های آنها بوجود آورد و انحرافات حکومت ها

و

تمدن های غرب را برملا سازد . از روایات مربوط به این قرارداد می توان فهمید ،

بین

این صلح و صلح حدیبیه که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) با قریش منعقد کرد

شبهت زیادی

صفحه : ۳۲۱

وجود دارد . در صلح حدیبیه ، متارکه جنگ به مدت ده سال مورد توافق طرفین

قرار

گرفت و خداوند آن را فتح المبین نامید ، اما زمامداران ستمگر قریش این عهد و پیمان را یک جانبه شکستند و از نیّات پلید خود پرده برداشتند و همین عمل آنها ، انگیزه روی آوردن مردم به اسلام و مجوّزی برای سرکوبی مشرکان گردید . در این صلح نیز غریبها دست به پیمان شکنی می زنند و از خصلت طغیان و تجاوز خود پرده برمی دارند و به گفته روایات با یک میلیون سرباز ، منطقه را به جنگ و آشوب کشانده و پیکار بزرگی بوجود می آورند که بر اساس روایات ، این نبرد از نبرد آزادی

قدس نیز بزرگتر خواهد بود . از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت شده که فرمود :

" بین شما و روم چهار پیمان صلح برقرار گردد که چهارمین آنها بدست مردی از خاندان هرقل است و

سالها (یا دو سال) بطول انجامد . مردی از قبیله عبد القیس بنام سؤدد بن غیلان پرسید : در آن روز

پیشوای مردم چه کسی خواهد بود ؟ فرمود : مهدی از فرزندانم " (۱)

از حدیفة بن یمان منقول است که گفت :

" پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود : بین شما و بنی اصف (رومی ها یا

اروپائی ها) صلحی برقرار شود ولی آنها در

مدت بارداری زنی (یعنی ۹ ماه) به شما خیانت کنند و با هشتاد لشکر از راه زمین و دریا حملهور شوند . هر

لشکر شامل دوازده هزار سرباز است آنها بین یافا و عکا فرود آیند . فرمانروای آنها کشتی هایشان را به

آتش کشد و به یاران خود گوید : از سرزمینتان دفاع کنید ، آنگاه جنگ و کشتار از دو طرف آغاز شود .

سپاهیان به کمک یکدیگر بشتابند . حتی کسانی که در حضر موت یمن هستند به یاری شما آیند . در آن

هنگام خداوند با نیزه و شمشیر و تیر خود ، بر آنها هجوم آورد و به سبب آن بزرگترین کشتار در میانشان

واقع گردد " (۲)

معنای جمله : " خداوند با نیزه . . . به آنها هجوم آورد " این است که خداوند مسلمانان را

پاورقی -----

1 ((بحار : ۸۰ / ۵۱ .

2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۱۴۱ .

صفحه : ۳۲۲

به کمک فرشتگان و امداد غیبی علیه دشمنان یاری فرماید .

در ص ۱۴۲ همین کتاب آمده است :

" رومی ها بین صور تا عکا لنگر اندازند ، آن هنگام است که فتنه ها آغاز شود "

همچنین در ص ۱۱۵ آمده است :

" خداوند دو کشتار میان مسیحیان مقدر نموده که یکی واقع شده و دیگری باقی

مانده است " .

و نیز آمده است :

" آنگاه خداوند باد و پرندگان را بر رومیان مسلط کند . پرندگان بالهای خود را به

صورت آنها بکوبند تا

چشمانشان از حدقه درآید . زمین آنها را در خود فرو برد . پس از آن دچار صاعقه و

زمین لرزه شده و زمین

زیر پایشان گود شود . خداوند صبر کنندگان را یاری و آنان را پاداش نیک دهد ،

همچنانکه یاران

محمد (صلی الله علیه وآله) را پاداش نیک بخشید و دلها و سینه هایشان را مالا مال

از شجاعت و جرأت گرداند " (۱)

چنین بنظر می رسد که هدف غریبی ها از پیاده کردن نیرو بین یافا و عکا یا بین صور

و عکا چنانچه در این دو روایت آمد باز گرداندن مجدد فلسطین به یهودیان از یک

سو و تعیین قدس بعنوان هدف نظامی جهت توجیه هجوم آنها از سوی دیگر است .

در روایت بعدی می خوانیم که آنان نیروهای خود را در طول سواحل از عریش

در مصر تا انطاکیه در ترکیه پیاده می کنند . از حذیفه بن یمان نقل شده که گفت :

" پیامبر خدا را پیروزی و فتحی نصیب گردد که همانند آن از زمان بعثت وی رخ

نداده است ، عرض

کردیم : ای رسول خدا این فتح و پیروزی بر شما مبارک باد ، آیا جنگ پایان می

یابد ؟ فرمود : هرگز ، هرگز ،

سوگند به کسی که جانم بدست اوست ، ای حذیفه ، پیش از آن شش حادثه واقع

شود . . . حضرت آخرین

آنها را فتنه روم یاد کرد که آنها به مسلمانان خیانت کرده و با هشتاد لشکر در فاصله بین انطاکیه تا عریش فرود آیند " (۲)

پاورقی -----

1 () نسخه خطی ابن حماد ص ۱۲۴ .

2 () نسخه خطی ابن حماد ص ۱۱۸ .

صفحه : ۳۲۳

در روایات مربوط به فرود عیسی (علیه السلام) آمده است که جنگ در آن زمان پایان خواهد

یافت و تأیید این مطلب ، جنگ های امروز مسلمانان با رومیان (غربی ها) است که

پایان نیافته و نخواهد یافت تا حضرت از پس پرده غیب خارج شده و مسیح (علیه السلام) از

آسمان فرود آید و خداوند ما را بر آنها در مرحله طغیان جهانیشان پیروز گرداند . در روایت آمده است که :

" در فلسطین دو درگیری با رومیان اتفاق افتد که یکی از آنها " گل چین " و دیگری " درو " نامیده

شود . " (۱)

یعنی جنگ دوم نابود کننده تر از جنگ اول خواهد بود .

روایت بعدی به این معنا اشاره می کند که نبرد مهدی (علیه السلام) با غربی ها
جنگی

نابرابر است و البته به ظاهر موازنه قدرت به نفع آنهاست ، از این رو برخی بزُ دلان
عرب به آنها می پیوندند و بقیه بی طرف می مانند . ابن حماد به نقل از صفوان در
تفسیر این آیه که فرموده است : " شما بزودی بسوی قومی بسیار قدرتمند
فراخوانده شوید "

می گوید : منظور رومیانند در روز نبرد بزرگ . سپس می افزاید : خداوند عرب ها
را در

آغاز اسلام به جنگ با کفار دعوت نمود ، آنها گفتند : " مال ، زن و فرزندان ، ما را
سرگرم و

مشغول داشته است " خداوند فرمود : " شما بزودی بسوی قومی بسیار نیرومند
فراخوانده شوید " ،

آنها بار دیگر در جنگ با روم همان گویند که در آغاز اسلام گفتند آنگاه تهدید
آخر آیه

درباره آنها تحقق یابد که " خداوند شما را به عذابی دردناک کیفر دهد " (۲)
صفوان می گوید : " استادان ما چنین نقل کرده اند که در آن روز گروهی از عرب
ها از دین برگشته و

مرتد شوند و برخی دیگر دچار تردید شده ، از نصرت و یاری اسلام روی گردان
شوند "

از دین برگشتگان آنانند که از رومیان حمایت می کنند و روی گردانان از یاری

پاورقی -----

1 () نسخه خطی ابن حماد ص ۱۳۶ .

2 () نسخه خطی ابن حماد ص ۱۲ .

صفحه : ۳۲۴

اسلام ، همان افراد بی طرف اند و بدست حضرت بعد از پیروزی بر رومیان ، به عذابی دردناک گرفتار شوند ، روایتی را ابن حماد نقل کرده که اجر شهیدان این جنگ را معادل پاداش شهدای بدر در کنار پیامبر (صلی الله علیه وآله) می داند :
" پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود : برترین شهیدان در زیر آسمان از آغاز خلقت عبارتند از : هابیل که بدست قابیل

ملعون ، ظالمانه کشته شد ، پس از او پیامبرانی که بدست امت های خود شهید شدند در حالی که برای

هدایت آنها مبعوث شده بودند و سخنشان این بود که پروردگار ما خداست و مردم را به سوی او دعوت

می کردند ، سپس مؤمن آل فرعون و آنگاه صاحب یاسین و بعد حمزه پسر عبدالمطلب ، و بعد کشتگان

جنگ بدر و بعد کشتگان جنگ احد ، آنگاه کشتگان حدیبیه و پس از آن کشته های جنگ احزاب و سپس

کشتگان حنین و پس از آن کسانی که بعد از من بدست خوارج طغیانگر و نابکار کشته شوند ، بعد از اینها

مجاهدان راه خدا . . . تاآنکه کارزار بزرگ روم اتفاق افتد که کشتگان آن همچون
شهادی بدر خواهند بود . " (۱)

شاید عبارت کشتگان حدیبیه که در روایت وارد شده اشتباه و یا اضافه باشد ،
زیرا منابع تاریخی وقوع جنگ یا کشته ای را در حدیبیه درج نکرده اند .
ولی در منابع شیعه به نقل از اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که برترین
شهیدان در

پیشگاه خدا ، یاران سالار شهیدان امام حسین (علیه السلام) و شهیدانی هستند که
در رکاب

امام مهدی (علیه السلام) به قتل می رسند .

درباره زمان هجوم اروپائیان ، به سرزمین های اسلامی باید گفت که بر اساس
روایات ، مدت پیمان صلحی که با غریبان منعقد می گردد هفت سال است اما آنان
بعد از گذشت دو سال و به نقل برخی روایات سه سال ، خیانت نموده و پیمان
شکنی می کنند ، چنانکه در روایت ابن حماد به نقل از ارطاط آمده است :
" پس از کشته شدن سفیانی و به غنیمت درآمدن اموال قبیله کلب ، صلحی بین
مهدی و فرمانروای

طغیانگر روم برقرار شود . بگونه ای که بازرگانان شما و آنها به کشورهای
یکدیگر رفت و آمد کنند . آنها سه

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۱۳۱ .

سال به ساختن کشتی های خود پردازند (نیروی دریائی خود را مجهز سازند) تا آنکه کشتی های رومیان در

سواحل صور تا عکا لنگر اندازند و آنجا صحنه کارزار گردد " (۱)

اما در روایتی که قبلا گذشت خیانت و نقض پیمان آنها را پس از مدت بارداری زنی یعنی بعد از نه ماه بازگو کرد . والله العالم .

گرایش غربی ها به اسلام

شکست فاحش غربیها بدست حضرت مهدی (علیه السلام) در فلسطین و شام

تأثیر

فراوانی بر ملل غرب و آینده آن خواهد گذاشت و بی تردید نفوذ کلام ، در دنیای غرب ، متعلق به مسیح ، مهدی (علیه السلام) و موج افکار مردم اروپا که پشتیبان آن دو

بزرگوارند ، خواهد بود . موجی که عهده دار براندازی حکومت های کفر پیشه و بر

پایی حکومت هایی است که با دولت حضرت مهدی (علیه السلام) اعلام همبستگی نمایند .

به بیان روایات شیعه و سنی ، مهدی (علیه السلام) رهسپار غرب می شود و به

اتفاق یارانش

شهر بزرگ روم ، یا شهرهای روم را فتح می کند ، برخی از این روایات می گویند : او

به همراه یارانش با گفتن تکبر آنها را فتح می نمایند .

در روایتی چنین آمده است : " او قسطنطنیه ، روم و سرزمین چین را می گشاید " (۲)

و نیز آمده است :

" او رهسپار سرزمین روم شود و به اتفاق یارانش شهر بزرگ روم را آزاد کند " (۳)

همچنین آمده است :

پاورقی -----

1 () (نسخه خطی ابن حماد ص ۱۴۲ .

2 () (بشاره الاسلام ص ۲۵۸ به نقل از غیبت طوسی .

3 () (الزام الناصب : ۲ / ۲۲۵ .

صفحه : ۳۲۶

" شهری که مهدی (علیه السلام) در روم فتح می کند مرکز و کانون سرزمین روم است " (۱)

و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" آنگاه رومیان بدست حضرت اسلام آورند و امام (علیه السلام) برای آنان

مسجدی بنا کند و مردی از یارانش را

جانشین و نماینده خود قرار دهد و باز گردد " (۲)

از عکرمه و سعید بن جبیر در تفسیر این گفته خداوند که " لهم فی الدنيا خزی "

(یعنی : برای آنان در دنیا خفت و خواری است) نقل شده است که گفت :

" مراد شهری در روم است که آزاد گردد " (۳)

و در روایتی دیگر آمده است :

" شهر رومی را با تکبیر هفتاد هزار تن از مسلمانان آزاد سازد " (۴)

* *

پاورقی -----

1 ((ملاحم و فتن ص ۶۴ .

2 ((بشاره الاسلام ص ۲۵۱ به نقل از بحار .

3 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۱۳۶ .

4 ((بشاره الاسلام ص ۲۹۷ به نقل از فتوحات مکيه ابن عربي .

صفحه : ۳۲۷

سیمای حکومت جهانی امام مهدی (علیه السلام)

آیات و روایاتی که نوید بخشِ ظهور امام زمان (علیه السلام) است مأموریت الهی
آن

حضرت را مأموریتی سترگ ، با ابعاد گوناگون و اهدافی بسیار والا توصیف می
کنند .

این واقعه بزرگ ، زندگی را در کره زمین دگرگون و فصل نوینی را به روی بشریت
می گشاید .

اگر مأموریت آن حضرت فقط برچیدن ظلم و زنده کردن دوباره اسلام و برپایی
تمدن عادلانه الهی و پرتو افشانی آن بر جهان باشد کافی است ، اما علاوه بر آن ،
تکامل شگرف زندگی بشر از نظر مادی نیز با مراحل گذشته ، هر چند مترقی و

پیشرفته باشد قابل مقایسه نخواهد بود .

این تحول عمیق و سریع ، بستری برای راهیابی به ژرفای هستی و دستیابی به اسرار آسمان ها و ساکنان آن ایجاد می کند و این موضوع مقدمه ای خواهد بود

برای

کشف بزرگترین رازهای عالم یعنی گشودن درهای علوم غیب و باخبر شدن از

وقایع

جهان پر رمز و راز آخرت .

و اینک گوشه ای از ابعاد این تحول رسالت آسمانی را با توجه به گنجایش کتاب

بیان می کنیم .

صفحه : ۳۲۸

پاکسازی کره زمین از ستم و ستمکاران

در نگاه نخست چنین بنظر می رسد که پاک سازی زمین از ظلم و برچیدن بساط طاغوتها و ستمگران امری ناممکن است . گویا زمین به آه و ناله مظلومان و تحمل ستمگران شوم خو گرفته و فریاد رسی وجود ندارند به گونه ای که ما هیچ دورانی

را

سراغ نداریم که خالی از وجود ستمگران باشد . چرا که آنان به درخت هرزه و

پلیدی

شباهت دارند که دارای ریشه های محکم اند . و هرگاه یکی از آنها برکنده شود ،

ده

برابر جایگزین می گردد . و اگر ظالمان در نسلی نابود شوند گروه گروه در جای دیگر

به تولید مثل پردازند .

ولی خداوند حکیم که بر اساس مصالح خویش ، زندگی انسان را بر اساس قانون جنگ حق و باطل و خیر و شر برقرار نموده ، برای هر چیز حدّ و مرزی و برای هر عصر و زمان سرنوشتی و بالاخره برای ظلم و بیداد هم پایانی تعیین نموده است . در تفسیر این آیه شریفه می فرماید : " تبهکاران به چهره شان شناخته شوند و از پیشانی و

پایشان گرفته شوند " (۱) از امام صادق (علیه السلام) روایت شده : " خداوند آنها را همیشه می شناسد اما

آیه شرائط زمان قائم را بیان می کند که مجرمان را از سیما و صورتشان می شناسد و او و یارانش با شمشیر

آنها را تنبیه می کنند تنبیه کردنی " (۲)

و از امیر مؤمنان (علیه السلام) منقول است که فرمود :

" خداوند ، ناگاه بوسیله مردی از ما اهل بیت گشایشی (برای مسلمانان) بوجود آورد ، پدرم فدای آن

فرزند بهترین کنیزان باد . . . هم اوست که (دشمنان) در مدت هشت ماه بجز

شمشیر و کشتار از او چیزی

دریافت نخواهند کرد " (۳)

----- پاورقی

2 () غیبت نعمانی ص ۱۲۷ .

3 () شرح نهج البلاغه : ۲ / ۱۷۸ .

صفحه : ۳۲۹

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) با ملایمت و نیکی در میان امت خود رفتار می

کرد و با مردم انس می گرفت و قائم با

کشتار (دشمنان) رفتار کند و توبه کسی را نپذیرد ، این ، فرمانی است که او به

همراه دارد . وای بر کسی که با

وی دشمنی کند " (۱)

مراد از فرمانی که همراه اوست ، همان عهد نامه معروف است که از جدّ

بزرگوارش رسول خدا (صلی الله علیه وآله) رسیده و چنانکه وارد شده در آن

فرمان این جمله وجود

دارد . " بکش ، باز هم بکش و توبه کسی را نپذیر " یعنی توبه هیچ مجرم و

جنایتکاری را

قبول مکن .

و در حدیثی دیگر از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" شباهت داشتن مهدی (علیه السلام) به جدّش رسول خدا (صلی الله علیه وآله)

در قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان

خدا و رسول و نابودی ستمگران و طاغوت هاست ، او با شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان حمایت شود .

لشکریان او به هر مأموریتی اعزام شوند پیروز بازگردند . " (۲)
عبدالعظیم حسنی از امام جواد (علیه السلام) روایت می کند که فرمود :
" وقتی شمار لشکر او (مهدی) به حد نصاب یعنی ده هزار تن برسد به فرمان خدا
خروج کند و پیوسته

دشمنان خدا را از دم تیغ بگذرانند تا آنکه خداوند از او خشنود شود . پرسیدم :
چگونه از خشنودی خدا آگاه

گردد ؟ فرمود : خداوند مهربانی و رحمت را در دل او افکند " (۳)
حتی در برخی روایات آمده که تعدادی از یاران او دچار شک و تردید شده و
نسبت به کثرت خونریزی و کشتار ظالمان بدست وی اعتراض می کنند . از امام

پاورقی -----

1 () غیبت نعمانی ص ۱۲۱ .

2 () بحار : ۲۱۸ / ۵۱ .

3 () بحار : ۲۱۸ / ۵۱ .

صفحه : ۳۳۰

باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" وقتی او (مهدی) به ثعلبیه (نام مکانی در عراق) رسد ، مردی از بستگان وی
که از لحاظ جسمانی و

شجاعت قوی ترین مردم ، بعد از حضرت است برخیزد و گوید ، ای آقا ! چه می کنی ؟ به خدا قسم که تو مردم را همچون گوسفندان از جلوی خود می رانی (یعنی همچون شبان و یا گرگ که گله گوسفند را رم می دهد) آیا به فرمان پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) چنین کنی یا به چیز دیگر ؟ در این هنگام شخصی که عهده دار بیعت (یعنی مسئول گرفتن بیعت از مردم برای امام) می گوید : ساکت می شوی یا گردنت را بزنم ، آنگاه قائم فرماید : ای فلان خاموش باش ، آری به خدا سوگند من منشوری از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با خود دارم ، ای فلان آن صندوقچه را بیاور ، صندوق را نزد او آورد و امام منشور پیامبر (صلی الله علیه وآله) را بخواند ، در این هنگام مرد معترض گوید : فدایت شوم اجازه بده سرت را ببوسم ، امام سر را جلو می برد و او بین دو چشم وی را بوسه می دهد و می گوید خدا مرا فدای تو گرداند دوباره با ما تجدید بیعت کن ، امام مجدداً با آنها بیعت می کند " (۱)

بی تردید نشانه و یا نشانه هائی وجود دارد که یاران امام پی می برند ، آن نامه همان منشور معروف پیامبر (صلی الله علیه وآله) است اما درخواست مجدداً آنها برای تجدید بیعت بدین جهت است که ایراد و اعتراض آنها خود نوعی اخلاق در بیعت محسوب می شود .

ممکن است برخی ، مجازات و قتل ستمگران از سوی امام (علیه السلام) را سنگدلی و افراط در کشتار تعبیر کنند اما در واقع آن اقدام امام ، مانند یک عمل جراحی است که برای پاکسازی جامعه اسلامی و سایر جوامع جهانی از لوث وجود سرکشان و ستم پیشگان ضرورت دارد و بدون آن هرگز بساط ظلم برچیده نشده و عدالت حاکمیت نخواهد یافت و اگر امام (علیه السلام) با سیاستِ ملایمت و گذشت ، رفتار نماید هرگز طرفنها و توطئه های جدید مستکبران از بین نخواهد رفت . زیرا ستمگران در

پاورقی -----
1 ((بحار : ۵۳ / ۳۴۳ .

صفحه : ۳۳۱

جوامع کنونی همچون شاخه های خشکیده یک درخت ، بلکه مانند غده سرطانی اند که برای نجات بیمار چاره ای جز ریشه کنی آن وجود ندارد ، هر چند این کار دشوار باشد .

و اما آنچه موجب آرامش خاطر تردید کنندگان در این سیاست می گردد این است که اولاً امام عهدنامه معروفی از پیامبر (صلی الله علیه وآله) با خود دارد و ثانیاً خداوند به آن

حضرت دانش و آگاهی خاصی نسبت به باطن مردم و شخصیت آنان عنایت می فرماید و حضرت در پرتو این نور الهی به اشخاص می نگرد و هدایت آنها را می شناسد و دواى دردشان را می داند ، از این رو بیم آن نمی رود افرادی که امید هدایتشان وجود دارد بدست امام (علیه السلام) کشته شوند ، همچنانکه خداوند در داستان

خضر و موسی (علیه السلام) دلیل کشته شدن آن جوان بدست خضر (علیه السلام) را جلوگیری از به کفر

و طغیان کشاندن والدین جوان بیان کرده است . علاوه بر آن روایات نشانگر این است که خضر (علیه السلام) با حضرت مهدی (علیه السلام) ظاهر شده و از یاران و همکاران او خواهد

بود و حضرت مهدی (علیه السلام) قطعاً از علم لدنی (علم ناآموخته الهی) که خضر در اختیار

دارد نیز برخوردار است . خداوند می فرماید : " ما او را از جانب خود رحمت بخشیدیم و او را

علم و الهامی بی واسطه آموختیم " (۱)

آن دو بزرگوار از این نعمتهای الهی در بارور ساختن بذر خوبی ها و دفع شر از مؤمنان و ریشه کنی فساد و تباهی پیش از آنکه درخت پلیدی گردد ، استفاده

می کنند . . به احتمال قوی فعالیت های خضر (علیه السلام) و یارانش در حکومت مهدی (علیه السلام)

آشکار و علنی است و آن بزرگواران بر مردم حق ولایت داشته و می توانند در قوانین

مقررات و اوضاع ظاهری آن حکومت ، حق نقض داشته باشند . در روایات آمده

پاورقی -----

1 ((کهف - ۶۵ .

صفحه : ۳۳۲

است که حضرت مهدی (علیه السلام) بین مردم بر اساس احکام واقعی الهی که

خداوند به وی

ارائه می دهد ، داوری می کند ، به همین خاطر از هیچکس گواه ، دلیل و برهان

نمی خواهد ، او در کشتن ظالمان و تبهکاران از دانش و بینش واقعی و علم لدنی

خود استفاده می کند و گاهی یاران او نیز در قضاوت و داوری بین مردم و به

هلاکت

رساندن مجرمان همین شیوه را بکار می برند . اما در سایر کارها بر اساس ظاهر

افراد

با مردم رفتار می نمایند . البته نباید فراموش کرد که خضر (علیه السلام) و

یارانش دارای شرایط

ویژه ای هستند .

احیاء دوباره اسلام و جهان شمولی آن

در تفسیر آیه شریفه ای که می فرماید : " اوست خدائی که رسولش را با وسایل

هدایت و دین

حق فرستاد تا آنرا بر تمام ادیان عالم برتری دهد هر چند مشرکان را ناخوش آید " (۱) از امیر

المؤمنین (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" آیا این آیه عملی شده است ؟ هرگز ، سوگند به کسی که جانم بدست اوست ، هیچ آبادی نمی ماند مگر

اینکه هر صبح و شام در آن شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمدی (صلی الله علیه وآله) بدهند " (۲)

از ابن عباس در همین رابطه نقل شده است که گفت :

" هیچ یهودی ، نصرانی و یا پیرو دینی نماند مگر آنکه به اسلام گردد . تا آنکه جزیه گرفتن (مالیات

سرانه ای که از پیروان سایر ادیان آسمانی گرفته می شود) برداشته و صلیب شکسته و خوک کشته شود و آن

مصدق فرموده خداوند است که " اسلام را بر تمام ادیان جهان پیروز گرداند ، هر چند مشرکان را ناخوش

آید " و این امر در زمان قیام قائم (علیه السلام) پدیدار گردد " (۳)

پاورقی -----

1 ((توبه / ۳۳ .

2 ((محجة بحرانی ص ۸۶ .

3 ((محجة بحرانی ص ۸۷ .

معنای این جمله که جزیه برداشته شود این است که از اهل کتاب ، چیزی جز اسلام پذیرفته نخواهد شد . ابو بصیر می گوید : از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه

سؤال کردم ، حضرت فرمود :

سوگند به خدا هنوز تفسیر این آیه تحقق نیافته است ، عرض کردم : فدایت شوم ، پس چه زمانی

تحقق یابد ؟ فرمود : وقتی با اراده خدا ، قائم قیام نماید پس چون قائم ظهور کند ، کافران و مشرکان از قیام

و ظهور وی ناراضی و نگران شوند ، زیرا اگر کافر و مشرکی حتی در پشت صخره ای نهان شود ، آن صخره

به صدا درآید و گوید : ای مسلمان ، در پناه من کافر و یا مشرکی مخفی شده است ، او را به قتل برسان ، پس

به سراغش رفته و او را به هلاکت رسانند " (۱)

و از امام باقر (علیه السلام) منقول است که فرمود :

" قائم ، به سبب پیدایش ترس (در دل دشمنان) یاری گردد و با پشتیبانی خدا تأیید شود و زمین در

زیر پایش پیموده شود ، گنج های زمینی برایش آشکار و فرمانروائی و سلطنت وی شرق و غرب جهان را

فرا گیرد . خداوند دین خود را بوسیله او پیروز گرداند هر چند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند ، ویرانی های

زمین آباد گردد و عیسی روح الله (علیه السلام) به زمین فرود آید و پشت سر او
نماز گزارد " (۲)

و نیز از آن حضرت در تفسیر آیه یاد شده آمده :

" چنین خواهد شد که کسی باقی نماند مگر آنکه به رسالت محمد (صلی الله علیه
وآله) اقرار کند " (۳)

و از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" از پدرم (امام باقر) درباره این دو آیه پرسیدند : " با همه مشرکان مبارزه کنید
چنانکه آنها با همه شما

مبارزه می کنند . . . با آنان بجنگید تا در زمین فتنه ای باقی نمانده و دین و آئین
تنها از آن خدا باشد " او

پاورقی -----

1 ((محجة بحرانی ص ۸۶ .

2 ((بحار : ۱۹۱ / ۵۲ .

3 ((تفسیر عیاشی : ۲ / ۸۷ .

صفحه : ۳۳۴

فرمود : تأویل این آیه هنوز فرا نرسیده ، اگر قائم ما قیام کند ، کسانی که او را

درک کنند تأویل این آیه را

خواهند دید و سرانجام آیین محمد (صلی الله علیه وآله) هر جا که مهتاب بتابد

همه را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک بر

زمین باقی نخواهد ماند ، چنانکه خداوند فرموده است " (۱)

و نیز در تفسیر آیه شریفه " بزودی نشانه های خود را به آنان در کرانه ها و در جان خودشان نشان

دهیم تا برای آنان آشکار شود که او حق است " (۲) از امام باقر (علیه السلام)

منقول است که فرمود :

" خداوند مسخ شدن آنها را (بصورت بوزینه و خوک) به خودشان نشان دهد و در آفاق ، فرو ریختن

آسمان ها را به آنها بنماید تا قدرت خدا را در خود و در سراسر جهان احساس کنند و مراد از گفته خداوند که

فرمود : " تا برای آنان آشکار گردد که او حق است " خروج قائم است که حق است و از جانب خداوند . و این

مردم به یقین او را خواهند دید " (۳)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود :

" مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است او بر سیره و سنت من مبارزه کند

آنگونه که من بر

اساس وحی مبارزه نمودم " (۴)

همچنین فرمود :

" در جهان جز فرمانروائی اسلام وجود نخواهد داشت و زمین چون لوح سیمین خواهد شد " (۵)

یعنی زمین از لوث کفر و نفاق پاک و پیراسته خواهد شد مانند لوح نقره خالص و ناب .

از امیر مؤمنان (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

پاورقی -----

1 ((تفسیر عیاشی : ۵۶ / ۲ .

2 ((فصلت - ۵۳

3 ((غیبت نعمانی ص ۱۴۳ .

4 ((بیان شافعی ص ۶۳ .

5 ((ملاحم و فتن ص ۶۶ .

صفحه : ۳۳۵

" او (قائم) رأی و نظر را از قرآن گیرد ، آنگاه که دیگران قرآن را بر رأی و

اندیشه خود بازگردانند ، به

آنان رفتار عادلانه حاکم را نشان دهد و بخش های متروک کتاب و سنت را زنده

کند " (۱)

یعنی حضرت (علیه السلام) از قرآن پیروی نموده و مانند منحرفان ، تفسیر آنرا بر

اساس

خواسته خود دگرگون نمی کند .

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" گویا مشاهده می کنم که دین شما همچون پرنده ای در خون خود دست و پا می

زند و کسی آن را نجات

نمی دهد مگر مردی از خاندان ما اهل بیت . پس در زمان او در هر سال ، دو پاداش
و در هر ماه دو روزی به

شما دهند . در دولت او به حکمت دست یابید بگونه ای که زن در خانه اش بر
اساس کتاب خدا و سنت

رسولش (صلی الله علیه وآله) داوری کند " (۲)

اینکه امام می فرماید : " همچون پرنده ای که در خون خود دست و پا می زند "
تشبیه دقیقی از

وضع اسلام است که مانند پرنده ای مجروح و بال شکسته در خون خود می تپد
یعنی اسلام را تحریف و مسلمانان را از آن دور می سازند تا حضرت آن را نجات
بخشیده و زنده کند و دوباره به مسلمانان برگرداند و شاید مراد از اینکه " در سال
دو

بخشش و در ماه دو روزی به شما می دهد " یعنی هر شش ماه یک پاداش از بیت
المال و هر

دو هفته یک بار مواد غذایی و لوازم مورد نیاز عمومی در اختیار همه قرار می گیرد
.

امام ششم می فرماید :

" خداوند بدعت ها را بوسیله او نابود و گمراهی ها را بدست او محو و سنت ها را
زنده خواهد ساخت " (۳)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

----- پایورقی

2 ((بحار : ۳۵۲ / ۵۲ .

3 ((کافی : ۴۱۲ / ۱ .

صفحه : ۳۳۶

" در زمین هیچ ویرانه ای نماند مگر آنکه آباد گردد و بجز خدا هیچ معبودی از بت و غیر آن باقی نماند

مگر اینکه دچار حریق گردد و بسوزد " (۱)

ابزار هدایت مردم توسط امام زمان (عج)

اکنون این سؤال مطرح می شود که چگونه حضرت مهدی (علیه السلام) خواهد توانست

اسلام را در میان ملت های غیر مسلمان گسترش دهد ، در حالی که مردم در زندگی

مادی غوطهور و از ایمان و ارزش های معنوی فاصله داشته و نسبت به اسلام و مسلمانان بد بینند ؟ ! در اینجا لازم است به عوامل فراوان اعتقادی ، سیاسی و اقتصادی که پاره ای از آنها در بخش نهضتِ ظهور ، گذشت توجه گردد ، از جمله آنکه ملت های جهان ، زندگی مادی و منهای دین را تجربه نموده و ناهماهنگ بودن

بی دینی را با فطرت آدمی با همه وجود لمس کرده اند .

از سوی دیگر باید توجه داشت که اسلام دینی مطابق با فطرت است و اگر

زامداران طاغوتی بگذارند که نور اسلام توسط علماء و مؤمنان راستین به ملت ها

برسد ، مردم گروه گروه به اسلام می پیوندند . یکی دیگر از دلایل هدایت مردم ، معجزاتی است که توسط حضرت برای ملل جهان نمایان می گردد و از بارزترین آنها

ندای آسمانی است که شرح آن قبلاً گذشت . گرچه تأثیر این معجزات بر حکام جور ،

زود گذر ، ضعیف و یا نامحسوس است اما آثار آن بر ملت ها عمیق و کارآمد خواهد

بود .

شاید یکی از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر ملت ها پیروزی های پی در پی نظامی امام (علیه السلام) باشد زیرا روح غربی ها دوستدار و ستایشگر نیروهای پیروزمند است .

پاورقی -----

1 ((کمال الدین صدوق ص ۳۳۱ .

صفحه : ۳۳۷

اگرچه دشمن آنها باشد مخصوصاً اگر این پیروزی با معجزه و کرامت همراه باشد . فرود آمدن مسیح (علیه السلام) و معجزاتی که خداوند به دست با کفایت او برای ملت های

غرب و مردم دنیا آشکار می سازد ، از دیگر عوامل موفقیت امام زمان است . حتی

می توان گفت نقش اصلی حضرت مسیح (علیه السلام) در میان غربی ها جلوه خواهد کرد .

طبعاً ملل غربی و فرمانروایان آنها در آغاز ، به سبب حضور مسیح مسرور شده و به او ایمان می آورند . اما همینکه وی گرایش و تمایل خود را نسبت به حضرت مهدی (علیه السلام) و اسلام ابراز نماید ، دولت های غربی نسبت به آن حضرت ایجاد تردید و

تشویش می نمایند تا بتوانند حمایت عمومی را از او کاهش دهند ولی در همان حال یاران و هوادارانی از ملت های غربی برای او باقی می ماند و در دل آنان تحولی اعتقادی و سیاسی بوجود می آید بگونه ای که در سرزمین های اروپائی موجی از حرکت هوادار امام زمان را ایجاد می کنند چنانکه قبلاً نیز به آن اشاره کردیم . از دیگر عوامل مؤثر ، تحول شگرف اقتصادی است . امکانات رفاهی مردم بدست امام زمان چنان تحول می پذیرد که به گفته روایات ، در تاریخ جهان و ملت ها

دیگر بی سابقه است . بدیهی است چنین اوضاع و شرائطی تأثیر فراوانی بر روح و جان ملت های غربی خواهد داشت .

دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه بدست حضرت

از نکات بارز در روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) پیشرفت تکنولوژی در

حکومت جهانی اوست . چرا که شکل زندگی مادی در عصر امام (علیه السلام) از آنچه در

عصر خود می شناسیم و از آنچه بشریت با تلاش خود و تحولات علمی بدان

خواهد رسید بسیار پیشرفته تر است . اینک پاره ای از روایات مربوط به آن را مرور می کنیم :

صفحه : ۳۳۸

استخراج و تقسیم گنج های زمین بین مردم

در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد ، از جمله روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل

شده که فرمود : " زمین گنج هایش را برای او خارج سازد و او اموال بی شماری بین مردم تقسیم

کند " (۱)

و در روایتی آمده است :

" او گنجها را همچون ستون طلا بیرون می کشد "

و روایتی که می گوید : " او مال و ثروت بی شمار بین مردم تقسیم می کند " در منابع شیعه و

سنی مشهور است و نشانگر رفاه اقتصادی بی سابقه و طبع سخاوتمند و محبت آن بزرگوار نسبت به مردم است .

امام باقر (علیه السلام) می فرماید : " وقتی قائم اهل بیت (امکانات) را بطور مساوی تقسیم نماید و در رعیت

عدالت برقرار سازد ، هر کس از وی اطاعت کند از خدا اطاعت نموده و هر کس نافرمانی او را کند ، نافرمانی

خدا را نموده است ، او تورات و دیگر کتابهای الهی را از غاری در انطاکیه خارج سازد . بین یهودیان بر

اساس تورات و میان مسیحیان طبق انجیل و بین اهل زبور بر پایه دستورات آن و بین مسلمانان بر پایه

آیات قرآن داوری کند ، اموال و ثروت های دنیا از درون و برون زمین نزد وی جمع آوری شود و به مردم گوید :

بیائید بسوی چیزی که بخاطر آن قطع رحم و خویشاوندی نمودید و برای آن خون های حرام ریختید و به

علت آن مرتکب محرمات خدا شدید . . . به اندازه ای مال و ثروت بخشید که قبل از او هیچکس چنان نکرده .

زمین را پر از عدل و داد و نور گرداند همچنانکه از ظلم و جور و شر پر شده است
" (۲) "

فراوانی نعمت و آبادی زمین

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) منقول است که فرمود :

" امت من در زمان مهدی از چنان نعمتی برخوردار شوند که مانند آن را هرگز ندیده اند ، آسمان پی در

پاورقی -----

1 ((بحار : ۶۸ / ۵۱ .

2 ((بحار : ۳۵۱ / ۵۲ .

پی باران بارد و زمین با تمام توان ، گیاهانش را برویاند " (۱)

و نیز فرمود :

" امت او نزدش پناه جویند همچون زنبورهای عسل که نزد ملکه خود گرد آیند ،

زمین را از عدل و داد

مالامال کند همانگونه که از جور و ستم مالامال شده است ، بگونه ای که مردم به (

آرامش) جامعه نخستین خود

بازگردند ، نه خفته ای را بیدار کند و نه خونی ریخته شود " (۲)

بنظر می رسد معنای جمله " همچون جامعه نخستین " این باشد که در جامعه اولیه

،

تمام مردم یک امت بودند و بر پایه صفا و فطرت انسانی می زیستند و اختلافی در

میان آنها نبود ، چنانکه خداوند در قرآن فرموده است : " مردم یک امت بوده اند "

(۳)

این روایت ، روایات دیگر را تأیید می کند که می گوید : جامعه انسانی در عصر

مهدی (علیه السلام) جامعه ای ثروتمند و بدون فقر ، جامعه ای با محبت و

دوستی و بدون

اختلاف و کشمکش است که نیازی به دادگاه های قضائی ندارد و در مرحله نهائی

به

جامعه ای بدون مبادله پول تبدیل می گردد بگونه ای که افراد " قربه إلى الله " به

یکدیگر خدمت کرده و نیازها و مایحتاج خود را با صلوات بر محمد و آل

محمد (صلی الله علیه وآله) برطرف می کنند .

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود :

" ساکنان آسمان و زمین از او خشنود شوند ، آسمان از ریزش باران قطره ای دریغ نکرده و زمین از

رویش تمام گیاهانش خودداری نکند بگونه ای که زندگان آرزوی (زنده شدن)
مردگان کنند " (۴) یعنی

پاورقی -----

- 1 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۸ .
- 2 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۹ .
- 3 ((بقره / ۲۱۳ .
- 4 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۹ .

صفحه : ۳۴۰

مردم آرزو کنند که ای کاش مردگانشان زنده بودند و همچون آنها از نعمتهای الهی برخوردار می گشتند .

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" خداوند ، دین خود را بوسیله او غالب گرداند ، هر چند مشرکان نپسندند ، آنگاه همه ویرانی های زمین

آباد گردد " (۱)

امام صادق (علیه السلام) فرمود :

" مهدی محبوب دلهای مردم عالم است . خداوند بوسیله او آتش فتنه ناگوار را

خاموش گرداند " (۲)

در تفسیر آیه " مدهامتان " (یعنی دو باغی که از شدت سر سبزی سیه فام جلوه می کند) از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود :

" میان مکه و مدینه با درختان نخل متصل گردد " (۳)

از سعید بن جبیر نقل شده است که گفت :

" سالی که قائم قیام کند بیست و چهار نوبت بر زمین باران بارد و آثار و برکات آن دیده شود " (۴)

ابن حماد آورده است که :

" نشانه مهدی ، سخت گیری به کارگزاران ، بخشندگی به مردم و مهربانی با بینوایان است "

در همان کتاب درباره شدت مهر و عطوفت حضرت به بینوایان آمده است :

" گویا مهدی بیش از حد بینوایان را در نعمت و رفاه قرار می دهد " . (۵)

پاورقی -----

- 1 ((بحار : ۵۲ / ۱۹۱ .
- 2 ((بشارة الاسلام ص ۱۸۵ .
- 3 ((بحار : ۵۶ / ۴۹ .
- 4 ((كشف الغمة : ۳ / ۲۵۰ .
- 5 ((نسخه خطی ابن حماد ص ۹۸ .

صفحه : ۳۴۱

دگرگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی

روایات مربوط به دوران حضرت مهدی (علیه السلام) مواردی از پیشرفت علوم و امکانات

بشری را ترسیم می کند که برای نسل های گذشته و معاصر غیر قابل تصور است . این تحول در ابعاد گوناگون بوجود خواهد آمد ، از جمله در مخابرات ، ابزارهای بصری ، پژوهشی ، جنگ افزارها ، سیستم های اقتصادی ، حکومتی ، قضائی و چیزهای دیگر . بنظر می رسد برخی از این تحولات در سایه کرامات و معجزاتی ست

که خداوند بدست حضرت و یارانش جلوه گر می سازد . ولی بسیاری از آنها نتیجه تحول علوم طبیعی و بهره گیری صحیح از قوانین و نعمت های الهی است که مواد و

عناصر آن در زمین و آسمان در دسترس انسان قرار دارد . روایات نشانگر آن است که

تحولی که در علوم طبیعی توسط حضرت ایجاد می گردد ، جهشی همه جانبه در پیشرفت زندگی بشری را در پی دارد . از این رو امام صادق (علیه السلام) می فرماید :

" دانش بیست و هفت حرف است و آنچه پیامبران آورده اند ، دو حرف است و مردم تا امروز بیش از آن

دو حرف نمی دانند اما چون قائم قیام کند بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورد و در میان مردم منتشر سازد

و بدین سان مجموع بیست و هفت جزء دانش آشکار گردد " (۱)

این روایت هر چند در نگاه نخست به علوم دینی پیامبران نظر دارد اما باید توجه

کرد که علاوه بر علمی همچون توحید ، نبوت و معاد ، سایر علوم طبیعی مورد نیاز

بشر نیز مورد توجه است . زیرا طبق روایات پاره ای از اصول همین دانش ها را نیز پیامبران (علیه السلام) به انسانها آموخته و مردم را به این علوم راهنمایی کرده و دریچه های آن

را به روی مردم گشوده اند . از جمله آموزش خیاطی توسط حضرت ادريس ، کشتی سازی و نجاری توسط حضرت نوح (علیه السلام) و زره سازی بوسیله حضرت داوود و

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۳۶ .

صفحه : ۳۴۲

سلیمان و . . . پس مراد از علم در این روایت هم علوم دینی و هم علوم طبیعی است .

و بر این اساس نسبت علمی که در اختیار مردم است با علمی که حضرت مهدی (علیه السلام) به آنان می آموزد نسبت ۲ به ۲۵ است .

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده که فرمود :

" بدانید که ذو القرنین در انتخاب دو ابر رام و سرکش مخیر گردید و او ابر رام را برگزید و ابر سرکش ،

برای مولای شما (مهدی) ذخیره گردید ، راوی گفت : سؤال کردم : ابر سرکش
کدام است ؟ فرمود : ابری که

در آن رعد و صاعقه یا برق وجود دارد و مولای شما بر آن سوار شود . بدانید که او
بر ابرها سوار می شود و با

این وسائل بالا می رود ، وسائل آسمانها و سرزمین های هفتگانه که پنج منطقه آن
آباد و دو منطقه آن ویران
است " (۱)

و از امام صادق (علیه السلام) منقول است که فرمود :

" در زمان قائم ، شخص مؤمن در حالی که در مشرق بسر می برد ، برادر خود را
در مغرب می بیند و آنکه

در مغرب است برادر خویش را در مشرق می بیند " (۲)
و نیز فرمود :

" چون قائم ما قیام نماید ، خداوند گوش و چشم شیعیان ما را چنان کند که بین
آنها و امام (علیه السلام) نیازی به

پیک نباشد بگونه ای که هرگاه امام سخن بگوید آنان می شنوند و او را می بینند در
حالی که امام در جایگاه

خود قرار دارد " (۳)

در حدیثی دیگر فرمود :

" وقتی کارها در اختیار صاحب الامر قرار گیرد خداوند متعال پستی های زمین را
مرتفع و برجستگی های

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۲۱ .

2 ((بحار : ۵۲ / ۳۹۱ .

3 ((بحار : ۵۲ / ۲۳۶ .

صفحه : ۳۴۳

آنرا هموار گرداند بگونه ای که دنیا پیش روی او همچون کف دستش باشد . سپس

پرسید : کدامیک از شما اگر

در کف دستتان مویی باشد آنرا نمی بیند ؟ " (۱)

و روایت شده است که : " ستونی از نور ، از زمین تا آسمان برای او نصب گردد و

اعمال بندگان را

در آن ببیند و در زیر صخره های اهرام مصر علومی برای وی ذخیره گردیده که

دست کسی قبل از او بدان

نرسد " (۲)

در این رابطه روایات دیگری نیز وجود دارد که مجال بحث و بررسی کامل آنها

نیست .

اما بخشی از آنها درباره تحول دانش بشری و برخی دیگر از تغییر توانائی ها و

ابزارهای ویژه مؤمنان و بعضی دیگر از وسائل و کرامات امام عصر (علیه السلام)

و یارانش

سخن می گویند از آن جمله در روایتی از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که

فرمود :

" گویا من یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده اند و همه چیز تحت فرمان

آنهاست ، حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی جلب رضایت آنهایند . هر نقطه ای از زمین

بر نقطه دیگر آن اظهار فخر و غرور کند و گوید : امروز مردی از یاران قائم بر من گام نهاد " (۳)

و نیز از آن بزرگوار نقل شده است که فرمود :

" چون قائم قیام کند ، به هر منطقه ای شخصی را (بعنوان نماینده) اعزام کند و گوید دستور العمل تو در

دست توست ، چنانچه امری برایت پیش آید که آن را نفهمی و حکمش را ندانی به دست خود بنگر و بر

طبق آنچه می بینی عمل کن " (۴)

پاورقی -----

1 ((کمال الدین صدوق : ۲ / ۶۷۴ .

2 ((کمال الدین صدوق ص ۵۶۵ .

3 ((بحار : ۵۲ / ۳۲۷ .

4 ((غیبت نعمانی ص ۳۱۹ .

صفحه : ۳۴۴

ممکن است این جریان به صورت اعجاز و کرامت برای آنان اتفاق افتد و یا بر

اساس قواعد علمی یا ابزار پیشرفته آن روز انجام پذیرد .

حکومتی گسترده تر از حکومت سلیمان و ذوالقرنین

از روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) استفاده می شود که حکومت جهانی آن

حضرت از فرمانروائی سلیمان و ذوالقرنین (علیه السلام) با عظمت تر است .

برخی روایات بر

این موضوع صراحت دارند ، مانند روایتی که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود :

" قلمرو فرمانروائی ما از فرمانروائی سلیمان بن داوود و سلطنت ما از سلطنت او بزرگتر است " .

روایت بعدی حاکی از این است که ابزار و وسائلی در اختیار آن حضرت خواهد بود که در اختیار ذوالقرنین نبوده است . بعلاوه بر اساس روایات ، میراث تمام پیامبران و از جمله میراث سلیمان در اختیار او قرار دارد و دنیا نزد او همچون کف دست او خواهد بود .

قلمرو حکومت حضرت سلیمان (علیه السلام) از یک طرف شامل فلسطین و سرزمین شام

بود اما مصر و ماورای آن یعنی قاره آفریقا را در بر نمی گرفت ، از سمت دیگر یمن را

در بر می گرفت ولی به هند و چین و سایر کشورهای آن منطقه نمی رسید . حتی طبق

روایات شهر استخر واقع در جنوب ایران نیز خارج از حیطه فرمانروائی سلیمان

بوده است ، در حالیکه حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) سراسر جهان را فرا می گیرد

بگونه ای که هیچ مکانی نمی ماند مگر آنکه در آن شهادت به یگانگی خدا و گواهی

به رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله) داده شود و روی زمین ویرانه ای نماند مگر آنکه آباد گردد .

علاوه بر آن ، امکاناتی که در اختیار امام زمان (علیه السلام) است بیش از امکاناتی است که

خدای سبحان در اختیار حضرت سلیمان قرار داد چه آنهایی که معجزه آسا و با عنایت الهی در اختیار وی قرار می گیرد و چه آنهایی که به خاطر پیشرفت علوم و بهره برداری از امکانات طبیعی به دست می آید .

صفحه : ۳۴۵

اما از نظر دوران حکومت ، طبق روایات و گفته مورخان فرمانروائی سلیمان (علیه السلام)

حدود نیم قرن طول کشید و پس از وفات او در سال ۹۳۱ قبل از میلاد ، حکومتش به انحراف گرائید و دچار دو دستگی شد و بین دو بخش قدس و نابلس جنگ در گرفت .

اما حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) چه در زمان حیات آن حضرت و چه پس از او تا پایان دنیا استمرار خواهد داشت و دولتی بعد از دولت او برپا نخواهد شد و به احتمال زیاد فرزندان او که ادامه دهندگان راه آن حضرتند به حکومت

می رسند ، سپس بعضی پیامبران و امامان اهل بیت (علیهم السلام) به دنیا باز می گردند و تا

پایان این جهان حکمرانی می کنند .

راه یافتن امام زمان (علیه السلام) به سرزمین های هفتگانه

درباره راه یافتن حضرت به سرزمین های هفتگانه عالم احادیث و نشانه های

فراوانی وجود دارد و گویاترین آنها حدیثی است که قبلا از امام محمد باقر (علیه

السلام) نقل

کردیم :

" ذو القرنین در انتخاب دو ابر رام و سرکش آزاد گذاشته شد و او ابر رام را برگزید

و ابر سرکش را برای

مولای شما (امام زمان) ذخیره کرد . راوی پرسید : ابر سرکش چیست ؟ فرمود :

ابری که در آن رعد و

صاعقه یا برق وجود دارد و مولایتان بر آن سوار شود ، آگاه باشید که او بر ابرها

سوار می شود و با وسایل بالا

می رود . وسایل آسمان ها و سرزمین های هفتگانه که پنج منطقه آن آباد و دو

منطقه آن ویران است " (۱)

و در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که فرمود :

" خداوند ذو القرنین را در انتخاب دو ابر رام و سرکش آزاد گذشت و او ابر رام را

انتخاب کرد که رعد و

پاورقی -----

برقی در آن نبود و اگر ابر سرکش را برمی گزید به او داده نمی شد زیرا خداوند آنرا
برای قائم ذخیره کرده
است " (۱)

این روایت به روشنی بیان می کند که آن حضرت از وسیله های گوناگون و
ابزارهای ویژه در بالا رفتن و حرکت بین ستارگان آسمانها و جهان بالا استفاده
می کند . ابرهائی که دارای صاعقه و رعد و برق اند در اختیار اوست و با این
وسائل

بالا می رود ، وسایلی برای سفر به آسمانها و زمین . آسمانهای هفتگانه و زمین
های

ششگانه ای غیر از کره زمین

معنی روایت این نیست که فقط آن حضرت از ابزارهای فضاییما و سفینه
آسمانی استفاده کند بلکه چه بسا در عصر آن حضرت پیشرفت علوم بگونه ای
گردد

که سفر به کرات آسمانی و سرزمین های دیگر ، همچون مسافرت در عصر ما از
قاره ای به قاره دیگر باشد .

همچنین کلام امام به این نکته اشاره می کند که پنج کره زمین و یا پنج سرزمین و
آسمان آباد و مسکونی وجود دارد و ارتباط با جوامع آنها بزودی انجام خواهد
گرفت . بر اساس روایات متعدد ، کرات زیادی در آسمانها وجود دارد که آباد و
دارای جوامعی از مخلوقات غیر از انسان ، فرشته و یا جن هستند . علامه مجلسی

مجموعه ای از این روایات را در بحار الانوار آورده است ، همچنانکه شماری از آیات قرآن نیز بر امکان حیات در کرات دیگر دلالت دارد از آن جمله آیه شریفه ای است که می فرماید :

" ای گروه جن و انس ، اگر می توانید به اعماق آسمانها و زمین راه یابید ، پس اقدام کنید ولی موفق به

این نفوذ نمی شوید مگر با قدرت " (۲)

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۲ / ۳۲۱ .

2 ((رحمان / ۲۳ - ۲۴ .

صفحه : ۳۴۷

آری بزودی زندگی روی زمین در دوران حضرت مهدی (علیه السلام) وارد مرحله جدیدی

می شود که به کلی با گذشته ها متفاوت است . و در اینجا فرصت توضیح بیشتر پیرامون آن وجود ندارد .

راه یافتن به جهان آخرت و بهشت

از عمیق ترین حرکت هایی که جهان ما در زمان ، مکان و اشیائش با آن روبروست ،

حرکت جهان ماده به سوی عالم غیب و یا برعکس آن است که قرآن و اسلام از آن

پرده برمی دارد و بر اهمیت و هماهنگی آن تأکید می‌ورزد و این حرکت را

بازگشت

انسان به سوی خدا و رویارویی با قدرت او و یا رفتن به سوی ملأ اعلی و آخرت می‌نامد و نسبت به ما ، آنرا فرا رسیدن قیامت و رستاخیز می‌خواند زیرا با کشف عالم آخرت ، بین جهان ما و جهان گسترده غیب که از دید ما پنهان است ، وحدت و

یکپارچگی بوجود می‌آید ؛ و این مجموعه برای ما تبدیل به عالم واحد می‌گردد . نقطه اوج این حرکت نسبت به انسان ، مرگ است . مرگ از دیدگاه اسلام ورود به زندگی گسترده تر است نه فنا و نیستی ، آنچنانکه برخی تصور می‌کنند . و اوج آن نسبت به جهان هستی ، قیامت است و اتحاد دو جهان ماده و غیب .

در قرآن و سنت آمده است که رستاخیز و قیامت دارای مقدمات و نشانه هایی پی در پی است که در زمین و آسمان و جامعه بشری پدید می‌آید و حکومت مهدی (علیه السلام) آخرین و بزرگترین مرحله حرکت جهان مادی قبل از برپائی رستاخیز الهی

است . اکنون ببینیم رستاخیز چگونه آغاز می‌گردد ؟

بنظر می‌رسد که دستیابی به جهان بالایی که روایات ، از آن سخن می‌گویند و در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) عملی می‌گردد ، مقدمه ای بر راهیابی به سوی جهان

آخرت و بهشت است . بنابراین روایاتی که درباره رجعت و بازگشتِ عده ای از

پیامبران و امامان (علیهم السلام) به زمین و حکمرانی آنها بعد از مهدی (علیه السلام) سخن گفته و نیز

آنچه در آیات متعدد، تفسیر به "رجعت" شده، مراد، همین مرحله است و اعتقاد به رجعت هر چند از ضروریات اسلام نیست اما روایات مربوط به آن به حدی زیاد و مورد وثوق است که اعتقاد به آن را ضروری می کند.

طبق برخی روایات، رجعت، پس از حکومت حضرت مهدی (علیه السلام) و پس از

حکومت یازده مهدی دیگر، آغاز می گردد، امام صادق (علیه السلام) فرمود:
"همانا بعد از قائم، یازده مهدی از فرزندان حسین (علیه السلام) از ما اهل بیت اند" (۱)

اینک به چند نمونه از روایات مربوط به رجعت اشاره می کنیم:
در تفسیر این آیه که می فرماید "آن خدایی که (ابلاغ) قرآن را بر تو واجب کرد، البته تو را به

وعده گاه بازگرداند" (۲) امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: "پیامبر شما به سوی شما بازمی گردد" (۳)

ابو بصیر گفت: امام باقر (علیه السلام) به من فرمود:
"آیا اهل عراق منکر رجعت اند؟ گفتم: آری، فرمود: مگر قرآن نمی خوانند؟! (۴)

در روایت دیگری از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه سؤال کردند که می فرماید

"روزی که از هر امتی، گروهی را از خاک برانگیزیم... حضرت فرمود:

" مردم درباره آن چه می گویند؟ عرض کردم می گویند آیه راجع به قیامت است ،
فرمود : آیا خداوند در

قیامت از هر امتی دسته ای را زنده می کند و بقیه را به حال خود رها می سازد؟!
این آیه قطعاً در مورد رجعت

است و آیه مربوط به قیامت این است : جملگی آنها را محشور گردانیدم بی آنکه
کسی را فرو گذاریم و . . . " (۵)

پاورقی -----

1 ((غیبت طوسی ص ۲۲۹ .

2 ((قصص : ۸۵ .

3 ((بحار : ۵۳ / ۵۶ .

4 ((بحار : ۵۳ / ۴۰ .

5 ((بحار : ۵۳ / ۵۰ .

صفحه : ۳۴۹

زراره می گوید : از امام صادق درباره مسائل مهمی چون رجعت سؤال کردم
حضرت فرمود :

" زمان آنچه می پرسید هنوز فرا نرسیده ، سپس این آیه را تلاوت فرمود : (بلکه
آنها تکذیب کردند

آنچه را که احاطه علمی به آن نداشتند و تأویل آن برایشان نیامده) (۱) "

برخی روایات می گویند : رجعت پیامبر (صلی الله علیه وآله) بعد از رجعت امامان
(علیهم السلام) است و

نخستین کسی که به دنیا بازمی گردد امام حسین (علیه السلام) است ، چنانکه
امام صادق (علیه السلام)
فرمود :

" نخستین کسی که به دنیا بازگردد ، حسین بن علی (علیه السلام) است ، او
آنقدر فرمانروائی کند که (در اثر

پیری) ابروانش روی چشمانش فرو افتد " (۲)

و در روایتی دیگر از آن حضرت نقل شده که فرمود :

" رجعت ، همگانی نیست بلکه مربوط به افراد خاصی است ، زیرا بازگشت نمی
کنند (به دنیا) مگر

مؤمنان محض و یا مشرکان محض " (۳)

* *

پاورقی -----

1 ((بحار : ۵۳ / ۴۰ و آیه مذکور : یونس / ۳۹ .

2 ((بحار : ۵۳ / ۴۶ .

3 ((بحار : ۵۳ / ۳۹ .

صفحه : ۳۵۰

صفحه : ۳۵۱

حضرت مهدی از نگاه شیعه

اعتقاد به امامت امامان دوازده گانه اهل بیت (علیهم السلام) از اصول مذهب و از

محورهای

اساسی عقاید ما شمرده می شود و بدین سبب است که مذهب ما بنام " امامیه ،

تشیع و مذهب اهل بیت " خوانده می شود و پیروان آن را " دوازده امامی یا شیعیان

اهل بیت " می نامند .

به اعتقاد ما نخستین امام معصوم جانشین پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، امیر مؤمنان

علی بن ابی

طالب (علیه السلام) و آخرین آنان حضرت مهدی (علیه السلام) امام منتظر

محمد بن حسن عسکری (علیه السلام)

است که در سال ۲۵۵ هجری در سامرا ، دیده به جهان گشود . آنگاه خداوند عمر

او

را طولانی گرداند و از دیده ها پنهان داشت تا روزی که وعده خود را قطعی نموده

و

آن بزرگوار را ظاهر و بوسیله او آئین اسلام را به تمام ادیان پیروز و غالب و جهان را

پر از عدل و داد سازد همچنانکه از ظلم و جور پر شود .

بنابراین ، اعتقاد به اینکه مهدی موعود (علیه السلام) امام دوازدهم ، زنده و غایب

است ،

جزئی از مذهب ما شمرده می شود و بدون آن نمی تواند یک مسلمان ، شیعه دوازده

امامی محسوب شود بلکه جزو یکی از فرقه های سنی یا زیدی و یا اسماعیلی به

حساب خواهد آمد .

البته برخی از برادران مسلمان ، عقیده ما به امامت پیشوایان و عصمت آنان و

صفحه : ۳۵۲

غیبت حضرت مهدی را کمی دور از واقع می پندارند ، حال آنکه معیار صحت یک عقیده در امور ممکن ، بعید شمردن و یا نیکو شمردن آن نیست ، بلکه معیار ، وجود

دلیلی روشن و یا روایتی از ناحیه پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) برای اثبات چنین مواردی است .

بر اساس مدارک موجود نزد شیعیان ، روایاتی که روشنگر امامت و غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) است ، بسیار فراوان و از نظر سند قطعی و صحیحند . و هر گاه مطلبی با

دلیل محکم یا روایت صریح و صحیحی ثابت شد شخص مسلمان مکلف است آن را بپذیرد و نسبت به آن تسلیم باشد و این وظیفه دیگران است که یا سخن او را بپذیرند و یا او را قانع سازند ، چه خوب گفته گوینده این عبارت :

ما پیرو دلایم * به هر سوئی گراید می گزائیم

برادران سنی ما هر چند در تطبیق مهدی موعود بر امام محمد بن حسن عسکری (علیه السلام) با ما وحدت نظر ندارند ، اما تقریباً در تمام روایاتی که درباره وی آمده

با ما هم عقیده اند ، نظیر بشارت به قیام او و حرکت ظهور و تجدید بنای اسلام به دست آن بزرگوار و جهانی بودن حکومتش . اکنون بسیاری از روایات مربوط به

امام

زمان (عج) در منابع شیعه و سنی یکسان و یا شبیه به یکدیگر است همچنانکه در فصل های گذشته ملاحظه کردید و بخشی از آن در فصل بعد از نظرتان خواهد گذشت .

در عین حال عدّه ای از علمای سنی مانند ابن عربی ، شعرانی و دیگران با ما هم عقیده اند که حضرت مهدی (علیه السلام) همان امام محمد بن حسن عسکری (علیه السلام) است . این

گروه از علماء سنی به نام و نسب آن حضرت تصریح کرده و او را زنده و غایب می دانند . نویسنده کتاب " مهدی موعود " اسامی جمعی از این علما را نقل کرده است .

دانشمندان و دست اندرکاران جنبش های اسلامی ، باید از این اشتراک عقیده

صفحه : ۳۵۳

درباره مهدی (علیه السلام) که میان تمام مسلمانان وجود دارد بنحو شایسته ای استفاده کنند ،

چرا که این باور تأثیری حیات بخش در بالا بردن سطح ایمان توده های مسلمان ، به

غیب و به وعده نصرت الهی خواهد داشت و روح استقامت و سازش ناپذیری آنان را در برابر دشمن بالا برده و برای یاری پیشوای موعودشان مهیا خواهد ساخت .
مسأله انطباق مهدی موعود (علیه السلام) بر امام محمد بن حسن عسکری (علیه السلام) که نزد

جمعی از برادران سنی ما هنوز به اثبات نرسیده ، نباید سبب انتقاد آنان از کسانی

شود که قائل به این عقیده اند .

البته هدف ما در اینجا مطرح ساختن بحث کلامی در اعتقاد شیعیان به حضرت مهدی (علیه السلام) نیست . بلکه هدف ارائه تصویری از روح پر احساسی است که مجامع و

محافل شیعی با آن مانوس اند ، اندیشه ای که در دل و جان شیعیان و با تربیت پدران

و مادران در خلال نسل ها توانسته است گنجینه عظیمی از محبت ، احترام و انتظار ظهور آن امام موعود را بوجود آورد .

از این رو به اعتقاد ما حضرت مهدی ارواحنا فداه بقیة الله در زمین و برخاسته از خاندان نبوت و خاتم اوصیاء و امامان (علیهم السلام) و امانتدار الهی قرآن و وحی و پرتو افشان

نور خدا در زمین محسوب می گردد . تمام ارزش ها و الگوهای اسلام در شخصیت

وی تبلور یافته و امتداد شعاع و پرتو نور رسالت است .

غیبت او دارای مفاهیم بلندی از اسرار و حکمت الهی و نشانگر مظلومیت

پیامبران ، امامان اهل بیت (علیهم السلام) ، اولیاء و مؤمنینی است که توسط حاکمان ستمگر و

سلاطین جور از حقوق مسلم خود محروم گشتند . تمام آمال و آرزوهای مؤمنان

عالم با وعده پیامبر (صلی الله علیه و آله) به ظهور مقدس آن حضرت جوانه می زند

و دل های غمزده

آنان به شور و نشاط می گراید و درفش اسلام همواره با دستانشان در اهتزاز می ماند ،

هر چند تندبادهای مخالف بوزند و راه طولانی باشد . چرا که آنان با صاحب آن

صفحه : ۳۵۴

پرچم ، عهد و میثاقی جاودانه بسته اند .

اگرچه شیعه به خاطر وابستگی به پیامبر و اهل بیت ، از سرمایه ای معنوی ، غنی و سرشار بهره مند است ؛ اما شخصیت امام زمان و ظهور موعود او با تمام جاذبه های ویژه اش نقشی حیات بخش در ایجاد روح امید ، مهر و عاطفه شیعی ایفا

می کند .

گروهی از اینکه شیعه نسبت به علمای خود احترام فراوان قائل است انتقاد می کنند . در حالی که گروهی دیگر آن را مورد تقدیر قرار می دهند ، شگفتی و انتقاد

زمانی افزایش می یابد که می بینند شیعه به مرجع تقلید خود بعنوان نایب امام مهدی (علیه السلام) احترام و تعظیم نموده و مقید به فتوای اوست . اما هنگامی که این رابطه

به امامان معصوم (علیهم السلام) می رسد ، عده ای ما را به غلو و گزافه گوئی متهم می سازند و

حتی برخی راه افراط در پیش گرفته و به شیعیان چنین نسبت می دهند که آنان ،

پیامبر (صلی الله علیه وآله) ، امامان (علیهم السلام) و مراجع را به درجه خدائی رسانده و آنها را می پرستند . به

خدا پناه می بریم از این اتهامهای ناروا !

ولی مشکل ، تنها احترام شدید شیعه و تقدیس و اطاعت آنان از علمای ربانی و پیشوایان معصوم نیست ، بلکه مشکل اصلی این است که همه ما واقعاً از دیدگاه اسلام نسبت به انسان فاصله داریم ، برای روشن شدن موضوع ، به سراغ قرآن می رویم تا نگاهی به ارزیابی این کتاب آسمانی از شخصیت انسان داشته باشیم : قرآن کریم در این راستا سه دیدگاه در مقابل ما قرار می دهد : نخست دیدگاه جاهلی

است که در آیاتِ مربوط به افراد بی تمدن و کسانی که پیامبر را از پشت دیوار صدا می زدند مطرح شده است . دیدگاه دوم که یک نگاه کاملاً مادی است . در آیات مربوط به دشمنان پیامبران و صاحبان تمدن های الحادی ، مورد ارزیابی قرار گرفته و

دیدگاه سوم دیدگاه اسلامی است که در آیاتِ مربوط به احترام انسان و رهنمونی او

صفحه : ۳۵۵

به عالم خرد ، معنویت و عمل ، مورد توجه قرار گرفته است . به اعتقاد من ، جهان اسلام هم اکنون تحت تأثیر فرهنگ جاهلی از یک سو و فرهنگ مادی غربی از سوی دیگر قرار دارد و تسلط این دو فرهنگ ، نگاهی انحرافی در وجود ما نسبت به انبیاء ، پیشوایان ، اولیاء ، شهیدان ، مؤمنان و نسبت به توده ها و ملت های اسلامی و حتی نسبت به خود ما ایجاد کرده است .

به راستی انحطاط فرهنگی و تسلط فرهنگ غرب بر جوامع ما ، شرائط دشواری
از نظر سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی ایجاد کرده است ، فرهنگی که بر اساس آن ،
حتی خود انسان مسلمان ، از احترامی برخوردار نیست . پس چگونه می توان به
حفظ حرمت سایر ابعاد وجودی وی امیدوار بود ؟ !

همچنانکه این فرهنگ ، اندیشه ما را نیز به سوی اندیشه دوران جاهلیت سوق
داده و پیوسته ما را بطرف سطحی نگری و جدا دیدن اشیاء و وقایع عالم از
یکدیگر

کشانده و با هر گونه تفکر عمیق و پیوستگی عوامل عالم دشمنی دارد . از این رو
نگاه

ما به مسائل پیرامون خود ، نگاهی تک بعدی شده و همه چیز را به شکل سفید یا
سیاه می بینیم و حاضر نیستیم در لحظه واحد حالت های ترکیبی و نسبی را
مشاهده

کنیم ، یا در دل خود نوعی خاص از مهر و عاطفه را می پسندیم و اجازه نمی دهیم
سینه ای مالا مال از عواطف و احساسات گوناگون را به همراه داشته باشیم به همین
خاطر در مورد پیشوایان و پیامبران الهی نیز تنها ظاهر حال آنان را ملاحظه می کنیم
و

از درک کمالات والای معنوی و جهان عقلانی متعالی آنان غافلیم . حال اگر کسی
بخواهد دیدگاه انحرافی خود را اصلاح کرده و برای آن همه فضیلت و بزرگی
احترام

قائل شود او را افراطی می نامیم و اگر عقل و دلش به خاطر درک آن ابعاد گوناگون
معنوی و عقلانی بتپد ، او را دیوانه و منحرف می خوانیم .

این ماجرا وقتی به اوج حساسیت خود نزدیک می شود که بخواهیم به این

صفحه : ۳۵۶

احترام و قداست لباس مذهب بپوشانیم چرا که با دیدگاه انحرافی ، چنین به نظر می رسد که تقدیس و احترام اولیاء ، امامان و پیامبران با تقدیس و احترام ذات مقدس خداوند و توحید او منافات دارد . چرا که از نظر این افراد ، امامان و پیامبران هم فقط بشرند و نه چیز دیگر . آری اگر با دیدگاه خشک و جاهلی به دنیای

پیرامون

خود بنگریم ، همه انسانها از جمله انبیاء و اولیاء خدا را نیز باید همچون مشتی

خاک

بیابان ببینیم . گویا در این عالم دو چیز بیشتر نباید باشد یا ریگهای بیابان یا آسمان

،

با این دیدگاه سخن گفتن از باغ ها ، رودها ، دره ها و کوهها سخنی بیهوده است

، چرا

که جهان یا زمینی زمینی ست که خاک است و یا آسمانی آسمانی ، که خداوند است

!

گویا مثل نور الهی که قرآن برای ما بیان کرده " مثل نوره کمشکاه فیها مصباح " (

یعنی :

مثل نور خدا همچون چراغدانی است که درون آن چراغی قرار دارد . . .) در کره

زمین وجود ندارد و مربوط به این اولیاء الهی نیست !

من معتقدم هر چه آگاهی فلاسفه ، متفکران و دانشمندان بیشتر شود ، ابعاد

جدیدی از کلمات پیامبر و اهل بیت کشف و ارزش کلام و شخصیت این بزرگان بیشتر آشکار شده و معلوم می شود که شخصیت معصوم را باید تنها با کلام معصوم شناخت . این نکته صحیح است که خداوند به پیامبرش می فرماید : بگو من هم مانند شما بشر هستم " قل إنما أنا بشر مثلكم یوحى إلی إنما إلهکم إله واحد " یعنی بگو من هم

مثل شما بشرم - ولی - بر من وحی می شود که خدای شما خدایی واحد است (اما با

این بیان قرآن ، مطلب دیگری نیز روشن می شود و آن اینکه پیامبر خود ، از یک نظر ،

مثل ما بشر است و از یک نظر مثل ما نیست یعنی شخصیت او مرکب از دو ویژگی ست یکی ویژگی بشری که با آن می تواند با مردم معاشرت کند و دیگری ویژگی غیبی که بوسیله آن علم و وحی را از خداوند جهان دریافت می کند . حال ، آیا جز با کلام معصوم که پنجره ای از غیب به رویش گشوده است ،

صفحه : ۳۵۷

می توان به ویژگی غیبی شخصیت پیامبر دست یافت ؟ اگر خداوند در قرآن ، پیامبر را مثل سایر افراد بشر معرفی کرده یعنی او مثل شما در محیط زندگی شما حضور دارد ، با افکار و احساسات شما آشناست و مشکلات شما را بصورت کامل درک می کند . نه اینکه او هم انسانی ست در سطح فکر و احساس ما . چرا که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) از افق فکری و احساسی بسیار عمیق و دقیقی برخوردار است که دستیابی

به آن برای سایر افراد بشر امکان پذیر نیست ، همانگونه که شخصیت وجودی او نیز

به هیچ وجه در حد افراد مادی جامعه ما قرار ندارد . بنابراین ، پیامبر خدا به جهت برخورداری از دقت فوق العاده فکر و احساس و به جهت ارتباط مستقیم با عالم غیب ، هرگز مثل ما نیست .

پس هیچ بُعدی از ابعاد شخصیت ما ، مثل شخصیت پیامبر خدا نیست تا بتوانیم بوسیله آن ، به حقیقت شخصیت آن حضرت پی ببریم . برای ما همین نکته در ارتباط با شخصیت امامان معصوم اهل بیت نیز مطرح است . از اینجا درمی یابیم که چرا خداوند در آیه مزبور لفظ بشر را برای مثل بودن بکار برد و از لفظ انسان ، بهره نگرفت .

به اعتقاد من ، اکنون زمان آن رسیده که ما ، هویت اسلامی و انسانی خود را بعنوان یک مسلمان بازشناسی کنیم و از نو پیامبر (صلی الله علیه وآله) و ائمه (علیهم السلام) خود را دریابیم و

دیدگاه خشک ، سطحی و جاهلانه ای را که گروه های وهابی نما در شناخت پیامبر و

آل او صلوات الله علیهم اجمعین ترویج می نمایند ، رها نماییم و به گونه ای به این خاندان پاک بنگریم که سزاوار شخصیت الهی و مقامات عالیه آنهاست تا دلهای ما بار دیگر معدن و مخزن محبت عشق مقدس آنان گردد و راه عشق و محبت بزرگتر نسبت به مولای آنان و مولای ما یعنی خداوند در دلها باز شود .

کسی که به خاطر وجود درختان از دیدن جنگل بازمانده نباید آن را که درخت ،

جنگل ، کوه ها و آسمان ها را با هم می بیند تخطئه نماید !
کسی که تقدیس و تکریم انبیاء و ائمه (علیهم السلام) و حرکت در فضای معنوی
آنان را با

تقدیس و توحید خداوند در تضاد می بیند نباید بزرگداشت آنان را بگونه ای که
شرع

اجازه فرموده ، تخطئه کند ، چرا که تعظیم انبیاء و اولیاء راهی برای تنظیم زندگی
و

هموار ساختن راه تعظیم ، تقدیس و تسبیح خداوندی است که مثل و مانند نداشته
و بلند مرتبه است .

مقام حضرت مهدی (علیه السلام) در پیشگاه پروردگار
پیش از طرح روایت ها ، دعاها و زیارتهایی که بیانگر اعتقاد و احساس ما نسبت
به امام زمان است ، جا دارد برخی روایات را که نشانگر مقام و مرتبه آن بزرگوار
در

پیشگاه خداوند است یادآور شویم . در منابع شیعه و سنی آمده که مقام و منزلت
امام زمان (عج) در پیشگاه خداوند بس بزرگ و رفیع است ، او از سروران اهل
بهشت و طاووس بهشتیان است . برخوردار از نور الهی و الهام گیرنده و هدایت
شده

از سوی خداوند است ، هر چند که پیامبر نیست ، خدای سبحان کرامت ها
و معجزات فراوانی بدست او جاری می سازد .

حدیث معروفی که علماء شیعه و سنی آن را معتبر و صحیح دانسته اند ،

می گوید که آن حضرت در صفوف پیامبران و رسولان صلوات الله علیهم جای دارد

پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود :

" ما فرزندان عبدالمطلب ، سروران اهل بهشتیم ، من ، حمزه ، علی ، حسن ،

حسین و مهدی " (۱)

در منابع ما روایات مشروحه در فضائل امامان دوازده گانه (علیهم السلام) و مقام

والای آنان

پاورقی -----

1 () غیبت طوسی ص ۱۳ و صواعق ابن حجر ص ۱۵۸ .

صفحه : ۳۵۹

نزد پروردگار و از جمله روایت هایی ویژه مقام حضرت مهدی منتظر ارواحنا فداه
وارد شده که بیانگر این صفات حضرت است : او نور خدا روی زمین ، حجت خدا
بر خلق ، قائم به حق ، جانشین خدا در زمین ، شریک قرآن در لزوم اطاعت ، معدن
علم الهی و گنجینه سر خداوند است . علماء در کتب عقاید ، تفسیر و حدیث
صفات دیگری برای حضرت بیان کرده اند و بیشتر آنان معتقدند که او بر سایر
امامان

بعد از امیر مؤمنان و حسن و حسین (علیهم السلام) فضیلت دارد ، که در این باره

روایتی نیز

آمده است .

نزد سنی ها نیز برتری آن حضرت بر ابوبکر و عمر مورد تأکید قرار گرفته . در همین رابطه از ابن سیرین سؤال کردند :

" مهدی بهتر است یا ابوبکر و عمر ؟ گفت : (مهدی) از آن دو بهتر و با نبی همطراز است " (۱)

دیدگاه امامان (علیهم السلام) درباره حضرت مهدی (علیه السلام)

جالب است بدانیم که امامان (علیهم السلام) ما پیشگام در بیان عواطف و اشتیاقشان نسبت

به حضرت مهدی (علیه السلام) هستند ، چرا که آنان با ایمان به وعده پیامبر و قبل از ولادت

مهدی (علیه السلام) نسبت به فرزند موعود خود و آنچه در آینده بدست او انجام خواهد گرفت

آگاهی داشتند . اینک به ذکر سخنانی از امیر مؤمنان و امام صادق (علیهما السلام) توجه کنید .

حضرت علی (علیه السلام) فرمود :

" هان آگاه باشید که مثل اهل بیت محمد (صلی الله علیه وآله) بسان ستارگان آسمان است که هرگاه ستاره ای غروب کند

ستاره ای دیگر طلوع نماید . گویا می بینم نعمت های الهی بر شما تمام شده و شما به آرزوهای خود دست

یافته اید " (۲)

پاورقی -----

صفحه : ۳۶۰

" به اهل بیت پیامبر خود بنگرید ، اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر از شما

یاری خواستند یاریشان

کنید تا خداوند ناگاه بواسطه مردی از ما اهل بیت (علیهم السلام) گشایشی

بوجود آورد . پدرم فدای آن فرزند بهترین

کنیزان که جز شمشیر به آنها (دشمنان) چیزی عطا نکند و به کشتار و نابودی آنان

پردازد و هشت ماه سلاح

بر دوش (مبارزه کند) تا جائیکه قریش گویند اگر این شخص از فرزندان فاطمه

می بود به ما رحم می کرد " .

" او هدایت الهی را بر خواسته های خود حاکم گرداند ، آنگاه که دیگران هوای

نفس خود را بر هدایت

الهی ترجیح دهند و قرآن را ملاک و معیار اندیشه و عمل قرار دهد ، آنجا که

دیگران قرآن را به رأی و نظر

خویش تفسیر کنند . زمین پاره های دل خود (معادن و ذخائر) را برای او خارج

سازد و کلیدهایش را تسلیم او

نماید . آنگاه وی شیوه عدالت و راه و رسم پیامبر را به شما نشان دهد و کتاب و

سنت را که پیش از او متروک

و فراموش گردیده زنده نماید " (۱)

"ردای حکمت بر تن کند زیرا حکمت را با همه آداب و با توجه و عنایت قلبی فرا گرفته . حکمت گمشده

اوست و او در طلب حکمت و جویای آن . هنگامی که اسلام غریب شود و همچون شتری خسته ، گردن خود

را بر زمین بگذارد ، امام احساس غربت و دلتنگی کند . او حجت باقی مانده خداوند و جانشینی از جانشینان

پیامبران اوست " (۲)

از سدیر صیرفی نقل شده که گفت : من و مفضل بن عمر و ابو بصیر و ابان بن تغلب حضور امام صادق (علیه السلام) رسیدیم ، حضرت با ردای خیبری طوق دار بی یقه و

آستین روی خاک نشسته بود و با حالتی پریشان و دلی سوزان می گریست ، غم و اندوه در چهره اش نمایان و دگرگونی در سیمایش هویدا و اشک در دیدگان مبارکش

حلقه زده و می گوید : ای سرور من ، غیبت تو ، خواب از من ربوده و بستر زمین را بر من تنگ کرده و

آرامش قلبم را از دستم گرفته . سرور من ، غیبت تو مصیبت‌هایم را جاودان ساخته و از دست دادن یک یک

پاورقی -----

1 () نهج البلاغه خطبه ۱۳۸ .

2 () نهج البلاغه خطبه ۱۸۲ .

(امامان) جمع ما را از میان برده . گمان نمی کنم اشکهای چشمم خشک و ناله
سینه ام آرام گیرد . . .

سدیر گفت : با مشاهده این سخنان هولناک و صحنه ناگوار حیران و مبهوت
شدیم و قلبمان بیقرار و پریشان گشت و گمان بردیم که به آن حضرت بلائی
خطرناک یا آفتی ناگوار رسیده ، عرض کردیم : ای فرزند بهترین خلق خدا ،
دیدگان

شما هرگز اشکبار نگردد ، کدام حادثه اینگونه دیدگانتان را گریان ساخته و چه
پیشامدی شما را بدین ماتم نشانده ؟

امام (علیه السلام) آهی دردناک همراه با نگرانی از سینه برآورد و فرمود :
" وای بر شما ، صبح امروز به کتاب جفر نظر کردم و آن کتابی است در بر دارنده
مرگها ، بلاها و

مصیبت ها و علم بر گذشته و آینده تا روز قیامت که خداوند این علم را به محمد (
صلی الله علیه وآله) و امامان (علیهم السلام) بعد از او
اختصاص داده است ، در این کتاب ولادت قائم ما اهل بیت و غیبت او و طولانی
شدن آن و طول عمر وی و
گرفتاری مؤمنان در آن زمان و پیدایش شک و تردید از طولانی شدن غیبت قائم و
برگشتن بیشتر آنان از

دین و دست کشیدن از دیانت اسلام را مشاهده کردم ، در حالی که خداوند
سبحان می فرماید : " ما مقدرات

و نتیجه کردار نیک و بد هر انسانی را به گردنش افکندیم " ناگاه دلم شکست و غم
و اندوه بر من چیره
گشت . "

عرض کردیم : ای فرزند رسول خدا ! تقاضا داریم شمه ای از آنچه می دانید بر ما
باز گوئید . فرمود : " خداوند در قائم ما سه ویژگی قرار داده که قبلا در سه پیامبر
قرار داده بود : ولادت او

را همچون ولادت موسی (علیه السلام) مخفی کرده و غیبت او را چون غیبت
عیسی (علیه السلام) مقدر ساخته و پیروزی او بر

مخالفان را همچون پیروزی نوح به تأخیر انداخته و پس از آن عمر بنده شایسته خود
یعنی خضر (علیه السلام) را

دلیلی بر امکان طول عمر او قرار داده است " .

عرض کردم : ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه وآله) این مطالب را برای ما
بیشتر باز کنید .

فرمود : " اما ولادت موسی ، وقتی فرعون پی برد که فرمانروائی او بدست موسی (
علیه السلام) نابود خواهد شد ،

کاهنان را احضار کرد . آنها نسب و نژاد حضرت را برای فرعون مشخص کرده و
گفتند : او از بنی اسرائیل

صفحه : ۳۶۲

است . فرعون دستور داد شکم زنان باردار بنی اسرائیل را بشکافند (تا مانع تولد او
گردند) تا آنکه بیش از

بیست هزار نوزاد را بدین سان سربریدند ولی هرگز به او دست نیافتند ، چرا که خداوند حفاظت او را اراده کرده بود " . همچنین بنی امیه و بنی عباس وقتی فهمیدند زوال حکومت و نابودی فرمانروایان و جباران آنها بدست قائم (علیه السلام) ما است به دشمنی با ما برخاستند و به روی اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه وآله) شمشیر کشیدند و به امید دست یابی بر قائم (علیه السلام) کمر به نابودی ذریه پیامبر بستند . ولی خداوند اجازه نداد که ماجرای او بر ظالمی آشکار شود تا آنکه نور خود را کامل گرداند هرچند بر مشرکان ناگوار آید . اما در ماجرای غیبت عیسی (علیه السلام) ، یهود و نصاری جملگی بر آنند که وی کشته شده ولی خداوند آنان را در قرآن تکذیب نمود آنجا که می فرماید : " آنها نه او را کشتند و نه بر دار زدند بلکه در این امر به اشتباه افتادند " (۱) غیبت قائم (علیه السلام) نیز بدینگونه است زیرا امت به سبب طولانی شدن غیبت ، آن را انکار نمایند . . . و اما داستان طولانی شدن عمر حضرت نوح (علیه السلام) . وقتی آن حضرت درخواست عذاب از آسمان برای قوم خود کرد ، خداوند جبرئیل را با هفت هسته خرما نزد وی فرستاد و گفت : ای پیامبر ، خداوند می فرماید :

این مردم آفریده ها و بندگان من هستند و من آنها را بوسیله صاعقه آسمانی از بین نمی برم مگر بعد از ابلاغ

دعوت و اتمام حجت ، بنابراین دوباره برای دعوت آنها تلاش کن که من بخاطر آن
به تو پاداش دهم . این

هسته های خرما را بکار که برای تو در روئیدن ، رشد کردن و بارور شدن آنها ،
گشایش و نجات است .

پیروان با ایمان خود را نیز به این امر بشارت ده .

درختان خرما روئیدند و مراحل مختلف رشد را سپری کردند و پس از مدتی طولانی
به میوه نشستند ،

نوح (علیه السلام) از خدا درخواست نمود که به وعده خود وفا کند ، اما خداوند
(بار دیگر) او را مأمور کرد از هسته های

همان نخل ها بکارد و باز صبر و تلاش پیشه سازد و دلیل و حجت را بر قوم خود
تمام گرداند . در این هنگام

پیروان نوح که به او ایمان آورده بودند از جریان باخبر شدند و سیصد نفر از آنان
دست از نوح کشیدند و

گفتند : اگر ادعا و دعوت نوح حق بود نباید پروردگارش از وعده خود تخلف می
کرد .

----- پاورقی

1 ((نساء / ۱۵۶ .

اما خداوند هفت بار پی در پی او را مأمور کاشتن و بارور ساختن نخل ها نمود و
هر بار گروهی از پیروان
نوح از دین برگشتند تا آنکه طرفداران او به هفتاد و چند تن رسیدند ، در آن هنگام
خداوند به او وحی کرد که :
ای نوح اینک ظلمت شب به صبح روشن تبدیل گردید و حق و حقیقت آشکار شد و
با ارتداد ناپاکان زلال
ایمان از کدورت کفر ، بازشناخته شد . . . "

سپس امام صادق (علیه السلام) افزود : " دوران غیبت قائم بدین گونه طولانی
شود تا حق کاملاً روشن و
صفای ایمان از تیرگی و ناخالصی پاک و جدا گردد " (۱)

امام زمان (عج) در دعاها و زیارت ها
" اللهم کن لولیک الحجۃ بن الحسن ، صلواتک علیہ و علی آبائه ، فی هذه الساعة
وفی کل ساعة ، ولیاً و
حافظاً وقائداً وناصراً ودليلاً وعیناً . . . حتی تُسکنه أرضک طوعاً ، وتمتعه فیها
طویلاً "

" اللهم صل علی ولی أمرک ، القائم المؤمل ، والعدل المنتظر ، وحقه بملائکتک
المقربین ، وأیده منک
بروح القدس یا رب العالمین .
اللهم اجعله الداعی إلی کتابک ، والقائم بدینک ، استخلفه فی الأرض کما
استخلفت الذین من قبله . مکن له
دینه الذی ارتضیته له . ابدله من بعد خوفه أمنا یعبدک لا یشرک بک شیئاً .

اللهم اعزه اعزز به ، وانصره وانتصر به ، وافتح له فتحاً يسيراً ، واجعل له من لدنك سلطاناً نصيراً .

اللهم أظهر به دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفى بشيء من الحق مخافة أحد من الخلق .

اللهم إننا نرغب إليك في دولة كريمة ، تعز بها الاسلام وأهله ، وتذل بها (الكفر) والنفاق وأهله ، وتجعلنا

فيها من الدعاء إلى طاعتك ، والقادة إلى سبيلك ، وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة .
اللهم المم به شعثنا ، واشعب به صدعنا ، وارثق به فتقنا ، وكثر به قلتنا ، واعزز به ذلتنا ، واغن به عائلنا ،

واقض به عن مغرنا ، واجبر به فقرنا ، وسد به خلتنا ، ويسر به عسرنا ، وبيض به وجوهنا ، وفك به اسرنا ،

پاورقى

1 ((بحار : ٥١ / ٢١٩ - ٢٢٢ .

صفحه : ٣٦٤

وانجح به طلبتنا ، وانجز به مواعيدنا ، واستجب به دعوتنا ، واعطنا به سؤلنا ، وبلغنا به من الدنيا والاخرة آمالنا ،

وأعطنا به فوق رغبتنا .

يا خير المسؤولين وأوسع المعطين ، إشف به صدورنا ، واذهب به غيظ قلوبنا ، واهدنا بهلما اختلف فيه من

الحق يا ذنك ، إنك تهدي من تشاء إلى صراط مستقيم ، وانصرنا به على عدوك
وعدونا إله الحق آمين .

اللهم إنا نشكو إليك فقد نبينا صلوات الله عليه وآله ، وغيبه ولينا ، وكثرة عدونا ،
وقلة عددنا ، وشدة الفتن

بنا ، وتظاهر الزمان علينا ، فصل على محمد وآل محمد ، وأعنا على ذلك كله بفتح
منك تعجله ، وضر تكشفه

ونصر تعزه ، وسلطان حق تظهره ، ورحمة منك تجلناها ، وعافية منك تلبسناها ،
برحمتك يا ارحم

الراحمين .

" . . . اللهم صلِّ على محمد وعليهم صلاة كثيرة دائمة طيبة ، لا يحيط بها إلا أنت

، ولا يسعها إلا علمك ،

ولا يحصيها أحد غيرك .

اللهم صلِّ على وليك المحيي سننك ، القائم بأمرك ، الداعي اليك ، الدليل عليك

، وحجتك على خلقك ،

وخليفتك في أمرك ، وشاهدك على عبادك .

اللهم أعز نصره ، ومد عمره ، وزين الأرض بطول بقائه .

اللهم اكفه بغى الحاسدين ، وأعدّه من شر الكائدين ، وازجر عنه إرادة الظالمين ،

وخلصه من أيدي

الجبارين .

اللهم أعطه في نفسه ، وذريته ، وشيعته ، ورعيته ، وخاصته ، وعامته ، وعدوه

وجميع اهل الدنيا ما تقرُّ به

عينه ، وتسرب به نفسه ، وبلغه أفضل أملة في الدنيا والاخرة . انك على كل شيء قدير .

اللهم جدد به ما محى من دينك ، وأحي به ما بدل من كتابك ، وأظهر به ما غير من حكمك ، حتى يعود

دينك به وعلى يديه عضاً جديداً خالصاً مخلصاً ، لا شك فيه ولا شبهة معه ، ولا باطل عنده ولا بدعة لديه .

اللهم نور بنوره كل ظلمة ، وهد بركنه كل بدعة ، واهدم بعزته كل ضلالة ، واقصم به كل جبار ، وأخمد بسيفه

كل نار ، وأهلك بعد له كل جبار ، وأجر حكمه على كل حكم ، واذل لسلطانه كل سلطان .

اللهم أذل كل من ناواه ، وأهلك كل من عاداه ، وامكر بمن كاده ، واستأصل من جحد حقه واستهان بأمره ،

صفحه : ٣٦٥

وسعى في إطفاء نوره ، وأراد إخماد ذكره "

" . . . اللهم لك الحمد على ما جرى به قضاؤك في أوليائك ، الذين استخلصتهم

لنفسك ودينك ، إذ

اخترت لهم جزيل ما عند من النعيم المقيم ، الذي لا زوال ولا اضمحلال ، بعد أن

شرطت عليهم الزهد في

درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها ، فشرطوا لك ذلك ، وعلمت منهم

الوفاء به ، فقبلتهم وقربتهم ،

وقدمت لهم الذكر العلى ، والثناء الجلى ، واهبطت عليهم ملائكتك وأكرمتهم

بوحيك ، ورفدتهم بعلمك ،

وجعلتهم الذرائع إليك ، والوسيلة الى رضوانك .

فبعض أسكنته جنتك إلى أن أخرجته منها . وبعض حملته فى فللك ونجيته ومن

آمن معه من الهلكة

برحمتك . و بعض اتخذته خليلا ، وسألك لسان صدق فى الاخرين فأجبتة ،

وجعلت ذلك علياً . وبعض كلمته

من شجرة تكليما ، وجعلت له من أخيه رداءً ووزيراً . وبعض أولدته من غير أب ،

وآتيته البينات ، وأيدته بروح

القدس .

وكلا شرعت له شريعة ، ونهجت له منهاجا ، وتخيرت له أوصياء ، مستحفظاً بعد

مستحفظ ، من مدة إلى

مدة ، إقامة لدينك ، وحجة على عبادك ، ولئلا يزول الحق عن مقره ، ويغلب

الباطل على أهله ، ولا يقول أحد :

لولا أرسلت الينا رسولا منذراً ، وأقمت لنا علماً هادياً ، فنتبع آياتك من قبل أن نذل

ونخرى . . .

الى أن انتهيت بالامر إلى حبيبك ونجيبك محمد (صلى الله عليه وآله) فكان كما

انتجبتة ، سيد من خلقته ، وصفوة من

اصطفيته ، وأفضل من اجتبته ، وأكرم من اعتمدته ، قدمته على أنبيائك ، وبعثته إلى

الثقلين من عبادك ،

واوطأته مشارفك ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت به الى سمائك ، واودعته
علم ما كان وما يكون إلى
انقضاء خلقك . . .

فعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلى صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون ،
وإياهم فليندب النادبون ،
ولمثلهم فلتذرف الدموع ، وليصرح الصارخون ، ويضج الضاجون ، ويعج العاجون .
أين الحسن ، أين الحسين ، أين أبناء الحسين ، صالح بعد صالح ، وصادق بعد
صادق . . . أين السبيل بعد
السبيل ، أين الخيرة بعد الخيرة ، أين الشمس الطالعة ، أين الأقمار المنيرة ، أين
الأنجم الزاهرة ، أين
أعلام الدين ، وقواعد العلم . . .

صفحه : ٣٦٦

أين بقية الله التي لا تخلو من العترة الهادية ، أين المعد لقطع دابر الظلمة ، أين
المنتظر لاقامة الامت
والعوج ، أين المرتجى لازالة الجور والعدوان ، أين المدخر لتجديث الفرائض والسنن
، أين المتخير لاعادة
الملة والشرعية ، أين المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده ، أين محيي معالم الدين وأهله
، أين قاصم شوكة
المعتدين ، أين هادم أبنية الشرك والنفاق .

أين معز الأولياء ، ومذل الأعداء ، أين جامع الكلم على التقوى ، أين السبب المتصل
بين أهل الأرض

والسما ، أين صاحب يوم الفتح ، وناشر راية الهدى . . . ، أين مؤلف شمل الصلاح
والرضا ، أين الطالب

بدخول الأنبياء وأبناء الأنبياء ، أين الطالب بدم المقتول بكر بلاء .

بأبي أنت وأمي ، ونفسي لك الوفاء والحمى ، يابن السادة المقربين ، يابن النجباء
الأكرمين ، يابن الهداة

المهتدين يابن الخيرة المهذبين . . .

عزيز على أن أرى الخلق ولا ترى ، ولا أسمع لك حسيسا ولا نجوى ، عزيز على أن
لا تحيط بي دونك

البلوى ، ولا ينالك منى ضجيج ولا شكوى . . . بنفسى أنت من مغيب لم يخل منا ،
بنفسي أنت من نازح لم

ينزح عنا . . .

إلى متى أحرأ فيك يا مولاي والى متى . وأى خطاب أصف فيك وأى نجوى . عزيز
على أن أجاب دونك

وأناغى . عزيز على أن أبكيك ويخذلك الورى عزيز على أن يجرى عليك دونهم ما
جرى . هل من معين

فأطيلُ معه العويل والبكاء . هل من جزوع فأساعد جزعه إذا خلا . هل قذيت عين
فساعدتها عيني على القذى .

هل إليك يابن أحمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بعده فنحظى . . . ترى أترانا
نخف بك وأنت تام

الملا ، وقد ملأت الأرض عدلا ، وأذقت أعداءك هوانا وعقابا . . . واجتثت اصول
الظالمين ، ونحن نقول الحمد
لله رب العالمين .

اللهم أنت كشاف الكرب والبلوى ، واليك استعدى فعندك العدوى ، وأنت رب
الأخرة والاولى .

. . . اللهم ونحن عبيدك التائقون الى وليك ، المذكر بك وبنبيك ، الذي خلقته لنا
عصمة وملاذا ، وأقمته لنا

قواما ومعادا ، وجعلته للمؤمنين منا إماما ، فبلغه منا تحية وسلاما .

. . . اللهم وأقم به الحق ، وادحض به الباطل ، وأدل به أولياءك ، وأذل به أعداءك
، وصل اللهم بيننا وبينه

صفحه : ٣٦٧

وصله تؤدي إلى مرافقه سلفه ، واجعلنا ممن يأخذ بحجزتهم ، ويمكث في ظلهم ،
وأعنا على تأدية حقوقه

إليه ، والاجتهاد في طاعته ، والاجتناب عن معصيته ، وامن علينا برضاه ، وهب لنا
رأفته ورحمته ودعائه ، وخير

ما تنال به سعة من رحمتك ، وفوزاً عندك ، واجعل صلواتنا به مقبولة ، وذنوبنا به
مغفورة ، ودعائنا به مستجابا ،

واجعل أرزاقنا به مبسوطة ، وهمومنا به مكفية ، وحوائجنا به مقضية ، وأقبل الينا
بوجهك الكريم ، واقبل تقربنا

إليك ، وانظر إلينا نظرةً رحيمهً ، نستكمل بها الكرامة عندك ، ثم لا تصرفها عنا
بجودك . واسقنا من حوض

جده صلى الله عليه وآله ، بكأسه وبيده ، ریا رویا ، هنيئاً سائغاً ، لا ظمأ بعده . . . يا
أرحم الراحمين " .

این نمائی از احترام و ادب شیعیان به پیشگاه حضرت امام مهدی موعود
ارواحنا فداه است .

* *

صفحه : ۳۶۸

صفحه : ۳۶۹

حضرت مهدی از نگاه سنی ها

برخی تصور می کنند که اعتقاد به مهدی منتظر (علیه السلام) از باورهای خاص
شیعیان

است در حالی که این اعتقاد نزد سنی ها از همان اصالتی برخوردار است که شیعیان
بدان معتقدند . از نگاه تمام مسلمانان بشارت های پیامبر (صلی الله علیه وآله) به
ظهور آن حضرت و

مأموریت جهانی و شخصیت برجسته و مقدس او و حتی نشانه های ظهور و
ویژگی های انقلاب او ، نکات مورد اتفاق است . تنها تفاوت موجود ، این است
که

ما شیعیان او را امام دوازدهم و بنام محمد بن حسن عسکری (علیه السلام) و

متولد سال ۲۵۵

هجری می دانیم و بر این عقیده ایم که خداوند عمر او را همچون عمر خضر (علیه

السلام)

طولانی نموده و او اکنون زنده و غایب است ، تا خداوند هر زمان اراده فرماید ،

اجازه ظهورش را صادر فرماید . در حالیکه اغلب دانشمندان سنی می گویند تولد و

غیبت او ثابت نیست بلکه در آینده متولد و به آنچه پیامبر (صلی الله علیه وآله)

بشارت داده جامه

عمل خواهد پوشاند .

اصیل بودن اعتقاد به حضرت مهدی (علیه السلام) از دیدگاه سنی ها را می توان از

فراوانی

روایاتی یافت که در کتابها و منابع روائی و اعتقادی آنها وجود دارد و در خلال

فتواها و آراء دانشمندان اهل سنت در طول نسل های گذشته به چشم می خورد .

بنابراین ، حرکت هایی مانند جنبش مهدی سودانی در قرن گذشته و حرکتی که

صفحه : ۳۷۰

در آغاز این قرن در مسجد الحرام اتفاق افتاد و " جنبش جهاد و هجرت " در مصر

و

حرکت های مشابهی که از سوی مدعیان مهدویت در جوامع سنی ها رخ داده ، بر

خلاف آنچه بعضی تصور می کنند ، حرکت هایی بی ریشه نبوده و به هیچ وجه

تحت

تأثیر تفکرات شیعه ، درباره حضرت مهدی (علیه السلام) هم پدید نیامده است .
شمار راویان سنی که احادیث حضرت مهدی (علیه السلام) را از صحابه و تابعین
نقل

کرده اند کمتر از راویان شیعه نیست همچنین علماء سنی که در مراحل بعد روایات
یاد شده را در کتاب ها و دایرة المعارف های حدیثی تدوین نموده و یا دارای
تألیفات

ویژه ای در این زمینه اند ، دست کمی از شیعیان ندارد .
شاید کهن ترین کتابی که از سنی ها درباره مهدی (علیه السلام) بدست ما رسیده
، کتاب

" الفتن والملاحم " اثر حافظ نعیم بن حماد مروزی (متوفای سال ۲۲۷ هـ) باشد
که

مؤلف آن از اساتید " بخاری " و سایر افرادی است که از نویسندگان کتاب های
صحاح ششگانه اهل سنت بشمار می روند ، نسخه ای از این کتاب در کتابخانه
دائرة

المعارف عثمانی در حیدرآباد هند با شماره ۳۱۸۷ - ۸۳ و نسخه ای در کتابخانه
ظاهریه دمشق به شماره ۶۲ - ادب ، و نسخه ای در کتابخانه موزه انگلستان
است

که حدود دویست صفحه پشت و رو دارد و تاریخ نسخه برداری آن سال ۷۰۶
هجری می باشد و روی پاره ای از صفحات آن عبارت " وقف حسین افندی " دیده
می شود و نشانگر این است که از موقوفات ترکیه گرفته شده و در سال ۱۹۲۴ م .
در

کتابخانه بریتانیا ثبت گردیده است . و یکی از منابعی که ما در این کتاب از آن روایت

نقل کرده ایم ، همین نسخه است . اما سایر منابع روائی و اعتقادی سنی ها که از حضرت مهدی (علیه السلام) سخن گفته و یا بخشی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص

داده اند به بیش از پنجاه مأخذ می رسد که از جمله آنها ، کتاب های صحاح اهل سنت است . و اما شمار تألیفات ، رساله ها و پژوهش های مستقل این موضوع نیز در

صفحه : ۳۷۱

حدود پنجاه مورد است .

و اما قدیمی ترین اثر شیعی درباره امام زمان (علیه السلام) که بدست ما رسیده کتاب

" غیبت " و یا کتاب " قائم " از فضل بن شاذان نیشابوری است که معاصر نعیم بن حماد بوده است وی کتاب خویش را قبل از ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) و غیبت او

تألیف نموده است !

نسخه های این کتاب در قرون گذشته در دسترس علمای ما بوده ولی متأسفانه در حال حاضر از آن خبری نیست ، ولی بخش هایی از این اثر در ضمن تألیفات و کتابهای دانشمندانی که از آن استفاده کرده اند بر جای مانده است ، از جمله علامه

مجلسی که روایاتی از آن را در دائرة المعارف خود " بحار الانوار " نقل کرده است

در طول تاریخ ، عقیده به حضرت مهدی (علیه السلام) از عقائد ثابت اسلامی نزد
علما و

عموم مردم سنی مذهب بوده و بر این عقیده چنان هماهنگی و توافق عمومی
وجود داشته که اگر مخالفی پیدا می شد با انکار همگان روبرو می گشت و
دانشمندان و محققان با او به مقابله می پرداختند ، چرا که انکار چنین موضوعی ،
انکار یکی از عقائد مسلم اسلام به شمار می رود که با روایات فراوانی از رسول
خدا (صلی الله علیه وآله) بدست ما رسیده است .

اینک دو نمونه از کسانی که در این عقیده تردید نموده و دانشمندان سنی به آنان
پاسخ داده اند ، از نظرتان می گذرد :

الف : ابن خلدون ، از دانشمندان قرن هشتم سنی در مقدمه کتاب معروف تاریخ
خود می گوید (۱) :

" بدان که بین همه مسلمانان در طول دوران گذشته چنین معروف بوده و هست که
باید در آخر زمان

پاورقی -----

1 () چاپ ، دار احیاء التراث العربی ص ۳۱۱ .

مردی از اهل بیت ظهور کند و دین را یاری و عدالت را آشکار سازد و مسلمانان از او پیروی کنند ، وی بر

ممالک اسلامی استیلا یابد و مهدی نامیده شود . و خروج دجال و حوادث پس از آن که از نشانه های مسلم

قیامت در روایات است بعد از ظهور وی اتفاق افتد و عیسی بعد از او فرود آید و دجال را از بین برد . یا

همزمان با ظهور مهدی فرود آید و او را در کشتن دجال یاری نماید و در نماز به مهدی اقتدا کند " (۱)

آنگاه ابن خلدون بیست و هشت روایت را که درباره مهدی (علیه السلام) آمده بررسی

می کند و به برخی از راویان آنها ایراد می گیرد و چنین می گوید :

" این مجموعه روایاتی است که بزرگان در شأن مهدی (علیه السلام) و ظهور وی در آخر

زمان آورده اند ، و چنانکه ملاحظه نمودی بجز اندکی ، بقیه خالی از نقد نیست " (۲)

سپس برخی از آراء اهل تصوف درباره مهدی منتظر را مورد نقد و بررسی قرار داده و آنگاه بحث خود را با این گفتار پایان می دهد :

" باید به این حقیقت توجه داشت که هیچ دعوتی به دین و حکومت کامل

نمی شود مگر با نیروئی مصمم که از آن پشتیبانی و دفاع کند تا امر خدا در آن آشکار

گردد . این مطلب را قبلا با دلائل قطعی ثابت کردیم و گفتیم که تلاش شدید
دولت

فاطمی ها و حتی قریش در سراسر جهان متلاشی شد و امت های دیگری جایگزین
آنان گردیدند که سعی و تلاش بالاتری از تلاش قریش داشتند مگر گروهی از
طالبین

از بنی حسن ، بنی حسین و بنی جعفر که در سرزمین حجاز در مکه و یثرب در مدینه
باقی مانده و در آن شهرها پراکنده و بر آن نقاط غالب اند ، آنها دسته هایی هستند
که

از لحاظ وطن و حکومت و رأی و عقیده بصورت متفرق و پراکنده بسر می برند و
شمار آنان به هزاران تن می رسد . بنابراین چنانچه ظهور این مهدی صحیح باشد

پاورقی -----

1 ((مقدمه ابن خلدون ص ۳۱۱ .

2 ((مقدمه ابن خلدون ص ۳۲۲ .

صفحه : ۳۷۳

توجیه قابل قبولی برای آن وجود ندارد مگر اینکه از همین افراد باشد و خداوند
دلهای آنان را در پیروی از وی به یکدیگر پیوند دهد تا با قدرت و عظمت تمام
دعوت خود را آغاز کند و مردم را به پذیرش آن وادار سازد . اما به غیر این روش ،
مانند اینکه فردی از افراد فاطمی در گوشه ای از جهان بدون حمایت قدرت و صرفاً
به خاطر انتساب به اهل بیت بخواهد دست به چنین دعوتی بزند ، نمی تواند موفق

باشد " (۱)

با آنکه ابن خلدون اعتقاد به حضرت مهدی (علیه السلام) را بشکل جدی رد نکرده اما آنرا

بعید دانسته و در تعدادی از روایاتش تردید کرده است . از همین رو دانشمندان ، نظرات وی را نسبت به یک عقیده اسلامی که روایات فراوانی بر اثبات آن وجود دارد ، ناروا و انحرافی دانسته و او را مورد سرزنش قرار داده و گفته اند که او یک مورخ است و تخصصی در شناخت روایت ندارد تا بتواند به تحلیل و اجتهاد آن پردازد . بزرگترین نقدی که در رد ابن خلدون دیده ام کتاب " الوهم المکنون من کلام

ابن خلدون " است که توسط دانشمند محدث احمد بن صدیق مغربی در بیش از یکصد و پنجاه صفحه به رشته تحریر درآمده و در مقدمه آن نظریات دانشمندان علم حدیث را در صحت و تواتر روایات حضرت مهدی (علیه السلام) بیان کرده و سپس

اشکالات ابن خلدون به اسناد روایات را یک به یک پاسخ گفته و آنها را بی اساس و ضعیف دانسته و روایات مربوط به حضرت مهدی (علیه السلام) را تا یکصد روایت کامل کرده است .

ب : کتابی به نام " لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر " (بعد از پیامبر (صلی الله علیه وآله)

مهدی ای نیست که انتظارش رود) توسط شیخ عبدالله محمود رئیس دادگاه های

پاورقی -----

صفحه : ۳۷۴

شرع امارات قطر نوشته شد . این کتاب در پی شورش منشر شد که اخیراً در مسجد الحرام اتفاق افتاد و طی آن فرمانده شورشیان یعنی محمد بن عبدالله قرشی ادعا کرد که او مهدی منتظر است . پس از چاپ کتاب مذکور عده ای از علمای حجاز با نظرات وی مخالفت کردند ، از جمله دانشمند محدث شیخ عبد المحسن عبّاد استاد دانشگاه اسلامی مدینه منوره که در پاسخ وی پژوهشی کامل تحت عنوان " الرد علی من کذب بالأحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی " در بیش از پنجاه صفحه در مجله " الجامعة الاسلامیة " شماره ۴۵ محرم ۱۴۰۰ هـ منتشر ساخت . در مقدمه این بحث در همان مجله چنین آمده است :

" بدنبال وقوع این حادثه (حادثه شورش در مسجد الحرام در سال ۱۴۰۰) که دل هر مسلمانی را می آزارد . . . پرسش هائی درباره ظهور مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان مطرح گردید ، از جمله اینکه آیا در این باره روایات نبوی صحیح وجود دارد یا خیر ؟ از این

رو برخی دانشمندان در رادیو و روزنامه ها صحت موضوع مهدی منتظر را با بسیاری

از روایاتی که در این باره از پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسیده ، توضیح دادند ، از جمله شیخ عبدالعزیز

بن عبدالله بن باز رئیس اداره پژوهش های علمی و تبلیغ و ارشاد که بی حرمتی و تجاوز احمقانه آن گروه منحرف نسبت به بیت الحرام را تقبیح کرد و همچنین شیخ عبدالعزیز بن صالح ، پیشوا و خطیب مسجد پیامبر (صلی الله علیه وآله) در یکی از خطبه های نماز

جمعه ، تجاوز این گروه خاطی و ستمگر را به زشتی و بدی یاد کرد و خاطر نشان ساخت که آنها و کسانی که او را مهدی پنداشتند در یک سو و مهدی منتظر که در روایات مطرح شده در سویی دیگر قرار داد و این دو با یکدیگر بسیار متفاوتند . در پاسخ به حرکت این گروه در مسجد الحرام بود که شیخ عبدالله بن زید محمود رئیس دادگاه های شرع دولت قطر به تقلید از پاره ای نویسندگان قرن چهاردهم که هیچگونه شناخت و تخصصی درباره روایت نبوی و صحیح و سقیم آن نداشتند ،

صفحه : ۳۷۵

دست به انتشار جزوه ای بنام " لا مهدی ینتظر بعد الرسول خیر البشر " زد و در آن با

تکیه به شبهه های عقلی ، تمام روایاتی را که درباره مهدی (علیه السلام) آمده تکذیب و همان

مطالب بی پایه گذشتگان را تکرار کرد و اعتقاد به ظهور مهدی موعود را خرافات دانست . . .

و من مصلحت دیدم که این مطالب را نگاشته و خطاها و خیال بافی های نویسنده این جزوه را بر ملا سازم و توضیح دهم که عقیده به ظهور مهدی (علیه السلام) در آخر الزمان بر

اساس روایات صحیح بنا شده و علمای سنی و پیروان حدیث در گذشته و حال به استثنای افرادی اندک بر آن اتفاق نظر دارند .

بجاست در اینجا اشاره کنم که من سابقاً پژوهشی تحت عنوان " عقیده اهل السنة والاثار فی المهدی المنتظر " نگاشتم و در مجله " الجامعه الاسلامیه " شماره

۳

سال اول ، ذی قعدة ۱۳۸۸ هـ در مدینه منوره چاپ و منتشر گردید که این مقاله مشتمل بر ده قسمت بدین ترتیب است :

- 1 - نام صحابه ای که روایات مهدی (علیه السلام) را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) روایت کرده اند .
- 2 - اسامی پیشوایان سنی که روایات و اخبار وارده درباره مهدی را در کتاب های خود آورده اند .
- 3 - دانشمندانی که درباره مهدی (علیه السلام) تألیف مستقلی دارند .
- 4 - دانشمندانی که معتقد به تواتر (۱) احادیث مهدی اند و نقل کلام آنان .
- 5 - بیان برخی از روایاتی که در صحیح بخاری و مسلم (۲) آمده و به موضوع

پاورقی -----

1 () حدیث متواتر به حدیثی گفته می شود که تعداد اسناد راویان آن بقدری زیاد باشد که امکان

هماهنگی آنان بر ساختگی بودن حدیث محال باشد . مترجم

2 () صحیح مسلم و صحیح بخاری ، دو کتاب از کتاب های معروف و معتبر

حدیث اهل سنت

است .

مهدی ارتباط دارد .

6 - بیان پاره ای از روایاتی که درباره مهدی (علیه السلام) در غیر دو کتاب یاد شده آمده ،

همراه با ذکر سندهای بعضی از آنها .

7 - معرفی دانشمندانی که به روایات مربوط به مهدی استدلال کرده و به محتوای آن معتقد بودند .

8 - معرفی کسانی که روایات مربوط به مهدی را انکار و یا در آن تردید نموده اند همراه با پاسخ به نظرات آنها .

9 - بیان مطالبی که تصور می شود با روایات مربوط به مهدی (علیه السلام) تعارض دارد و

پاسخ مطالب مذکور .

10 - گفتار پایانی درباره این نکته که اعتقاد به ظهور مهدی (علیه السلام) در آخر زمان ناشی

از ایمان به غیب است و اعتقاد سنی ها به مهدی (علیه السلام) ارتباطی به عقیده شیعه ندارد " .

در حقیقت نقد و بررسی ابن صدیق مغربی در پاسخ ابن خلدون و دو پژوهش یاد شده از شیخ عباد ، از غنی ترین پژوهش های روائی و اعتقادی سنی ها درباره مهدی منتظر (علیه السلام) است .

من مایل بودم قسمت هایی از این مطالب را نقل کنم ، اما بیان آراء دانشمندان

دیگر ، از کتاب " الإمام المهدي عند أهل السنة " را سودمندتر دیدم ، این کتاب اخیراً از سوی " کتابخانه امیر المؤمنین (علیه السلام) " در اصفهان چاپ و منتشر گردیده و

حاوی فصل هایی از کتب حدیث و رساله های مستقل و پژوهش هایی پیرامون مهدی (علیه السلام) است که به قلم بیش از پنجاه تن از دانشمندان و پیشوایان

سنی نوشته

شده است .

صفحه : ۳۷۷

اکنون به دیدگاه تعدادی از این دانشمندان توجه فرمائید :

ابن قیّم جوزی دمشقی

ابن قیّم در کتابش " المنار المنیف فی الصحیح والضعیف " پس از نقل تعدادی از

روایات مربوط به مهدی منتظر (علیه السلام) می گوید :

" اولاً خود این روایات از نظر اعتبار سند به چهار درجه تقسیم می شوند . ثانیاً

مردم در مورد مهدی (علیه السلام) دارای چهار دیدگاه متفاوت اند :

الف : کسانی که معتقدند عیسی بن مریم در حقیقت همان مهدی است . طرفداران

این گفته به روایت محمد بن خالد جندی (لا مهدی إلا عیسی) استدلال کرده اند

و

ما گفتیم که این روایت درست نیست و اگر درست هم باشد حداکثر ، بیانگر آن

است که مقام عیسی بالاتر از مقام مهدی است .

ب : کسانی که معتقدند مهدی همان مهدی خلیفه عباسی است که به خلافت

رسید و حکومتش منقرض شد ، پیروان این گفته به این روایت احمد در کتاب
" مسند " استاد می کنند :

" وقتی درفش های سیاه را مشاهده کردید که از سوی خراسان روی آورند به
سمت آنها بشتابید اگر چه

با خزیدن روی برف ، زیرا مهدی خلیفه خدا در میان آنهاست . . . "

. . . این روایت در کتاب سنن ابن ماجه از عبدالله بن مسعود نقل شده که می گوید
:

" روزی نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) بودیم که جوانانی از بنی هاشم وارد شدند
، چون پیامبر آنها را دید ، اشک از

چشمانش جاری و رنگ رخسارش دگرگون شد ، عرض کردم : حالتی را در
سیمای شما می بینیم که آنرا

دوست نداریم ! فرمود : ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را در برابر دنیا
برایمان برگزیده است . بزودی

اهل بیت من به بلا ، مصیبت و آوارگی گرفتار شوند تا آنکه قومی از اهل مشرق
بیاید در حالی که درفش های

سیاه با خود دارند ، حق را مطالبه کنند و به آنها داده نشود ، آنگاه به نبرد و مبارزه
پردازند تا پیروز شوند ،

صفحه : ۳۷۸

پس خواسته آنها را عملی کنند ولی آنها نپذیرند تا آنکه درفش را بدست مردی از
خاندان من بسپارند ، او

زمین را پر از عدل و داد کند آنگونه که قبلا از ظلم و ستم پر شده است ، پس هر کس آن زمان را دریابد باید

به نزد ایشان بشتابد گرچه با خزیدن روی برف باشد " .

... این مورد و مورد قبلی اگر صحیح باشد . در آن دلیلی وجود ندارد که مهدی

خلیفه عباسی همان مهدی منتظر است که در آخر زمان ظهور کند بلکه او یک مهدی است مانند مهدی های دیگر . همچنانکه عمر بن عبدالعزیز نیز مهدی بود بلکه می توان گفت وی به این نام سزاوارتر از مهدی عباسی بود .

... اما مهدی موعود (علیه السلام) همواره در جهت خیر و هدایت است

همچنانکه نقطه

مقابل دجال است که پیوسته در جهت شرّ و گمراهی است . و همانگونه که قبل از

دجال بزرگ که دارای کارهای خارق العاده ای است دجالهای دروغین ظاهر می شوند همینطور پیش از مهدی موعود (علیه السلام) نیز مهدی های هدایتگر و

صالح ظاهر

خواهد شد .

ج : کسانی که معتقدند او مردی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و از

فرزندان حسن بن علی

است و در آخر زمان ظهور خواهد کرد . زمانی که زمین آکنده از ظلم و جور باشد ، آن

را سرشار از عدل و داد گرداند . اکثر روایات بر این نظر دلالت دارد . . . " (۱)

ابن حجر هیثمی

ابن حجر در کتاب خود " الصواعق المحرقة " گوید :

" مقاتل بن سلیمان و مفسران پیرو او گفته اند که آیه شصت و یکم سوره زخرف که فرموده " وانه لعلم الساعة " درباره مهدی (علیه السلام) نازل گردیده است .
و روایاتی که به
صراحت وی را از خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) می داند خواهد آمد در این
صورت آیه شریفه

پاورقی -----

1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۲۸۹ .

صفحه : ۳۷۹

می فهماند که ذریه فاطمه و علی رضی الله عنهما با برکت خواهد بود و خداوند از
آن

دو ، فرزندان پاک و شایسته بسیاری برآورد و نسل آن ها را کلید حکمت و معدن
رحمت قرار دهد و سر آن این است که پیامبر ، فاطمه و ذریه او را از شر شیطان ،
در

پناه خداوند قرار داد و برای علی نیز چنین دعایی نمود که شرح کامل آن از سیاق
روایات مربوطه استفاده می شود " (۱)

ابن کثیر

ابن کثیر در کتاب نهاییه فصل مستقلی به این موضوع اختصاص داده و نام آن
فصل را چنین گذاشته است :

" مهدی که در آخر زمان ظهور می کند " سپس می گوید : " او یکی از جانشینان

راستین (پیامبر) و پیشوایان هدایت شده است که احادیث نبوی درباره او سخن می گویند و بیان می دارند که (ظهور) وی در آخر زمان خواهد بود . . . "

و به دنبال این روایت که " درفش های سیاهی از خراسان خروج می نمایند و هیچ چیز مانع بازگشت آنها نمی شود تا اینکه در ایلایء نصب گردند " می گوید :

" این پرچم ها آنهایی نیستند که ابو مسلم خراسانی آنها را به اهتزاز درآورد و به وسیله آن دولت بنی

امیه را در سال ۱۳۲ هـ منقرض کرد . بلکه درفش های دیگری است که همراه مهدی خواهد آمد و او ، محمد

بن عبدالله علوی فاطمی حسنی است که خداوند وی را در یک شب شایستگی بخشید یعنی توبه او را

پذیرفته و او را موفق کند و به او الهام نموده و به راه راست هدایت کند و حکومت او را بر پا داشته و ارکان

دولت وی را استوار سازد . پرچم های آنان سیاه است چرا که رنگ سیاه نشانه ای از وقار است . زیرا درفش

پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) نیز سیاه بود و عقاب نامیده می شد " (۲)

پاورقی -----

1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۴۲۰ .

2 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۲۹۶ و ۳۰۱ و ۳۰۲ .

جلال الدین سیوطی

سیوطی در کتاب "الحاوی للفتاوی" می گوید: "ابن جریر در تفسیر خود به نقل از سدی درباره این آیه: "ومن أظلم ممن منع مساجد الله أن يذكر فيها اسمه وسعی فی خرابها" (۱)

آورده است که: منظور، رومیان هستند که در خراب کردن بیت المقدس از بخت النصر پشتیبانی کردند و درباره این کلام خدا: "اولئك ما كان لهم أن يدخلوها إلا خائفين" (۲)

گفت: روی زمین هیچ رومی وجود ندارد که داخل آن شود مگر آنکه بیمناک است

که مبادا گردنش را بزنند و از او جزیه بگیرند. و در مورد این جمله: "لهم فی الدنيا

خزی" (۳) گفت: اما خواری و ذلت این جهان وقتی است که مهدی (علیه السلام) قیام نماید و

قسطنطنیه آزاد گردد و آنها را از دم شمشیر بگذرانند. (۴)

سپس در توضیح روایت "لا مهدی إلا عیسی بن مریم" می گوید: قرطبی در تذکره گفته است: سند این روایت ضعیف است در حالی که احادیث نبوی وجود دارد که به روشنی درباره خروج مهدی است و بیانگر آن است که او از عترت و خاندان پیامبر (صلی الله علیه وآله) و از فرزندان فاطمه است. و سند این احادیث از آن روایت

صحیح تر است بنابراین باید بر اساس آن روایات حکم جاری کرد نه بر پایه این حدیث ضعیف.

ابو الحسن محمد بن حسین بن ابراهیم بن عاصم سجزی می گوید : روایات پیامبر (صلی الله علیه وآله) درباره آمدن مهدی متواتر و فراوان است و همه آنها نشان می دهد که

پاورقی -----

1 () (یعنی : چه کسی ستمگرتتر از آن است که در تخریب مساجد خدا تلاش کرد و از یاد خدا در آنها

جلوگیری نمود (سوره بقره آیه ۱۱۴)

2 () (یعنی : آنها را سزاوار نیست که در آن وارد شوند مگر بیمناک . (ادامه همان آیه)

3 () (یعنی : خواری و ذلت در دنیا بر آنها باد (ادامه آیه قبل)

4 () (الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۳۵۴ .

صفحه : ۳۸۱

مهدی از اهل بیت است ، هفت سال حکمرانی خواهد نمود و زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت . عیسی همزمان با او ظهور نموده و در کشتن دجال در دروازه لُد

در سرزمین فلسطین وی را یاری خواهد کرد . او بر این امت ، امامت کند و عیسی پشت سر او در تمام مدت فرمانروائی وی نماز بگزارد " (۱)

ابن ابی الحدید معتزلی

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه در بیان این سخنِ امیر المؤمنین (علیه السلام)
که

می فرماید : " و بنا یختم لابیکم " می گوید :

" این گفته اشاره به مهدی است که در آخر زمان ظهور کند . بیشتر محدثان بر آنند
که وی از فرزندان

فاطمه است و پیروان مذهب معتزله این نظر را انکار نمی کنند بلکه در کتاب های
خود به بیان آن تصریح

کرده و اساتید و بزرگانشان به این امر اعتراف نموده اند . با این تفاوت که به اعتقاد
ما او هنوز آفریده نشده

و بعداً آفریده خواهد شد . و اصحاب حدیث (۲) نیز به این نظر گرایش دارند " (۳)

و در شرح این سخنِ امام (علیه السلام) که فرمود : " لتعطفنّ الدنیا علینا بعد
شماسها عطف الضروس

علی ولدها " (۴) و در پی آن این آیه را تلاوت نمود : " ونرید أن نمّن علی الذین
استضعفوا فی

الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثین " می گوید :

" شیعیان بر این عقیده اند که این وعده به امام غایب مربوط است که در آخر

پاورقی -----

1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۳۶۹ .

2 () منظور ابن ابی الحدید از اصحاب حدیث بخشی از پیروان مذهب حنبلی
هستند که امروز به

نام سلفی یا وهابی شناخته می شوند . مترجم

3 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۱۶۴ .

4 () یعنی : دنیا پس از سرکشی با مهر و عاطفه فراوان همچون مهر ماده شتر پیر

به فرزندش به

سوی ما بازمی گردد . مترجم

صفحه : ۳۸۲

زمان بر زمین حکمرانی خواهد کرد . و هم فکران ما (معتزله) می گویند : مسلماً
این

وعده مربوط به امامی است که بر زمین فرمانروائی و بر ممالک استیلا می یابد ولی
لازم نیست او حتماً اکنون وجود داشته باشد . . . و پیروان فرقه زیدیه می گویند :
بی تردید کسی که بر زمین حکمرانی خواهد کرد شخصی فاطمی است و جماعتی
از فاطمی ها که بر مذهب زیدیه اند به دنبال او خواهند آمد ، هر چند اکنون کسی
از

آنان وجود نداشته باشد " (۱)

سپس در شرح این گفته حضرت علی (علیه السلام) " پدرم فدای فرزند بهترین
کنیزان " می گوید :

" شیعیان بر این باورند که امام دوازدهم آنان فرزند کنیزی است بنام نرجس ولی
معتزله می گویند او فاطمی است و در زمان آینده از کنیزی متولد خواهد شد و
اکنون

وجود خارجی ندارد . او زمین را همانگونه که از ستم انباشته شده ، از عدل و داد

پر

کند و از ستمکاران انتقام گیرد و با سخت ترین مجازات آنان را کیفر دهد " (۲)

حال باید ابن ابی الحدید و سایر دانشمندان اهل سنت که معتقدند مهدی ،

فرزند بهترین کنیزان عالم است به این سؤال پاسخ دهند که اگر مهدی (علیه

السلام) فرزند امام

حسن عسکری (علیه السلام) نباشد و قرار باشد در عصر ما تولد یابد ، پس

موضوع کنیز و

فرزند کنیز و فرزند بهترین کنیزان عالم چگونه ممکن خواهد بود ؟

ابن ابی الحدید در جای دیگر و در شرح این جمله نهج البلاغه که در ارتباط با

امام زمان فرموده است " فی ستر من الناس " " او از دیده مردم پنهان است " می

گوید :

" این سخن ، اشاره به مخفی بودن امام دارد ، اما نکته مذکور سودی برای

شیعیان ندارد هر چند تصور کنند که امام مورد نظر آنها را بیان کرده است . زیرا

پاورقی -----

1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۱۷۴ .

2 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۱۵۲ .

صفحه : ۳۸۳

ممکن است خداوند این امام را در آخر زمان بیافریند و مدتی میان مردم پنهان دارد

و دارای مبلغانی باشد که مردم را به سوی او فرا خوانند ، و فرمان او را اجرا کنند و پس از مدتی اختفاء ، ظهور نماید و بر کشورها فرمانروائی و بر دولت ها استیلا یابد و

مالک زمین گردد "

مناوی صاحب کتاب فیض القدیر

مناوی در شرح این روایت که " مهدی مردی از فرزندان من و چهره اش چون ستاره ای

درخشان است " می گوید : در کتاب مطامح آمده است :

" گفته شده که در میان این امت خلیفه ای خواهد بود که ابوبکر بر او فضیلت ندارد . سپس می افزاید : روایات مربوط به مهدی فراوان و مشهور است که آنها را بسیاری از علما بصورت جداگانه گردآوری نموده اند " .

از جمله سمهودی گفته است :

" از اخباری که درباره او ثبت شده ، معلوم می شود که وی از فرزندان فاطمه است و بر اساس آنچه در کتاب سنن ابو داود آمده او از فرزندان حسن است " .
سپس می گوید :

" روایت " لا مهدی إلا عیسی بن مریم " هیچگونه تعارضی با روایات مهدی موعود ندارد زیرا منظور از آن ، چنانکه قرطبی گفته یعنی مهدی کامل و معصوم ، کسی غیر از عیسی نیست . اما ابن جوزی به نقل از ابن احمد رازی می گوید : این روایت (یعنی روایت لا مهدی إلا . . .) روایتی است باطل ، زیرا راوی آن محمد

بن

ابراهیم صوری است سپس رازی از کتاب " میزان الاعتدال " همین روایت را با سند

ابن جلاب از رواد نقل کرده . در آن کتاب می گویند که این حدیث ، حدیث باطل و غیر قابل قبولی درباره مهدی است " .

صفحه : ۳۸۴

خیر الدین آلوسی

آلوسی در کتاب " غالیة الموعظ " می گوید :

" بر اساس صحیح ترین نظریه اکثر اندیشمندان ، ظهور مهدی ، از جمله نشانه های قیامت است و نظر

برخی علما که آمدن وی را انکار نموده اند ، فاقد ارزش و اعتبار است . . . " وی پس از آنکه بخشی از روایات مربوط به مهدی (علیه السلام) را مورد بررسی و تحقیق

قرار داده ، می گوید :

" آنچه درباره مهدی بیان کردیم ، اعتقادی است صحیح و مبتنی بر اقوال اهل سنت و جماعت " (۱)

شیخ محمد خضر حسین مفتی اعظم الأزهر (۲)

شیخ محمد خضر در گفتاری با مجله تمدن اسلامی تحت عنوان " نگرشی بر روایات مهدی " می گوید : " مواردی در دین وجود دارد که همچون احکام شرعی ،

پایبندی به آن در صورت وجود یک روایت معتبر کافی است . یکی از این موارد احادیث مهدی موعود است ، بیان این مسائل در احادیث برای آگاهی مردم است اما درستی یا نادرستی ایمان افراد وابسته به شناخت محتوای این روایات نیست . حال اگر در روایتی صحیح از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نقل شود که در آخر زمان چنین خواهد شد ،

برای ما علم و آگاهی لازم بدست می آید و پایبندی به محتوای آن لازم می شود و دیگر نیازی به کثرت راویان آن حدیث تا حد تواتر نخواهد بود . در کتاب صحیح " امام بخاری " روایتی درباره مهدی (علیه السلام) نیامده ، اما در " کتاب صحیح مسلم " روایتی

پاورقی -----

- 1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۲ / ۱۵۸ و ۱۶۰ .
- 2 () " شیخ الازهر " بالاترین مقام علمی الازهر مصر و مفتی اعظم مذاهب چهارگانه اهل سنت به شمار می رود . مترجم

صفحه : ۳۸۵

وارد شده که نام مهدی در آن صریحاً نیامده ولی بعضی از علما می گویند منظور از آن مهدی است یا به برخی صفات آن حضرت اشاره شده است ، اما صاحبان سایر کتاب های حدیث مانند امام احمد بن حنبل ، ابو داود ، ترمذی ، ابن ماجه ، طبرانی

ابو نعیم ، ابن ابی شیبہ ، ابو یعلی ، دار قطنی ، بیهقی ، نعیم بن حماد و دیگران این روایات را نقل کرده اند و برخی آنها را در رساله های جداگانه ای گردآوری نموده اند ،

مانند " العرف الوردی فی حقیقه المهدی " اثر ملا علی قاری و " التوضیح فی تواتر ما

جاء فی المنتظر والدجال والمسیح " از شوکانی .

شوکانی در همین رساله ، معتقد است که این روایات به حدّ تواتر رسیده و می گوید : " روایاتی که (درباره مهدی) در دست ماست پنجاه حدیث است که شامل حدیث صحیح ، حسن و ضعیف قابل جبران (۱) است بنابراین احادیث مذکور ، بر پایه معیارهای علم اصول ، متواتر محسوب می گردند . زیرا احادیثی که

حتی از این مقدار استحکام هم برخوردار نباشند ، متواترند (۲) .

بعضی از منکران روایات مهدی می گویند : " این روایات بی تردید از ساخته های شیعیان است ، ولی این نظر مردود است زیرا تمام این روایتها دارای سند است و ما اسناد آنها را نیز تحقیق و بررسی نمودیم و راویان آنها را از کسانی یافتیم که به عدالت و دقت در نقل حدیث معروفند و حتی یک نفر از کارشناسان علم رجال که

پاورقی -----

1 () حدیث ضعیف قابل جبران به حدیثی گفته می شود که از نظر سند ضعیف

است اما به خاطر

تأیید محتوای آن توسط احادیث یا ادله دیگر ، ضعف یاد شده جبران می گردد و

در نتیجه حدیث

قابل اعتماد محسوب می شود . مترجم

2 () () حدیث متواتر به حدیثی گفته می شود که اسناد راویان آن به قدری زیاد

باشد که امکان

ساختگی بودن حدیث غیر ممکن باشد . چنین حدیثی از بالاتر درجه اعتبار

برخوردار است .

مترجم

صفحه : ۳۸۶

متخصص در شناسائی راویان حدیثند ، راویان این احادیث را به شیعه بودن متهم

نساخته اند .

آری ، بسیاری از بنیانگذاران دولت ها ، مسأله مهدی (علیه السلام) را وسیله

رسیدن به

اهداف خود قرار داده اند و ادعای مهدویت کرده اند تا مردم را بدین وسیله گرد

خود

جمع کنند ، از جمله دولت فاطمی ها (در مصر) که بر اساس این دعوت به پا

گردید

و مؤسس آن عبیدالله ، خود را مهدی خواند . و دولت موحدین (در مغرب) بر پایه

این ادعا شکل گرفت ، و بنیانگذار آن محمد بن تومرت ، حکومت خود را بر این

دعوت استوار نمود .

همچنین مردی به نام عباس به سال ۶۹۰ هـ ، در مناطق کوهستانی ریف در کشور

مغرب قیام کرد و خود را مهدی خواند و جماعتی از او پیروی کردند ولی سرانجام به قتل رسید و دعوتش پایان یافت .

و همینطور پس از شورش " عربی باشا " در مصر ، مردی به نام محمد احمد در سودان پیدا شد و ادّعی مهدویت کرد و قبیله بقاره وابسته به قبیله جهینه در سال 1300 با این پندار که او مهدی است از وی پیروی کردند . تعایشی ، یکی از

سران

قبیله بقاره بعد از احمد جانشین او شد .

حال اگر مردم ، روایت پیامبر را بدرستی نفهمند یا آنرا به شکل نامناسب تطبیق دهند و در پی آن خطائی رخ دهد هرگز نباید در صحت روایت تردید نمود یا حدیث مذکور را انکار کرد ، چرا که نبوت پیامبر هم حقیقت و واقعیتی بود بی تردید ، اما افرادی به دروغ و افتراء ادعی نبوت کرده و جماعت بسیاری از

مردم

را به ورطه گمراهی کشاندند . مانند طایفه قادیانیه که امروز چنین ادعایی دارند .

همچنین است پرستش خدا که مانند آفتاب موضوعی روشن است اما عده ای معتقد بودند که خداوند در وجود رهبران شان حلول کرده ، مانند فرقه بهائیت در

صفحه : ۳۸۷

زمان ما ، پس شایسته نیست آدمی حق را به خاطر اندیشه های باطلی که به آن

افزوده اند انکار کند " . (۱)

شیخ ناصر البانی

البانی در گفتاری تحت عنوان " پیرامون مهدی " در مجله تمدن اسلامی ،

می گوید : " باید توجه داشت که درباره ظهور مهدی موعود روایات فراوان و صحیحی وجود دارد که بسیاری از آنها دارای اسناد صحیح است . و من در اینجا نمونه هایی از آنها را می آورم و سپس به پاسخ شبهه خرده گیران و منتقدان می پردازم " آنگاه البانی با بیان نمونه هایی از احادیث مذکور و دیدگاه علما درباره متواتر بودن آنها پرداخته و می گوید :

" براستی (افرادی مانند) رشید رضا و دیگران (که در روایات مهدی آخر زمان تردید دارند) در مورد تک تک روایات مهدی تحقیق و بررسی نکرده و تلاش لازم به کار نبرده اند و گرنه در می یافتند که برخی از این روایات ، حجت را بر ما تمام می کنند و قابل اعتماد و استنادند ، حتی در امور غیب که بعضی تصور می کنند جز با روایت متواتر قابل اثبات نیست می توان از این روایت ها استفاده کرد . آقای رشید

رضا مدعی است که چون در میان راویان احادیث حضرت مهدی افرادی از شیعیان دیده می شود . بنابراین احادیث مذکور فاقد اعتبارند . در پاسخ باید گفت که اولاً :

این موضوع درست نیست و ثانیاً در میان راویان احادیث چهارگانه ای که ذکر کردم

شخصی که معروف به تشیع باشد دیده نمی شود ، اگر این ادعای رشید رضا صحیح

هم بود خدشه ای به صحت احادیث وارد نمی ساخت ، زیرا معیار صحت روایت ، صداقت و دقت راوی است و همانگونه که در علم حدیث بیان شده ، اختلاف

پاورقی -----

صفحه : ٣٨٨

مذهب راوی در حدیث نقشی ندارد ، از این رو " مسلم و بخاری " (١) در کتاب های

خود از بسیاری شیعیان و دیگر فرقه های مخالف ، روایاتی نقل نموده و حتی به اینگونه روایات ، استدلال کرده اند .

آقای رشید رضا دلیل دیگر تردید خود را وجود تعارض در محتوای روایات مهدی بیان کرده اما این دلیل نیز مردود است ، زیرا تعارض دو روایت در شرایطی درست است که هر دو حدیث از نظر سند با هم برابر باشند اما تعارض بین روایت قوی و ضعیف را هیچ خردمند منصفی جایز نمی داند ، و تعارض مورد نظر ایشان از همین قبیل است .

کوتاه سخن اینکه ، عقیده به ظهور مهدی عقیده ای است ثابت که بطور متواتر از پیامبر (صلی الله علیه وآله) بدست ما رسیده و از امور غیبی است که ایمان به آن واجب و اعتقاد به

آن از صفات متقین شمرده می شود ، چنانکه خداوند در قرآن می فرماید :
" الم ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین ، الذین یؤمنون بالغیب " (٢) (یعنی : آن کتاب که شک

در آن نیست ، مایه هدایت پرهیزکاران است کسانی که به غیبت ایمان می آورند .

(

انکار این موضوع جز از جاهل و یا لجوج سر نمی زند . از خداوند مسألت دارم ما را با ایمان به آن وبه تمام آنچه به درستی در کتاب و سنت آمده ، بمیراند " (۳)

عدوی مصری

عدوی در کتاب " مشارق الأنوار " می گوید : " در برخی روایات آمده که هنگام

پاورقی -----

1 ((مسلم و بخاری هر دو از مؤلفان معروف و معتبر اهل سنتند و کتاب های آنها به کتاب صحیح

مسلم و صحیح بخاری شهرت دارد . مترجم

2 ((بقره / ۱ - ۳ .

3 ((الامام المهدي عند أهل السنة : ۲ / ۲۸۸ - ۳۹۱ .

صفحه : ۳۸۹

ظهور او (مهدی) فرشته ای بالای سرش ندا کند که : " این مهدی خلیفه خداست ، از

او پیروی کنید ، پس مردم به او روی آورند و عشق و محبت وی در دلها جایگزین شود ، وی بر شرق و غرب زمین فرمانروائی کند و کسانی که نخستین بار بین رکن و

مقام (کنار کعبه) با او بیعت کنند به تعداد اهل بدر باشند ، پس از آن مؤمنین واقعی

شام و افراد شایسته ای از مصر و گروه هایی از مشرق زمین نزد او آیند . و خداوند

برای یاری او سپاهی بادرش های سیاه از خراسان برانگیزد ، سپس به شام و در

روایتی

به کوفه روی آورند که جمع بین هر دو روایت ممکن است و خداوند او را با سه

هزار

فرشته یاری فرماید و اصحاب کهف از یاران آن حضرت باشند ، استاد سیوطی

می گوید : " راز تأخیر اصحاب کهف تا این زمان بدین جهت است که خداوند این

عزت و شرف را به آنان عطا فرماید که در این امت داخل شده و خلیفه خدا را

یاری

نمایند ، طلایه دار سپاه مهدی جبرئیل و در انتهای آن میکائیل قرار دارد " (۱)

سعد الدین تفتازانی

تفتازانی در کتاب " شرح المقاصد " می نویسد : " خروج مهدی و فرود آمدن

عیسی از موضوعاتی است که به مبحث امامت مربوط است و هر دو از نشانه های

قیامت است " . سپس می گوید :

" . . . از ابو سعید خدری نقل شده که : پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود "

بر این امت بلا و مصیبتی برسد که از ظلم و

بیداد ، کسی ملجأ و پناهگاهی نیابد ، آنگاه خداوند مردی از خاندان مرا برانگیزد تا

زمین را پر از عدل و داد

سازد همانگونه که از ظلم و جور آکنده گردد " علماء بر آنند که او پیشوایی عادل

از فرزندان

فاطمه است که خداوند هر وقت اراده کند او را خواهد آفرید و برای یاری دین

خود

بر خواهد انگیخت و شیعه معتقد است که او محمد بن حسن عسگری است که از

پاورقی -----

1 () الامام المهدي عند أهل السنة : ۲ / ۶۲ .

صفحه : ۳۹۰

بیم دشمنان ، پنهان شده و طول عمر او امری محال و غیر ممکن نیست همچون
نوح ، لقمان و خضر . ولی سایر فرقه ها این مطلب را انکار کرده و آنرا امری بسیار
بعید شمرده اند زیرا چنین عمرهای طولانی بدون دلیل و قرینه در این امت
بی سابقه است . (۱)

قرمانی دمشقی

او در کتاب خود " اخبار الدول وآثار الأول " می گوید : " دانشمندان بر این عقیده
اتفاق دارند که مهدی همان قائم آخر الزمان است و روایات فراوانی ظهور او را
تأیید

و پرتو افشانی او را گواهی می دهند . ظلمت و تاریکی روزگاران با ظهور او به
روشنائی بدل خواهد شد و با جلوه جمال او ، ظلمت شب های تاریک خود را به
صبح راستین خواهد داد و نور پرتو عدالتش سراسر جهان را همچون ماه ، تابناک
خواهد نمود " (۲)

محمی الدین بن عربی

محمی الدین در کتاب " الفتوحات المکیه " چنین می گوید : " آگاه باش ، خداوند

ما را با خلیفه ای از طرف خویش یاری کرده که ظهور خواهد کرد در حالیکه
زمین

مملو از ظلم و بیداد شود و او از عدل و داد سرشار سازد و اگر از عمر جهان تنها
یک

روز مانده باشد خدای سبحان آنروز را به حدی طولانی نماید تا آن خلیفه خدا که از
خاندان رسول الله (صلی الله علیه وآله) و از فرزندان فاطمه و همنام با پیامبر (صلی
الله علیه وآله) است ظهور کند .

" . . . او در کارزار بزرگی که مهمانی خداست ، در مرج عکا حاضر شود ، ستم
و

پاورقی -----

- 1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۲۱۴ .
- 2 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۴۶۳ .

صفحه : ۳۹۱

ستم پیشگان را نابود و دین را بر پا و جان تازه در کالبد اسلام بدمد ، اسلام بعد از
خواری ، بدست او عزیز و ارجمند گردد و پس از انزوا دوباره زنده شود ، مالیات و
جزیه را بردارد (دشمنان را) با شمشیر ، دعوت به خدا نماید ، هر کس نپذیرد
کشته

شود و هر که با او در افتد خوار و بیچاره گردد ، در احکام و مسائل دین بگونه ای

عمل کند که اگر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) بود همان گونه عمل می کرد ،
مذاهب باطل را از

روی زمین براندازد و جز دین پاک و ناب ، آئینی باقی نماند .

دشمنان او پیروان فقیهان صاحب اجتهادند (یعنی فقهاء چهارگانه اهل سنت)
و چون حکم او را بر خلاف احکام پیشوایان خود می بینند به ناچار از ترس شمشیر
و هیبت او و یا از شوق مزایایی که در اختیار دارد ، تحت فرمان وی در می آیند .
عامه مسلمانان بیش از خواص ، به وجود او شاد گردند و عارفان اهل حقیقت که
به سبب معرفت الهی به کشف و شهود حقائق نائل شده اند با وی بیعت کنند .

او از پشتیبانی مردانی الهی برخوردار است که دولت وی را برپا داشته و او را
یاری کنند ، آنان وزیران و معاونان او محسوب می شوند که بار مسئولیت سنگین
مملکت را به دوش کشیده و او را در مأموریت الهی اش همراهی کنند .

... شهدای راه او بهترین شهیدان و امانت داران او برترین امانت دارانند . همانا
خداوند گروهی را که در پس پرده غیب خود ذخیره ساخته به یاری او برگزیند و

آنها

را از طریق کشف و شهود بر حقایق عالم و بر آنچه فرمان خدا بر بندگان است آگاه
سازد . مهدی با مشورت آنان امور را فیصله دهد و آنها عارفان واقعی اند و از آنچه
در

عالم غیب و معنا وجود دارد ، آگاهند "

اما خود او صاحب شمشیر حق و سیاستی مدنی است . آگاهی و علم او از
جانب خداوند به اندازه شأن و منزلت او است ، زیرا وی خلیفه ای راستین و به حق
است ، زبان حیوانات را می داند و عدالتش بر جن و انس جاری گردد ، وزیران او

اهل سرّ خدایند و آنان را مصداق این آیه قرآن قرار داده که می فرماید : " یاری مؤمنان بر ما فرض است " آنان ، هم ردیف بزرگان صحابه پیامبرند که بر سر پیمان خویش با خدا باقی ماندند ، جملگی عجم اند و در میانشان عربی وجود ندارد ولی جز به زبان عربی سخن نمی گویند ، نگهبانانی دارند ولی نه از جنس خودشان ، او هرگز نافرمانی خدا را نکرده و وزیر مخصوص و برترین امانتدار خداوند است . (۱)

شریف برزنگی

شریف در کتاب خود " الاشاعۃ فی اشرط الساعۃ " می گوید : " بدان که روایات مربوط به مهدی با وجود اختلاف آن منحصر و محدود نیست . محمد بن حسن دستوری در کتاب " مناقب شافعی " می گوید : روایاتی که از رسول الله دربارہ مهدی

آمده و او را از خاندان آن حضرت دانسته ، در حد تواتر است (۲) . . . از ابن سیرین

نقل شده که مهدی از ابوبکر و عمر افضل است . سؤال شد : آیا از ابوبکر و عمر افضل است ؟ ! پاسخ داد : چه بسا از بعضی پیامبران نیز برتر باشد . و از او روایت شده که گفت : ابوبکر و عمر بر او فضیلت ندارند . سیوطی در کتاب " العرف الوردی

فی أخبار المهدی " می گوید : سند برتری مهدی سندی صحیح و حدیث دوم از حدیث اول قابل تحمل تر است .

سپس می افزاید : به نظر من ، باید عبارتهای این حدیث را توجیه کنیم چرا که بر

اساس روایتی که می گوید " اجر و پاداش یاران مهدی به اندازه پاداش پنجاه نفر از شماس " ، روشن می گردد که فتنه ها و مشکلات زمان مهدی شرایط بسیار دشواری را ایجاد خواهد کرد .

----- پاورقی

1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۱۰۶ - ۱۰۷ .

2 () معنی تواتر در حدیث قبلا گفته شد .

صفحه : ۳۹۳

به عقیده من (شریف برزنگی) ، حق این است که جهات برتری و فضیلت ، متفاوت است و روا نیست فردی را بر فرد دیگر بطور کلی ، ترجیح دهیم مگر آنکه پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را برتری داده باشد . زیرا ممکن است در فرد پائین تر امتیازی وجود

داشته باشد که در شخص برتر نباشد .

در فتوحات مکیه از شیخ محی الدین عربی نقل شده که آن حضرت در صدور احکام و دستورات خود معصوم است و به سنت و سیره پیامبر (صلی الله علیه وآله) عمل کرده و

هرگز خطا نمی کند ، بی تردید این خصلت در ابوبکر و عمر وجود نداشته است .

ویژگیهای نه گانه ای که درباره او بیان شده در وجود هیچ یک از پیشوایان دینی

گذشته وجود نداشته ، با توجه به این جهات می توان او را از ابوبکر و عمر برتر

دانست هر چند آنها از امتیاز مجالست با رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و مشاهده وحی و سابقه در

ایمان و امثال آن برخوردار بوده اند . والله العالم .

شیخ علی قاری در کتاب " المشرب الوردی فی مذهب المهدی " می گوید : از جمله چیزهایی که می تواند دلیل برتری حضرت مهدی (علیه السلام) باشد این است که

شخص پیامبر (صلی الله علیه وآله) او را " خلیفه خدا " نامیده ولی به ابوبکر جز " خلیفه رسول خدا "

گفته نشده است " (۱)

* *

اکنون روشن می گردد که اعتقاد به امام زمان (عج) یعنی اعتقاد به کسی که دین پاک خدا را بر جهانیان غالب و زمین را از عدل و داد سرشار خواهد نمود ،

اعتقادی

اسلامی و پذیرفته شده از سوی تمام گروه های اعتقادی است ، چرا که ظهور او ، بشارت قطعی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و عهد بی تردید پروردگار عالمیان است و اختلاف بر

پاورقی -----

1 () الامام المهدی عند أهل السنة : ۱ / ۴۸۰ - ۵۰۶ .

سر تولد یا عدم تولد او هیچ تأثیری در اساس این اعتقاد ایجاد نمی کند . پس بر تمام

مسلمانان فرض است که با همه وجود ، دل و دیده خود را به راه پر نور آن رهبر موعود آسمانی بسپارند . رهبری که بزودی از کنار خانه کعبه ، جهانیان را ندا خواهد

داد و از آنجا رهسپار مدینه الرسول و عراق و شام و قدس و سپس متوجه جای جای عالم خواهد شد . خداوندا ، ظهورش را نزدیک فرما و ما را از یاران و همراهانش

قرار ده . آمین

* *

صفحه : ۳۹۵

فهرست

مقدمه مترجم ۵

مقدمه ۹

سیمای کلی دوران ظهور ۱۵

فتنه شرق و غرب علیه مسلمانان ۳۳

نقش رومی ها در دوران ظهور ۴۵

نقش ترک ها در دوران ظهور ۵۵

نقش یهودیان در دوران ظهور ۶۱

وعده الهی بر نابودی یهود ۶۱

وعده خداوند به تسلط دائم بر یهود ۶۷

وعدۀ خدا بر فرونشاندن آتش جنگ یهود . . . ۶۹

نگاهی به تاریخ یهود . . . ۷۶

دوران حضرت موسی و یوشع (علیهما السلام) . . . ۷۷

دوره داوران و سلطه فرمانروایان محلی . . . ۷۸

صفحه : ۳۹۶

دوره داوود و سلیمان (علیهما السلام) . . . ۸۰

دوران تجزیه و کشمکش داخلی . . . ۸۲

دوره استیلای آشوریان . . . ۸۵

دوران استیلای بابلیان . . . ۸۶

دوران استیلای ایرانیان . . . ۸۷

دوران استیلای یونانی ها . . . ۸۸

دوره استیلای رومیان . . . ۹۰

نقش عرب ها در دوران ظهور . . . ۹۵

سرزمین شام و جنبش سفیانی . . . ۱۰۱

حوادث شام پیش از خروج سفیانی . . . ۱۰۲

فتنه سرزمین شام . . . ۱۰۳

زمین لرزه ای در شهرهای شام . . . ۱۰۵

کشمکش بر سر قدرت بین اصعب و ابقع . . . ۱۰۵

جنبش سفیانی . . . ۱۰۸

اسم و نسب سفیانی . . . ۱۰۸

مواضع سفیانی در برابر اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان . . . ۱۱۰

خط و مشی سیاسی و فرهنگ سفیانی . . . ۱۱۲

تلاش سفیانی برای مذهبی جلوه دادن جنبش خود . . . ۱۱۴

مراحل گوناگون جنبش سفیانی . . . ۱۱۵

آغاز جنبش سفیانی . . . ۱۱۹

نبرد قرقیسیا . . . ۱۲۲

صفحه : ۳۹۷

ورود سپاه سفیانی به عراق . . . ۱۲۶

سپاه سفیانی در راه حجاز (سپاهی که در زمین فرو می رود) . . . ۱۳۳

آغاز عقب نشینی سفیانی . . . ۱۴۰

نبرد اهواز . . . ۱۴۱

سفیانی در نبرد فتح قدس . . . ۱۴۴

ملاحظه . . . ۱۴۸

نقش یمن در دوران ظهور . . . ۱۴۹

یمنی ها در عراق . . . ۱۵۲

حوادث مصر در دوران ظهور . . . ۱۵۷

نقش عراق در دوران ظهور . . . ۱۶۵

مرحله اول و دوم . . . ۱۶۶

حسینی ، شیصبانی و عوف سلمی . . . ۱۷۵

مرحله سوم : لشکرکشی سفیانی و تخریب بصره . . . ۱۷۸

- مرحله چهارم : فتح عراق به دست امام زمان (عج) . . . ۱۸۶
- جنگ جهانی در دوران ظهور . . . ۱۹۷
- ایرانیان در دوران ظهور . . . ۲۰۳
- ستایش ایرانیان در احادیث سنی ها . . . ۲۰۵
- ایرانیان و زمینه سازی ظهور . . . ۲۰۷
- روایت آغاز حکومت مهدی (علیه السلام) از ایران . . . ۲۱۰
- روایت حمایت از امت محمد (صلی الله علیه وآله) ، توسط مردی از اهلیت . . .

۲۱۱

احادیث قم و مرد موعود آن . . . ۲۱۴

صفحه : ۳۹۸

- ویژگی های ممتاز قم در احادیث . . . ۲۱۵
- روایت اهل مشرق و پرچمهای سیاه . . . ۲۲۰
- روایت پرچمهای سیاه از خراسان تا قدس . . . ۲۲۷
- روایت گنجهای طالقان . . . ۲۳۲
- ظهور خراسانی و شعیب در ایران . . . ۲۳۴
- آغاز نهضت ظهور مقدس . . . ۲۴۱
- بحران حکومت در حجاز . . . ۲۵۸
- خروج امام (علیه السلام) با بیم و امید از مدینه . . . ۲۶۵
- اجتماع یاران حضرت (علیه السلام) . . . ۲۷۱
- یک حرکت آزمایشی و شهادت نفس زکیه . . . ۲۷۹

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا . . . ۲۸۵

آزاد سازی مدینه منوره و حجاز . . . ۲۹۶

حرکت حضرت مهدی (علیه السلام) بسوی ایران و عراق . . . ۳۰۰

پیشروی به سوی قدس . . . ۳۰۷

نبرد امام (علیه السلام) با یهود . . . ۳۰۹

فرود مسیح (علیه السلام) از آسمان . . . ۳۱۷

پیمان صلح بین امام (علیه السلام) و غربی ها . . . ۳۲۰

گرایش غربی ها به اسلام . . . ۳۲۵

سیمای حکومت جهانی امام مهدی (علیه السلام) . . . ۳۲۷

پاکسازی کره زمین از ستم و ستمکاران . . . ۳۲۸

احیاء دوباره اسلام و جهان شمولی آن . . . ۳۳۲

صفحه : ۳۹۹

ابزار هدایت مردم توسط امام زمان (عج) . . . ۳۳۶

دگرگونی زندگی مادی و ایجاد رفاه بدست حضرت . . . ۳۳۷

استخراج و تقسیم گنج های زمین بین مردم . . . ۳۳۸

فراوانی نعمت و آبادی زمین . . . ۳۳۸

دگرگونی علوم طبیعی و وسائل زندگی . . . ۳۴۱

حکومتی گسترده تر از حکومت سلیمان و ذوالقرنین . . . ۳۴۴

راه یافتن امام زمان (علیه السلام) به سرزمین های هفتگانه . . . ۳۴۵

راه یافتن به جهان آخرت و بهشت . . . ۳۴۷

- حضرت مهدی (علیه السلام) از نگاه شیعه . . . ۳۵۱
- مقام حضرت مهدی (علیه السلام) در پیشگاه پروردگار . . . ۳۵۸
- دیدگاه امامان (علیهم السلام) درباره حضرت مهدی (علیه السلام) . . . ۳۵۹
- امام زمان (عج) در دعاها و زیارت ها . . . ۳۶۳
- حضرت مهدی (علیه السلام) از نگاه سنی ها . . . ۳۶۹
- ابن قیّم جوزی دمشقی . . . ۳۷۷
- ابن حجر هیثمی . . . ۳۷۸
- ابن کثیر . . . ۳۷۹
- جلال الدین سیوطی . . . ۳۸۰
- ابن أبی الحدید معتزلی . . . ۳۸۱
- مناوی صاحب کتاب فیض القدیر . . . ۳۸۳
- خیر الدین آلوسی . . . ۳۸۴
- شیخ محمد خضر حسین مفتی اعظم الأزهر . . . ۳۸۴

صفحه : ۴۰۰

- شیخ ناصر البانی . . . ۳۸۷
- عدوی مصری . . . ۳۸۸
- سعد الدین تفتازانی . . . ۳۸۹
- قرمانی دمشقی . . . ۳۹۰
- محمّد الدین بن عربی . . . ۳۹۰
- شریف برزنگی . . . ۳۹۲

جمع آوری شدہ توسط : محمد احسان عبداللہی
Beheshtian.mihanblog.com



www.faraghlit.com